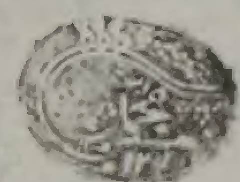


صداق ... کتاب ... دارد

منال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد ...



باسمه تعالی

شماره ثبت: ۱۲۵۸۴

رده‌بندی دیویی: ۱۳۴۴ د ۷۷۳ ق ۲۹۷/۷۷۲ مرجع ☐

سرشناسه: قمی، عباس، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹.

عنوان قراردادی:

عنوان: دستور العمل به ضمیمه اللئالی المنثورة والغودات والاذکار الماثورة

شرح پدیدآور:

کاتب: علی اکبر بن موسی خراسانی نوقانی تاریخ کتابت:

محل نشر: [تهران] ناشر: مطبعه علمیه تاریخ نشر: ۱۳۴۴ ق

صفحه شمار: ۱۴۶، ۹۱، ۳ ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۲۱x۱۵ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☑ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐

واقف: کربلائی محمد کفشدار تاریخ ثبت: شهریور ۱۳۴۸

یادداشتها: ۱. در انتهای کتاب فهرست مطالب آمده است ۲.

شرح ضمائم: اللئالی المنثورة و الغودات و الاذکار الماثورة ...

موضوع(ها): ۱. دعاها ۲. اعمال السنه ۳. زیارتنامه‌ها ۴. ذکر ۵. نماز ۶. قرآن - برگزیده‌ها - ترجمه‌ها

شناسه(های) افزوده: الف. خراسانی نوقانی، علی اکبر، کاتب ب. کفشدار، محمد، واقف. ج. عنوان.

فهرستگار: اسدزاده تاریخ فهرستگاری: مرداد ۸۸



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
ای سیّد عالم قسم بقران ناطق بحکمت بدرستیکه تو بی شك والبتّه از پیغمبرانی
عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ لِتُنْذِرَ
بوراه هدایت اسلام کهٔ راستست فرستاده از خدای غالب مهربان تا بیم کنی
قَوْمًا مَا اُنْذِرَ اٰبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ
از عذاب خدا قومیرا که بیم کرده نشده بودند پدران ایشان پس ایشان بیخبرانند بدرستیکه
الْقَوْلُ عَلٰى اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ اِنَّا جَعَلْنَا
راست شد گفتار ما بعذاب بر بیشتر ایشان پس ایشان ایمان نمیآورند بدرستیکه
فِي اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهِيَ اِلَى الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ
ما کردیم در گردنهای ایشان بندها پس ان بندها پیوسته شده بزنخهای ایشان پس ایشان
وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
سر بهوا کننده گانند و کردانیدیم ما در پیش روی ایشان پرده و سدی و از عقب ایشان پرده
فَاَغْشَيْنَاهُمْ

فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
پس پوشانیدیم چشمهای ایشانرا پس ایشان نمی بینند و یکسانست پیش ایشان اینکه بیم کنی
ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ اِنَّمَا
ایشانرا یا بیم نکنی ایشانرا ایمان نمیاورند
تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ
جز این نیست که بیم کرده میشود کسیکه متابعت کند قران را و بترسد از خدا بانچه پوشیده از او
فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَاَجْرٍ كَرِيمٍ اِنَّا نَحْنُ نُحْيِ الْمَوْتٰى وَ
اورا مو اخرت پس مژده ده او را بامرزش و مزد گرامی در اخرت بدرستیکه ما زنده میکنیم مردگانرا
نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَاٰثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْنَاهُ
در قیامت و می نویسیم انچه از پیش فرستاده اند و می نویسیم اثرهای ایشان و همه چیز را
فِي اِمَامٍ مُبِينٍ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا اَصْحَابَ الْقَرْيَةِ
از نیك و بد شمردیم در دفتری که پیشوا و روشن است و بیان کن ای محمد اهل مکه را مثلی یاران
اِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ اِذْ اَرْسَلْنَا اِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ
یاران شهر انطاکیه وقتیکه امدند بان ده پیغمبران چون فرستادیم بسوی ایشان
فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا اِنَّا اِلَيْكُمْ
دو کس را پس تکذیب کردند ایشانرا پس ما غالب کردیم ایشانرا بفرستاده سیم پس گفتند
مُرْسَلُونَ قَالُوا مَا اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَ
بدرستیکه ما بسوی شما فرستاده شده گانیم گفتند ایشان نیستید شما مگر ادمی مانند ما
مَا اَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ مِنْ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَكْذِبُونَ
و نفرستاده خدای هیچ چیز از وحی و رسالت نیستید شما مگر دروغگویان گفتند
قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ اِنَّا اِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ وَ
پیغمبران پروردگار ما میداند که بتحقیق که ما بسوی شما هر اینه فرستاده شده گانیم و

مَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ

نیست بر ما مگر تبلیغ ظاهر گفتند ایشان بدرستیکه ما فال بد گرفتیم

لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ

بامدن شما اگر باز نایستید از دعوی خود هر اینه شما را سنگسار کنیم و البته برسد مر شما را

أَلِيمٌ قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنتُمْ

از ما عذاب دردناک گفتند رسولان فال بد یعنی لحظ شما باشما است آیا پند داده میشوید

قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ

بلکه شما قومی هستید اسراف کنندگان و آمد در اینحال از دورترین جای از شهر

يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَن

مردیکه یعنی حبیب نجار که سرعت میکرد گفت ای قوم من متابعت کنید پیغمبران را پیروی کنید

لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ وَمَا لِيَ

کسانیرا که نمیخواهند از شما مزدی و ایشان راه یافتند کانند و چیست مرا

لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

که نپرستم آنکسی را که آفریده مرا و بسوی حکم و جزای او بر گردانیده میشوید

أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ

آیا فرا گیرم بجز از خدا خدایان دیگر را اگر اراده کند خدا با من رسانیدن ضرری

لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنقِذُونِ

کفایت نمیکند از من درخواست ایشان چیزیرا و نه خلاص کنند مرا از ضرر

إِنِّي إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ إِنِّي آمَنتُ بِرَبِّكُمْ

بدرستیکه من در این هنگام هر اینه در گمراهی ظاهر باشم بدرستیکه من ایمان آوردم

فَاسْمَعُونِ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ

به پروردگار شما بشنوید ایمان مرا گفتند مر او را داخل شو بهشت را بعد از آنکه

قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ

قوم او را کشتند گفت کاشکی قوم من میدانستند باینچه آمرزیده مرا پروردگار من

الْمُكْرَمِينَ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ

و گردانیده مرا بسبب این از بزرگواران اهل بهشت و نفرستادیم ما بر قوم حبیب نجار

مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ

از بعد قتل حبیب هیچ لشکری از آسمان برای هلاک ایشان و نیستیم فرستنده

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ

لشکری نبود عقوبت ایشان مگر فریاد کردن واحد که فریاد جبرئیل بود پس

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا

ناگاه ایشان فرو مردگان بودند ای تاسف و پشیمانی بر بندگان مشرک که نیامد

كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا

ایشانرا هیچ پیغمبری مگر آنکه بودند که با او استهزاء میکردند آیا ندانستند اهل مکه

قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

که بسیاری هلاک کردانیدیم ما پیش از ایشان از اهل دهرها آنکه ایشان یعنی هلاک

وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ وَآيَةٌ لَّهُمُ

شدگان بسوی ایشان باز نمیکردند و نیست همه ایشان مگر فراهم شدگان و علامتی

الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا

بر قدرت ما برایشان زمین مرده یعنی خشک شده که زنده کردانیدیم آنرا و بیرون

حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن

آوردیم از زمین دانه پس از آن دانه میخورند و آفریدیم ما در آن زمین بوستانها از انواع

نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ

درختان خرما و اصناف انگور و روان کردیم ما در زمین آبرا از چشمها تا آب تا بخورند

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

از میوه وهر نوع از آن و تا بخورند از انچه کرده است دستهای ایشان آیا پس شکر نمیکنند

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ

منزه است از جمیع نقص انکس که افرید انواع اشباه همه آن از انچه میرویاند

الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ وَ

زمین بقدرت او سبحانه و از نفسهای خود مان و از انچه نمیدانند و علامتی

آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ

دیگر مر ایشانرا بر قدرت ما شب است که چون پوست میکنیم روز را از آن شب

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

پس ناگاه ایشان داخلند در تاریکی و دلیلی دیگر بر قدرت ما افتاب است که میرود از برای قرار

الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ

گاهی که او راست این رفتن شمس مقرر و مقدر کردن خداوند غالب است دانا و ماه را

الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا

تقدیر کردیم در منزلها تا وقتیکه گردید در اخر منازل خود مانند چوب خوشه خرما

اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَآيَةٌ

کهنه در تاریکی نه افتاب را سزد انکه دریابد ماه را و نه شب را که پیشی گیرد بر روز و همه شمس

لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا

قمر و نجوم در فلک خود شناه میکنند چون ماهی در اب و نشانه دیگر مر ایشانرا انست که ما

لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا

برداشتیم ما اباء و اجداد ایشانرا در کشتی نوح که پر بود از مردم و افریدیم ما برای

صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا

ایشان از مثل کشتی نوح انچه سوار میکنند بر آن و اگر خواهیم ما غرق سازیم کشتی

إِلَىٰ حِينٍ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ

ایشانرا پس هیچ فریادرسی نباشد ایشانرا و نه ایشان رهانیده شوند از هلاک و غرق مگر

وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ

رحم کنیم و بخشیم برخوردار گردانیم ایشانرا تا زمان مرگ و چون گفته شود ایشانرا بترسید

مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

از انچه پیش از شما بوده اند از عذاب امم گذشته و انچه در عقب شماست از عذاب اخرت تا

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ

شاید بر شما رحم کند ایشان اعراض کنند از آن و نیامد ایشانرا هیچ نشانه از نشانهای پروردگار

الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ

ایشان که قرآنست و معجزات مگر که بودند از آن اعراض کنندگان و هرگاه گفته شود

اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَيَقُولُونَ

مر ایشانرا انفاق کنید درویشانرا از انچه روزی کرده شما را خدا گفتند انانکه کافر شدند

مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ

مر انانرا که ایمان اورده اند ایا طعام دهیم انکس را که اگر خواهد خدا طعام دهد او را

إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ

نیستید شما مگر در گمراهی هویدا و میگفتند کی خواهد بود این وعده که قیامت

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ

است اگر هستید شما راستگویان انتظار نمیکشند منکران حشر مگر فریاد صور

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ

اسرافیل که بگیرد ایشانرا و حال انکه مجادله کنند در معامله پس نتوانند نمود این

يَنْسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا

حال وصیت کردن و نه استطاعت داشته باشند که بسوی اهل خود باز گردند و دمیده شود

هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

در صور یعنی مرتبه دوم پس ناگاه ایشان از قبرها بسوی پروردگار خود میشتابند

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا

گویند از روی حسرت وای بر ما که برانگیخت ما را از خوابگاه ما این است انچه وعده کرده

مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ

بود خدا از حشر و راست گفتند پیغمبران نیست این واقعه مگر یک فریاد که نفخه اخرین

إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ

است پس ناگاه ایشان همه نزد ما حاضر کرده شوند پس امروز ستم کرده نشود هیچ نفسی چیزی را

فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى

و جزا داده نشوید مگر آنچه را که بوده اید میکردید از خیر و شر بدرستیکه یاران بهشت

الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ

امروز در شغل و کاری باشند شادان و ایشان و زنان ایشان در

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا

سایه‌ها باشند بر تختهای آراسته تکیه زدگانند مر ایشان راست آنچه خواهند مر ایشان را

الْمُجْرِمُونَ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا

راست سلام گفتنی از پروردگار مهربان و خطاب رسد که جدا گردید امروز ای گناهکاران

الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَٰذَا

کافران آیا عهد نکردیم بسوی شما ای فرزندان آدم اینکه نپرستید شیطان را بدرستیکه شیطان

صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ

مر شما را دشمنی است ظاهر و نه عهد کردیم که بپرستید مرا این عبادت من راهی است راست

تَكُونُوا تَعْقِلُونَ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ

و بدرستیکه شیطان گمراه کرد از شما خلق کثیر را آیا پس نبود بد شما که تعقل کنید این دوزخی

اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ الْيَوْمَ نَخْتِمُ

که می بینید دوزخی است که بوده اید شما ترسیده میشدید بدرآئید امروز در دوزخ

عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم

بسبب آنچه بوده اید کافر میشدید امروز مهر میکنیم بر دهنهای ایشان و سخن گویند با ما

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ

دستهای ایشان و گواهی میدهند پاهای ایشان بسبب آنچه بودند که کسب میکردند

فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ وَلَوْ نَشَاءُ

و اگر خواهیم در دنیا هر آینه نابدید کنیم بر چشمهای ایشان پس سبقت کنند

لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا

در راهی که عادت کرده اند پس چگونه می بینند آنرا و اگر خواهیم در دنیا هر

يَرْجِعُونَ وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا

اینه مسخ کنیم ایشانرا بر همان جای خود که نشسته اند پس نتوانند و قادر نباشند پیش

تَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ إِنْ

رفتن از موضع خود را و باز پس نگردند و هر کرا عمر میدهیم ما او را برگردانیم

هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا

او را در آفرینش آیا پس در نمی یابید آنرا و سزاوار و تعلیم نکردیم ما محمد را شاعری

وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا

و سزاوار نیست او را شعر گفتن نیست این قرآن مگر یاد کردن و موعظه و کتابی روشن

لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ

تا بیم کند محمد هر کرا باشد زنده یعنی مؤمن و ثابت شود کلمه عذاب بر کافران

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ

آیا نمی بینند آنرا که آفریده ایم ما برای منافع ایشان از آنچه کرده دستهای ما چهارپایان

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ وَ

را پس ایشان آنرا بتصرف خود دارنده کانند و رام کردانیدیم انعام را برای ایشان

اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ لَا

پس بعضی از آن سواری ایشان و بعضی از آنرا میخورند و مر ایشان راست در چهار

يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ

پایان نفعها و آشامیدنیها آیا پس شکر نمیکنند و فرا گرفتند بجز از خدا خدایان دیگر

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

تا شاید ایشان یاری کرده شوند نمیتوانند این خدایان یاری دادن ایشان و آن بت پرستان

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ

را لشکرند حاضر شده پس باید غمگین نسازد ترا گفتن ایشان از شرک و کفر بدرستیکه

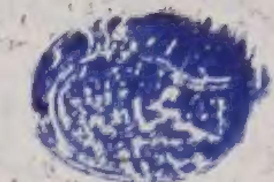
خَصِيمٌ مُبِينٌ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ
ما میدانیم آنچه پنهان میکنید و آنچه آشکار میکنید آیا ندید آدمی و ندانست آنکه ما
مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي
آفریدیم او را از آب منی پس آنگاه او در باب بعث جدال کننده ظاهر است و بزد برای
أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ الَّذِي جَعَلَ
ما مثلی که آن خرد کردن استخوان بود و فراموش کرد آفریدن خود را گفت کی زنده
لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ
میکند استخوانها را و حال آنکه او پوسیده باشد بگو یا محمد زنده کند استخوانها
أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى
را آنکس که آفرید او را اول مرتبه و او بآفریدن همه چیز داناست آنخدائیکه آفرید
أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ إِنَّمَا
برای شما از درخت سبز پس آنگاه شما میافروزید آتش را از آن درخت سبز
أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
آیا نیست آنکس که آفرید آسمانها و زمین را بر آنکه بیافریند مانند ایشان آری
فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
میتواند کرد و اوست آفریننده دانا جز این نیست که هرگاه خواهد چیزی را آنست
تُرْجَعُونَ
که گوید مر او را بباش پس میباشد پس منزه و پاک است آنکسی که بدست اوست
پادشاهی همه چیزها و بسوی او سبحانه بازگردیده خواهید شد

وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا
وَعَدْلًا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا ونبينا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين وبعد این مجموعه شریفه مشتمل بر مجملی از دستور العمل ایام سنه که بر نهج مرغوب وجودة اسلوب از اخبار و آثار ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین جمع و تألیف شده و بنحو اختصار جامع اجمالی از تواریخ موالید و وفیات ائمه اطهار و ایام متعلقه و بعضی از وقایع ایشان است و این نسخه مبارکه از رشحات قلم و نتایج افکار حضرت مستطاب عماد الأعلام ثقة الاسلام العالم العامل الورع الخبیر والمحدث الکامل النقاد البصیر محیی السنة ومروج الشریعة الحاج شیخ عباس القمی متعنا الله ببقائه بملاحظه اشتمال بر اجمال اعمال سنه مسمی بدستور العمل گردید وچون فوائد و عوائد آن راجع بعموم طبقات مؤمنین وخصوص اهل علم وفضل بود لهذا جناب مستطاب فخر الأعزة والأجلة خیر الحاج والمعتمرین حاج غلامحسین تاجر الشهیر بتوتونی زید توفیقه درصدد طبع ونشر این نسخه شریفه برآمده بر جاء اینکه مصداق حدیث شریف من سن سنة حسنة كان له اجر من عمل بها واقع شوند و در یوم معاد مشمول عنایات وشفاعت ائمه دین علیهم السلام و در عداد ناشرین اخبار آن بزرگواران محسوب گردند اللهم اجعلنا من انصارهم واعوانهم واحشرنا معهم وتحت لوائهم ولا تفرق بيننا وبينهم في الدنيا والآخرة برحمتك يا ارحم الراحمين
كتبه العبد الفقير الجاني علي اكبر بن موسى الخراساني النوقاني

کتاب دستور العمل



و له اللئالی المنثوره

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله الطیبین الطاهرین **وبعد** چنین گوید این فقیر مسمی عباس بن محمد رضا القمی عفی الله عنهما و ختم لهما بالسعادة والحسنی که این دستور العمل است برای طالبان عبادت و سالکان سبیل سعادت ذکر کردم در ان بنحو فهرست و اجمال بیشتر انچه بما رسیده در ایام سنه از اعمال از ماخذ معتبره مانند کتب مصباح و اقبال و هم نگاشتم در ان تواریخ موالید و وفیات حجج طاهره سادات دنیا و اخرة صلوات الله علیهم اجمعین و اداد ایامی که مختار داعی بوده و یا انکه بواسطه روایتی مشهور در ان روز بوده و هم ذکر کردم در ان ایام وقایع متعلقه با ایشان سلام الله علیهم بنحو اجمال و در نقل اعمال هر گاه ماخذ ذکر نکردم پس بدانکه ان در زاد المعاد و امثال ان موجود است و دست

و در ذکر ماخذ

همه کس بان میرسد و اگر در اینجا نباشد اشاره میکنم بماخذ هر گاه سید گفتم پس بدانکه مراد سید اجل سید رضی الدین علی بن طاوس است و در اقبال ذکر نموده و هر گاه شیخ گفتم مراد شیخ الطایفه شیخ طوسی است و در مصباح متهجد ذکر فرموده و از برادران دینی که باین دستور العمل عمل مینمایند خواهش میکنم که این مذنب رو سیاه را در ثواب عمل خود شریک کنند و از دعای خیر فراموشم نه فرمایند و این رساله مشتمل است بر یک مقدمه و دوازده باب و یک خاتمه وما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب **مقدمه** در بیان اعمالیکه در هر ماه باید بجا آورد و انها چند امر است (۱) در وقت دیدن هلال خواندن دعای هلال است و اقلش انستکه سه مرتبه الله اکبر و سه مرتبه لا اله الا الله بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَذْهَبَ شَهْرَ کَذَا وَجَاءَ بِشَهْرِ کَذَا و بهترین دعاها دعای (۴۳) صحیفه کامله است (۲) در وقت دیدن هلال هفت مرتبه سوره حمد بخواند که از درد چشم امان است (۳) در اول هر ماه نواند که پنیر بخورد (۴) در شب اول هر ماه دو رکعت نماز کند و در هر رکعت حمد و سوره انعام بخواند و از حقتعالی سوال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند (۵) در روز اول هر ماه دو رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه توحید و در دوم سی مرتبه انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند بانچه ممکن شود تا سلامتی انماه را برای خود بخرد (۶) روزه بدارد سه روز از

هر ماه را که پنجشنبهٔ اول و آخر و چهارشنبهٔ وسط ماه است که مقابل
روزه دهر و از سنن و کیدهٔ نبویه است و وسوسهٔ سینه را میبرد (۷)
روزه بگیرد ایّام البیض هر ماه را که فضیلت دارد

باب اوّل در ذکر ماه رجب است و در آن دو

فصل است **فصل اوّل** بدانکه رجب ماه بزرگ خدا
است و از ماههای حرام است که در جاهلیت محترم بوده و در
اسلام نیز تعظیم و احترام او وارد شده و از برای روزهٔ ان خصو
...و ز اول و وسط و اخر ان فضیلت بسیار وارد شده و اعمال
مشترکهٔ ان که متعلق بهمه ماه است و خصوصیتی بروز معین
ندارد چند امر است (۱) در تمام ایّام ماه خصوص روز
اول بخواند یا مَن یَملِکُ حَوائجَ السّائلینَ الخ (۲) بخواند
هر روز دعای خابَ الوافِدونَ (۳) دعای اَللّهُمَّ
اِنّی اَسئَلُکَ صَبرَ الشّاکِرینَ (۴) دعاء مسجد صعصعه
اَللّهُمَّ یا ذَا المِنَنِ السّابِغَة (۵) دعاء ناحیهٔ مقدسه
اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِمَعانی جَمیعِ ما یَدعوکَ (۶) زیارت
کن در هر مشهد که هستی با این زیارت اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی اَشهَدَنا
مَشهَدَ اَولِیائِهِ فی رَجَب و این زیارت و دو دعا پیش در مصباح
و اقبال است (۷) دعاء اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِالمَولودَینِ
فی رَجَب (۸) در عقب نمازهای شبانه روز بخواند یا مَن
اَرجوهُ لِکُلِّ خَیرٍ (۹) در اینماه صد مرتبه بگوید اَستَغفِرُ

اللّهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَتوبُ اِلَیهِ و
ختم کند انرا بصدقه تا خداوند ختم فرماید برای او برحمت
و مغفرت و اگر چهار صد مرتبه بگوید ثواب صد شهید داشته
باشد (۱۰) در جمیع اینماه هزار مرتبه بگوید اَستَغفِرُ اللّهَ
ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ مِن جَمیعِ الذُّنوبِ وَالآثامِ تا خداوند
او را بیامرزد (۱۱) در اینماه هزار مرتبه لا اِلهَ اِلّا اللّهُ بگوید
تا صد هزار حسنه برای او نوشته شود (۱۲) در جمیع ماه
در وقت صبح هفتاد مرتبه و در وقت پسین نیز هفتاد مرتبه
بگوید اَستَغفِرُ اللّهَ وَاَتوبُ اِلَیهِ و چون تمام کرد دستها را بلند
کند و بگوید اَللّهُمَّ اغفِر لی وَتُب عَلَیَّ (۱۳) در جمیع ماه
ده هزار مرتبه توحید یا هزار مرتبه یا صد مرتبه بخواند که فضیلت
بسیار دارد (۱۴) در یکروز جمعه اینماه صد مرتبه یا صد
توحید بخواند
توحید بخواند تا از برای او نوری باشد در قیامت که او را به
بهشت کشد (۱۵) در یکروز جمعه اینماه چهار رکعت نماز
کند ما بین ظهر و عصر در هر رکعت حمد یکمرتبه و آیة الکرسی
هفت مرتبه و توحید پنج مرتبه پس ده مرتبه بگوید اَستَغفِرُ اللّهَ
الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ وَاَسئَلُهُ التَّوبَةَ که فضیلت بسیار سید برای
ان نقل فرموده (۱۶) هر که قادر نباشد که در اینماه روزه
بگیرد در هر روز از ان صد مرتبه بگوید سُبحانَ الاِلهِ الجَلیلِ
سُبحانَ مَن لا یَنبَغی التَّسبیحُ اِلّا لَهُ سُبحانَ الاَعَزِّ الاَکرَمِ سُبحانَ
مَن لَبِسَ العِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهلٌ تا ثواب روزه انرا دریابد (۱۷)

در هر شب از اینماه دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه جحد و یکمرتبه توحید بخواند و بعد از سلام دستها را بلند کند و بگوید لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ الخ (۱۸) در یکشب از اینماه صد مرتبه توحید در دو رکعت نماز بخواند که ثواب بسیار دارد (۱۹) در یکشب از اینماه ده رکعت نماز کند در هر رکعت حمد و جحد یکمرتبه و توحید سه مرتبه (۲۰) اگر سه روز از اینماه که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد روایت شده که هر که در یکی از ماههای حرام این سه روز را روزه بدارد حقتعالی برای او ثواب نهصد سال عبادت بنویسد (۲۱) در اینماه و ماه شعبان و رمضان در هر روز و شب بخواند حمد و آیة الکرسی و قلاقل و تسبیحات اربع و لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ و صلوات را هر کدام سه مرتبه و سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از فراغ از همه چهار صد مرتبه استغفار کند و بدانکه شب جمعه اوّل ماه رجب را لیلة الرغائب میگویند و از برای این عملی از حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله وارد شده با فضیلت بسیار که سیّد و غیره نقل کرده اند و کیفیت آن چنانست که روز پنجشنبه اوّل اینماه را روزه میداری چون شب جمعه داخل شود ما بین نماز مغرب و عشا دوازده رکعت نماز میگذاری هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت از آن یکمرتبه حمد و سه مرتبه انا انزلناه و دوازده مرتبه قل هو اللّه احد میخوانی و چون فارغ شدی از نماز هفتاد مرتبه میگوئی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَ عَلیٰ

جحد یعنی سوره قل یا ایها الکافرون

اٰلِهِ پس بسجده میروی و هفتاد مرتبه میگوئی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوحِ پس سر از سجده برمیداری و هفتاد مرتبه میگوئی رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْاَعْظَمُ پس باز بسجده میروی و هفتاد مرتبه میگوئی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوحِ پس حاجت خود را میطلبی که انشاء اللّه بر آورده خواهد شد و بدان نیز که در ماه رجب زیارت حضرت امام رضا علیه السّلام مندوب است و اختصاصی دارد چنانچه عمره در اینماه فضیلت دارد و روایت شده که تالی حج است در فضیلت و منقول است که جناب علیّ بن الحسین علیه السّلام معتمر شده بود در ماه رجب و شبانه روز نماز در نزد کعبه میگذاشت و پیوسته در سجده بود در شب و روز و این ذکر از آنحضرت شنیده میشد که در سجده میگفت عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ

فصل دوّم

در ذکر ایام و لیالی ماه رجب است

شب اوّل

شب شریفی است و در این چند عمل است (۱) غسل (۲) چون هلال را ببیند بگوید اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ رَبِّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ (۳) زیارت کند امام حسین علیه السّلام را (۴) احیا کند این شب بدعا و تلاوة قران مجید و نماز (۵) بعد از مغرب بیست رکعت نماز کند بحمد و توحید تا محفوظ بماند خود و اهل و مال او و از عذاب قبر در پناه باشد و از صراط مانند برق بگذرد (۶) بعد از نماز عشا بخواند دعا

اللّهمّ انّی اسئلک بانّک ملیکٌ (۷) بعد از نماز شب و بعد از وتر بخواند دعاهای وارده را و بدانکه علما از برای هر شب این ماه نمازهای مخصوص ذکر کرده اند این مختصر گنجایش ذکر آنرا ندارد **روز اوّل** روز شریف است و در آن چند عمل است (۱) روزه گرفتن روایت شده که حضرت نوح علیه السّلام در این روز بکشتی سوار شد و امر فرمود کسانی را که با او بودند روزه بدارند و هر که این روز را روزه بدارد آتش جهنّم یکسال راه از او دور شود (۲) غسل کند (۳) زیارت امام حسین علیه السّلم کند تا حقّ تعالی بیامرزد او را (۴) بخواند دعای طویلی که سیّد نقل فرموده (۵) شروع کند بنماز سلمان رضی الله عنه باین طریق که پنج دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت یکمرتبه حمد و سه مرتبه توحید و سه مرتبه جحد بخواند و بعد از سلام دستها را بلند کند و بگوید لا اله الّا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حیّ لا یموت بیده الخیر وهو علی کلّ شیء قدیر پس بگوید اللّهمّ لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجدّ منک الجدّ پس دستها را بر روی خود بکشد و در روز نیمه ماه نیز این نماز را بهمین کیفیّت بخواند لکن عوض اینها بعد از تهلیل بگوید الهاً واحداً احداً فرداً صمداً لم یتّخذ صاحبةً ولا ولداً و در روز آخر ماه نیز چنین کند لکن بعد از تهلیل مذکور بگوید وصلّی الله علی محمّد وآله الطّاهرین ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم پس دستها را بر روی خود بکشد و حاجت خود

را بطلبد و از فوائد این نماز نباید غفلت نمود که آن بسیار است و سیّد نیز برای این روز چهار رکعتی نماز نقل کرده هر که خواهد باقبال مراجعه کند و در این روز بقولی ولادت حضرت باقر علیه السّلام واقع شده و لکن مختار داعی سیّم صفر است و در **روز دوم** یا پنجم سنه ۲۱۲ دویست و دوازده ولادت حضرت امام علی نقی علیه السّلام بروایت ابن عیّاش واقع شده ولکن مشهور بین علماء در نیمه ماه ذی الحجّه است و از دعای اللّهمّ انّی اسئلک بالمولودین فی رجب ظاهر شود که ولادت شریف در این ماه بوده و والده ماجده اش جلیله نجیبه معروفه بسمانة ومکناة بامّ الفضل مغربیّه است وفی الدّر النّظیم للشیخ یوسف بن حاتم الشامی تلمیذ المحقّق قال فی احوال ابی الحسن علی الهادی علیه السّلام وروی محمّد بن الفرج وعلیّ بن مهزیار عن السیّد علیه السّلام انّه قال امّی عارفة بحقّی وهی من اهل الجنّة لا یقربها شیطان مارد ولا ینالها کید جبّار عنید وهی مکلوءة بعین الله الّتی لا تنام ولا تتخلّف عن امّهات الصدّیقین والصّالحین ومکان ولادت موضعی بوده در حوالی مدینه که آنرا صریا گویند و اسم انورش علی و کنیتش ابو الحسن است و چون امام موسی و امام رضا را نیز ابو الحسن میگفتند از جهت تمیز آنجناب را ابو الحسن الثالث میگویند و امام رضا را ابو الحسن الثانی وگاهی مکانه ثالث ما خوطب به یاد ذکر میکنند و چون آنجناب و فرزندش امام حسن در سامره سکنی فرمودند در محله که عسکر نام داشت از جهت این دو امام را بلقب عسکری

وفات امام علی نقی

داده و عسکر میگفتند و آنجناب گندم گون بوده و نقش نگینش الله
ربی و هو عصمتی من خلقه و در روز وفات آنحضرت اختلاف است
و اشهر مختار داعی است روز سیم رجب سنه دویست و پنجاه
چهار وفات آنحضرت است بسن چهل و یکسال که تقریبا و در این مدت
کم در ک فرموده سلطنت معتصم و واثق و متوکل و منتصر و معتز را و
در ایام معتز آنحضرت را زهر دادند و شهید نمودند و در وقت شهادة
آن امام غریب غیر از امام حسن عسکری علیه السلام نزد بالین آنجناب
نبود و چون رحلت فرمود جمیع امراء و اشراف حاضر شدند و امام
حسن علیه السلام در مصیبت پدر بزرگوار خود گریبان چاک زد
و خود متوجه غسل و کفن و دفن آنجناب شد و آن بزرگوار را در حجره
که محل عبادت آنحضرت بود دفن کردند و جمعی از جاهلان احمق بر آنحضرت
اعتراض کردند که گریبان چاک زدن در مصیبت شایسته نبود حضرت
بایشان فرمود که چه میدانید احکام دین خدا را حضرت موسی علیه السلام
پیغمبر خدا بود و در ماتم برادر خود هرون گریبان چاک زد و مسعودی
در مروج الذهب گفته که آنحضرت در روز دوشنبه چهار روز باخر جمادی
الآخره مانده وفات کرد و کاهیکه جنازه آنحضرت را حرکت میدادند بجانب
قبر میبردند که کنیزکی میگفت ماذا لقینا فی یوم الاثنین قدیما و حدیثا
بعضا چه کشیدیم از نحوست روز دوشنبه از قدیم الایام تا اینزمان
و اشاره کرد بروز وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنحضرت را در خانه
خود در سامره دفن نمودند فقیر گوید که صدمات و
اذیتهائی که بآنجناب رسید در زمان خلفای بنی عباس خصوصا

چه قبر امام حسین

در زمان ریحس پلید متوکل عباسی چه بخود آنحضرت چه بشیعیان
و دوستان و علویین و اولاد فاطمه علیها السلام و زائران آن قبر
مطهر که بازگشت تمام بآنحضرت است زیاده از آنستکه در حوصله بیان
بگنجد ابو الفرج نقل کرده که متوکل عمر بن فرج را والی مدینه مشرفه
و مکه معظمه کرده بود عمر منع کرد مردم را از احسان بآل ابو طالب و
سخت در عقب اینکار شد بحدی که خبر میرسید باو که یکی احسانی کرده
بایشان اگرچه بچیز کمی بوده او را عقوبت میکرد لاجرم مردم دست
از رعایت ایشان برداشتند و ایشانرا بحال خود گذاشتند پس بحدی
کار بر ایشان سخت شد که زنهای علویات تمام لباسهای ایشان
کهنه و پاره شده بود و لباس درست نداشتند که نماز در آن
بخوانند مگر یک پیراهن درست که برای ایشان مانده بود هر
گاه میخواستند نماز بخوانند یکیک بنوبت آن پیراهن را میپوشیدند
و نماز میخواندند و چون هر یک فارغ میشد از تن بیرون میکرد
و بدیگری میداد بپوشد و خود بچرخ ریسی مینشست و بپوشش
بآن عسرت روزگار را میبردند تا متوکل هلاک شد و حکایت منع متوکل
مردم را از زیارت قبر امام حسین ع و پدر بزرگوارش و انکه همت
خود را گماشت که آثار قبر مطهر حسینی را محو و نابود کند اشهر از
آنستکه ذکر شود و گفته شده که هفده مرتبه آن قبر شریف را خراب
کرد و باز بصورت اولی برگشت و شیخ اجل علی بن الحسین المسعودی
روایت کرده که در باب امام علی نقی علیه السلام نزد متوکل
سعایت کردند گفتند که در منزل آنجناب اسلحه بسیار و کاغذ

بهای بسیار است که شیعیان او از قم برای او فرستاده‌اند و آنجناب عزم
این دارد که بر تو خروج کند متوکل جماعتی از ترکان را بخانه آنحضرت
فرستاد ایشان در شب بخانه آنحضرت ریختند و هرچه تفتیش کردند
چیزی نیافتند و دیدند آنحضرت در حجره ایست و در را بر روی خود
بسته و جامه از پشم پوشیده و بر روی زمین که رمل و ریگ ریزه بود
نشسته و توجهش بسوی حق تعالی است و مشغول خواندن آیات قرآنی
است پس آنجناب را با آنحال بنزد متوکل بردند و گفتند در خانه او
نجستیم و چیزی نیافتیم و دیدیم او را که رو بقبله نشسته بود و قرآن تلاوت
مینمود و متوکل در آنحال در مجلس شراب بود پس آن امام معصوم
را در آن مجلس مشوم وارد کردند در وقتیکه متوکل جام شراب در
دستش بود پس از برای آنحضرت تعظیم کرد و آنجناب را در پهلوی
خود نشانید و جام شراب را خواست با آنحضرت بدهد آنجناب فرمود
والله داخل گوشت و خون من نشده هرگز مرا معذور دار پس او را معذور
داشت آنگاه گفت برای من شعری بخوان فرمود اِنّی قَلیلُ الرِّوایَةِ لِلشِّعرِ
من از شعر چندان روایت نشده ام گفت از این چاره نیست پس
آنحضرت انشاء فرمود این اشعار را که مشتمل است بر بیوفائی دنیا
و هلاکت ملوک و سلاطین و ذلت و خواری ایشان پس از مرگ و آن
و از آنها این است باتُوا عَلی قُلَلِ الأَجبالِ تَحرُسُهُم غُلبُ الرِّجالِ
فَما أَغنَتهُمُ القُلَلُ متوکل از شنیدن این اشعار چندان گریست
که ریش نحسش را تر نمود و حاضرین نیز گریستند و بروایتی
متوکل جام شراب را بر زمین زد و عیشش منغص شد و آنحضرت را

ولادت امام محمد تقی علیه السلام

مکرها بخانه‌اش رد کرد **روز دهم** ش ۱۹۵ سنه صد و نود و
پنج بنابر روایت ابن عباس ولادت با سعادت حضرت امام محمد تقی
علیه السلام واقع شده لکن مشهور بین علماء و مشایخ آنست که
ولادت در ماه رمضان واقع شده والده ماجده آنحضرت ام ولد
بوده نوبیه از اهل بیت ماریه قبطیه مادر ابرهیم فرزند رسول خدا
صلی الله علیه و آله و افضل زنهای زمان خود بوده و حضرت رسول
= اشاره باین مخدره و فرزندش جواد فرموده در آنجا که فرموده
بِأَبی ابنُ خِیَرَةِ الإِماءِ النُّوبِیَّةِ الطَّیِّبَةِ و حضرت موسی بن جعفر علیه
السلام در خبر یزید بن سلیط سلام خود را برای این مخدره فرستاد
و آن معظمه سبیکه یا خیزران است و اما کیفیت ولادت چنان است
کما ابن شهرآشوب از حکیمه خاتون دختر امام موسی علیه السلام
روایت کرده است که روزی امام رضا علیه السلام مرا طلبید و فرمود
ای حکیمه امشب فرزند مبارک خیزران متولد میشود باید که در شب
ولادت او حاضر شوی من در خدمت آنحضرت ماندم چون شب در
آمد مرا با خیزران و زنان قابله در حجره در آورد و از حجره بیرون
رفت و چراغی نزد ما افروخت و در را بر روی ما بربست و چون ما
را درد زائیدن گرفت و او را بالای طشت نشانیدیم چراغ
ما خاموش شد و ما بخاموشی چراغ مغموم شدیم که ناگاه
دیدیم که آن خورشید فلک امامت طالع گردید و در طشت فرود
فرمود و بر آنحضرت پرده نازکی مانند جامه احاطه کرده بود و نوری
از آنجناب ساطع بود که تمام آن حجره منور شد و ما از چراغ مستغنی

شدیم پس آن نور مبارک را برگرفتم و در دامن خود گذاشتم و آن پرده را از خورشید جمالش دور کردم ناگاه امام رضا علیه السلام بحجره در آمد بعد از آنکه ابو جعفر را در جامهٔ پاکیزه پوشانیده بودیم پس آنکو شوارهٔ عرش امامت را از ما گرفت و در گهوارهٔ عزت و کرامت گذاشت و آن مهد شرف و عزت را بمن سپرد و فرمود که از این گهواره جدا مشو و چون روز سیم ولادت آنجناب شد دیدهٔ حق بین خود را بسوی آسمان گشود و بجانب راست و چپ نظر کرد و بزبان فصیح گفت اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ چون این حالت غریب را از آن نور دیده مشاهده کردم بخدمت پدرش شتافتم و آنچه دیده و شنیده بودم عرض کردم حضرت فرمود که آنچه بعد از این از عجائب احوال او مشاهده خواهی کرد زیاده است از آنچه اکنون مشاهده کرده و از کلثم بن عمران روایت شده که بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم که دعا کن حق تعالی بتو فرزندی کرامت فرماید فرمود که حقتعالی بمن یک پسری کرامت خواهد کرد و او وارث امامت من خواهد بود چون امام محمد تقی متولد شد حضرت فرمود که حقتعالی بمن فرزندی عطا کرده که شبیه است بموسی بن عمران که دریاها را میشکافت و نظیر عیسی بن مریم است که حقتعالی مقدس کردانیده بود مادر او را و طاهر و مطهر آفریده شده بود پس فرمود که این فرزند من بجور و ستم کشته خواهد شد و بر او خواهند گریست اهل آسمانها و حقتعالی غضب خواهد کرد بر دشمن او و کشندهٔ او و ستم کنندهٔ او و

بعد از اندک زمانی بزهر جفا شهید خواهد شد و بروضهٔ قدس الهی واصل خواهند گردید و در شب ولادت آنحضرت بعض در گهواره با او سخن میگفت و اسرار الهی را با او میفرمود علامهٔ مجلسی فرموده که بعضی از روایات در خصوص فضیلت روز دهم وارد شده است بدانکه مستحب است در هر یک از ماه رجب و شعبان و رمضان آنکه در شب سیزدهم هر یک دو رکعت نماز بگذارند در هر رکعت حمد و یس و تبارک الملک و توحید بخوانند و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام بهمین کیفیت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت از حضرت صادق علیه السلام مرویست هر که چنین کند جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود بغیر از شرک روز سیزدهم اول ایام البیض است و ثواب بسیار برای روزهٔ این روز و دو روز بعد وارد شده و اگر کسی خواهد عمل ام داود بجا آورد باید امروز روزه بگیرد و در این روز بنا بر مشهور بعد از سی سال از عام الفیل ولادت باسعادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در میان کعبهٔ معظمه واقع شده است و کیفیت آن چنانست که روزی عباس بن عبد المطلب با یزید بن قعنب با گروهی از بنی هاشم و جماعتی از قبیلهٔ بنی عبد العزی در برابر خانهٔ کعبه نشسته بودند که ناگاه فاطمه بنت اسد بمسجد در آمد در حالتیکه حامله بود بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و نه ماه از حملش گذشته بود پس او را درد زائیدن گرفت انحضرت در برابر

تولد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

خانه کعبه ایستاده و نظر بجانب اسمان افکند و گفت پروردگارا من ایمان اورده ام بتو و بهر پیغمبری و رسولیکه فرستادهٔ و بهر کتابیکه نازل کردانیدهٔ و تصدیق کرده ام بگفته های جدم ابرهیم خلیل علیه السلام که خانه کعبه بنا کردهٔ است پس سؤال میکنم از تو بحق اینخانه و بحق انکسیکه این خانه را بنا کرده است و بحق اینفرزندی که در شکم من است و با من سخن میگوید و بسخن گفتن خود مونس من گردیده است و یقین دارم که او یکی از ایات جلال و عظمت تواست که اسانکنی برمن ولادت مرا عباس و یزید بن قعنب گفتند که چون حضرت فاطمه از این دعا فارغ شد دیدیم که دیوار خانهٔ کعبه شکافته شد فاطمه ازانموضع داخل خانه شد و از دیدهای ما پنهان گردید و شکاف دیوار بهم پیوست باذن خدا پس ما خواستیم که در خانه را بگشائیم چندانکه سعی کردیم در گشوده نشد دانستیم که این امر است از جانب خدا واقع شدهٔ و فاطمه سه روز درانددرون کعبه ماند اهل مکه در کوچه و بازارها و زنها در خانه ها این واقعه را نقل میکردند و تعجب مینمودند تا روز چهارم رسید دیگر باره همان موضع از دیوار خانه شکافته شد فاطمه بیرون امد در حالتیکه امیر المؤمنین علیه السلام را در دست خود داشت و میگفت ایگروه مردم بدرستیکه حقتعالی مرا برگزید از میان خلق خود و فضیلت داد مرا بر زنان برگزیدهٔ که پیش از من بوده زیرا که حقتعالی برگزید اسیه دختر مزاحم را و او عبادت کرد خدا را پنهان در

موضعیکه عبادت خدا در انجا سزاوار نبود مگر در حال ضرورت یعنی خانه فرعون و برگزید مریم دختر عمران را و ولادت عیسی را بر او اسان گردانید و در بیابان درخت خشک را جنبانید و رطب تازه از برای او از ان درخت فرو ریخت و حقتعالی مرا بران هردو زیادتی داد و هم چنین بر جمیع زنان عالمیان که پیش از من گذشته اند زیرا که من فرزندی اورده ام در میان خانه برگزیده او و سه روز در انخانه محترم ماندم و میوه ها و طعامهای بهشت تناول کردم الخ وبالجمله ولادت باین کیفیت و فضیلت از خصائص انحضرت است چنانکه متولد نشد مولودی در روز جمعه سید ایام در ماه رجب شهر الله الحرام در خانه کعبهٔ بیت الله الحرام سوای امیر المؤمنین ابو الائمة الکرام علیه وعلی اولاده افضل التحیة والاف السلام هٰذِهٖ مِنْ عُلاهُ اِحْدَی الْمَعَالِیْ وَعَلٰی هٰذِهٖ فَقِسْ مَاسِوَاهَا ای سنائی بقوت ایمان مدح حیدر بگو پس از عثمان بامد بجش مدایح مطلق زهق الباطل است وجاء الحق در پس پرده انچه بود امد اسد الله در وجود امد فقیر گوید که چون امروز روز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است مناسب است که چند شعر دیگر از حکیم سنائی که در منقبت انحضرت است ذکر کنم و هدیه دوستان نمایم قارقه

هم نبی را وصی و هم داماد جان پیغمبر از جمالش شاد
نایب مصطفی بروز غدیر کرده در شرع خود مراو را میر

خوانده در دین و ملک مختارش / هم در علم و هم علمدارش
بهر او گفت مصطفی با له / کای خداوند وال من والاه
که خدای زمانه جاکر او / خواجهٔ روزکار قنبر او
انکه تن دشمن است و یزدان دو / وانکه والراسخون فی العلم او ست
مرتضائی که کرد یزدانش / همره جان مصطفی جانش
هر دو یکقبله و خردشان دو / هر دو یکروح و کالبدشان دو
دو رونده چه اختر کردون / دو برادر چو موسی و هرون
هر دو یکدر ز یکصدف بودند / هر دو پیرایه شرف بودند
تا نه بکشاد علم حیدر در / ندهد سنت پیمبر بر
مهر و کینش دلیل منبر و دار / حلم و خشمش نشان جنت و نار
عقد او با بتول در سلوی / بود در زیر سایهٔ طوبی
تنك از انشد بر او جهان سترك / کر جهان تنك بود و مرد بزرك

شب نیمه اینماه شب شریفی است و در ان

چند عمل است (۱) غسل (۲) احیاء ان (۳) زیارت امام حسین علیه السّلام (۴) شش رکعت نماز کرد در شب سیزدهم ذکر شد (۵) سی رکعت نماز در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و این نماز را سید از حضرت رسول ص نقلکرده با فضیلت بسیار (۶) دوازده رکعت نماز هر دو رکعت بیك سلام و در هر رکعت هر یك از سوره و حمد و توحید و فلق و ناس و ایة الکرسی و قدر را چهار مرتبه بخواند و بعد از سلام چهار مرتبه بکوید اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّی لا

اُشْرِكُ بِهِ شَیْئًا وَلا اَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِیًّا و هر چه میخواهد بخواند و این نماز را بدینطریق سید از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده و شیخ بنحو دیکر چنانکه در زاد المعاد است **روز نیمه** روز مبارکی است و در ان چند عمل است (۱) غسل (۲) زیارت امام حسین علیه السّلام (۳) نماز سلمان بنحویکه در روز اوّل کذشت (۴) چهار رکعت نماز بخواند و بعد از سلام دستها را پهن کند و بکوید اَللّٰهُمَّ یا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ الخ و اینده عا را هر که بخواند برای رفع شدت و غمش انشاء الله رفع میشود (۵) عمل ام داود که عمدهٔ اعمال اینروز است و برای بر امدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مؤثّر است و شیخ فرموده که در مثل اینروز رسول خدا صلّی الله علیه و آله از شعب بیرون امد و در چنین روز در ماه پنجم از هجرت عقد بنت رسول خدا صلّی الله علیه و آله فاطمه را برای امیر المؤمنین علیهما السّلام انتهی و در این روز سنه ۲ تحویل قبله شد از بیت المقدس بسوی مکه معظمه و در اینروز سنه ۶۰ شصتم معویة ابن ابی سفیان وفات کرد **روز هیجدهم** وفات حضرت ابرهیم ابن رسول الله صلّی الله علیه و آله واقع شد **روز بیست و سوم** ۱۴ خنجر بران مبارك حضرت امام حسن علیه السّلام زدند زیارت انحضرت و لعن بر قاتلان و ظالمان انجناب در اینروز مناسب است **روز بیست و چهارم** سنه ۷ هفتم فتح خیبر و قتل مرحب

بر دست معجزنمای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام واقع شد شیخ
آذری در این مقام در مدح آنحضرت سروده ولَهُ یومَ خیبرَ فکانت
کَبُرَت منظراً علی مَن رآها یومَ قالَ النبیّ انّی لاعطی رایتی لیثها
وحامی حماها فاستطالت اعناق کل فریق لیروا ای ماجد
یعطاها فدعی ابنَ الحلم والباس مجیر الایّام من باساها
ابن ذو النجدة العلی لو دعته فی الثریا مروعة لباها فاتاه
الوصیّ ارمد عین فسقاها من ریقه فشفاها ومضی یطلب
الصفوف فولت عند علما بانّه امضاها وبری مرحبا بکف
اقتدار اقویاء الاقدار من ضعفاها ودحی بابها بقوة باس
لو حمته الافلاک منه دحاها عائذ المؤملین مجیب سامع
ما استسرّ من نجواها

روز بیست و پنجم

سنهٔ ۱۸۳ صد و هشتاد و سه شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه
السّلام بسن پنجاه و پنج سالگی در بغداد واقع شد و روز بیست که
احزان آل محمّد علیهم السّلام و شیعیان ایشان تازه میشود

روز بیست و ششم

بقول ابن عبّاس وفات
سیّد بطحا حضرت ابوطالب واقعشده و جلالت شان ابوطالب
و نصرت او از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله و خدماتش نسبت
باینجناب اشهر از آنست که ذکر شود ابن ابی الحدید گفته وَلولا
ابوطالبٍ وابنه لما مثل الدین شخص فقاما فذاک بمکة آوی
وحامی وذاک بیثرب جس الحماما ابن ابی الحدید میگوید
که اگر ابوطالب و پسرش امیر المؤمنین علیه السّلام نبود دین پیغمبر

قائم نمیشد قیام دین بواسطه حمایت ابوطالب از پیغمبر و شمشیر علی
علیه السّلام شد فقیر گوید که اقتدا کرد بدو پدر خود حضرت
عبّاس بن علی بن ابیطالب در مقام نصرت از دین خدا و حمایت
از پسر پیغمبر صلّی الله علیه و آله در کربلا و شاهد بر این اینعبارت
زیارت آنحضرت است فالحقک الله بدرجة آبائک خوب ملاحظه
کن در اشعار ابوطالب در مقام حمایت خویش از حضرت پیغمبر چه
میفرماید میفرماید فلا تحسبونا خاذلین محمّداً لدی غربة منا ولا
متقرّب ستمنعه منّا ید هاشمیّة ومرکبها فی الناس اخشن
مرکب ابو الفضل نیز در روز عاشوراء در مقام حمایت خود
از پسر پیغمبر قریب بهمین میفرماید میفرماید والله ان قطعتم
یمینی انّی احامی ابداً عن دینی وعن امام صادق الیقین
نجل النبیّ الطاهر الامین بالجمله وفات ابوطالب در اواخر سال
دهم از بعثت حضرت رسول صلّی الله علیه و آله واقعشد و بعد از
سه روز حضرت خدیجه رضی الله عنها وفات کرد پس جمع شد برای
حضرت پیغمبر دو مصیبت و نامیده شد آنسال عام الحزن و حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام در مرثیه پدر فرموده اَباطالبٍ
عِصمةَ المستجیر وغیث المحول ونور الظلم لقد هدّ فقدک
اهل الحفاظ لقد کنت للمصطفی خیر عمّ

شب بیست و هفتم

شب مبعث است و از لیالی متبرکه است و آن شبی است
که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر او میتابد و عبادت در آن
اجر شصت سال عبادت دارد و از برای آن چند عمل است (۱)

غسل چنانچه شیخ فرموده (۲) زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام که افضل اعمال این شب است چنانکه سیّد فرموده و از برای آنحضرت در این شب سه زیارت است اوّل رجبیه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَشْهَدَنَا مَشْهَدَ اَوْلِیَائِهِ فِی رَجَبٍ لقول الشیخ محمّد بن المشهدی فی المزار الکبیر و ممّا یستحبّ ان یزار به امیر المؤمنین علیه السّلام فی لیلة المبعث هذه الزّیارة مشیرا الی الزّیارة المشار الیها و کلّ امام حضرت عنده فی رجب دوم زیارت هفتم تحفه لما فی المزار القدیم زیارة اخری لمولانا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام المختصّة بلیلة سبعة و عشرین من رجب تقف علی ضریحه علیه السّلام و تقول السّلام علی ابی الائمّة و معدن النبوّة الخ و این همان زیارتی است که علّامه مجلسی ره زیارت هفتم تحفة الزّائر قرار داده سیّم زیارت مختصر معروفه که از برای شب و روز مبعث در کتب مزار نیز ذکر شده و احقر هر سه زیارة را در هدیة الزّائرین ایراد کردم (۳) خواندن اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّی الْاَعْظَمِ (۴) دوازده رکعت نماز کند هر وقت از شب که باشد و بخواند در هر رکعت حمد و دو قل اعوذ و قل هو الله احد را چهار مرتبه یعنی بعد از آنکه حمد خواندی هر یک از این سوره ها را چهار مرتبه بخوان چنانکه مجلسی رحمه الله معنی فرموده و چون از همه فارغ شدی در همانمکان چهار مرتبه بگو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ پس هر حاجت که خواهی بطلب **روز بیست و هفتم** از جملهٔ اعیاد عظیمه است و روزیستکه

حضرت رسول صلّی الله علیه و اله در انروز برسالت مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و از برای آن چند عمل است (۱) غسل (۲) روزه و آن یکی از چهار روز است که در تمام سال امتیاز دارد برای روزه گرفتن و برابر است با روزهٔ هفتاد سال (۳) بسیار صلوات فرستادن (۴) زیارت حضرت رسول و امیر المؤمنین علیهما و آلهما السّلام (۵) دوازده رکعت نماز بطریقی که سیّد ذکر فرموده (۶) بخواند یَا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ وَ التَّجَاوُزِ الخ و این دعا را حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام خواند در انروز یکه آنجناب را بجانب بغداد حرکت دادند و انروز ۲۷ رجب بوده و این دعا از مذخورات عیدِ رجب است (۷) بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّی الْاَعْظَمِ الخ **روز آخر ماه** غسل در آن وارد شده است و روزه اش بسبب آمرزش گناهان گذشته و آینده است و نماز سلمان بخوانیستکه در روز اوّل گذشت

باب سیم در ماه شعبان است و در آن دو فصل است **فصل اوّل** در اعمال مشترکه اینماه شریف است

بدانکه شعبان ماه بسیار شریفی است و منسوب است بحضرت رسول خدا صلّی الله علیه و اله و ماهی استکه زیاد میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشت ها را و در فضیلت روزه اش روایات بسیار است حتّی وارد شده که نفع می بخشد برای کسیکه العیاذ بالله مرتکب خون حرام شده باشد بالنکه روایت شده از حضرت صادق

علیه السلام که هر که بکشد مرد مؤمنی را باو گویند بمیر هر نحو که
میخواهی بمذهب یهود یا نصاری یا مجوس وعنه علیه السلام قال
مَنْ اَعَانَ عَلٰى مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ
اٰيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ بالجمله اعمال مشترکه اینماه چند امر است (۱)
در هر روزی هفتاد مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ
(۲) در هر روز هفتاد بار بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ ودر بعضی روایات
الحیّ القیّوم پیش از الرحمن الرحیم است وعمل بهر دو خوبست واز روایا
مستفاد میشود که بهترین دعاها واذکار در اینماه استغفار است
(۳) در هر روز در وقت زوال ودر شب نیمه این صلوات را
بخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ الخ (۴) بخواند مناجات
مرویه از حجج طاهره علیهم السلام اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاسْمَعْ دُعَائِي الخ (۵) تصدّق کند در اینماه اگرچه بنصف دانه
خرما باشد تا حقتعالی بدن اورا باتش جهنم حرام کرداند وروایت
است که بهترین اعمال در اینماه تصدّق کردن وطلب امرزش نمودن
است (۶) در مجموع اینماه هزار بار بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا
نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ که ثواب بسیار
دارد واز جمله انکه عبادت هزار ساله در نامهٔ عملش بنویسند (۷)
روزهٔ دوشنبه وپنجشنبه اینماه برای حوایج دنیا واخرت نافع است
(۸) در هر پنجشنبهٔ اینماه دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از
حمد صد مرتبه توحید وبعد از سلام صد بار صلوات بفرستد

و روزه اش نیز فضیلت دارد وروایت شده که در هر روز پنجشنبهٔ
ماه شعبان زینت میکنند اسمانها را پس ملئکه عرض میکنند
خداوندا بیامرز روزه داران اینروز را ودعای ایشان را مستجاب
گردان (۹) در اینماه صلوات بسیار بفرستند (۱۰) از روز جمعهٔ
اخر ماه تا بقیهٔ ماه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضٰى
مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ **فصل دوم** در
ذکر ایام ولیالی شعبان است **روز اول** روزه اش فضیلت
دارد ووارد شده که بهشت اورا واجب گرداند البته **روز سیم**
روز مبارکی است وموافق مشهور روز ولادت باسعادت حضرت
سید الشهداء علیه السلام است سنه سیم در مدینهٔ طیبه وبنابر
ولادة روزیست که ملئکه اسمانها بر تهنیت پیغمبر صلّی اللّه علیه
واله باین مولود مسعود امدند واز خاک قبرش برای جدّش اوردند
وانجناب را تعزیت نیز بگفتند وفطرس ملک یاد رداییل پناه بان
طفل معصوم وامام مظلوم برد حقتعالی اورا ببخشید وبجای خودش
برگردانید واز برای ان چند عمل است (۱) روزه (۲) خواندن
دعای اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هٰذَا الْيَوْمِ (۳) خواندن
دعای اَللّٰهُمَّ اَنْتَ مُتَعَالِي الْمَكَانِ واین اخر دعائی است که حضرت
امام حسین علیه السلام خواند در انروزیکه کفار دور اورا احاطه
کرده بودند وعلما این دعاء را اند دعاهای روز سیم اینماه کرفته اند
و بدانکه سه دعا نقل شده که امام حسین علیه السلام هر سه را
در روز عاشورا خواندند اوّل دعائی است که در وقت صبح عاشوراء

خواند دست بدرگاه الهی بلند کرد و گفت اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی فی کُلِّ
کَرْبٍ اَلَخ دوّم اینکه دعا است که تعلیم امام زین العابدین فرمود در
آن روز در وقتیکه انحضرت را در برگرفت و خونها در بدن مبارکش بجوش
جوشید بِحَقِّ یٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَکیمِ وَبِحَقِّ طٰهٰ وَالْقُرْاٰنِ الْعَظیمِ یا مَنْ
یَقْدِرُ عَلٰی حَوآئِجِ السّآئِلینَ یا مَنْ یَعْلَمُ ما فِی الضَّمیرِ یا مُنَفِّسُ عَنِ الْمَکْرُوبینَ
یا مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُومینَ یا راحِمَ الشَّیْخِ الْکَبیرِ یا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغیرِ
یا مَنْ لا یَحْتاجُ اِلَی التَّفْسیرِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا
سیّم دعای اَللّٰهُمَّ اَنْتَ مُتَعالِی الْمَکانِ است که آخر دعای انحضرت
بوده علامهٔ مجلسی فرموده که زیارت انحضرت علیه السلام و غسل
زیارت در این روز مستحب است و بدان نیز که در مثل چنین روزی از
نشنه شصتم جناب سید الشهداء وارد مکهٔ معظمه شد روز
پنجم شنبه بنابروایتی ولادت امام حسین علیه السلام واقع
شده علامه مجلسی فرموده که اگر احتیاطاً امروز و روز سیّم را حرمت
بدارند و اعمال انروز را در این روز نیز بعمل آورند خصوصاً زیارت بهتر است
شب نیمه شب بسیار مبارکی است و بعد از شب قدر افضل لیالی
است و حقتعالی بفضل خویش در این شب به بندگان خود عطا مرحمت فرماید
و گناهان ایشانرا بیامرزد و سائلی را از درگاه خویش رد نکند مگر
آنکه معصیتی از خدا بطلبد و روایت است که از اول اینشب تا آخر
آن از جانب حقتعالی ندا میرسد که آیا استغفار کننده هست که طلب
امرزش کند از گناهان خود تا من او را بیامرزم آیا کسی هست که
طلب روزی کند تا من او را روزی دهم و از جمله برکات این شب طلوع

است که ولادت باسعادت سلطان عصر امام زمان ارواحنا له
الفداه در سحر این شب سنه دویست و پنجاه و پنج در سرّ من
رای واقع شده و باعث مزید شرافت این لیلهٔ مبارکه شده و از
برای این شب چند عمل است (۱) غسل است که باعث تخفیف
گناهان میشود (۲) احیاء این شب است بنماز و دعا و استغفار
چنانچه امام زین العابدین علیه السلام میکردند (۳) زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام است که افضل اعمال این شب و باعث
امرزش گناهان است و هر که خواهد با او مصافحه کنند روح
صد و بیست چهار هزار پیغمبر زیارت کند انجناب را در این شب
و اقل زیارت انحضرت آنست که ببامی یا صحنی کشاده در آید و
بجانب راست و چپ خود نظر کند پس سر بجانب آسمان کند آن
حضرت را باین کلمات اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ وهر کس در
هر کجا که باشد در هر وقت که انحضرت را باین کیفیت زیارت کند
امید است که ثواب حج و عمره برای او نوشته شود و ما در زیارت
خصوصه این شب را در هدیه ذکر کردیم (۴) خواندن این دعا
که بمنزلهٔ زیارت امام زمان علیه السلام است اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَیْلَتِنا
هٰذِهِ وَمَوْلُودِها اَلَخ (۵) بخواند دعای اَللّٰهُمَّ اَقْسِمْ لَنا مِنْ
خَشْیَتِکَ (۶) بخواند دعای اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ (۷)
بخواند صلوات هر روز را که در وقت زوال میخواند (۸) دعای
کمیل است که وارد شده در این شب است و در شبهای جمعه نیز خوانده

پس زیارت کند

میشود (۹) انکه بگوید هر یك از سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ را صد مرتبه که سبب امرزش گناهان و برامدن حوایج است (۱۰) بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز کند در رکعت اول حمد و جحد و در دوم حمد و توحید بخواند و بعد از سلام تسبیح زهرا علیها السلام را بگوید بعکس ترتیب مشهور پس بگوید یا مَنْ اِلَیْهِ مَلْجَاءُ الْعِبادِ فِی الْمُهِمّاتِ (۱۱) شیخ و کفعمی فرموده بخواند دعای اِلٰهی تَعَرَّضَ لَکَ فِی هٰذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وانید دعای الیتکم شبها در عقب نماز شفع خوانده میشود (۱۲) بخواند بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع و وتر دعائی را که شیخ و سید ذکر فرموده اند (۱۳) بجا اورد سجدات و دعواتی را که شیخ و سید از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت کرده اند (۱۴) نماز جعفر بجا اورد چنانکه شیخ از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده (۱۵) بجا اورد نمازهای این شب را و انها بسیار است از جمله چهار رکعت است که سی نفر از اصحاب صادق علیه السلام بدین طریق از انحضرت روایت کرده اند در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید بخواند و بعد از نماز بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ وَمِنْ عَذابِکَ خائِفٌ وَبِکَ مُسْتَجیرٌ رَبِّ لا تُبَدِّلْ اِسْمی وَلا تُغَیِّرْ جِسْمی رَبِّ وَلا تَجْهَدْ بَلائی وَلا تُشْمِتْ بی اَعْدائی اَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عِقابِکَ وَاَعُوذُ بِرَحْمَتِکَ مِنْ عَذابِکَ وَاَعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْکَ جَلَّ ثَناؤُکَ اَنْتَ کَما اَثْنَیْتَ عَلیٰ نَفْسِکَ وَفَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ فیکَ ر و ر

نیمه شعبان ۲۵۵ ولادت با سعادة امام زمان حضرت حجة ابن الحسن بن علی العسکری صلوات الله علیه و علی ابائه واقع شده والدهٔ ماجده اش حضرت نرجس خاتون از اولاد حواری حضرت عیسی علیه السلام است و یستحب زیارته فی کل زمان والدعا بتعجیل الفرج عند زیارته و تتأکد زیارته فی السرداب بسر من رای وهو المتیقن ظهوره و تملکه وانه یملاء الارض قسطا وعدلا کما ملئت ظلما وجورا ودر مثل چنین روز سنه ۳۲۹ سعید و ثبت شیخ جلیل معظم ابو الحسن علی بن محمد سمری علیه الرحمه که اخر نواب امام عصر عجل الله فرجه بوده وفات کرد و اول غیبت کبری شد و تا این زمان هزار و دوازده سال است که از غیبت کبری گذشته و این نور عالمتاب از انظار محجوب گشته و ما منتظران امام منتظر هستیم و در توقیع شریف حضرت عسکری علیه السلام است برای علی بن بابویه قمی و علیک بالصبر وانتظار الفرج فان النبی صلی الله علیه واله قال افضل اعمال امتی انتظار الفرج قبر جناب سمری در بغداد است نزد باب قبر شیخ کلینی بقرب جسر **شب اخر** شیخ از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که انحضرت در شب اخر شعبان و شب اول ماه مبارک رمضان میخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبارَکَ الدعاء

باب سیم در ماه مبارک رمضان است

ودران دو فصل است

فصل اول

در اعمال مشترکه ماه رمضان است بدانکه این ماه بهترین ماهها است و ماهی است که مردم را خوانده اند بمهمانی الهی نفسها در ان ثواب تسبیح

خوابها ثواب عبادت دارد و دعا در آن مستجاب است پس باید پیران
را تعظیم کرد و کودکان را ترحم و خویشان را نوازش و صله باید نمود
و بر فقرا تصدق کرد و نگاهداشت زبان و گوش و چشم را از
چیزهائیکه نباید گفت و شنید و دید و مهربانی باید کرد بر یتیمان
و در اوقات نمازها دستها را بدعا بلند کرد که بهترین ساعتها
است و باید سبک کرد پشتها را از بارهای گناه بطول دادن
سجدها و باید سعی کرد در افطار دادن بروزه داران که هر که
مؤمنی را افطار دهد ثواب بنده آزاد کردن دارد و باید خُلقها را
خوب کرد و خدمت غلام و کنیز را سبک نمود و شر خود را از مردم
بازداشت و نماز بسیار بجا آورد و صلوات بسیار فرستاد و قرآن
بسیار خواند زیرا که در اینماه خواندن یک آیه از قرآن ثواب یکختم
در ماههای دیگر دارد و خداوند در اینماه بسیاری از گناهان را
میآمرزد پس باید هر کس سعی کند که آمرزش الهی شامل حال او شود
همانا شقی آنکسی است که محروم گردد از آمرزش خدا در اینماه عظیم و بدانکه
اعمال مشترکه اینماه بر چهار قسم است **قسم اول** اعمالی است که
در هر شب و روز اینماه بجا آورده میشود و آنها چند امر است (۱)
خواندن این دعا بعد از هر فریضه اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ
الخ و خواندن یا عَلِيُّ یا عَظِیمُ الخ و خواندن دعای اَللّٰهُمَّ أَدْخِلْ عَلَى أَهْلِ
الْقُبُورِ السُّرُورَ الخ (۲) در اینماه قرآن بسیار بخواند و اگر روزی
یکختم بخواند خوب است (۳) در شب و روز اینماه ذکر صلوات و
استغفار و لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ را بسیار بگوید و نوافل شب و روز را بجا

آورد و شعر نخواند و چشم و گوش و زبان خود را نیز روزه دارد
از محرمات و بداند که روزه مجرد امساک از طعام و شراب نیست
قسم دوم اعمالی است که در شبهای ماه مبارک رمضان
باید بجا آورد و آن نیز چند چیز است (۱) افطار است و مستحب
است که بعد از نماز شام افطار کند مگر آنکه ضعف بر او غلبه کرده
باشد یا جمعی منتظر او باشند (۲) آنکه افطار کند بر چیز پاکیزه
از حرام و شبهات و بهتر آنستکه بخرمای حلال افطار کند تا ثواب
نمازش چهارصد برابر گردد و بخرما و آب و برطب و بلبن و بحلوا و
بنبات و بآب گرم هر کدام که افطار کند نیز خوب است (۳)
بخواند م
آنکه در وقت افطار دعاهای وارده را از جمله آنکه بگوید اَللّٰهُمَّ
لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ تا خدا عطا
کند باو ثواب هر کسی را که در این روز روزه داشته و اگر دعای
اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ را که سید روایت کرده بخواند فضیلت
بسیار یابد (۴) در لقمه اول بگوید یا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي
(۵) در وقت افطار سوره قدر بخواند (۶) در وقت افطار
تصدق کند و افطار دهد روزه داران را اگر چه بچند دانه خرما
یا شربت آب باشد (۷) در هر شب خواندن هزار مرتبه انا انزلناه
وارد است (۸) در هر شب صد مرتبه حم دخان بخواند اگر میسر
شود (۹) این دعا را در هر شب بخواند تا گناه چهل ساله او
آمرزیده شود اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الخ (۱۰) در هر شب
بعد از نماز مغرب دعا کند برای حج باین دعا اَللّٰهُمَّ بِكَ وَمِنْكَ أَطْلُبُ

الخ و این دعا را سید در اقبال روایت کرده در ضمن دعاهای بعد از فریضه (۱۱) در هر شب دعای افتتاح را بخواند (۱۲) در هر شب بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي الخ و بخواند ایضاً اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ الخ و بدانکه از چیزهائیکه در شبهای ماه رمضان باید بجا آورده شود هزار رکعت نماز است در مجموع این ماه بنحویکه در جای خود بشرح رفته

قسم سیم در اعمال سحرهای ماه مبارک است و آن نیز چند است (۱) سحور خوردن و ترک نکند سحور را اگر چه بیکدانه خرما بوده یا شربت آب باشد و بهترین سحورها سویق یعنی قاووت و خرما است و وارد شده که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنهائیکه استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند (۲) سوره انا انزلناه در وقت سحور بخواند که هر که این سوره مبارکه را در وقت افطار کردن و سحور بخواند در میان این دو وقت ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا در خون خود بغلطد (۳) دعای ابوحمزه ثمالی را در سحرها بخواند (۴) اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ در سحرها بخواند (۵) در سحرها بخواند این دعا را که شیخ و سید ذکر کرده اند يَا عُدَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي الخ (۶) بخواند دعای ادریس را که هر دو نیز روایت کرده اند سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الخ (۷) بخواند این تسبیحات را که سید روایت کرده سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ الخ هشتم بخواند این دعا را که مختصر بن دعاهای

سحر است يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي الخ و بدانکه علما فرموده اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همینکه میداند و قصد دارد که فردا از برای خدا روزه میگیرد و امساک از مفطرات میکند بس است و شایسته است که در سحرها نماز شب را ترک نکند و تهجد بعمل آورد

قسم چهارم در اعمال روزهای ماه رمضان است و آن چند چیز است (۱) در هر روز بخواند اَللّٰهُمَّ هٰذَا شَهْرُ الصِّيَامِ و این دعا بدو نحو روایت شده یکی مختصر است چنانکه در کافی است و حقیر در هدیة الزائرین نقل کرده ام و دیگر مبسوط است چنانکه در اقبال است و علامه مجلسی ره آنرا در زاد المعاد نقل فرموده (۲) خواندن این تسبیحات عشر است در هر روز سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ الخ (۳) خواندن این صلوات است اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ الخ (۴) خواندن این دعای عظیم الشان است اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي الخ (۵) خواندن این دعا که در اقبال است يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي الخ (۶) خواندن این دعا که شیخ و سید روایت کرده اند و حقیر در هدیه نقل کرده ام اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ الخ (۷) خواندن این دعا است که شیخ کفعمی ذکر فرموده يَا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ثُمَّ يَبْقَى وَيَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي السَّمٰوَاتِ الْعُلَى وَلَا فِي الْاَرَضِينَ السُّفْلَى وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ اِلٰهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْوَى عَلَى اِحْصَائِهِ اِلَّا اَنْتَ الخ

۲ شهر رمضان و هذا

ده هر روز صد مرتبه این ذکر را بگوید که محدث فیض در خلاصة الاذکار
ذکر فرموده سُبْحانَ الضّارِّ النّافِعِ سُبْحانَ القاضی بِالْحَقِّ سُبْحانَ الْعَلِیِّ
الْأَعْلی سُبْحانَهُ وَبِحَمْدِهِ سُبْحانَهُ وَتَعالی **فصل دوّم**
اعمال مخصوصه شب و روز این ماه مبارک است **شب اوّل** در آن چند
عمل است (۱) آنکه طلب هلال کند و بعضی استهلال این ماه را واجب
دانسته‌اند (۲) چون رؤیت هلال کرد اشاره بهلال نکند بلکه رو بقبله
کند و دستها را بآسمان بلند کند و بگوید رَبّی وَرَبُّكَ اللهُ الخ (۳)
بخواند دعای ۴۳ صحیفهٔ کامله را در وقت رؤیت هلال (۴)
مجامعت با حلال خود کند و این از خصوصیات این ماه است والّا در
ماههای دیگر جماع در شب اوّل مکروه است (۵) غسل شب اوّل
ماه کند (۶) در نهر جاری غسل کند و سی کف آب بر سر ریزد
(۷) زیارت قبر امام حسین علیه السلام کند تا گناهانش بخشیده شود
و ثواب حجاج و معتمرین آنسال را دریابد (۸) در این شب
ابتدا کند بخواندن هزار رکعت نماز این ماه (۹) آنکه در نافلهٔ
این شب و سایر شبهای این ماه سورهٔ انّا فتحنا بخواند (۱۰) دو رکعت
نماز کند در این شب در هر رکعت حمد و سورهٔ انعام بخواند و
سؤال کند که حقتعالی او را کفایت شرور کند (۱۱) بخواند دعای
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبارَكَ الخ و این دعائی است که حضرت
صادق علیه السلام در شب آخر ماه شعبان و در این شب میخواند (۱۲)
بعد از نماز مغرب بخواند این دعاء وارده از حضرت جواد را که در اقبال
است اَللّٰهُمَّ یا مَنْ یَمْلِكُ التَّدْبیرَ الخ (۱۳) بخواند در این شب

این دعاء مأثور از حضرت صادق علیه السلام را که در اقبال است
اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الخ (۱۴) بخواند
دعای ۴۴ صحیفه کامله را (۱۵) بخواند دعای وارده از موسی
بن جعفر علیه السلام را اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی دانَ لَهُ كُلُّ
شَیْءٍ الخ (۱۶) بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ الخ که
سید نقل کرده (۱۷) بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضانَ
اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ الَّذی اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ
بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ اَللّٰهُمَّ فَبارِكْ لَنا فی شَهْرِ رَمَضانَ
وَاَعِنّا عَلی صِیامِهِ وَصَلَواتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنّا **روز اوّل**
در آن چند عمل است (۱) غسل کردن در آب جاری و
ریختن سی کف آب بر سر که باعث ایمنی از جمیع دردها و بیماریها
است در تمام سال (۲) کفی از گلاب بر رو بزند تا از خواری
و پریشانی نجات یابد و قدری گلاب هم بر سر خود بزند تا در آن
سال از سرسام ایمن شود (۳) دو رکعت نماز اوّل ماه و
تصدق را بعمل آورد (۴) دو رکعت نماز کند در رکعت اوّل حمد
و انّا فتحناه و در دوّم حمد و هر سوره که خواهد بخواند تا حقتعالی
جمیع بدیها را از آنسال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد
تا سال آینده (۵) بعد از طلوع فجر این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَیْنا صِیامَهُ وَاَنْزَلْتَ فیهِ
الْقُرْآنَ هُدًی لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ اَللّٰهُمَّ
اَعِنّا عَلی صِیامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنّا وَتَسَلَّمْهُ مِنّا وَسَلِّمْهُ لَنا فی یُسْرٍ مِنْكَ

دعا فیه انک علی کل شیء قدیر (۶) بخواند دعای ۴۴ صحیفه
کامله را که در شب نخوانده روز ششم سنه ۲۰۱ در بیست
و یک مردم بیعت کردند با حضرت امام رضا علیه السلام و سید
روایت کرده که برای شکرانه این نعمت دو رکعت نماز در این روز
بگذارند در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید بخوانند
و روایت شده که چون مردم بیعت کردند با امام رضا علیه السلام
مامون امر کرد که بدرهای زر و درند و جوایز بسیار بمردم
بخشید و خطبا و شعرا برخواستند و خطب و قصاید غرا در شان
آنحضرت خواندند و جایزه گرفتند و امر شد سیاه پوشی را که بدعت
بنی عباس بود ترک کنند و جامهای سبز بپوشند و در رؤس منابر
و منابر نام آنحضرت را بلند کنند و وجوه و دنانیر و دینار را بنام
نامی و لقب گرامی آنحضرت مزین کردانند و نقل شده که چون شعرا
مدح آنحضرت کردند ابونواس ساکت ماند و مدح آنحضرت نگفت مامون
او را عتاب کرد که با آنکه تو شیعه مذهب مایل باهل بیت میباشی
و هم شاعر زمان و فرید دورانی چرا آنحضرت را مدح نگفتی ابونواس
بگفت قیل لی انت اوحد الناس طرّا فی فنون من الکلام النبیه
لک من جوهر الکلام بدیع یثمر الدر فی یدی مجتنیه فعلی م
ترکت مدح ابن موسی والخصال التی تجمعن فیه قلت لا استطیع
مدح امام کان جبریل خادماً لابیه مامون حقه لولوی طلبید
و دهان او را پر از لولو کرد شب سیزدهم اول لیالی بیض است
و در آن سه عمل است (۱) غسل (۲) چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد

و بیست و پنج مرتبه توحید (۳) دو رکعت نماز که در شب سیزدهم
رجب و شعبان نیز خوانده میشود در هر رکعت بعد از حمد یس و تبارک الملک
و توحید بخواند و در شب چهاردهم این نماز خوانده میشود چهار رکعت
بدو سلام شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و در آن
چند عمل است (۱) غسل (۲) زیارت امام حسین علیه
السلام (۳) شش رکعت نماز بحمد و یس و تبارک و توحید (۴)
صد رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخوانند
(۵) کسیکه در این شب نزد قبر امام حسین علیه السلام است
مستحب است که بعد از نماز عشا ده رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از
حمد ده مرتبه توحید بخواند و بخدا پناه برد از آتش جهنم روز
نیمه سنه ۳ تولد با سعادت حضرت امام حسن مجتبی علیه
السلام واقع شد و شیخ مفید فرموده که تولد امام محمد تقی
علیه السلام در سنه ۱۹۵ در این روز بوده لکن مشهور دهم رجب
است بهر حال روز بسیار شریفی است و صدقات و مبرات در
آن فضیلت بسیار دارد و در این روز سنه شصتم حضرت امام
حسین علیه السلام مسلم بن عقیل را بجانب کوفه روانه
کرد و کاغذهای کوفیان را جواب فرمود و در آن نوشت که فرستادم
بسوی شما برادر و پسر عم و ثقه اهل بیت خویش مسلم بن عقیل
را پس اگر او بنویسد بسوی من که مجتمع شده است رای عقلا و
دانایان و اشراف شما بر آنچه در نامه‌ها درج کرده اید همانا من
بزودی بسوی شما خواهم آمد انشاء الله تعالی روز هفدهم

سنه ۲ واقعه بدر اتفاق افتاد و مسلمانان سیصد و سیزده نفر بودند و مشرکین نهصد و بیست تن و از مشرکین هفتاد نفر اسیر شدند و هفتاد نفر کشته شدند که از جمله رؤساء ایشان عتبه و شیبه و ولید و حنظلة بن ابی سفیان و عاص بن سعید و زمعة الاسود و نوفل بود و بیشتر ایشان بشمشیر امیر المؤمنین علیه السلام بدرکات جهنم شتافتند نقل است چون جنگ برطرف شد و فتح برای حضرت رسول صلی الله علیه و اله واقع شد حضرت فرمود کیست که از ابوجهل خبری آورد عبد الله بن مسعود گفت یا رسول الله من حاضرم و برخواست و درمیان کشتگان قریش فحص کرد ابوجهل را دید که مجروح بر روی خاک افتاده عبد الله پا بر گردن او نهاد و بر سینه او نشست و موی زنخ او را بکشید و گفت الحمد لله الذی اخزاک ابوجهل گفت ای شبان گوسفند بر جای بلندی بر آمدی بگو فتح با کیست گفت با خدا و رسول خدا است هم اکنون سرت از تن دور کنم ابوجهل بعد از کلماتی گفت سر من را از پائین گردن جدا کن تا بزرگ و مهیب نماید در چشم محمد صلی الله علیه و اله و با او بگو که من پیوسته با تو دشمن بودم و امروز عداوتم سخت تر است عبد الله گفت من بختی از اعضا سرت را بگردن خواهم افزود تا از همه سرها حقیرتر و خوردتر نماید پس شمشیر کشید تا کار او را تمام نماید شمشیرش را حدتی نبود لاجرم تیغ ابوجهل را بر کشید و سرش را بر گرفت و نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله آورده در خاک افکند حضرت در او تامل کرد و حمد خدا یتعالی بجا آورد روی انه لما قتل قال

النبی صلی الله علیه و اله ان هذا اعتی علی الله تعالی من فرعون ان فرعون لما ایقن بالهلاک وحد الله و ان هذا لما ایقن بالهلاک دعا باللات والعزی ویلانکه ابوجهل مبتلا بود بدرد ابنه

شب نوزدهم اول شبهای قدر است و شب قدر همان شبی است که در تمام سال شبی بخوبی و فضیلت آن نمیرسد و عمل در آن بهتر است از عمل کردن در هزار ماه و در آن شب تقدیر امور سال میشود و ملئکه و روح که اعظم ملئکه است در آن شب باذن پروردگار بزمین نازل میشوند و بخدمت امام زمان علیه السلام مشرف می شوند و آنچه برای هرکس مقدر شده است بر امام علیه السلام عرض میکنند و اعمال شبهای قدر بر دو نوع است یکی آنکه در هر شب باید کرد و دیگر آنکه مخصوص است بهر شبی اما اول پس آن چند چیز است (۱) غسل است (۲) دو رکعت نماز است در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه توحید و بعد از فراغ هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ (۳) قران مجید را بگیرد و بگشاید و بگذارد در مقابل خود و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِکِتَابِکَ الْمُنْزَلِ وَ مَا فِیهِ وَ فِیهِ اسْمُکَ الْاَکْبَرُ وَ اَسْمَاؤُکَ الْحُسْنٰی وَ مَا یُخَافُ وَ یُرْجٰی اَنْ تَجْعَلَنِی مِنْ عُتَقَائِکَ مِنَ النَّارِ پس هر حاجت دارد بخواهد (۴) آنکه مصحف شریف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگوید اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْاٰنِ وَ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهِ وَ بِحَقِّ کُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِیهِ وَ بِحَقِّکَ عَلَیْهِمْ فَلَا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّکَ مِنْکَ پس ده مرتبه بگوید بِکَ یَا اَللّٰهُ و ده مرتبه بِمُحَمَّدٍ پس هر یک از معصومین علیهم السلام را

نام بود و ۱۰۰ مرتبه بگوید یا حجة بن الحسن علیه السلام برسد
انوقت حاجت خود را از خدا بخواهد (۵) زیارت کند امام
حسین علیه السلام را (۶) احیا بدارد این شبها را (۷)
صد رکعت نماز کند (۸) جوشن کبیر را بخواند (۹) بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَمْسَیْتُ لَکَ عَبْدًا دَاخِرًا الخ ابن طاؤس کفعمی از امام
زین العابدین علیه السلام روایت کرده که در این سه شب میخواند
در حال قیام و قعود و رکوع و سجود و علامهٔ مجلسی رح فرموده
که بهترین دعا و اعمال در این شبها طلب امرزش و دعا برای
مطالب دنیا و اخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران
مؤمن زنده و مردهٔ ایشان است و اذکار و صلوات بر محمد و ال
محمد علیهم السلام انچه مقدور شود **۱۹ رمضان** یعنی اعمال
مخصوصهٔ این شب ها پس اعمال شب نوزدهم چند چیز است
(۱) صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ (۲) صد
مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ (۳) بخواند
دعای یا ذَا الَّذی کَانَ که در قسم چهارم گذشت (۴) بخواند
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فیما تَقْضی وَ تُقَدِّرُ الخ **روز نوزدهم**
در صبح السنه ۴۰ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را ضربت زدند
و مجمل ان واقعه انکه در سال چهلم گروهی از خوارج در مکهٔ معظمه
جمع شدند و مذاکرهٔ نهروان کردند و بر کشتگان نهروان بگریستند
و سه نفر باهم معاهده کردند که در یک شب امیر المؤمنین علیه السلام
و عمرو عاص و معویه را بکشند ابن ملجم ملعون کشتن امیر المؤمنین ع

را بر ذمت نهاد و وارد کوفه شد و قطام بنت اخضر را ملاقات کرد
و ان زنی بود از خوارج که امیر المؤمنین علیه السلام پدر و
برادر او را در نهروان کشته بود و چون در غایت حسن و جمال
بود ابن ملجم او را خواستگاری کرد قطام گفت مهر من سه هزار
درهم است با غلام و کنیزی و کشتن علی بن ابیطالب علیه السلام
ابن ملجم گفت چگونه علی را بکشم گفت غیلةً او را میکشی و وردان
بن مجالد را که از قبیلهٔ خودش بود برای یاری ابن ملجم طلبید و ابن
ملجم نیز شبیب بن بجرهٔ خارجی را همدست کرد در انتظار بودند که تا
شب نوزدهم ماه رمضان رسید در انشب قطام در مسجد خیمه زده
بود و مشغول اعتکاف بود انسه ملعون بعزیمت قتل امیر المؤمنین
علیه السلام بمسجد آمدند قطام پارچه چند از حریر بر سینهای ایشان
بست و شمشیرها که زهراب داده با ایشان داد تا حمایل کردند و بیامدند
نزدیک اندر یکه امیر المؤمنین علیه السلام از ان در داخل مسجد
میشد نشستند و کسی از راز ایشان مطلع نبود جز اشعث بن قیس
که او نیز با ایشان متفق بود و بیاری ایشان امده بود همینکه وقت
صبح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام داخل مسجد شد و صدای
نازنینش بلند شد به ایها الناس الصلوة که ابن ملجم و همراهانش
شمشیرها کشیدند و بر انحضرت حمله آوردند و گفتند الحکم لله لا لک
یا علی شمشیر شبیب خطا کرد و شمشیر ابن ملجم بر فرق مبارک انحضرت
جا کرد و شکافت و خون جاری شد و محاسن شریفش که در عزای
رسول الله صلی الله علیه و اله خضاب نشده بود بخون خضاب

ناگهان

شد و واقع شد آنچه خدا و رسول آن خبر داده بودند و امیر المؤمنین علیه السلام در انتظار آن بود و آسوده شد آنجناب از صدمات دنیا و از غدر و مکر معویه و عمرو عاص و از بیوفائی کوفیان غدار صلوات الله و سلامه علیه و لعنة الله علی قاتله و معاندیه

روز بیستم سنه ۸ فتح مکه معظمه واقع شد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله جرم و جنایت قریش را معفو داشت و فرمود اذهبوا فانتم الطلقاء

شب بیست و یکم فضیلتش زیادتر از شب نوزدهم است و باید اعمال آن شب را از غسل و احیاء و زیارت و نماز هفت قل هو الله و قرآن بر سر گرفتن و صد رکعت نماز و دعای جوشن کبیر و غیرها در این شب بعمل آورد و از این شب شروع کند بدعای شبهای آخر که از جمله این دعا است که ابن ابی عمیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که در هر شب از این دهه خوانده میشود اَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضانَ اَوْ يَطْلَعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ وَبَقِيَ لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ اَلْقاكَ و در این شب واقع شد شهادت مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام شیخ مفید فرموده که در این شب تجدید میشود احزان آل محمد علیهم السلام و اشیاع ایشان و در این شب غسل کند و صد رکعت نماز بجا آورد و صلوات بسیار بفرستد و سعی و کوشش کند در نفرین بر ظالمان آل محمد و لعن بر قاتل امیر المؤمنین علیه السلام انتهی و در این شب حماد بن عثمان بر حضرت صادق علیه السلام وارد شد حضرت سوال کرد که غسل کرده عرض کرد بلی پس حضرت

حصیری طلبید و حماد را نزدیک خود طلبید و مشغول نماز شد و پیوسته آنحضرت نماز خواند و حماد نیز خود را بآنحضرت چسبانیده بود و نماز میخواند تا از نمازهای خویش فارغ شدند پس آنحضرت دعا کرد و حماد آمین گفت تا صبح طلوع کرد آنجناب اذان و اقامه گفت و بعض از غلامان خود را طلبید و پیش ایستاد و نماز صبح خواند و بعد از نماز مشغول بتسبیح و تحمید و تقدیس و ثنای بر خدا و صلوات بر رسول صلی الله علیه و آله و دعا برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات شد پس سر بسجده نهاد و مقدار یکساعت بجز نفس چیزی از آنجناب شنیده نشد پس از آن این دعا خواند لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْاَبْصارِ تا آخر دعا که در اقبال است

روز بیست و یکم روز قتل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و مناسب است زیارت آنجناب و کلمات حضرت خضر علیه السلام در این روز که بمنزله زیارت آنحضرت است روی الشیخ الکلینی قدس سره بسنده عن اسید بن صفوان صاحب رسول الله صلی الله علیه و آله قال لما کان الیوم الذی قبض فیه امیر المؤمنین علیه السلام ارتج الموضع بالبکاء و دهش الناس کیوم قبض فیه النبی صلی الله علیه و آله و جاء رجل باکیا و هو مسرع مسترجع و هو یقول الیوم انقطعت خلافة النبوة حتی وقف علی باب البیت الذی فیه امیر المؤمنین علیه السلام فقال رحمك الله یا ابا الحسن کنت اول القوم اسلاما و اخلصهم ایمانا الی آخره و سکت القوم حتی انقضی کلامه و بکی و بکی اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله ثم طلبوه و لم یصادفوه فهذا المصائب لکارهة

انّ بعض من خالفنا اورد الزیادة لابی بکر وانّ علیًّا زاده بها فروی الخطّابی وغیره مسندًا عن اسید بن صفوان انّ ابا بکر لمّا مات قام علیّ بن ابیطالب علی باب البیت الّذی هو مسجّی فیه فقال کنت والله للدّین یعسوبًا اوّلًا حین تفرّق النّاس الخ والله الحاکم بیننا وبینهم بالحق شب بیست وسیم از دو شب قدر سابق افضل است واز احادیث بسیار مستفاد میشود که شب قدر همین است واین شب جهنی است ودر این شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدّر میگردد واز برای این شب غیر از اعمالیکه یاد و شب سابق شریک است چند عمل دیگر است (۱) خواندن سورهٔ عنکبوت ودوم که حضرت صادق علیه السّلام قسم یاد فرموده که خوانندهٔ این دو سوره در این شب از اهل بهشت است (۲) خواندن حمٓ دخان (۳) خواندن سورهٔ قدر هزار مرتبه (۴) آنکه تکرار کند درین شب بلکه در تمام اوقات اینددعا را که برای وجود مبارک امام عصر صلوات الله علیه وارد شده اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوٰاتُکَ عَلَیْهِ فِی هٰذِهِ السّٰاعَةِ وَفِی کُلِّ سٰاعَةٍ مِنْ سٰاعٰاتِ اللَّیْلِ وَالنَّهٰارِ وَلِیًّا وَحٰافِظًا وَقٰائِدًا وَنٰاصِرًا وَدَلِیلًا وَعَیْنًا حَتّٰی تُسْکِنَهُ اَرْضَکَ وَتُمَتِّعَهُ فِیهٰا طَوِیلًا (۵) بخواند اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِی فِی عُمْرِی الخ (۶) بخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِیمٰا تَقْضِی وَفِیمٰا تُقَدِّرُ الخ (۷) بخواند دعای علیّ بن الحسین علیه السّلام را که در اقبال است یا بٰاطِنًا فِی ظُهُورِهِ الخ (۸) آنکه غیر از غسل اوّل شب غسلی نیز در آخر شب کند وبدانکه از برای غسل واحیاء این شب وزیارت امام حسین علیه السّلام وصد رکعت

نماز فضیلت بسیار وتاکید شده وروایت شده که حضرت صادق علیه السّلام سخت مریض شده بود چون شب بیست وسیم ماه رمضان شد موالی خود را امر فرمود که حرکتش دادند بمسجد بردند وآنشب را در مسجد بود تا بصبح علّامه مجلسی رح فرموده که هر مقدار قرآن که ممکن باشد در آن شب بخواند ودعاها صحیفهٔ کامله را بخواند خصوصًا دعای مکارم الاخلاق ودعای توبه وروزها این شبها را نیز باید حرمت داشت وبعبادت وتلاوت ودعا بسر آورد (فیض) کرده واحادیث معتبره وارد شده است که روز قدر در فضیلت مثل شب قدر است شب بیست وهفتم بالخصوص غسل وارد شده ومنقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السّلام در این شب این دعا را مکرّر میخواند از اوّل شب تا باخر شب اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی التَّجٰافِیَ عَنْ دٰارِ الْغُرُورِ وَالْاِنٰابَةَ اِلٰی دٰارِ الْخُلُودِ وَالْاِسْتِعْدٰادَ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ شب آخر ماه شب بسیار مبارکی است واز برای اینشب چند عمل است (۱) غسل (۲) زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام (۳) خواندن سورهٔ انعام وکهف ویٰس وصد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ (۴) وداع ماه رمضان بدعاهای وداع که سیّد وغیره نقل کرده اند وبهترین انها دعای ۴۵ صحیفهٔ کامله است وسیّد روایت کرده است از حضرت صادق علیه السّلام که هر شب آخر ماه رمضان وداع کند انماه شریف را وبگوید اَللّٰهُمَّ لٰا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیٰامِی لِشَهْرِ رَمَضٰانَ وَاَعُوذُ بِکَ اَنْ یَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اِلّٰا وَقَدْ غَفَرْتَ لِی بیامرزد حقتعالی

تا آیت ۲

او را پیش از آنکه صبح کند و روزی فرماید او را توبه و انابه و
سید و شیخ صدوق از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده اند
که گفت رفتم بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جمعهٔ
آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که ای جابر این آخر
جمعه ایست از ماه رمضان پس او را وداع کن و بگو اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا اِيَّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي مَرْحُوماً وَلَا
تَجْعَلْنِي مَحْرُوماً پس بدرستیکه هر که این دعا را در این روز بخواند
بیکی از دو خصلت نیکو ظفر می یابد یا برسیدن بماه رمضان آینده
یا بآمرزش خدا و رحمت بی انتها **روز سی ام** سید برای
آخر روز دعائی نقل کرده که اولش این است اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ و چون در این روز غالب مردم قرآن ختم میکنند سزاوار است
که بعد از ختم بخوانند دعای (۴۲) صحیفهٔ کامله را و اگر خواسته
باشند این دعای مختصر را بخوانند که شیخ از امیر المؤمنین علیه
السلام نقل کرده اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ
بَدَنِي وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصَرِي وَاَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي وَاَعِنِّي عَلَيْهِ
مَا اَبْقَيْتَنِي فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ **باب چهارم**
در ماه شوال است شب اول از جملهٔ لیالی شریفه است
و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار وارد شده
است که آن شب کمتر از شب قدر نیست و از برای آن چند عمل است
(۱) غسل است در وقت غروب آفتاب (۲) احیاء آن شب بنماز
و دعا و سوال از حق تعالی (۳) آنکه بخواند در عقب نماز مغرب

و عشا و نماز صبح و عقب نماز عید اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ عَلٰى مَا هَدٰينَا وَلَهُ الشُّكْرُ عَلٰى مَا اَوْلٰينَا
(۴) آنکه چون نماز مغرب و نافلهٔ آنرا خواند دستها را بسوی آسمان
بلند کند و بگوید يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ وَ
نَاصِرَهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ
فِي كِتَابٍ مُبِينٍ پس بسجده برود و صد مرتبه در سجده بگوید اَتُوبُ
اِلَى اللّٰهِ پس هر حاجت که دارد از حق تعالی بخواهد که ان شاء الله تعالی
برآورده خواهد شد (۵) زیارت امام حسین علیه السلام
(۶) آنکه ده مرتبه بگوید يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ
بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ الْوَرٰى
سَجِيَّةً وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلٰى فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ و در هر شب عید و
هر شب جمعه این دعا ده مرتبه خوانده میشود چنانکه کفعمی ذکر
فرموده (۷) بجا آوردن دو رکعت نماز است در رکعت اول
بعد از حمد هزار مرتبه توحید و در دوم یکمرتبه بخواند و بعد از
سلام سر بسجده بگذارد و صد مرتبه بگوید اَتُوبُ اِلَى اللّٰهِ پس بگوید
يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا و بجای آن حاجات خود را بطلبد و روایت
است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این دو رکعت را باین کیفیت
بجا میآورد پس سر از سجده برمیداشت و میفرمود بحق آنخدائیکه
جانم بدست قدرت او است هر که این نماز را بکند هر حاجت از
خدا بطلبد البته عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته

باشد خدا بیامرزد وَ در روایت دیگر بجای هزار مرتبه توحید صد
مرتبه وارد شده لکن بعد از نماز مغرب و نافله آن باید بجا آورد
و شیخ و سیّد بعد از این نماز دعائی نقل کرده اند مشتمل بر اسامی
مبارکه حقتعالی و اند عادر زاد المعاد مسطور است **روز**
اوّل روز عید فطر است و اعمال ان چند چیز است (۱) انکه
بخوانی بعد از نماز صبح و نماز عید ان تکبیرات را که در شبش بعد از
نماز فریضه میخواندی (۲) انکه بخوانی بعد از نماز صبح دعائی
را که سیّد روایت کرده اَللّٰهُمَّ اِنّی تَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ اِمامی الخ این
دعا را بعد از نماز عید ذکر کرده (۳) بیرون کردن زکوة فطره
بتفصیلی که در کتب فقهیه است (۴) غسل است و روایت
است که در زیر سقفی بکن و چون خواستی غسل کنی بگو اَللّٰهُمَّ اِیماناً
بِکَ وَتَصْدیقاً بِکِتابِکَ وَاتِّباعَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ پس بِسْمِ اللهِ بگو و غسل کن و چون فارغ شدی از غسل بگو
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ کَفّارَةً لِذُنُوبی وَطَهِّرْ دینی اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الدَّنَسَ (۵)
پوشیدن جامه نیکو و بکار بردن بوی خوش و رفتن بصحراء برای نماز کردن
در زیر آسمان (۶) پیش از نماز عید در اوّل روز افطار کنی و بهتر است
که بخرما یا بشیرینی باشد و شیخ مفید فرموده مستحبّ است تناول
کردن مقدار کمی از تربت سیّد الشّهداء علیه السّلام که شفا است از
برای هر دردی (۷) انکه چون مهیّا شد از برای رفتن بنماز عید
بخواند اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهی و چون متوجه بنماز عید
شد بخواند اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ فی هٰذَا الْیَوْمِ الخ (۸) خواندن

اعمال عید فطر

نماز عید است و آن دو رکعت است در رکعت اوّل حمد و سوره اعلی
بخواند و بعد از قرائت پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری قنوت معروف
اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْکِبْرِیاءِ وَالْعَظَمَةِ را بخواند پس تکبیر ششم بگوید و برکوع
رود و بعد از رکوع و سجود برخیزد برکعت دوّم و بعد از حمد سوره
والشّمس بخواند و در این رکعت نیز انقنوت را چهار مرتبه بخواند پس
نماز را تمام کند و بعد از سلام تسبیح زهرا علیها السّلام بفرستد
و بعد از نماز عید دعاها بسیار وارد شده است و شاید بهترین
انها دعای (۴۶) صحیفه کامله باشد و مستحبّ است که نماز
عید در زیر آسمان و بر روی زمین بدون فرش و بوریا واقع
شود و انکه برگردد از مصلّی از غیر انراهی که رفته بود و دعا کند
از برای برادران دینی خود بقبولی اعمال (۹) زیارت کند
حضرت امام حسین علیه السّلام را (۱۰) بخواند دعای ندبه را
روز پانزدهم سنه ۳ غزوه احد واقع شد و این بعد از
غزوه بدر بود بیکسال و ابوسفیان و بعض از مشرکین زنان خود
را نیز همراه آورده بودند و در اوّل کار غلبه برای مسلمانان واقع
شد برای کشتن امیر المؤمنین علیه السّلام طلحة بن ابی طلحه را که
کبش الکتیبه و علمدار لشکر کفّار بود کفّار فرار کردند مسلمانان با خذ
غنائم جمع شدند پس خالد بن الولید با جمعی دیگر که در کمین بودند
بیرون امدند و دور پیغمبر را با شمشیر و نیزه احاطه کردند و پیشانی انجناب
را شکستند و از اصحاب انحضرت هفتاد نفر کشته گشت و ابن قمیئه فریاد
برداشت که محمّد را کشتم اصحاب رسول‌خدا فرار کردند و کسی باقی نماند

جز امیر المؤمنین علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله مدهوش گشته بود و امیر المؤمنین علیه السلام کفار را از آنحضرت دور میکرد و نود جراحت بر بدن امیر المؤمنین علیه السلام رسیده بود و در آنروز از مواساة آنجناب ملائکه تعجب کردند و در میان آسمان و زمین ندا بلند شد که لا سیف الا ذو الفقار و لا فتی الا علی پس بعض اصحاب بآنجناب ملحق شدند مانند عاصم بن ثابت و ابو دجانه و سهل بن حنیف و در آنروز اسد الله حضرت حمزه بدست وحشی شهید گشت و هند مادر معویه از بغض و عداوتی که با حمزه داشت جگر حمزه را طلبید و در دهان گذاشت. دندانهایش بقدرت خدا سخت شد از دهان بیفکند از این جهة او را آکلة الاکباد لقب دادند **روز هفدهم** شنبه غزوه خندق پیش آمد و آنرا غزوهٔ احزاب نیز میگویند زیرا که قریش از همه قبایل استمداد کردند و جهودان بنی النضیر که پیغمبر ایشانرا از مدینه بیرون شدن فرموده بود بکفار مکه پیوستند و با ایشان مهیای جنگ پیغمبر شدند چون خبر به پیغمبر رسید در باب ایشان مشورت کرد سلمان عرضکرد که دور مدینه را خندق بکشند پس حفر خندق کردند مشرکین که وارد شدند در آنطرف خندق منزل کردند و مسلمانان از ایشان ترس بسیار پیدا کردند و زیاده از بیست روز حربی واقع نشد جز آنکه تیر و سنگ هم میانداختند آخر الامر یکروز جماعتی از قریش مانند عمرو بن عبدود و نوفل بن عبد الله و هبیرة بن ابی وهب و عکرمة بن ابی جهل و ضرار بن الخطاب مهیای حرب شدند و اسبهای خود را سوار شده از موضعیکه

غزوهٔ خندق

تنگتر بود از خندق جستن کردند و عمرو بن عبدود مبارز طلب کرد و چون عمرو را فارس یلیل می نامیدند و او را با هزار سوار برابر میدانستند و اصحاب در صف شجاعت او را شنیده بودند کسی جرئت میدان او نکرد همه سرها بزیر افکندند و ابن الخطاب بجهة عذر اصحاب سخنی چند از شجاعت عمرو تذکره کرد که خواطر اصحاب شکسته تر شد و منافقین چیره شدند رسول خدا صلی الله علیه و آله چون شنید که عمرو مبارز میطلبید فرمود هیچ دوستی باشد که شر این دشمن بگرداند علی مرتضی صلوات الله عرضکرد من مبارزت کنم با او حضرت خاموش شد دیگر باره عمرو ندا کرد که کیست به نزد من آید و اسبه خود را از چپ و راست بجولان در آورد و گفت وَلَقَدْ بَحَحْتُ مِنَ النِّدَاءِ بِجَمْعِكُمْ هَلْ مِنْ مُبَارِزٍ وَوَقَفْتُ إِذْ جَبُنَ الشُّجَاعُ مَوَاقِفَ الْقِرْنِ الْمُنَاجِزِ إِنِّي كَذَلِكَ لَمْ أَزَلْ مُتَسَرِّعًا نَحْوَ الْهَزَاهِزِ إِنَّ الشَّجَاعَةَ فِي الْفَتَى وَالْجُودَ مِنْ خَيْرِ الْغَرَائِزِ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود کیست از برای این سگ کیمی جوابش ندا امیر المؤمنین برخواست گفت یا رسول الله من میروم بمبارزت او حضرت فرمود یا علی این عمرو بن عبدود فارس یلیل است امیر المؤمنین عرضکرد من هم علی بن ابیطالبم خدا رحمت کند ملک الشعراء را که در اینمقام چه نیکو گفته پیمبر معرفی و دش که عمرو است این که دست یلی اخته زاستین علی گفت ای شاه اینک منم که یک پشه شیر است در جوشنم پس امیر المؤمنین اذن قتال گرفت و هروله کنان آهنگ میدان کرد و در جواب شعار

عمرو فرمود. لا تعجلن فقد اتاک مجیب صوتک غیر عاجز ذو
نیة و بصیرة والصدق منجی کل فائز انی لارجو ان اقیم علیک
نائحة الجنائز من ضربة نجلاء یبقی صوتها بعد الهزاهز پس امیر المؤمنین
عمرو را دعوت فرمود بیکی از سه امر یا اسلام اورد یا دست از
جنگ پیغمبر بدارد یا از اسب پیاده شود عمرو امر سیم را اختیار کرد
اما در بیان از جنگ یا امیر المؤمنین تو سنائی بود لاجرم گفت یا علی
بسلامت باز شو هنوز ترا هنگام میدان و نبرد با مردان نرسیده
هنوز دندان شیر بوید همی دیگر انکه من با پدرت دوست بودم
و دوست ندارم که ترا بکشم و میدانم پسر عمت بچه امید ترا بجنگ
من فرستاده و حال انکه من قدرت دارم ترا بر نیزه ات بر بایم و در
میان آسمان و زمین معلق بدارم که نه مرده باشی و نه زنده امیر
المؤمنین علیه السلام فرمود این سخنان بگذار همانا من دوست
میدارم که ترا در راه خدا بکشم پس عمرو پیاده شد و اسب خود را
پی کرد و با شمشیر آخته بر سر امیر المؤمنین علیه السلام تاخت و با
یکدیگر سخت بکوشیدند که زمین از گرد تاریک شد و لشکریان از
دو جانب ایشانرا نمیدیدند آخر الامر عمرو فرصتی کرد و شمشیر خود
را بر امیر المؤمنین فرود اورد امیر المؤمنین سپر در سر کشید عمرو
سپر را دو نیم کرد و سر آنجناب را جراحتی رسانید امیر المؤمنین چون
شیر زخم خورده بر عمرو شتافت و بیک ضربت کار او را بساخت
تکبیر بگفت مسلمانان دانستند که امیر المؤمنین علیه السلام غلبه
کرده شاد شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که مبارزت

علی روز خندق افضل از اعمال امت من است تا روز قیامت و عکرمة
و هبیرة و نوفل و ضرار که همراه عمرو بودند فرار کردند و تفصیل را این رساله
گنجایش ندارد و شایسته است اشعار شیخ ازری را که در اهتمام سروده
در اینجا ذکر نمایم و این رساله را بان زینت دهم قال رحمه الله

ظهرت منه فی الوری سطوات ... ما اتی القوم کلهم ما اتاها
یوم غصت بجیش عمرو بن ود ... لهوات الفلا وضاق فضاها
وتخطی الی المدینة فردا ... لا یهاب العدی ولا یخشاها
فدعاهم وهم الوف ولکن ... ینظرون الذی یشب لظاها
این انتم من قسور عامری ... تتقی الاسد باسه فی شراها
این من نفسه تتوق الی الجنات ... او یورد الجحیم عداها
فابتدی المصطفی یحدث عما ... یوجر الصابرون فی اخراها
قائلا ان للجلیل جنانا ... لیس غیر المجاهدین یراها
من لعمرو وقد ضمنت علی الله ... له من جنانه اعلاها
فالتووا عن جوابه کسوام ... لا تراها مجیبة من دعاها
واذا هم بفارس قرشی ... ترجف الارض خیفة ان یطاها
قائلا ما لها سوای کفیل ... هذه ذمة علی و فاها
ومشی یطلب البراز کما تمشی ... خماص الحشی الی مرعاها
فانتضی مشرفیة فتلقی ... ساق عمرو بضربة فبراها
والی الحشر رنة السیف منه ... یملاء الخافقین رجع صداها
یا لها ضربة حوت مکرمات ... لم یزن ثقل اجرها ثقلاها
هذه من علاه احدی المعالی ... وعلی هذه فقس ما سواها

اتی الامر یعنی کرد اینکار را
تخطی الناس یعنی گام زد در رقاب مردم را و گذشت از
الهوا علی
شب برافروختن اتش و حرب و مانند آن لظی یعنی
اتش
تاق از باب نصر یعنی ارزومند شد
التواء سستی و کاهلی کردن بهادر کار و دوری کردن ازو
سوام بفتح یعنی چرنده
عدی بالکسر و الضم یعنی ستمکاران و دشمنان و دزدان جمع عادی است
رجع صدا بالضم واخر بازگشت آواز
خماص جمع خمیص
الحشا کامیابید

روز بیست و پنجم سنه ۱۴۸ صد و چهل هشت بقول بعضی وفات امام جعفر صادق علیه السلام واقع شده و بعضی روز وفات را نیمه رجب گفته اند و سبب وفات آنحضرت زهری بوده که در انگور با نحضرت خورانیده بودند و نقل است که چون هنگام وفات آنحضرت شد چشمها خود را گشود فرمود که خویشان مرا جمع کنید چون همه جمع شدند بسوی ایشان نظر کرد و فرمود شفاعت ما نمیرسد بکسیکه نماز را سبک شمارد و اعتنا بشان او ننماید پس فرمود هفتاد دینار طلا بحسن افطس بدهید و برای هر یک از اقارب خویش وصیتی فرمود قبر شریف آنحضرت در مدینه طیبه در بقیع در بقعه پدر بزرگوارش و جدش امام زین العابدین و عمش امام حسن مجتبی علیهم السلام واقع است **باب پنجم در ماه ذی القعده است** بدانکه اینماه اول ماههای حرامست که حقتعالی در قران مجید ذکر فرموده و سید روایتی نقل کرده که ذی القعده محل اجابت دعا است در وقت شدت و در روز یکشنبه اینماه نمازی با فضیلت بسیار از رسولخدا صلی الله علیه و اله روایت کرده که مجملش اینست که در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز گذارد در هر رکعت حمد یکمرتبه و قل هو الله سه مرتبه و معوذتین یکمرتبه پس استغفار کند هفتاد مرتبه و ختم کند استغفار را به لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَظِیمِ پس بگوید یَا عَزِیزُ یَا غَفَّارُ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی وَذُنُوبَ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ و بدانکه روایت شده که هر که در یکی از ماههای حرام سه روز متوالی که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته

باد صبا دره و بوزانا از میان صف برش امد برای حرب مشرفیه بفتح راء یعنی شمشیر منسوب بمشارف شام و ان دهها که شمشیرها را بان نسبت میدهند
رنه بالفتح اواز و اواز گریه از حلق
خافقین مشرق و مغرب
صدی کرجی اواز کوه وسه و مانند آن
رجیع یعنی بر گشتن اواز
مکرمه بضم را ببزرگی و جوانمردی
ظاهر انست که این استغفار و دعا بعد از بعد از نماز باید بجا اورد منه

شود **روز پنجم** بمفاد اینروایت برفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل رفع قواعد خانه کعبه معظمه شد بدست ابرهیم و اسمعیل علیهما السلام **روز یازدهم** سنه ۱۴۸ صد و چهل و هشت ولادت باسعادت حضرت امام رضا علیه السلام واقع شده در مدینه بنابر مشهور و در تعیین اسم والده ماجده اش اختلاف است و مشهور در اخبار تکتم و نجمه است و بعد از ولادت حضرت رضا علیه السلام طاهره اش گفتند و در روایت شده از انمخدره که گفت چون حامله شدم بفرزند بزرگوارم بهیچوجه ثقل حمل در خود احساس نمی کردم و چون بخواب میرفتم صدای تسبیح و تهلیل و تمجید حقتعالی از شکم خود می شنیدم و خائف و ترسان میشدم چون بیدار میگشتم صدائی نمی شنیدم چون انفرزند سعادتمند از من متولد شد دستهای خود را بر زمین گذاشت و سر مطهر خود را بسوی اسمان بلند کرد و لبهای مبارکش حرکت میکرد و سخنی میگفت که نفهمیدم و در انساعت امام موسی علیه السلام نزد من امد و فرمود گوارا باد ترا ای نجمه کرامت پروردگار تو پس انفرزند سعادتمند را در جامه سفیدی پیچیدم و بانحضرت دادم و گوش راستش اذان گفت و در گوش چپش اقامه گفت و اب فرات طلبید و کامش را بان برداشت پس او را بمن داد و فرمود بگیر این را که بقیة الله است در زمین و حجت خدا است بعد از من و روایت شده که حضرت امام موسی علیه السلام با پسران خود میفرمود که این اولاد من برادر شما علی بن موسی عالم آل محمد است از او سوال کنید معالم دین خود را و حفظ کنید فرمایشات او را همانا شنیدم از پدرم

امام رضا علیه السلام

که مکوّر بمن میفرمود که عالم آل محمد علیهم السلام در صلب تو است وایکاش من او را درک میکردم همانا او همنام امیر المؤمنین علی علیه السلام است و شیخ صدوق از ابرهیم بن العباس روایت کرده که گفت هرگز ندیدم که حضرت امام رضا علیه السلام کسیرا بکلام خویش جفا کند و ندیدم که هرگز کلام کسیرا قطع کند یعنی در میان سخن کسی سخن گوید ورد نکرد حاجت احدیرا که مقدور او بود براورد و هیچگاهی در حضور کسی پا دراز نفرمود و در مجلس در محضر مردم تکیه نمیفرمود و هیچوقت ندیدم او را که یکی از غلامان خود بد گوید و فحش دهد و هیچگاهی ندیدم که آب دهان خود را دور افکند و هیچگاهی ندیدم که در خندهٔ خود قهقهه کند بلکه خندهٔ او تبسم بود و چون خلوت میفرمود و خوان طعام نزد او مینهادند ممالیک خود را تمام بر سر سفره میطلبید حتی دربان و میراخور خود را و با ایشان طعام میل میفرمود و عادة آنجناب این بود که شبها کم میخوابید و بیشتر شب را بیدار بود و روزه بسیار میگرفت و روزهٔ سه روز از هر ماه که پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه و چهارشنبهٔ میان ماه باشد از او فوت نشد و میفرمود روزه این سه روز مقابل روزهٔ دهر است و آنحضرت کثیر المعروف بود و در پنهانی صدقهٔ بسیار میداد و بیشتر صدقات آنجناب در شبهای تار بود پس اگر کسی ادعا کرد که مثل آنحضرت را در فضل دیده است پس تصدیق نکنید او را شب **پانزدهم** شب مبارکی است خداوند نظر رحمت میفرماید بر بندگان مؤمنین خود و کسی که در این شب بطاعت حق تعالی مشغول باشد از برای او باشد اجر صد

ساتح
یعنی روزه دار
ملازم مسجد

نفر سائح که معصیت نکرده باشد خدا را طرفة العینی چنانکه در روایت نبوی است پس این شب را مغتنم شمار و مشغول کن خود را بطاعت و عبادت و نماز و طلب حاجات از خدا همانا روایت شده که هر کس سؤال کند در اینشب حاجات از خداوند تعالی بار عطا خواهد شد **در قرسانن** **بیست و سیم** سنهٔ ۲۰۳ بقولی شهادت حضرت امام رضا علیه السلام واقع شده و زیارت آنحضرت از نزدیک و دور سنت است قال السید بن طاوس فی الاقبال و رایت فی بعض تصانیف اصحابنا العجم رضوان الله علیهم انه یستحب ان یزار مولینا الرضا علیه السلام یوم ثالث عشرین من ذی القعدة من قرب او بعد ببعض زیارات المعروفة او بما یکون کالزیارة من الروایة بذلک **شب بیست و پنجم** شب دحو الارض است و آن بنا بر شرافت است که رحمت خدا در آن نازل میشود و قیام بعبادت در آن اجر بسیار دارد و از حسن بن علی وشا روایت است که گفت من با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذی القعده پس فرمود که امشب حضرت ابرهیم علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام متولد شد اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روز آن روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه داشته باشد و بروایت دیگر است که فرمود در این روز حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد نمود **در روز بیست و پنجم** روز دحو الارض است و یکی از آن چهار روز است که در تمام سال بفضیلت روزه ممتاز است و روزه اش مثل روزه هفتاد سال است و هر که این روز را روزه بدارد و شبش را بعبادت

دحو الارض یعنی پهن شدن زمین از زیر خانهٔ کعبه

بسر او رود از برای عبادت صد سال نوشته شود و از برای
روزه دار این روز هرچه در میان آسمان و زمین است استغفار
کند و این روزیست که رحمت خدا در آن منتشر گردیده و از برای عبادت
و اجتماع بذکر خدا در این روز اجر بسیار است و از برای این روز
بغیر از روزه و عبادت و ذکر خدا و غسل دو عمل وارد است
(۱) نمازی که در کتب شیعه چنین روایت شده و آن دو
رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره و الشمس بخواند و بعد از نماز — است در وقت چاشت در هر رکعت
بخواند لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ پس دعا کند
و بخواند یَا مُقِیلَ الْعَثَرَاتِ اَقِلْنِی عَثْرَتِی یَا مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ
دَعْوَتِی یَا سَامِعَ الْاَصْوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِی وَارْحَمْنِی وَتَجَاوَزْ عَنْ
سَیِّئَاتِی وَمَا عِنْدِی یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ (۲) خواندن
این دعا است که شیخ روایت فرموده اَللّٰهُمَّ دَاحِیَ الْکَعْبَةِ
الخ و بدانکه میرداماد رحمه الله در رساله اربعه ایام خود در بیان
اعمال روز دحو الارض فرموده که زیارت حضرت امام رضا علیه السلام
در این روز از افضل اعمال مستحبه و اکد آداب مسنونه است و همچنین
زیارت آنحضرت در روز اول ماه رجب المرجب نیز بغایت مؤکد و محثوث
علیها است روز آخر ماه سنه ۲۲۰ دویست و بیست بنابر مشهور
حضرت امام محمد تقی علیه السلام بزهر معتصم در بغداد شهید شد
و این بعد از دو سال و نیم تقریبا از فوت مامون گذشته بود چنانکه
خود آنجناب میفرمود اَلْفَرَجُ بَعْدَ الْمَامُونِ بِثَلٰثِینَ شَهْرًا و این
کلمه مشعر است بر آنکه آنحضرت از سوء معاشرت مامون در کمال اذیت

صدمه بوده که مرگ خود را فرج و گشایش خود تعبیر فرموده چنانکه
پدر بزرگوارش حضرت امام رضا علیه السلام در زمان ولایت
عهد خود نیز چنین بوده در هر جمعه که از مساجد جامع مراجعت
میفرموده بهمان حالیکه عرق دار و غبار آلوده بوده دستها را بدرگاه
الهی بلند میکرد و میگفت الهی اگر فرج و گشایش امر من در مرگ من
است پس همین ساعت در مرگ من تعجیل فرما و پیوسته در غم و غصه
بود تا از دنیا رحلت فرمود و حضرت امام محمد تقی علیه السلام در
وقتیکه وفات کرد از سن شریفش بیست و پنجسال و چند ماهی گذشته
بود قبر شریفش در بقعه مبارکه کاظمیه در پشت سر جد بزرگوارش
حضرت امام موسی علیه السلام واقعست و کیفیت شهادة آنمظلوم
باختلاف نقل شده اشهر آنست که زوجه اش ام الفضل دختر مامون
بتحریک عمویش معتصم آنحضرت را مسموم کرد چه آنکه ام الفضل از آن
حضرت منحرف بود بسبب آنکه آنجناب میل بزنان دیگر خود میفرمود
و والده امام علی نقی را براو ترجیح میداد و باین سبب ام الفضل
همیشه از آنحضرت در رشکی بود و در زمان حیوة پدرش مکرر بر
نزد او شکایت میکرد و مامون گوش بسخن او نمیداد و بسبب آنچه
با امام رضا کرده بود دیگر متعرض اذیت کردن اهل بیت رسالت را
مناسب دولت خود نمیدانست مگر یکشب که ام الفضل رفت نزد مامون
و شکایت کرد که حضرت جواد زنی از اولاد عمار یاسر گرفته و بدگوئی برای
آنحضرت کرد مامون چون مست شراب بود در غضب شد و شمشیر
برداشت و آمد ببالین آنحضرت و چندان شمشیر بر بدن آنجناب زد

که حاضرین گمان کردند که بدن آنجناب پاره پاره شد چون صبح شد
دیدند آنحضرت سالم است و اثر زخمی در بدن ندارد پس حضرت
مامون را نصیحت کرد که شرب خمر نکند و فرمود که چون شب با من
بکند غافل بود ضربی از آن زخمها بمن نرسید و اند غار التعلیم مامون
فرمود و برای او نوشت و اند عامعروف است بحرز جواد مکشوف
باد که چون مامون حضرت جواد را بعد از فوت پدرش ببغداد طلبید
و دختر خود را تزویج نمود حضرت چندیکه در بغداد بود از معاشرت
مامون منزجر گردید از مامون رخصت طلبید و متوجه حج بیت
الله شد و از آنجا بمدینه جد خود معاودت فرمود و بود تا مامون
وفات کرد و معتصم بجای او نشست و این در ۱۷ رجب سنه ۲۱۸
دویست و هیجده بود و چون معتصم خلیفه شد از وفور استماع فضائل
و کمالات آنمعدن سعادات و خیرات نائره حسد در کانون سینه
اش اشتعال یافت و در صدد دفع آنحضرت برآمد و آنجناب را ببغداد
طلبید حضرت فرزند دلبند خود امام علی نقی را خلیفه و جانشین خود
گردانید و ودایع نبوت و آثار رسالت را باو تسلیم فرمود و او را
وداع کرد و با دل خونین مفارقت تربت جد خود اختیار فرموده
روانه بغداد شد و در روز ۲۸ محرم سنه ۲۲۰ دویست و بیست
داخل بغداد شد و معتصم چون انحراف ام الفضل را از آنحضرت
دانست او را طلبید و بقتل آنحضرت او را راضی کرده زهری برای او فرستاد
که در طعام آنجناب داخل کند ام الفضل انگور رازقی را زهرآلوده کرده
بنزد آن امام مظلوم آورد چون از آن تناول فرمود اثر زهر در

بدن مبارکش ظاهر شد ام الفضل از کرده خود پشیمان شده و
چاره نمیتوانست کرد گریه وزاری میکرد حضرت فرمود الحال که مرا
کشتی گریه وزاری میکنی بخدا سوگند که ببلائی مبتلا خواهی
شد که مرهم پذیر نباشد چون آن نونهال جویبار امامت در اوان
سن جوانی از پا درآمد معتصم ام الفضل را بحرم خود طلبید و در
همان روز ناسوری در بعضی از اعضای او بهم رسید که هر چند
اطبا معالجه کردند مفید نیفتاد تا آنکه از حرم معتصم بیرون
آمد و آنچه از مال دنیا داشت صرف مداوا کرد و چنان پریشان
شد که محتاج بسوال شد و با بدترین احوال هلاک شد و بروایت
دیگر معتصم شربت حماضی زهرآلوده برای آنحضرت فرستاد و بآنحضرت
خورانید و شهیدش نمود و شیخ عیاشی روایتی نقل کرده که بسبب
سعایت ابن ابی دواد قاضی معتصم یکی از نویسندگان خود را امر
کرد که آنحضرت را بضیافت طلبید و طعام مسموم بآنحضرت خورانید و آن
حضرت را شهید گردانید و روایت شده از مردی که همیشه با آنحضرت
امام محمد تقی ع بود گفت در وقتیکه آنحضرت در بغداد بود روزی
در خدمت امام علی نقی ع در مدینه نشسته بودیم و آنحضرت کودک
بود و لوحی در پیش داشت میخواند ناگاه تغییری در حال آنحضرت
ظاهر شد پس برخواست و داخل خانه شد ناگاه صدای شیون
شنیدیم که در خانه آنحضرت بلند شد بعد از ساعتی حضرت
بیرون آمد از سبب آن احوال سوال کردیم فرمود که در این ساعت
پدر بزرگوارم وفات فرمود گفتم از کجا معلوم شما شد فرمود که از اجلال

و تعظیم حقتعالی مرا حالتی عارض شد که پیش ازین در خود چنین حالتی
نمییافتم ازین حالت دانستم که پدرم وفات کرده و امامت بمن
منتقل شده است پس بعد از مدّتی خبر رسید که حضرت در همان
ساعت برحمت الهی واصل شده بود

باب ششم در اعمال ذی الحجّه است

بدانکه اینماه از ماههای شریفه است و چون
اینماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعین اهتمام عظیم در عبادت
میکردند و دههٔ اوّل آن ایامیست ایّام معلومات و در نهایت فضیلت
و برکت است و از رسولخدا صلّی اللّه علیه و آله مرویست که عمل خیر و
عبادت در هیچ ایّامی نزد حقتعالی محبوبتر نیست از این دهه و از برای
این دهه اعمال چند است (۱) روزه گرفتن نه روز از اوّل این
دهه که ثواب روزه تمام عمر دارد (۲) خواندن دو رکعت نماز میان
مغرب و عشا در تمام شبهای این دهه در هر رکعت بعد از حمد یکمرتبه توحید
و آیه وَ وٰاعَدْنٰا مُوسیٰ بخواند تا با ثواب حاجیان شریک شود (۳)
از روز اوّل تا روز عرفه در عقب نماز صبح و پیش از مغرب این دعای
صادق را بخواند اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْاَیّٰامُ الَّتِی فَضَّلْتَهٰا الخ (۴) در هر
روز از دهه بخواند پنج دعائی را که جبرئیل برای حضرت عیسی علیه
السّلام هدیه آورده (۵) بخواند تهلیلات ملوتیه را و اگر روزی
ده مرتبه بخواند بهتر است لٰا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّیٰالِی وَ الدُّهُورِ الخ

شب اوّل

روز بسیار مبارکی است و در آن چند عمل است
(۱) روزه که ثواب هشتاد ماه دارد (۲) خواندن نماز حضرت
فاطمه علیها السّلام و شیخ فرموده که روایت شده که آن چهار رکعت

است مثل نماز امیر المؤمنین علیه السّلام در هر رکعت
حمد یکمرتبه و توحید پنجاه مرتبه و بعد از سلام تسبیح آنحضرت بخواند و بگوید
سُبْحٰانَ ذِی الْعِزِّ الخ (۳) دو رکعت نماز پیش از زوال به نیمساعت
در هر رکعت حمد یکمرتبه و هر یک از توحید و آیة الکرسی و قدر
ده مرتبه (۴) هر که از ظالمی ترسد در این روز بگوید حَسْبِی
حَسْبِی حَسْبِی مِنْ سُؤٰالِی عِلْمُکَ بِحٰالِی تا حقتعالی کفایت کند
شرّ ظالم را از او و بدانکه در این روز تولّد شده حضرت ابرهیم خلیل
علیه السّلام و در این روز بروایت شیخین تزویج شده حضرت فاطمه
با امیر المؤمنین علیهما السّلام در سنه این روز حضرت رسول صلّی
اللّه علیه و آله ابوبکر را فرستاد بسمت مکّه که آیات اوائل سوره برائه
را بر کفّار مکّه بخواند پس از رفتن او جبرئیل نازل شد که ادای این
امر باید بدست تو یا بدست مردیکه از تو باشد بشود و بروایت
دیگر باید علی علیه السّلام تبلیغ کند از جانب تو پس رسول خدا صلّی
اللّه علیه و آله امیر المؤمنین را که بمنزله جان اش بود از برای این امر خبر داد
فرمود و ابوبکر را از ادای آن عزل فرمود بتفصیلیکه در کتب معتبره
مسطور است ابن ابی الحدید در خطاب باوی گفته تَمَخَّضَ عَنِ الْعَلْیٰا
بُحَاحُ ذُیُولِهٰا هُمٰامٌ تَرَدّیٰ بِالْعُلیٰ وَ تَأَزَّرٰا فَتیً لَمْ یُعَرِّقْ فِیهِ
تَیْمُ بْنُ مُرَّةٍ وَ لٰا عَبَدَ اللّٰاتَ الْخَبِیثَةَ اَعْصُرٰا وَ لٰا کٰانَ مَعْزُولاً
غَدٰاةَ بَرٰائَةٍ وَ لٰا عَنْ صَلٰوةٍ اَمَّ فِیهٰا مُؤَخَّرًا **روز هفتم**
سنه ۱۱۴ صد و چهارده بستن پنجاه و هفت وفات حضرت امام محمد باقر
دو صد بنر واقع شده شیخ کلینی و دیگران از حضرت صادق علیه

السلام روایت کرده اند که فرمود پدرم را بیماری صعبی عارض شد
که اکثر مردم بر آن حضرت خائف شدند و اهل بیت آنحضرت گریان شدند
حضرت فرمود که من در این مرض نخواهم رفت زیرا که دو کس نزد من آمدند
و مرا چنین خبر دادند پس از آن مرض صحت یافت و مدتی صحیح و سالما
ماند پس روزی مرا طلبید و فرمود جمعی از قریش از اهل مدینه را
حاضر کن چون ایشان را حاضر کردم فرمود که ای جعفر چون من بعالم بقا
رحلت کنم مرا غسل ده و کفن کن و قبر مرا چهار انگشت از زمین بلند
کن و آب بر قبر من بریز و اهل مدینه را گواه گرفت چون ایشان بیرون
رفتند گفتم ای پدر آنچه میفرمودی بعمل میاوردم و احتیاج بگواه نبود
فرمود ای فرزند برای این گواه گرفتم که بدانند تو وصی من و در
امامت من با تو نزاع نکنند گفتم ای پدر امروز شما را از همه روز صحیح
تر می بینم و آزاری در شما مشاهده نمیکنم فرمود آن دو کس که مرا در
آن مرض خبر دادند که صحت می یابم در این مرض نزد من آمدند و گفتند
بعالم بقا رحلت مینمائی و بروایت دیگر فرمود که ای فرزند مگر نشنیدی
از حضرت علی بن الحسین علیه السلام از پس دیوار مرا ندا کرد که ای محمد
بیا زود باش که ما انتظار تو میکشیم و روایت شده که آنحضرت هشتصد
درهم برای تعزیه و ماتم خود وصیت فرمود و از حضرت صادق علیه
السلام مرویست که پدرم گفت ای جعفر از مال من وقفی بکن برای ندبه
کنندگان که ده سال در منی در موسم حج بر من گریه کنند و رسم ماتم را
تجدید نمایند و بالجمله آنحضرت را بزهر شهید کردند و آیا قاتل آنحضرت هشام
بن عبد الملک است یا ابراهیم بن الولید اختلافست و در بعضی روایات

است که عبد الملک مروان زینی فرستاد در مدینه و بر اسب زدند و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام سوار شد و در آن زهر تعبیه کرده بودند پس بدن
مکرمش ورم کرد و آثار موت در خود مشاهده نمود پس وصیت خود را فرمود
و سه روز درد و الم بود و در روز سیم از اثر زهر شهید شد این روایت
مخالف اقوال مشهوره و تواریخ مضبوطه است چرا که عبد الملک در هشتاد
و شش وفات کرد و وفات حضرت باقر را از سال صد و چهارده تا
صد و هفده ذکر کرده اند و آن در ایام خلافت هشام ابن عبد الملک بوده
و شاید از روایت لفظ هشام سقط شده باشد و آن زین زهرآلود را
هشام بن عبد الملک فرستاده باشد والله العالم و در این روز سنه ۱۷۹
صد و هفتاد و نه حضرت امام موسی علیه السلام را از مدینه بیرون کردند و بعیسی بن
جعفر بن ابی جعفر منصور تسلیم کردند عیسی آنحضرت را در یکی از حجرات خانه
خود که نزدیک بدر خانه بود محبوس کرد و مشغول لهو و سرور و عید کرد بلد
اتفاقی از کنیزان او [illegible] بوده نقل شده که میگفت این عبد صالح و
بنده شایسته خدا یعنی موسی بن جعفر علیه السلام در این ایام که در این خانه
محبوس بود چیزی چند شنید از لهو و لعب [illegible] خوانندگی و انواع نواختن
[illegible] گمان ندارم که بخاطر شریفش اینها خطور کرده باشد مدت
[illegible] محبوس بود پس آنجناب را ببغداد بردند و در نزد فضل
بن ربیع حبس کردند **روز هشتم** روز ترویه است و روزه
اش فضیلت دارد و کفاره شصت سال روایت شده و شیخ شهید
غسل این روز را مستحب دانسته و در این روز سنه شصتم مسلم بن
عقیل خود را در کوفه ظاهر کرد و اصحاب خود را امر بخروج فرمود

و در همان روز عمرو بن سعید بن العاص با جماعت بسیاری بهانهٔ
حج بمکه آمدند و از جانب یزید مامور بودند که امام حسین ع را در
مکهٔ معظمه بهر حال که باشد بگیرند و نزد یزید ببرند یا آنکه او را
بقتل رسانند لاجرم امام حسین علیه السلام احرام حج را بعمره
عدول فرمود و طواف خانه و سعی ما بین صفا و مروه بجای آورد
و محل شد و متوجه عراق گردید و ابن عباس گفته که پیش از آنکه
متوجه عراق گردد بر در کعبه ایستاده بود و دست جبرئیل در دست
او بود و جبرئیل ندا میکرد مردم را هَلُمّوا اِلی بَیعَةِ اللهِ شب نهم
از لیالی متبرکه شب مناجات با قاضی الحاجات است و توبه در آن
شب مقبول و دعا در آن مستجاب است و کسیکه آن شب را بعبادت
بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت داشته باشد و از برای
آن شب چند عمل است (۱) بخواند اَللّهُمَّ یا شاهِدَ کُلِّ نَجوی
الخ (۲) بخواند آن تسبیحات عشر را که سید ذکر کرده (۳)
بخواند دعای اَللّهُمَّ مَن تَعَبَّأَ وَ تَهَیَّأَ را که در روز عرفه و شب جمعه
نیز وارد است (۴) زیارت کند زمین کربلا را و بماند در آنجا
تا روز عید تا آنکه از شر آن سال نگاه داشته شود روز نهم
روز عرفه و از اعیاد عظیمه است اگرچه باسم عید نامیده نشده
است و روزیست که حقتعالی بندگان خویش را بعبادت و طاعت
خود خوانده و موائد جود و احسان خود را برای ایشان گسترانیده
و از برای آن اعمالی چند است (۱) غسل (۲) زیارت امام
حسین علیه السلام و اگر کسی توفیق یابد که در این روز در تحت

قبهٔ مقدسهٔ آنحضرت باشد ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات باشد
نیست بلکه زیاده است (۳) بعد از نماز عصر پیش از آنکه مشغول
بخواندن دعاهای عرفه شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان
و اعتراف کند نزد حقتعالی بگناهان خود تا فایز شود بثواب عرفات
و گناهانش آمرزیده گردد و شیخ کفعمی ره بعد از این دو رکعت فرموده
که دو رکعت دیگر بجا آورد در رکعت اول حمد و توحید و در دوم
حمد و جحد پس از آن چهار رکعت دیگر بجا آورد در هر رکعت
حمد و پنجاه مرتبه توحید فقیر گوید که این چهار رکعت نماز
بعینه نماز امیرالمؤمنین علیه السلام است که فضیلت بسیار دارد
(۴) دعای ۴۷ صحیفهٔ کامله بخواند (۵) دعای عرفه
حضرت سید الشهداء علیه السلام را بخواند (۶) بخواند تسبیحاتی
را که کفعمی نقل کرده و فرموده که ثواب آن از کثرت احصا نمیشود و
اول آن سُبحانَ اللهِ قَبلَ کُلِّ اَحَدٍ است (۷) بخواند دعاهای عرفه
نبویه و سجادیه و صادقیه و کاظمیه و رضویه علیهم السلام مرویه
در اقبال را و بالجمله کسیکه توفیق یابد و امروز در عرفات باشد
ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعاست
و در تمام ایام سال این روز شریف بجهة دعا امتیازی دارد و دعا
از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد و در روایت وارده
در حال عبدالله بن جندب است که در موقف عرفات و دعای او برای
برادران مؤمن خود مشهور است و رجاء واثق از برادران دینی آنکه
این گنهکار روسیاه را در حال حیوة و ممات از دعای خیر فراموش نفرمایند

(۸) آنکه بخواند آخر روز عرفه این دعا را اِلٰهی اِنَّ ذُنُوبی لا تَضُرُّکَ وَ اِنَّ مَغْفِرَتَکَ لی لا تَنْقُصُکَ فَاَعْطِنی ما لا یَنْقُصُکَ وَاغْفِرْ لی ما لا یَضُرُّکَ ایضاً در عشیّهٔ عرفه بخواند اَللّٰهُمَّ لا تَحْرِمْنی خَیْرَ ما عِنْدَکَ لِشَرِّ ما عِنْدی فَاِنْ اَنْتَ لَمْ تَرْحَمْنی بِتَعَبی وَ نَصَبی فَلا تَحْرِمْنی اَجْرَ الْمُصابِ عَلیٰ مُصیبَتِهِ در این روز توبهٔ حضرت آدم قبول شده و حضرت ابراهیم و عیسیٰ علیهما السّلام متولّد شده اند و توریة براو نازل شده و در این روز اصحاب رسول صلّی الله علیه و آله مامور شدند که درهای خانه های خود را که بمسجد آنحضرت باز می شد ببندند مگر حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام و در این روز سنه شصتم شهید شد مسلم بن عقیل و هانی بن عروه رحمة الله و رضوانه علیهما **شب دهم** از لیالی متبرّکه و از آن چهار شبی است که احیا آنها مندوبست و درهای آسمان در این شب بازست و سنّت است دران زیارت امام حسین علیه السّلام و دعای یا دائِمَ الْفَضْلِ که در شب عید فطر بان اشاره شد **روز دهم** روز عید اضحی است و بسیار روز شریفی است و مادر عید فطر بجهت از آداب عید اشاره کردیم و در اینجا نیز چند عمل مذکور میشود (۱) غسل است که در این روز سنّت مؤکّد است و بعضی از علما واجب دانسته اند (۲) نماز عید است بهمان نحو که در عید فطر گذشته لکن در این روز مستحب است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی شود (۳) خواندن دعاهائی است که وارد شده پیش از نماز عید و بعد از آن و بهترین دعاهای این روز دعای ۴۸ صحیفهٔ کامله اَللّٰهُمَّ

هٰذا یَوْمٌ مُبارَکٌ است و دعای ۴۶ یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لا یَرْحَمُهُ الْعِبادُ را نیز بخواند (۴) خواندن دعای ندبه است (۵) قربانی است که سنّت مؤکّد است (۶) خواندن تکبیرات است برای کسیکه در منی باشد عقیب پانزده نماز که اوّلش نماز ظهر روز عید است و آخرش نماز صبح روز سیزدهم و کسانیکه در سایر شهرها هستند بخوانند عقیب ده نماز از ظهر روز عید تا صبح دوازدهم و تکبیرات این است اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلیٰ ما هَدانا اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلیٰ ما رَزَقَنا مِنْ بَهیمَةِ الْاَنْعامِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلیٰ ما اَبْلانا و مستحبّ است تکرار این تکبیرات عقیب نمازها بقدر امکان و خواندن بعد از نوافل **روز پانزدهم** سنهٔ ۲۱۲ دویست و دوازده ولادت باسعادت حضرت امام علی نقی علیه السّلام واقع شد در قریهٔ صریا که در حوالی مدینهٔ طیّبه است و بعضی در دوّم رجب اشاره بولادت آنحضرت نمودیم **شب هیجدهم** روز عید غدیر و عید آل محمّد علیهم السّلام و عظیم ترین اعیاد است و روایت است که از حضرت صادق علیه السّلام پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر از جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزیست که نصب کرد حضرت رسول صلّی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السّلام را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولی و آقای اویم پس علی مولی و آقا و پیشوای اوست و آن روز هیجدهم

ذی الحجه است راوی گفت که چه کار در آن روز باید کرد فرمود
باید که روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد علیهم السلام
را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول
خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را که این روز
را عید گردانند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این روز
را عید گردانند و در حدیث ابن ابی نصر بزنطی است از حضرت
رضا علیه السلام که فرمود ای پسر ابی نصر هر کجا که باشی سعی کن که نزد قبر
مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حاضر شوی بدرستیکه خدا
در این روز میامرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت
ساله ایشانرا و در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر آنچه
آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یک درهم که
در این روز ببرادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در
اوقات دیگر بدهی و احسان کن در این روز ببرادران مؤمن خود
و شاد گردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را بخدا قسم که اگر مردم
فضیلت این روز را بدانند چنانکه باید هر آینه هر روز ده مرتبه
ملائکه با ایشان مصافحه کنند و بالجمله اعمال این روز مبارک چند
چیز است (۱) روزه است که کفاره شصت سال گناه است (۲)
غسل است (۳) زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است
و سزاوار است که انسان هر کجا باشد سعی کند که خود را بقبر مطهر
آنحضرت برساند و از برای آنجناب در این روز سه زیارت مخصوص
نقل شده که یکی از آنها زیارت معروفه بامین الله است که از نزدیک

و دور خوانده میشود و آن از زیارات جامعه مطلقه است نیز (۴)
بخواند تعویذ را که سید از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت
کرده (۵) دو رکعت نماز کند و بسجده رود و صد مرتبه شکر خدا کند
پس سر از سجده بردارد و بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّ لَکَ الْحَمْدُ الخ
و بهتر آنکه این نماز را نزدیک بزوال گذارد و در رکعت اول قدر و در
دوم توحید بخواند (۶) دو رکعت نماز کند پیش از زوال بنیم
ساعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه از توحید و قدر و آیة
الکرسی را ده مرتبه بخواند که مقابل صد هزار حج و صد هزار عمره
و باعث قضاء حوائج است و بهتر آنکه بعد از نماز این دعا را بخواند
رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً الخ (۷) بخواند دعای ندبه را (۸)
بخواند دعای اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ عَلِیٍّ وَلِیِّکَ الخ
و اگر بتواند بخواند دعاهای مبسوطه را که سید روایت کرده (۹)
آنکه چون مؤمنی را ملاقات کند این تهنیت را بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذی جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّکینَ بِوِلایَةِ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ الْاَئِمَّةِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ
و نیز بخواند دعای اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی اَکْرَمَنا بِهٰذَا الْیَوْمِ و بدانکه
در این روز شریف از برای پوشیدن جامهای نیکو و زینت کردن
و شادی کردن و شاد نمودن شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام
و عفو از تقصیرات ایشان و توسعه بر عیال و اطعام مؤمنان و افطار
دادن روزه داران و مصافحه با مؤمنین و رفتن بزیارت ایشان
و تبسم کردن بروی ایشان و شکر الهی بجا آوردن بجهت نعمت بزرگ
ولایت و بسیار فرستادن صلوات و اکثار در عبادات و طاعات از جمله

هر یک فضیلتی عظیم است و یک درهم که کسی در این روز ببرادر مؤمن خود بدهد برابر است با هزار درهم در غیر این روز و طعام دادن به مؤمنی در این روز مثل طعام دادن بجمیع پیغمبران و صدیقان است و این روز روز قبول اعمال شیعیان و روز برطرف شدن غمهای ایشان است و این روزی است که حضرت موسی علیه السلام بر ساحران غلبه کرده و خداوند آتش را بر ابرهیم خلیل علیه السلام سرد و سلامت کرده و موسی علیه السلام یوشع بن نون را وصی خود ... و سلیمان علیه السلام رعیت خود را بر استخلاف اصف بن برخیا اشهاد کرده و رسول خدا میان اصحاب خود برادری افکنده و در این روز نیز ۳۵ سنهٔ بیعت کردند مردم با امیر المؤمنین علیه السلام بخلافت بعد از عثمان **روز بیست و چهارم** بنا بر اشهر روزیست که مباهله کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله با نصارای نجران و پیش از آنکه خواست مباهله کند عبا بر دوش مبارک کرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را داخل در زیر عبا نمود و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند با و خداوندا اینها اهل بیت من اند پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک کن ایشانرا پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر در شان ایشان آورد پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله اینچهار بزرگوار را بیرون برد از برای مباهله چون نگاه نصاری بر ایشان افتاد و حقیت آنحضرت و آثار نزول عذاب مشاهده کردند جرئت مباهله ننمودند

کردانید و عیسی شمعون الصفا را وصی خود قرار داده ص

واسندعای مصالحه و قبول جزیت نمودند و در این روز نیز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در حال رکوع انکشتری خود را به سائل داد و آیه اِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللّٰهُ در شانش نازل شد و بالجمله این روز روز شریفی است و در آن چند عمل وارد است (۱) غسل (۲) روزه (۳) دو رکعت نماز و آن مثل روز غدیر است در وقت و کیفیت و ثواب (۴) خواندن دعای مباهله که شبیه بدعای سحرهای ماه رمضان است (۵) دو رکعت نماز کند با آداب و شرایط و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند پس اشاره کند بموضع سجود و بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ الخ و شایسته است در این روز تصدق بر فقرا بجهة تاسی بمولای هر مؤمن و مؤمنه امیر المؤمنین علیه السلام و زیارت کردن آنحضرت و انسب خواندن زیارت جامعه است **روز بیست و پنجم** روز شریفی است و روزیست که هل اتی در حق اهل بیت نازل شده بجهة آنکه سه روز روزه کرفتند و افطار خود را در هر سه شب بمسکین و یتیم و اسیر دادند و باب افطار نمودند و مستحب است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در این ایام تاسی بمولای خود نمایند در تصدق بمساکین و ایتام و سعی در اطعام ایشان و روزه بدارند و چون بعض علماء این روز را روز مباهله میدانند زیارت جامعه و دعای مباهله را در این روز خواندن مناسب است **روز بیست و هفتم** ۱۳۲ سنه مروان حمار بقتل رسید و دولت آل مروان منقرض شد و در این روز ۲۱۲ سنه بروایت شیخین ولادت با سعادت حضرت هادی علیه السلام واقع شده و روز سرور و روزه و نماز شکر و صدقات

و در روز ... عید ... (handwritten margin note, partly illegible)

است **روز بیست و هشتم** سنه ۶۳ شصت و سه واقعهٔ
حرّه اتفاق افتاد و آن واقعه آن بود که چون اهل مدینه بر شنائع اعمال
یزید اطلاع یافتند بیعت او را از خود خلع کردند و عامل او را از مدینه
بیرون کردند یزید مسلم بن عقبه را با لشکر فراوان بمدینه فرستاد چون
لشکر یزید بسنگستان مدینه که معروف بحرّهٔ واقم است رسیدند اهل مدینه
بدفع ایشان بیرون شدند اهل شام شمشیر در میان ایشان کشیدند
و جمعیت بسیاری از اهل مدینه را بکشتند و حربی عظیم فیما بین واقع شد
اهل مدینه تاب نیاوردند و بمدینه گریختند و پناه بروضهٔ رسول صلّی
الله علیه و آله بردند لشکر شام ایشان را تعاقب کردند و اصلا از خدا و رسول
شرم نکرده با اسبان خود داخل روضهٔ منوّره شدند و پیوسته از
مردم کشتند تا روضه و مسجد پر از خون شد و تا قبر مطهّر نبوی خون
رسید پس از فراغ از حرب ابن عقبهٔ ملعون اموال و زنان اهل مدینه
را تا سه روز بر لشکر خویش مباح داشت **روز سی ام** که آخر
سال عرب است بروایت سید دو رکعت نماز وارد است در هر رکعت حمد
یکمرتبه و توحید و آیة الکرسی هر یک ده مرتبه و بعد از سلام بخواند اللّهم
ما عملت فی هذه السنة الخ **باب هفتم در ماه محرّم است**
شب اوّل در آن چند نماز وارد است (آ) صد رکعت نماز بحمد و توحید
(۲) دو رکعت نماز در رکعت اوّل حمد و انعام و در دوم حمد و یس (۳)
دو رکعت نماز و یازده قل هو الله و در روایت است که هر که در این شب این
دو رکعت نماز را بجا آورد و صبحش را که اوّل سال است روزه بدارد مثل
کسی است که تمام سال را مداومت بخیر کرده و در آن سال محفوظ باشد و اگر

بمیرد ببهشت برود و سیّد برای هلال این ماه دعای مبسوطی ذکر
کرده **روز اوّل** بدانکه اوّل محرّم اوّل سال است و در آن دو
عمل است (آ) روزه است و در روایت ریّان بن شبیب از
حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هر که در این روز روزه بدارد
و خدا را بخواند خداوند دعای او را مستجاب کند چنانکه دعای زکریّا
را مستجاب فرمود (۲) دو رکعت نماز است که از رسول خدا
صلّی الله علیه و آله روایت شده و بعد از فراغ دست بدعا بردارد
و سه دفعه بخواند دعای اَللّهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَدِیمُ الخ شیخ طوسی
فرموده که مستحبّ است روزهٔ دههٔ اوّل محرّم ولکن روز عاشورا
را امساک نماید از طعام و شراب تا بعد از عصر آنوقت بقدر کمی
تربت تناول نماید **روز نهم** روز تاسوعا است از حضرت
صادق علیه السلام روایت است که فرمود تاسوعا روزی بود
که جناب حسین علیه السلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و
سپاه شام بر قتال آنحضرت اجتماع کردند و ابن مرجانه و عمر سعد خوش
حال شدند بسبب کثرت سپاه و بسیاری لشکر که برای آنها جمع
شده بود و جناب حسین علیه السلام و اصحابش را ضعیف شمردند
و یقین کردند که یاوری از برای آنحضرت نخواهد آمد و اهل عراق او را مدد
نخواهند نمود پس فرمود پدرم فدای آن ضعیف غریب **شب دهم**
شب عاشوراء است و سیّد در اقبال از برای این شب دعا و نماز
های بسیار با فضیلتهای بسیار نقل کرده از جمله چهار رکعت نماز است
در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و این نماز مطابق است با نماز

امیر المؤمنین علیه السلام که فضیلت بسیار دارد و بعد از نماز فرموده ذکر خدا بسیار کند و صلوات ... بفرستد بر رسول خدا صلّی الله علیه و آله و لعن کند بر دشمنان ایشان آنچه میتواند و در فضیلت احیای این شب روایت کرده که مثل آنست که عبادت کرده باشد بعبادت جمیع ملائکه و اگر کسی را توفیق شامل حال شود و در این شب در کربلا باشد و زیارت امام حسین علیه السلام کند و بیتوته نزد آنجناب نماید تا صبح خدا او را محشور فرماید در جمله شهدا فعن الصادق علیه السلام من بات عند قبر الحسين عليه السلام ليلة عاشوراء لقى الله يوم القيمة ملطخا بدمه كانّما قتل معه فی عرصة كربلا **روز دهم** روز عاشوراء و روز شهادت امام حسین علیه السلام است و در این روز در کربلا در وقت صباح حضرت امام حسین علیه السلام دست بدعا برداشت و گفت اللّهمّ انت ثقتی فی كلّ كرب و انت رجائی فی كلّ شدّة الخ پس صف آرائی لشکر خود نمود و امر فرمود تا آتش در هیزمهای خندق زدند که ان خندق و آتش حاجب باشد از رفتن لشکر بجانب خیمهای زنان و از آن طرف عمر سعد نیز صفوف لشکر خود را آراست پس حضرت سوار بر شتری شد و ما بین دو لشکر ایستاد و اهل عراق را ندا کرد و بعد از حمد و صلوة نسب خود را اظهار نمود و بیان فرمود که آیا شما نیستید که نامهای متواتر بمن نوشتید و مرا بدینجا دعوت کردید حالا چه شده آیا من کسی را کشته‌ام یا کسی را اسیری نموده‌ام یا مال کسی را از کسی برده‌ام برای چه برای کشتن من جمع شده‌اید پس عمر سعد تیری

بچله کمان گذاشت و با لشکر گفت که شهادت دهید نزد امیر که من اوّل کسیکه تیر بجانب امام حسین علیه السلام افکند همینکه ان تیر را افکند لشکر او نیز لشکر سید الشهدا را تیرباران کردند حضرت فرمود باصحاب خود که خدا رحمت کند شما ها را مهیا شوید مرگ را که چاره ندارد و در همان ساعت جماعتی از اصحاب آنجناب شهید شدند و پیوسته یکیک بمیدان رفتند و شهید شدند تا وقت ظهر رسید ابو ثمامه عرض کرد وقت زوال است بگذار یک نماز دیگر با شما بجا بیاوریم از لشکر عمر سعد مهلت نماز خواستند آنکافران بیحیا مهلت ندادند لاجرم زهیر بن قین و سعید بن عبد الله خود را وقایه آنجناب کردند تا آنجناب نماز کند پس یکیک از اصحاب بمیدان رفتند و شهید شدند تا نوبت بجوانان هاشمی رسید ایشان نیز یکیک بجهاد رفتند و بنحوی جهاد کردند و شهید شدند که از تصور حال ایشان جگرها آتش میگیرد مثلا جناب علی اکبر چون خواست بمیدان برود پدر نگاه مایوسانه بقامت او کرد گریه او را فرو گرفت و کلمات معروفه اللّهمّ اشهد على هؤلاء القوم را فرمود علی اکبر چون بمیدان رفت و جنگ کرد و تشنگی در او خیلی تاثیر کرد برگشت بنزد پدر و گفت یا ابتاه العطش قد قتلنی و ثقل الحديد اجهدنی خدا داند که در ان حال بر آن پدر مهربان چه گذشت که ابی نداشت که جگر تشنه فرزندش را خنک کند لاجرم سخت بگریست و بمیدان برگشت و جهاد کرد تا او را شهید نمودند همین که پدر بالای سر او آمد و آن بدن پاره پاره و صورت شبیه رسول خدا را بخون و غبار آلوده دید صورت بان صورت نهاد و فرمود قتل الله قوما قتلوك ما اجرأهم على الرحمن

وَعَلی اِنتِهاكِ حُرمَةِ الرَّسُولِ عَلَی الدُّنیا بَعدَكَ العَفا وهکذا ملاحظهٔ
شهادت قاسم و واقعهٔ قطع شدن دستهای جناب ابوالفضل وکیفیت شهادت
انمظلوم وسایر شهدا که مجال ذکر نیست و بالاتر از همه تذکر شهادت انطفل
رضیع است نمیدانم که سید مظلومان چه حالی داشته انوقتی که انطفل را
بانجناب دادند که ابی برای او بگیرد عوض انکه انقوم بیحیا انطفل را
اب دهند تیری بگلوی نازکش زدند که انطفل در دست پدر جان
داد و تامل کن در حال عبدالله بن الحسن ان هنگامیکه عموی
خود را در میان لشکر تنها دید از خیمه نزد انجناب دوید وقتی رسید
که ظالمی شمشیر بلند کرده بود که بانحضرت زند عبدالله گفت وای
بر تو ای فرزند خبیثه میخواهی عموی مرا بکشی پس دست خود را
سپر شمشیر کرد دست مقدسش را قطع کرد و بپوست اویزان شد پس
ناله اش بلند شد که یا عماه اماه حضرت او را در بر گرفت و او را تسلی میداد
که حرمله او را تیری زد و شهید کرد و ملاحظه کن کیفیت شهادت خود
انمظلوم را ببین چه گذشته بر انحضرت و بر اهل بیت و خصوص انوقتی
که بجهت وداع ایشان بخیمه امد و انها را صدا زد و با یکیك وداع
کرد و امر بصبر فرمود ایشانرا و ان لباس کهنه را طلبید و در زیر جامه
خود پوشید و بمیدان رفت و رجز خواند و با انحال تشنگی و داغهای
کمرشکن که انحضرت دیده بود پیشانی مقدسش را شکستند جامه بلند کرد
که خون از چهره پاك نماید تیر زهر الود سه شعبه بقلب مبارکش رسید
همینکه ان تیر را از قفا بیرون کشید مانند ناودان خون از جای
ان جاری شد حضرت دستها را از ان خون پر میکرد و بجانب اسمان

بود چه نوع مبارزت و شجاعت از آن حضرت ظاهر شد تا آنکه

میریخت و هم بسر و صورت خویش میمالید در این وقت بواسطهٔ این زخم
و زخمهای فراوان دیگر که بر بدنش بود ضعف و ناتوانی عارض ان
جناب شد از کارزار ایستاد مالك بن بسیر بجانب انجناب روانشد
و ناسزا گفت و شمشیری بر سر مبارکش زد که کلاه زیر عمامهٔ انحضرت
مملو از خون شد صالح بن وهب ملعون نیزه بر پهلوی مبارکش زد که
از اسب بروی زمین افتاد جناب زینب چون این بدید از خیمه
بیرون دوید و فریاد برداشت وااخاه واسیداه وااهل بیتاه
ایکاش اسمان خراب میشد و بر زمین میافتاد و کاش کوهها از
هم می پاشید و عمر سعد را فرمود ای عمر ابو عبدالله را میکشند
و تو او را نظاره میکنی انملعون جواب نگفت زینب بالشکر فرمود
وای بر شما مگر میان شما یك نفر مسلمان نیست احدی جواب او
را نداد بالجمله شمر لشکر را ندا کرد که مادر بر شما بگرید چه انتظار میبرید
چرا کار تمام نمیکنید پس همگی بر انحضرت از هر سو حمله کردند حصین
بن نمیر تیری بر دهان مقدسش زد و ابو ایوب غنوی تیری بر حلقوم
شریفش زد پس انجناب را شهید کردند بنحویکه ذکرش را شایسته نمیدانم
و شایسته است که شیعیان در این روز مشغول کاری از کارهای
دنیا نکردند و از برای خانهٔ خود چیزی ذخیره نکنند و مشغول گریه و
نوحه و مصیبت باشند و تعزیت حضرت امام حسین را اقامه نمایند
و بماتم اشتغال نمایند بنحویکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود
اشتغال مینمایند و زیارت کنند انحضرت را بزیارت عاشورا و سعی کنند
بر نفرین و لعن بر قاتلان انحضرت و یکدیگر را تعزیت گویند در مصیبت

حسین را مر

آنجناب و بگویند اَعْظَمَ اللّهُ اُجُورَنا وَاُجُورَکُمْ بِمُصابِنا بِالْحُسَیْنِ
عَلَیْهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا وَاِیّاکُمْ مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الْاِمامِ
الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ و اگر کسی در این روز نزد قبر
امام حسین علیه السلام باشد و مردم را آب دهد مثل کسی باشد
که لشکر آنحضرت را آب داده باشد و با آنجناب در کربلا حاضر شده
باشد و خواندن هزار مرتبه توحید درین روز فضیلت دارد و بدین
شایسته است که شیعیان درین روز امساک کنند از خوردن و آشامیدن
بی آنکه قصد روزه کنند و در آخر روز بعد از عصر افطار کنند بچیزی
که اهل مصیبت میخورند مثل ماست یا شیر و امثال آنها نه مثل
غذاهای لذیذه و آنکه جامههای پاکیزه بپوشند و بندها را بگشایند
و آستین ها را بالا کنند بهیئت صاحبان مصیبت و شیخ طوسی
در مصباح از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت
من در روز عاشوراء بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم
دیدم که رنگ مبارکش متغیر و آثار حزن و اندوه از روی شریفش ظاهر
است و مانند مروارید آب از دیدههای مبارکش میریزد گفتم یا ابن رسول
الله سبب گریهٔ شما چیست خدا هرگز دیدهٔ شما گریان مباد فرمود مگر غافلی
که امروز چه روز است مگر نمیدانی که در مثل این روز جدم حسین
شهید شده است گفتم یا ابن رسول الله چه میفرمائی در روزه
این روز فرمود که روزه بدار بی نیت روزه و در روز افطار کن نه
از روی شماتت و تمام روز را روزه مدار و بعد از عصر بیک ساعت
بشربتی از آب افطار کن که در مثل این روز در این وقت جنگ از آل

رسول منقضی شد و سی نفر از ایشان با موالی ایشان بر زمین
افتاده بودند که هر یک از ایشان اگر در حیات حضرت رسول فوت میشد
آنحضرت صاحب تعزیهٔ او بود پس حضرت آنقدر گریست که محاسن شریفش
تر شد الخ و در آخر روز عاشوراء سزاوار است که یاد آوری از
حال حرم امام حسین علیه السلام و دختران و اطفال آنحضرت که در
اینوقت در کربلا اسیر اعدا به حزن و بکاء بودند و مصیبتهائی بر ایشان
گذشته که در خاطر هیچ آفریده خطور نکند و قلم را تاب نوشتن نباشد
پس بر خیزد و سلام کند بر رسول خدا و علی مرتضی و فاطمهٔ زهرا و حسن
مجتبی و سایر امامان از ذریهٔ سید الشهداء علیهم السلام و ایشان
را تعزیت گوید براین مصائب عظیمه با دل بریان و چشم گریان

روز بیست و پنجم سنه ۹۴ بقول شیخین و کفعمی و غیره و در
دوازدهم بقول شیخ شهید سنه نود و پنج که آن سال را سنة الفقهاء
میگفتند حضرت امام زین العابدین علیه السلام از دنیا رحلت فرمود
و قاتل آنحضرت ولید بن عبد الملک لعنه الله بود روایت شده که در شب وفاتش
آب وضو طلبید چون آب برایش آوردند فرمود در این آب میته است
چون نزدیک چراغ بردند نگاه کردند موش مرده در آن بود آنرا ریختند
و آب دیگر برایش آوردند پس خبر فوت خود را داد و هم در آنشب حال
اغمائی برایش رو داد چون بهوش آمد سورهٔ واقعه و انا فتحنا خواند و
گفت اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی صَدَقَنا وَعْدَهُ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّةِ
حَیْثُ نَشاءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعامِلینَ و در وقت وفات حضرت امام محمد باقر
را بسینه چسبانید و این وصیت را که پدر در وقت شهادت باو فرموده

مشتمل بر [illegible] وفات امام زین العابدین علیه [illegible]

بود که زنهار ستم مکنید بر کسیکه یاوری بر تو بغیر از خدا نداشته باشد
و در روایت است که این کلمات را مکرر نمود تا وفات فرمود اَللّٰهُمَّ
ارْحَمْنِی فَاِنَّکَ کَرِیْمٌ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِی فَاِنَّکَ رَحِیْمٌ و بعد از وفات تمام
مردم بجز سعید بن المسیب بر جنازهٔ انجناب حاضر شدند و برا و
نماز گذاردند وانحضرت را ببقیع بردند و در نزد عمش حضرت مجتبی علیه
السلام دفن نمودند و چون جسد مبارکش را از برای غسل برهنه
کردند و بر مغتسل نهادند بر پشت مبارکش از ان انبانهای طعام
و سایر چیزها که بر دوش کشیده بود برای فقرا و ارامل و ایتام اثرها
دیدند که مانند زانوی شتر پینه بسته بود و انجناب را ناقه بود که بیست
و دو حج بران گذارده و یکتازیانه براو نزده بود بعد از دفن انحضرت
ان ناقه از حظیرهٔ خود بیرون امد و بنزدیک قبر انجناب رفت بی انکه ان
قبر را دیده باشد و سینهٔ خود را بران قبر گذاشت و فریاد و ناله کرد و
اب از دیدگان خود ریخت خبر بحضرت باقر دادند تشریف اوردند و بناقه
فرمود ساکت شو و برگرد خدا برکت دهد برای تو ناقه بجای خود برگشت
بعد از اندک زمانی بنزد قبر امد و باز شروع بناله و اضطراب کرد تا سه
روز چنین بود تا هلاک شد روز بیست و ششم سنه ۱۴۶ صد و
چهل و شش وفات کرد علی بن الحسن المثلث در زندان منصور و این
علی همانست که در میان بنی الحسن بعبادت و ذکر و صبر بر شداید ممتاز
بود نقل است که وقتی عمویش عبد الله از ضجرت حبس و ثقالت قید و
بند علی را گفت که می بینی ابتلاء و گرفتاری ما را از خدا نمیخواهی که
ما را از این زندان و بلا نجات دهد علی زمانی طویل پاسخ نداد

انگاه گفت ای عم همانا از برای ما در بهشت درجه ایست که نمیرسیم بان
مگر باین بلیه یا چیزی که اعظم از این باشد و هم از برای منصور درکه
ایست در جهنم که نمیرسد بان مگر انکه بجا اورد بما انچه را که می بینی از
بلا پس اگر میخواهی صبر میکنیم براین بلا باشد ابد و بزودی راحت
میشویم و اگر میخواهی دعا میکنیم بجهة خلاصی لکن منصور بان درکه که در
جهنم دارد نخواهد رسید گفتند بلکه صبر میکنیم پس سه روز بیشتر نگذشت
که در زندان جان دادند و راحت شدند و علی بن الحسن در حالت سجده از
دنیا رخت کشید عبد الله را گمان او را خواب ربوده گفت فرزند برادرم
را بیدار کنید چون او را حرکت دادند دیدند بیدار نمی شود دانستند
که وفات کرده

باب هشتم در ماه صفر است

بدانکه اینماه معروف بنحوست است و برای رفع نحوست هیچ چیز بهتر
از تصدق و ادعیه و استعاذات وارده نیست و اگر کسی خواهد که
محفوظ ماند از بلاهای نازله در اینماه در هر روز ده مرتبه بخواند
چنانکه محدث فیض فرموده یَا شَدِیْدَ الْقُوٰی یَا شَدِیْدَ الْمِحَالِ یَا عَزِیْزُ
یَا عَزِیْزُ یَا عَزِیْزُ ذَلَّ بِعِزَّتِکَ جَمِیْعُ خَلْقِکَ فَاکْفِنِیْ شَرَّ خَلْقِکَ یَا مُجْمِلُ
یَا مُنْعِمُ یَا مُفْضِلُ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ
فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِیْنَ وَصَلَّی اللّٰهُ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ و سید دعائی برای هلال اینماه
روایت کرده روز اول سنه ۳۷ شروع بجنگ صفین شد
و در این روز سنه بقولی سر مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام
را وارد دمشق کردند و بنی امیه انروز را عید قرار دادند و ان روز

که تا زنده میشود در آن احزان كَانَتْ مَاتِمٌ بِالْعِرَاقِ تَعُدُّهَا أُمَوِيَّةٌ
بِالشَّامِ مِنْ أَعْيَادِهَا و در این روز و بقولی روز سیم سنه صد و بیست
و یک زید بن علی بن الحسین شهید شده **روز سیم** سنه
پنجاه و هفت در مدینه طیبه حضرت امام محمد باقر علیه السلام متولد
شد و شیخ و بعضی از علماء روز ولادت را غره رجب گفته اند
والده ماجده اش حضرت فاطمه مکناة بام عبد الله دختر امام حسن
مجتبی علیه السلام بوده و آنحضرت ابن الخیرتین و علوی بین علویین بود
از آنحضرت روایت است که فرمود روزی مادرم در زیر دیواری
نشسته بود که ناگاه صدائی از دیوار بلند شد و از جا کنده شد
چون خواست که بر زمین فرود آید مادرم بدست خود اشاره کرد
بدیوار و فرمود نباید فرود آئی قسم بحق مصطفی که حقتعالی رخصت
نمیدهد ترا در افتادن پس آن دیوار معلق درمیان زمین و هوا باقی
ماند تا آنکه مادرم از آنجا گذشت پس پدرم امام زین العابدین علیه
السلام صد اشرفی براو تصدق داد و از حضرت صادق علیه السلام روایت
است که آنجناب یاد کرد آنمخدره را و فرمود که جده ام صدیقه بود و در
آل حضرت حسن زنی بدرجه و مرتبه او نرسید و بروایت سید مستحب
است در این روز دو رکعت نماز در رکعت اول حمد و انا فتحنا
و در دوم حمد و توحید بخواند و بعد از سلام صد مرتبه صلوات
بفرستد و صد مرتبه بگوید اللّٰهم العن آل ابی سفیان و صد مرتبه استغفار
کند پس حاجت خود را بخواهد **روز هفتم** بقول شیخ و کفعمی و
دیگران و بقول شیخین در روز بیست و هشتم سنه پنجاهم شهادت

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام واقع شده بدانکه بعد از شهادت امیر
المؤمنین علیه السلام مردم با فرزندش امام حسن بیعت کردند و آنجناب
قریب شش ماه بر سریر خلافت مستقر بود پس از آن با معویه صلح فرمود بشرحیکه
در جای خودش بشرح رفته و این در پنجروز باخر ماه ربیع الاول مانده سنه ۴۱ بود
و بعد از آن مصالحه معویه داخل کوفه شد و بر بودن از نو و امال خود
سوار گشت و امام حسن علیه السلام بمدینه رفت و پیوسته کظم غیض فرموده
و ملازمت منزل خود داشت و منتظر امر پروردگار خود بود تا آنکه ده سال
از مدت امارت معویه بگذشت و معویه عازم شد که بیعت بگیرد
برای فرزند خود یزید و چون این خلاف شرایط معاهده و مصالحه
بود که با امام حسن علیه السلام کرده بود لاجرم بدین سبب و هم بملاحظه
حشمت و جلال امام حسن و اقبال مردم بآنجناب از آنحضرت بیمناک گشت
پس بیکدل و یکجهت تصمیم قتل آنحضرت نمود و زهری از پادشاه روم
طلبیده با صد هزار درهم برای جعده زوجه آنحضرت دختر اشعث
بن قیس فرستاد و ضامن شد که اگر آنحضرت را مسموم نماید او را بحباله
یزید در آورد لاجرم جعده بطمع مال و آن وعده کاذبه امام حسن علیه
السلام را بشربتی مسموم ساخت و آنحضرت چهل روز بحالت مرض میزیست
و پیوسته زهر در وجود مبارکش اثر میکرد تا در ماه صفر سنه ۵۰ بسن چهل
و هشت سال از دنیا رحلت کرد و برادرش امام حسین علیه السلام متولی تجهیز
و تغسیل و تکفین او گشت و در نزد جده اش فاطمه بنت اسد رضی الله عنها
مدفون گشت و واقعه تیرباران کردن جنازه مبارکه در مناقب ابن
شهرآشوب و در زیارت جامعه ائمة المؤمنین علیهم السلام مذکور است

و نیز در این روز سنه ۱۲۸ صد بیست و هشت ولادت با سعادت
حضرت موسی بن جعفر واقع شد در ابواء که منزلی است میان مکه
و مدینه از ابو بصیر روایت است که گفت در سالی که حضرت امام
موسی علیه السلام متولد شد من در خدمت حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام بسفر حج رفتم چون بمنزل ابواء رسیدیم حضرت
برای ما چاشت طلبید و بسیار و نیکو آوردند در اثنای طعام
خوردن پیکی از جانب مکرمه معظمه حمیده بسوی آنجناب آمد که حمیده
میگوید که اثر وضع حمل در من ظاهر شده و فرموده بودی که چون اثر
آن ظاهر شود ترا خبر کنم که این فرزند مثل فرزندان دیگر نیست
پس حضرت شاد و خوشحال برخواست و متوجه خیمه حرم مبارک شد
و بعد از اندک زمانی معاودت نمود شکفته و خندان و آستینهای
مبارک خود را برزده گفتیم خدا همیشه دهان مبارکت را خندان و
دلت را شادمان بدارد حال حمیده چگونه شد فرمود که حق تعالی بمن پسری
عطا فرموده که بهترین خلق خداست و حمیده مرا بامری خبر داد که من از او
مطلعتر بودم پس ابو بصیر گفت چه خبر داد ترا حمیده فرمود گفت که
چون آن مولود مبارک بزمین آمد دستهای خود را بر زمین نهاد و سر
خود را بسوی آسمان بلند کرد من با او گفتم که چنین است علامت ولادت حضرت
رسالت و اوصیاء بعد از آنحضرت صلوات الله علیهم اجمعین و از منهال
قصاب مرویست که چون حضرت صادق علیه السلام بمدینه مراجعت فرمود
برای آن مولود مسعود سه روز اهل مدینه را ولیمه داد **روز نهم**
ماه مذکور موافق نقل مسعودی و سبط ابن جوزی شهادت عمار یاسر

رضی الله عنه در صفین واقع شده بدانکه چون روز پنجشنبه نهم صفر
سنه ۳۵ شد جناب امیر المؤمنین علیه السلام در صفین بمبارزت
بیرون شد جنگ سختی شد و در آن روز عمار یاسر را مردی و
مردانگی پیدا و میفرمود انی لاری وجوه قوم لا یزالون یقاتلون
حتی یرتاب المبطلون والله لو هزمونا حتی یبلغوا بنا سعفات
هجر لکنا علی الحق وهم علی الباطل پس حمله کرد و جنگ نمایانی نمود و بر
گشت بموضع خود و طلب آبی نمود زنی از بنی شیبان کاسه از لبن
برای او آورد عمار که کاسه لبن را دید گفت الله اکبر امروز روزیست
که شهید شوم و دوستان خود را در آخر ملاقات نمایم پس رجز
خواند و مقاتله کرد تا شهید شد و در آنوقت از سنین عمرش نود و سه
سال گذشته بود و شهادتش بر امیر المؤمنین علیه السلام خیلی اثر کرد
و در مجالس المؤمنین و غیره است که چون عمار شهید شد شهادت نوشید
امیر المؤمنین علیه السلام بر بالین او آمد و سر او را بر زانوی مبارک نهاده
فرمود الا ایها الموت الذی لست تارکی ارحنی فقد افنیت کل
خلیل اراک بصیرا بالذین احبهم کانک تنحو نحوهم بدلیل
اقول اذا کان حال امیر المؤمنین علیه السلام بعد قتل عمار
هکذا فکیف حال امیر الحسین علیه السلام بعد قتل اخیه و ناصره العباس
علیه السلام وقد رآه ملقی علی الارض مقطوع الیدین معفر الخدین
مضرج بالدماء مرمل بالعراء **روز هفدهم** بقولی
شهادت حضرت امام رضا واقع شده در سنه ۲۰۳ دویست و سه
روز بیستم روز اربعین و بقول شیخین روز رجوع حرم

امام حسین علیه السلام است از شام بمدینه و روز ورود جابر بن عبد
الله انصاری است بکربلا بجهت زیارت امام حسین علیه السلام و او اول
زائر انحضرت است و زیارت انحضرت در این روز مستحب است و از حضرت
عسکری علیه السلام روایت شده که فرموده علامات مؤمن پنج چیز است
پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله در شب و روز گذاردن و زیارت اربعین
کردن و انگشتر بدست راست کردن و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و
بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و شیخ در تهذیب زیارت مخصوص این
روز را از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده

روز بیست و هشتم

سنه ۱۱ روز وفات حضرت خاتم صلوات الله علیه و آله است و روز وفات
روز دوشنبه بوده بالاتفاق و در وقت وفات سنین عمر مبارکش به
شصت و سه رسیده بود چهل سال از سن شریفش گذشته بود که وحی
بر حضرتش نازل شد و بعد از آن سیزده سال در مکه مردم را دعوت
بخدا فرمود و در سال دهم هجری وفات فرمود و بعد از وفات امیر المؤمنین
علیه السلام متوجه غسل و حنوط انحضرت شد و بعد از تغسیل و تکفین بر
انجناب نماز گذاشت پس دسته دسته اصحاب امدند و بدون امام نماز
بر انحضرت گذاشتند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام انجناب را در حجره
طاهره در همان محلی که از دنیا رفته بود مدفون ساخت از انس
بن مالک روایت است که چون از دفن پیغمبر فارغ شدیم حضرت فاطمه
سوی من امد و گفت ای انس چگونه نفس شما همراهی کرد که خاک بصورت
پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله بریزید پس گریست و فرمود یا ابتاه اجاب
ربا دعاه یا ابتاه من ربه ما ادناه الخ اید و جهان زیر زمین از

پرستی نمود و بعد از
سه سال داشت
که بعد از هجرت

چه خاک تربت انحضرت بر داشت و بروایت معتبر است که انحضرت مشتی
از خاک پاک انقبر مطهر گرفت و بر دیدگان گذاشت و گفت

ماذا علی المشتم تربة احمد | ان لا یشم مدی الزمان غوالیا
صبت علی مصائب لو انها | صبت علی الایام صرن لیالیا

و شیخ یوسف سماهیجی از در النظیم نقل کرده که انحضرت این اشعار را در مرثیه
پدر فرموده

قل للمغیب تحت اثواب الثری | ان کنت تسمع صرختی وندائیا
صبت علی مصائب لو انها | صبت علی الایام صرن لیالیا
قد کنت ذات حمی بظل محمد | لا اخش من ضیم و کان حمالیا
فالیوم اخضع للذلیل واتقی | ضیمی وادفع ظالمی بردائیا
فاذا بکت قمریة فی لیلها | شجنا علی غصن بکیت صباحیا
فلاجعلن الحزن بعدک مونسی | ولاجعلن الدمع فیک وشاحیا

روز اخر ماه

سنه ۲۰۳ بقول شیخ طبرسی شهادت امام رضا
علیه السلام واقع شده بانگور مسموم سن مبارکش پنجاه و پنج سال
بود و قبر شریفش واقع شد در خانه حمید بن قحطبه در قریه سناباد
از ارض طوس و در انخانه است قبر رشید نیز

باب هشتم

ماه ربیع الاول است شب اول سال سیزدهم

بعثت مبدء هجرت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود از مکه معظمه
بمدینه منوره و در ان شب در غار ثور مختفی شد و حضرت امیر جان
خود را فدای جان شریف او نمود و در جای انحضرت خوابیده و از
شمشیرهای قبائل مشرکین پروا نکرد و فضل خود و مواسات و

برادری خود را با رسول خدا بر جمیع عالم ظاهر کردانید و آیهٔ کریمهٔ
وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ در شانش نازل
شد **روز اوّل** علماء کفته اند مستحب است که برای تشکر
نعمت سلامتی رسول خدا و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما روزه
بدارند و زیارت اند و بزرکوار در این روز مناسب است و سید
رضا اقبال برای این روز دعائی نقل فرموده و در این روز بقول
شیخ و کفعمی حضرت عسکری علیه السلام وفات کرده و مشهور در روز هشتم
است و شاید در چنین روز اوّل مرض آنحضرت بوده **روز سیم**
واقعهٔ احراق مکه شد در سنهٔ ۶۴ شصت و چهارم بواسطهٔ محاربهٔ لشکر
یزید با عبد الله بن زبیر بجو یکه در جای خود مذکور است **روز پنجم**
سنهٔ ۱۱۷ صد و هفدهم حضرت سکینه بنت الحسین علیه السلام در مدینه
وفات یافت و اتفاقا در همان سال خواهر معظمش جناب فاطمه نیز وفات یافت
مادر جناب سکینه رباب دختر امرء القیس است که مادر طفل رضیع
نیز که در کربلا بزخم تیر شهید کشت و رباب را بعد از شهادت امام
حسین علیه السلام اشراف قریش خواستکاری کردند ابدًا اجابت نکرد
وکفت که من بعد از مواصلت با پیغمبر با کس دیکر مواصلت نکنم و بعد
از امام حسین علیه السلام شوهری دیکر نخواهم و در مجلس ابن زیاد چون
نظرش بر سر آنحضرت افتاد بیتاب شد و آن سر مقدس را کرفت و بوسید
و در کنار خود نهاد و نوحه سرائی کرد و کفت واحسینا فلا نسیت حسینا
أَقْصَدَتْهُ أَسِنَّةُ الأَعْدَاءِ غَادَرُوهُ بِكَرْبَلاءِ صَرِيعًا لا سَقَى اللهُ جَانِبَي
كَرْبَلاءِ و بعد از واقعهٔ کربلا یکسال زیاده زنده نماند و لا یزال در کریه

اقصد فلانا یعنی نیزه زد او را پس خطا نکرد مغادرة ماندن و کذاشتن م

و سوکواری

و سوکواری کذرانید تا وفات یافت **روز هشتم** سنهٔ ۲۶۰ دویست
و شصت بنا بر مشهور وفات کرد حضرت ابی محمد امام حسن عسکری
علیه السلام و آن در ایام خلافت معتمد علی الله احمد بن جعفر متوکل بوده
و در وقت وفات از سن شریف آنحضرت بیست و هشت سال کذشته بود
و آنجناب را دفن نمودند در همان خانه که پدر بزرکوارش حضرت هادی
علیه السلام دفن شده بود و صدمات و اذیتها و کرفتاریها که برای جوار
و زنان آنحضرت و پدر از حبس و اعتقال و شدت صعوبت طلب
سلطان زمان در پیدا کردن حضرت حجة بن الحسن علیه السلام امام زمان
و تفتیش خانها و خانهٔ شیعیان و تشرید ایشان بسعایت جعفر کذاب
شیخ مفید در ارشاد بان اشاره فرموده و در حدیث احمد بن عبید
الله خاقان ناصبی که از جانب خلفا والی اوقاف و صدقات بوده در
بلدهٔ طیبهٔ قم مذکور است که کفت بخدا سوکند در هنکام وفات حسن بن علی
علیه السلام حالتی بر خلیفه و دیکران عارض شد که من کمان نداشتم
که در وفات هیچکس چنین امری تواند شد و این واقعه چنان بود که
روزی برای پدرم که وزیر خلیفه بود خبر آوردند که ابن الرضا ع رنجور
شده پدرم بسرعت تمام بنزد خلیفه رفت و خبر را بخلیفه داد خلیفه
پنج نفر از معتمدان و مخصوصان خود با او همراه کرد یکی از آنها نحریر خادم
بود که از محرمان خاص خلیفه بود امر کرد ایشانرا که پیوسته ملازم خانهٔ
آنحضرت باشند و بر احوال آنحضرت مطلع کردند و چند نفر طبیبی را
مقرر کرد که هر بامداد و پسین نزد آنجناب بروند و از احوال او
باخبر باشند بعد از دو روز برای پدرم خبر آوردند که مرض آنحضرت

(صعب)

صعب شده است و ضعف بر او مستولی شده است پس بامداد سوار
شد نزد آنحضرت رفت و اطبا را امر کرد که از خدمت آنحضرت دور نشوند
و قاضی القضات را طلبید و گفت ده نفر از علمای مشهور را
حاضر گردان که پیوسته نزد آنحضرت باشند و پیوسته ایشان ملازم
خانهٔ آنحضرت بودند تا آنکه بعد از گذشتن ایامی از ماه ربیع الاول
شهر آنحضرت وفات کرد چون خبر وفات آنحضرت در شهر سامره
منتشر شد قیامتی برپا شد از جمیع مردم صدای ناله و فغان و شیون
بلند گردید خلیفه در تفحص فرزند آنحضرت در آمد جمعی را فرستاد که
بروند و بخانهٔ آنحضرت حراست نمایند و جمیع حجره ها را تفحص کنند و
مهر نمایند شاید که آنحضرت را بیابند و زنان قابله را فرستاد که کنیزان
آنحضرت را تفحص کنند که مبادا حملی در ایشان باشد پس یکی از زنان
گفت که یکی از کنیزان آنجناب را احتمال حملی هست خلیفه نحریر خادم را بر
او موکل کردانید که بر احوال او مطلع باشد تا صدق و کذب آن معلوم
شود بعد از آن در تهیهٔ جنازه برآمدند و جمیع بازارها بسته شد صغیر و
کبیر و وضیع و شریف خلایق در جنازهٔ آن برگزیدهٔ خالق جمع آمدند پدرم
باشاه و وزراء و نویسندگان و اتباع خلیفه و بنی هاشم و علویان به
تجهیز آنجناب حاضر شدند در آن روز سامره مانند صحرای قیامت بود
از کثرت ناله و شیون و گریهٔ مردم چون از غسل و کفن آنجناب فارغ شدند
خلیفه ابو عیسی را فرستاد که بر آنجناب نماز کند چون جنازهٔ شریف را برای
نماز بر زمین گذاشتند ابو عیسی نزدیک آمد و کفن را از روی مبارک آن
حضرت دور کرد و برای دفع تهمت خلیفه جماعت حاضرین را نزدیک

طلبید و گفت ببینید نظر کنید این حسن بن علی فرزند زادهٔ امام
رضا علیه السلام است که بفراش خود بمرگ خود مرده است و کسی چیزی
باو نرسانیده است و در مدت مرض او اطبا و قضات و معتمدان و عدول
حاضر بوده اند و بر احوال او مطلع گردیده اند و بر این معنی شهادت میدهند
پس پیش ایستاد و بر آنحضرت نماز کرد و بعد از نماز آنحضرت را در پهلوی پدر
بزرگوار خود دفن کردند و بعد از آن خلیفه بتجسس فرزند آنحضرت شد زیرا
که شنیده بود که فرزند آنجناب بر عالم مستولی خواهد شد و اهل باطل را منقرض
خواهد کرد چندانکه تفحص کردند خبری از آنحضرت نیافتند و آن کنیز را که
گمان حمل باو میبردند تا دو سال تفحص احوال او میکردند و اثری ظاهر
نشد **روز نهم** روز عید بزرگ و روز عید بقر است و
از برای این شرح بزرگی است که در جای خود ذکر شده و در روایتی نقل
شده که هر که در این روز چیزی انفاق کند گناهانش آمرزیده شود و
گفته اند که مستحب است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشنود کردانیدن
ایشان و توسعه دادن در نفقه و پوشیدن جامه های نو و شکر و عبادت
حقتعالی کردن و این روز بر طرف شدن غمها است و روز بسیار شریفی است
چون روز هشتم ماه وفات امام حسن عسکری علیه السلام بوده این روز روز
اول امامت حضرت صاحب الزمان ارواح العالمین فداه خواهد بود
و سبب مزید سرافتش خواهد بود **روز دوازدهم** بقول شیخ
کلینی و مسعودی و مشهور بین عامه ولادت باسعادت حضرت رسول
صلی الله علیه و آله است و مستحب است در آن دو رکعت نماز در رکعت
اول بعد از حمد سه مرتبه جحد و در دوم سه مرتبه توحید و در این روز

جحد یعنی قل یا ایها الکافرون

نیز آنحضرت بمدینه ورود فرمود **روز چهاردهم**
سنه ۶۴ یزید بن معویه بدرکات جحیم شتافت و در اخبار الدول است
که یزید بمرض ذات الجنب در حوران از دنیا رفت جنازه اش را بدمشق
بردند و در باب صغیر او را دفن کردند و قبرش اینک مزبله میباشد
و سنین عمرش بسی و هفت رسیده بود و خلافتش سه سال و نه ماه
طول کشید انتهی و شرح کفر و زندقه و الحاد یزید را اشعار کفر آمیز
او ثابت کرده ابو الفرج بن الجوزی او را در منبر بغداد در کتب مشهوره
و جماعتی از اهل سنت اعتقاد بکفر او کرده اند احمد بن حنبل و جماعت
بسیاری تجویز لعن او نموده اند بلکه ابن الجوزی در این باب کتابی نوشته
موسوم بکتاب الرد علی المتعصب العنید المانع عن لعن یزید

روز شانزدهم در کامل بهائی است که اهل بیت
امام حسین علیه السلام در این روز وارد شام شدند **شب**
هفدهم شب ولادت حضرت خاتم الانبیاء صلوات الله علیه و
شب بسیار مبارکی است و سید نقل کرده که در مثل چنین شب
نیز معراج آنحضرت بوده **روز هفدهم** بنابر مشهور
بین علماء امامیه روز ولادت با سعادت حضرت خاتم الانبیاء محمد بن
عبد الله صلی الله علیه و آله است و معروف آنست که ولادتش با سعادت
در مکه معظمه در خانه خود آنحضرت واقع شده در روز جمعه در وقت
طلوع فجر در عام الفیل در ایام سلطنت انوشیروان عادل و روایت
شده که در صبح ولادت آنجناب هر بتی که در روی زمین بود برو در
افتاده بود و ایوان کسری بلرزید و چهارده کنگره از آن ساقط شد و

دریاچه ساوه آبش فرو رفت و در وادی سماوه آب جاری شد و
آتشکده فارس خاموش شد و حال آنکه هزار سال بود که خاموش
نشده بود و نوری در آن شب از طرف حجاز ظاهر شد و منتشر گردید
تا بمشرق عالم رسید و سریر هر سلطانی از سلاطین دنیا در آن صبح سر
نگون شده بود و در آن روز هیچ سلطانی نتوانست تکلم کند و تمامی
گنگ شده بودند و علم کهنه و سحر سحره باطل شد و هر کاهنی
که بود میان او و همزادی که داشت که خبرها باو میگفت جدائی
افتاد و ابلیس در آن وقت صیحه زد و ابالسه خود را جمع کرد
ابالسه گفتند ای سید ما چه شما را بفزع آورده گفت وای بر شما
همانا حادثه عجیبه در زمین واقع شده که از زمان رفع عیسی تا بحال
واقع نشده بروید و بگردید ببینید چه واقع شده برای من خبر آرید
برفتند و برگشتند و گفتند چیزی نیافتیم خود ابلیس گفت که استعلام
این امر کار من است پس فرو رفت در دنیا و جولانی کرد تا بحرم مکه
رسید دید که اطراف حرم را ملائکه فرو گرفته اند خواست داخل حرم
شود او را صیحه زدند برگشت و از طرف کوه حرا داخل شد جبرئیل
او را صیحه زد که برگرد لعنت خدا بر تو باد گفت یا جبرئیل از تو سؤالی
دارم بگو که امشب چه حادثه رو کرده فرمود ولادت محمد صلی الله
علیه و آله واقع شده گفت از برای من در او نصیبی هست فرمود نه
گفت در امت او بهره دارم فرمود بلی گفت راضی شدم و هم روایت
شده که چون آنحضرت متولد شد بتهائی که بر کعبه گذاشته بودند همه برو
در افتادند و چون شب داخل شد صیحه از آسمان بلند شد که جاء

اَلْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ اِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا وان شب جمیع دنیا روشن شد و هر سنگ و کلوخی و درختی که بود بخندید و هر چیزی که در آسمان و زمین بود تسبیح کرد خدارا و شیطان گریخت و میگفت بهترین امّتها و بهترین خلایق و گرامی ترین بندگان و بزرگترین عالمیان محمّد صلّی الله علیه وآله است و هم در این روز شریف سنه هشتاد و سه ولادت امام جعفر صادق علیه السّلام واقع شده و باعث مزید فضل و شرافت این روز گردیده والده ماجده آنحضرت جناب امّ فروه دختر قاسم بن محمّد بن ابی بکر است و آن مخدّره از پرهیزکاران و نیکوکاران بوده و قاسم از فقهاء سبعه مدینه و از معتمدان مخصوصان حضرت امام زین العابدین علیه السّلام و سبط یزدجرد پادشاه عجم است و با جناب علی بن الحسین علیه السّلام پسرخاله است و بالجمله این روز بسیار شریفی است و از برای آن چند عمل است (آ) غسل (۲) روزه و از برای آن فضیلت بسیار است و روایت شده که هر کراین روز را روزه بدارد ثواب روزه یکسال برای او خدا بنویسد و این یکی از آن چهار روز است که در تمام سال بفضیلت روزه ممتاز است (۳) زیارت حضرت رسول صلّی الله علیه وآله از نزدیک و دور (۴) زیارت امیرالمؤمنین ع بهمان زیارتی که حضرت صادق علیه السّلام کرده و تعلیم محمّد بن مسلم فرموده (۵) در وقتیکه روز بلند شود دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انّا انزلناه و ده مرتبه توحید بخواند و بعد از سلام در مصلّای خود بنشیند و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ الخ (ع) انکه

مسلمانان این روز را تعظیم بدارند و تصدّق و خیرات بنمایند و مؤمنین را مسرور کنند و بزیارت مشاهد مشرّفه روند و سیّد در اقبال شرحی از لزوم تعظیم این روز ذکر نموده و فرموده که من یافتم طایفه نصاری و جمعی از مسلمین را که تعظیم بزرگی از روز ولادت عیسی علیه السّلام مینمایند و تعجّب کردم که چگونه مسلمانان قانع شدند که روز مولود پیغمبرشان که اعظم از همه پیغمبران است باین مرتبه از تعظیم باشد که ادون از تعظیم نصاری است مولد عیسی را

روز بیست و دوم سنه ۴ چهارم غزوه بنی النّضیر واقع شد و سوره مبارکه حشر در بیان این غزوه است

روز بیست و ششم سنه ۴۱ جناب امام حسن ع با معویه مصالحه فرمود بتوضیحی که در جای خود بشرح رفته

روز آخر ماه سنه ۳ سیم ولادت باسعادت حضرت امام حسین علیه السّلام واقع شده بنا بر آنچه مختار شیخ مفید در مقنعه و شیخ طوسی در تهذیب و شیخ شهید در دروس و شیخ بهائی در توضیح المقاصد است و لکن مشهور سیّم شعبان است و بنا بر آنکه ولادت در این روز باشد درست میشود روایت کافی از حضرت صادق علیه السّلام که ما بین حسن و حسین علیهما السّلام طهری فاصله شده و ما بین میلادان دو بزاد و از شش ماه و ده روز واقع شده والله العالم

باب دهم در اعمال ربیع الثّانی است روز اوّل بخواند دعائی را که سیّد نقل کرده اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اِلٰهُ كُلِّ شَيْءٍ الخ **روز دهم** و بقولی روز هشتم سنه ۲۳۲ دویست سی و دو ولادت حضرت امام حسن

عسکری و اقتشه نام والده آنجناب حدیث و بعضی سلیل گفته اند
وان مطهره در نهایت عفت و صلاح و ورع و تقوی و از عارفات
صالحات و مفزع شیعه بوده علامه مجلسی رحمه الله در زاد المعاد
فرموده و شیخ مفید گفته است که در روز دهم ماه ربیع الثانی سال
دویست و سی و دو از هجرت نبوی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکی است و مستحب است که
بشکر این نعمت عظمی روزه بدارند **مؤلف گوید** زیارت
آنحضرت و سایر اعمال خیر در این روز بابرکت مناسب است **باب**
یازدهم در ماه جمادی الاولی است روز اول
بخواند دعائی را که سید نقل کرده اللّهُمَّ اَنْتَ اللهُ الخ **روز**
دهم سنه ۳۶ غزوه جمل واقع شد و زید بن صوحان و برادرش
شهید شدند و طلحه را مروان و زبیر را ابن جرموز بقتل رسانید
روز سیزدهم اول ایام فاطمیه است روز چهاردهم
علامه مجلسی رح در زاد المعاد فرموده که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج
روز بعد از حضرت رسالت ص زنده بود پس بنا بر مشهور که وفات حضرت
رسول صلّی الله علیه و آله در بیست و هشتم ماه صفر بوده باید که وفات
حضرت فاطمه علیها السلام در سیزدهم یا در چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی
الاولی باشد پس زیارت آنحضرت در این ایام مناسب است خصوصا
در چهاردهم که ظاهرتر است انتهی و احقر وفات مخدره را در سیم جمادی
الاخره ذکر میکنم انشاء **روز پانزدهم** سنه ۳۶ سی و ششم

فتح بصره شد و نزول نصر شد بر امیر المؤمنین علیه السلام
و در همین روز بعینه ولادت باسعادت حضرت علی بن الحسین
علیه السلام واقع شد والده ماجده آنحضرت معظمه شهربانو دختر یزدجرد
پادشاه عجم است که در ایام ولادت آنحضرت از دنیا رحلت کرد و حضرت
علی الحسین را ابن الخیرتین میگفتند بواسطه حدیثی که از رسول خدا
صلّی الله علیه و آله مرویست که فرموده اِنَّ لِلّهِ فی عِبادِهِ خِیَرَتَینِ
فَخِیَرَتُهُ مِنَ العَرَبِ قُرَیشٌ وَ مِنَ العَجَمِ فارِس واشاره بانتساب کرده
ابو الاسود در این شعر وَاِنَّ غُلاماً بَیْنَ کِسْرىٰ وَ هاشِمٍ لَاَکْرَمُ
مَنْ نِیطَتْ عَلَیْهِ التَّمائِمُ **باب دوازدهم در ماه جمادی**
الاخره است روز اول بخواند دعائی را که سید در
اقبال ذکر کرده اَللّهُمَّ یا اَللهُ اَنْتَ الدّائِمُ القائِمُ و سید روایت کرده
که در این ماه در هر وقت که خواهد چهار رکعت نماز کند یعنی بدو سلام
در رکعت اول بعد از حمد یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه
انا انزلناه و در دوم حمد و تکاثر و (۲۵) توحید و در سیم حمد و جحد
و (۲۵) فلق و در چهارم حمد و نصر و (۲۵) سوره ناس بخواند و
بعد از سلام از رکعت چهارم هفتاد مرتبه تسبیحات اربع و هفتاد مرتبه
صلوات و سه مرتبه اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ بگوید پس سر
بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ یا اَللهُ
یا رَحْمٰنُ یا رَحیمُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ پس حاجت خود را بخواهد پس هر
کس اینعمل را بجا آورد خدا او را و مال و اهل و اولاد و دین و دنیای
او را تا سال آینده حفظ کند و اگر در آنسال بمیرد بر شهادت بمیرد

یعنی ثواب شهیدان داشته باشد روز سیم سنه
یازدهم وفات حضرت فاطمه صلوات الله علیها واقعشده پس باید
در این روز شیعیان بمراسم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و زیارت
آنمظلومه نموده نفرین بر ظالمان و غاصبان حق او کنند بدانکه در
روز وفات حضرت زهرا علیها السلام اختلاف بسیار است و اظهر
نزد احقر آنستکه بقای آنمظلومه بعد از پدر بزرگوارش نود و پنجروز
بوده و در این روز وفات کرده و از برای روایت هفتاد و پنجروز
وجهی توان ذکر کرد که جای ذکرش نیست لکن خوبست عاشورا هم
در روایت دو عزای آنمظلومه اقامه مصیبت بهرحال بعد از پدر
بزرگوار خود در دنیا چندان مکث نکرده و پیوسته نالان و گریان
بود بحدیکه او را یکی از بکاؤن خمس شمردند و اهل مدینه از
کثرت گریه او شکایت کردند و در اینمدت قلیل آنقدر اذیت و
درد کشید که خدای داند و اگر کسی تأمل کند در اینکلمات که امیر
المؤمنین بعد از دفن او با قبر پیغمبر خطاب کرده میداند که چه مقدار
بوده صدمات آنمظلومه چه بسندهای معتبره وارد شده که چون امیر
المؤمنین ع از دفن فاطمه فارغ شد حزن و اندوه آنحضرت هیجان کرد
آب دیدهای مبارکش بر روی نورش جاری شد و رو بقبر حضرت
رسالت گردانید و بر آنحضرت سلام کرد از جانب خود و فاطمه و بعضی
اندوههای دل خود را ذکر کرد تا آنکه عرض کرد امانت خود را بخود بر
گردانیدی و گروگان خود را از من باز گرفتی و حضرت زهرا را از من
ربودی چه بسیار قبیح است آسمان سبز و زمین گرد آلود در نظر من

یا رسول الله اندوه من ابد نخواهد رفت تا آنکه حقتعالی از برای
من اختیار کند آنخانه را که اکنون تو در آنجا مقیمی درد دلم جراحتی است
چرکین و رنج و درد سینه‌ام اندوهی است از جا بدر او رنده چه بسیار زود
جدائی افتاد میان ما و بسوی خدا شکایت میکنم حال خود را وستنبئک
ابنتک بتظافر امتک علی هضمها فاحفها السؤال واستخبرها
الحال فکم من غلیل معتلج بصدرها لم تجد الی بثه سبیلا وستقول
ویحکم الله وهو خیر الحاکمین یعنی و بزودی خبر خواهد داد ترا
دختر تو بمعاونت و یاری کردن امت تو یکدیگر را بر غصب حق
من و ظلم کردن در حق او پس از او بپرس احوال را چه بسیار غمها در سینه
او بروی هم نشسته بود که بکسی اظهار نمیتوانست کرد و بزودی همه
را بتو خواهد گفت و خدا از برای او حکم خواهد کرد و او بهترین حکم
کنندگان است شیخ طوسی از ابن عباس روایت کرده است که
چون هنگام وفات حضرت رسول الله ص رسید آنقدر گریست
که آب دیده اش بر محاسن مبارکش جاری شد گفتند یا رسول الله سبب
گریه شما چیست فرمود گریه میکنم برای فرزندان خود و آنچه نسبت
بایشان خواهند کرد بدان امت من بعد از من گویا می‌بینم فاطمه
دختر خود را بر او ستم کرده باشند بعد از من و او ندا کند که یا
ابتاه یا ابتاه و احدی از امت من او را اعانت نکند چون فاطمه این
سخن را شنید گریست حضرت فرمود که گریه مکن ای دختر فاطمه گفت
گریه نمیکنم برای آنچه بعد از تو با من خواهند کرد و لیکن میگریم
از مفارقت تو یا رسول الله حضرت فرمود که بشارت باد ترا

این دختر که زود بمن ملحق خواهی شد و تو اول کسی خواهی بود که از
اهل بیت من بمن ملحق میشود و در روضة الواعظین و غیره روایت
است که حضرت فاطمه را مرض شدیدی عارض شد و تا چهل روز ممتد
شد چون دانست موت خود را ام ایمن و اسماء بنت عمیس را طلبید
و فرستاد تا شان را که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را حاضر سازند
چون حضرت امیر المؤمنین ع را حاضر ساختند گفت ای پسر عم از آسمان
خبر فوت من بمن رسید و من در جناح سفر آخرتم ترا وصیت میکنم
بچیزی چند که در خاطر دارم حضرت فرمود آنچه خواهی وصیت کن
ای دختر رسول خدا پس بر بالین آنحضرت نشست و هر که در آنجا بود
بیرون کردند پس فرمود که ای پسر عم هرگز مرا دروغگو و خائن نیافتی
و از روزی که با من معاشرت کرده مخالفت تو نکرده ام حضرت فرمود
که معاذ الله تو داناتری بخدا و نیکوکارتر و پرهیزکارتر و گرامی تر
از خدا ترسانتری از آنکه ترا سرزنش کنم بمخالفت خود و بر من بسیار
گران است مفارقت تو ولیکن مرا امریست که چاره از آن نیست
بخدا سوگند که تازه کردی بر من مصیبت رسول خدا را و عظیم
شد وفات تو بر من پس میگویم إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ برای
مصیبتی که چه بسیار دردآورنده است مرا و چه بسیار سوزنده
و محزون آورنده است مرا بخدا سوگند که این مصیبتی است که تسلی
دهنده ندارد و رزیه ایست که هیچ چیز عوض آن نمی تواند شد
پس ساعتی هر دو گریستند پس امیر المؤمنین ع سر فاطمه را
ساعتی بدامن گرفت و بسینه خود چسبانید فرمود که هر چه

خواهی وصیت بکن که آنچه فرمائی بعمل می آورم و امر ترا بر امر خود
اختیار میکنم پس فاطمه گفت که خدا جزای خیر دهد ترا ای پسر عم
رسول خدا وصیت میکنم ترا اول که بعد از من امامه را بعقد
خود در آوری زیرا که مردان را چاره از زن گرفتن نیست و برای
فرزندان من مثل من است پس گفت که برای من نعشی قرار ده
زیرا که ملائکه را دیدم که صورت نعش برای من ساختند حضرت
فرمود که وصف کن آنرا برای من پس وصف آنرا بیان کرد حضرت
از برای او درست کرد و اول نعشی که در زمین ساختند آن
بود پس گفت که باز وصیت میکنم ترا که نگذاری بر جنازه
من حاضر شوند یکی از آنهائی که بر من ستم کردند و حق مرا گرفتند
چه ایشان دشمن من و دشمن رسول خدا اند و نگذاری که احدی
از ایشان و اتباع ایشان بر من نماز کنند و مرا در شب دفن
کن در وقتیکه دیده ها در خواب باشد و در کشف الغمه و غیره
روایت کرده اند که چون وفات حضرت فاطمه نزدیک شد اسماء بنت
عمیس را فرمود که آب بیاور که من وضو بسازم پس وضو ساخت
و بروایتی غسل کرد نیکوترین غسلها و بوی خوش طلبید
و خود را خوشبو کرد و جامه های نو طلبید و پوشید و فرمود
که ای اسماء جبرئیل در وقت وفات پدرم چهل درهم کافور آورد
از بهشت پدرم آنرا سه قسمت کرد یک حصه را برای خود گذاشت و
یکی از برای من و یکی از برای علی ع آن کافور را بیاور که مرا بآن حنوط
کنند چون کافور را آورد فرمود که نزدیک سر من بگذار پس پای

پس پای خود را بقبله کرد و خوابید و جامه بر روی خود کشید فرمود
که ای اسماء ساعتی صبر کن بعد از آن مرا بخوان اگر جواب نگویم علی
را طلب کن و بدانکه من بپدر خود ملحق گردیده ام اسماء ساعتی
انتظار کشید بعد از آن آنحضرت را ندا کرد صدائی نشنید پس گفت
ای دختر مصطفی ای دختر بهترین فرزندان آدم ای دختر بهترین کسی
که در روی زمین راه رفته است ای دختر آنکسی که در شب معراج بمرتبهٔ قاب
قوسین او ادنی رسیده است چون جواب نشنید جامه را از روی
مبارکش برداشت دید که مرغ روحش بر باغ جنت پرواز کرده است
پس بر روی آنحضرت افتاد و آنحضرت را میبوسید و میگفت چون بخدمت
حضرت رسول برسی سلام اسماء بنت عمیس را بآنحضرت برسان در
این حال حسنین از در درآمدند و گفتند ای اسماء مادر ما در این وقت
چرا بخواب رفته است اسماء گفت مادر شما بخواب نرفته ولیکن برحمت
رب الارباب واصل گردیده پس حضرت امام حسن خود را بر روی مادر
افکند و روی انور او را میبوسید و میگفت ای مادر با من سخن بگو پیش از آنکه
روحم از جسد مفارقت کند و حضرت امام حسین بر پایش افتاد میبوسید
او را و میگفت ای مادر بزرگوار منم فرزند تو حسین با من سخن بگو پیش از آنکه
دلم شکافته شود و از دنیا مفارقت کنم پس اسماء گفت ای دو جگر گوشهٔ رسول
خدا بروید و پدر بزرگوار خود را خبر کنید و وفات مادر خود را باو
برسانید پس ایشان بیرون رفتند چون نزدیک مسجد رسیدند
صدا بگریه بلند کردند پس صحابه باستقبال ایشان دویدند گفتند
سبب گریهٔ شما چیست ای فرزندان رسول خدا حقتعالی هرگز دیدهٔ

شما را گریان نگرداند مگر جای جد خود را خالی دیده اید گریان گردیده اید
از شوق ملاقات او گفتند مادر ما از دنیا مفارقت کرده چون حضرت امیر
این خبر وحشت اثر را شنید برو درآمد و فرمود بعد از تو خود را بکه
تسلی دهم پس این دو شعر را در مصیبت آنحضرت ادا فرمود

لِکُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِیلَیْنِ فُرْقَةٌ — وَکُلُّ الَّذِی دُونَ الْفِرَاقِ قَلِیلٌ
وَاِنَّ افْتِقَادِی وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ — دَلِیلٌ عَلَی اَنْ لَا یَدُومَ خَلِیلٌ

و چون خبر وفات حضرت فاطمه در مدینه منتشر گردید مردان و زنان
همه گریان شدند در مصیبت آنحضرت و صدای شیون از خانهای
مدینه بلند شد زنان و مردان بسوی خانهٔ آنحضرت دویدند
و زنان بنی هاشم در خانهٔ آنحضرت جمع شدند و نزدیک شد که از
صدای شیون ایشان مدینه بلرزه درآید و ایشان میگفتند ای
سیده و خاتون زنان ای دختر پیغمبر آخر الزمان مردم فوج فوج
بتعزیه بسوی حضرت امیر المؤمنین میآمدند آنحضرت نشسته بود و
حسنین در پیش آنحضرت نشسته بودند و میگریستند ام کلثوم بنزد
قبر رسول خدا آمد و گفت یا ابتاه یا رسول الله امروز مصیبت
تو بما تازه شد و امروز تو از دنیا رفتی دختر خود را بسوی خود
بردی مردم جمع شده بودند و گریه میکردند و انتظار بیرون آمدن
جنازه میکشیدند پس ابوذر بیرون آمد و گفت ای مردم بیرون آوردن
جنازه تاخیر افتاد پس مردم متفرق شدند و برگشتند چون پاسی
از شب گذشت و دیدها بخواب رفت جنازه را بیرون آوردند
حضرت امیر المؤمنین و حسنین و عمار و مقداد و عقیل و زبیر و ابوذر

۵۴
فاطما بعد احمد

و سلمان و بریده و گروهی از بنی هاشم و خواص آنحضرت بر حضرت فاطمه نماز
کردند و در همان شب او را دفن کردند و حضرت امیر ع بدور قبر او هفت
قبر دیگر ساخت که ندانند قبر آنمعصومه کدام است و بروایتی دیگر چهل قبر
دیگر را آب پاشید که قبر فاطمه در آنها مشتبه باشد و بروایت دیگر قبر آن
مظلومه را با زمین هموار کرد که علامت قبر معلوم نباشد اینها برای
آن بود که عین موضع آن قبر منور را ندانند و بر آن قبر نماز نکنند و
خیال نبش قبر آنحضرت را بخاطر نگذرانند و باین سبب در موضع قبر
آن مظلومه اختلاف واقع شده است بعضی گفته اند که در بقیع است
و بعضی گفته اند ما بین قبر حضرت رسول ص و منبر آنحضرت مدفونست
زیرا که حضرت رسول ص فرموده اند ما بین قبری و منبری باغی است از
باغهای بهشت و منبر من بر دری است از درهای بهشت و بعضی گفته
اند که آنحضرت را در خانه خود دفن کردند و این اصح اقوال است چنانکه
روایت صحیحه بر آن دلالت میکند و ابن شهرآشوب و غیره روایت
کرده که چون آنحضرت را خواستند در قبر گذارند دو دست از میان
قبر پیدا شد شبیه بدستهای پیغمبر و آنحضرت را گرفت و بقبر برد
روز بیستم سال پنجم از بعثت بقولی سال دوم ولادت
باسعادت حضرت فاطمه علیها السلام واقع شده و در آنچند عمل
مناسب است (۱) روزه (۲) خیرات و صدقات بر مؤمنین
(۳) زیارت آنمخدره و سید در اقبال زیارتی برای آنحضرت
نقل کرده که در زاد المعاد نیز مذکور است و کیفیت ولادت چنان
بوده که روزی حضرت رسول ص با امیرالمؤمنین و حمزه و عباس و

عمار و بعضی دیگر در ابطح نشسته بود که ناگاه جبرئیل نازل شد
با صورت اصلی خود و بالهای خود را گشود تا مشرق و مغرب را پر
کرد و ندا کرد آنحضرت را و گفت خداوند علی اعلی ترا سلام میرساند و امر
میفرماید که چهل شبانه روز از خدیجه دوری اختیار کنی پس آنحضرت
چهل شبانه روز بخانه خدیجه نرفت و روزها روزه میداشت و
شبها تا صباح عبادت میکرد و عمار را بسوی خدیجه فرستاد و فرمود
باو بگو که نیامدن من بسوی تو از کراهت و عداوت نیست ولیکن پروردگار
من چنین امر کرده است که تقدیرات خود را جاری سازد و گمان مبر در
حق خود مگر نیکی و بدرستیکه حق تعالی بتو مباهات میکند هر روز
چندین مرتبه با ملائکه خود باید که هر شب در خانه خود را ببندی و در
رختخواب خود بخوابی و من در خانه فاطمه بنت اسد میباشم تا مدت
وعده الهی منقضی گردد و خدیجه هر روز چند نوبت از مفارقت آنحضرت
میگریست و چون چهل روز تمام شد جبرئیل بر آنحضرت نازل شد و گفت
ای محمد خداوند اعلی ترا سلام میرساند و میفرماید که مهیا شو
برای تحفه و کرامت من پس ناگاه میکائیل نازل شد و طبقی آورد که
دستمالی از سندس بهشت بر روی آن پوشیده بودند و در پیش آن
حضرت گذاشت و گفت پروردگار تو میفرماید که امشب بر این طعام افطار
کن و حضرت امیرالمؤمنین ع گفت که هر شب چون هنگام افطار آنحضرت
میشد مرا امر میکرد که در را میگشودم که هر که خواهد بیاید و با آنحضرت
افطار نماید و در این شب مرا فرمود که بر در خانه بنشین و مگذار کسی داخل
شود که این طعام بر غیر من حرام است پس چون اراده افطار نمود طبق را

گشود و در میان آن طبق از میوه‌های بهشت یک خوشه خرما و یک خوشه انگور بود و جامی از آب بهشت پس از آن میوه‌ها تناول فرمود تا سیر شد و از آن آب آشامید تا سیراب شد و جبرئیل از ابریق بهشت آب بر دست مبارکش میریخت و میکائیل دستش را میشست و اسرافیل دستش را با دستمال بهشت پاک کرده و طعام باقی مانده با ظرفها باسمان بالا رفت و چون حضرت برخواست که مشغول نماز شود جبرئیل گفت که در این وقت ترا نماز جایز نیست باید که الحال بمنزل خدیجه روی و با او مضاجعت نمائی که حقتعالی میخواهد که در این شب از نسل تو ذریه طیبه خلق نماید پس آنحضرت متوجه خانه خدیجه شد خدیجه گفت که من با تنهائی الفت گرفته بودم و چون شب میشد درها را می بستم و پرده‌ها را میاویختم و نماز خود را میکردم و در جامه خواب میخوابیدم و چراغ را خاموش میکردم و در این شب در میان خواب بودم که صدای در خانه را شنیدم پرسیدم که کیست در را میکوبد که بغیر از محمد دیگری را روا نیست کوبیدن آن حضرت فرمود که منم محمد چون صدای فرح افزای آن حضرت را شنیدم از جا جستم و در را گشودم و پیوسته عادت آنحضرت این بود که چون اراده خوابیدن می نمود آب می طلبید و وضو تجدید میکرد و دو رکعت نماز بجا میاورد و داخل رخت خواب میشد و در این شب هیچ از اینها نکرد و تا داخل شد دست مرا گرفت و برختخواب برد و بعد از آن من نور فاطمه را در شکم خود یافتم شیخ صدوق ره از مفضل بن عمر روایت کرده است که گفت از حضرت صادق علیه السلام سوال کردم که چگونه بود ولادت حضرت

فاطمه علیها السلام حضرت فرمود که چون خدیجه اختیار مزاوجت حضرت رسول فرمود زنان مکه از عداوتی که با آنحضرت داشتند از خدیجه هجرت نمودند و بر او سلام نمیکردند و نمیگذاشتند که زنی نزد او برود پس خدیجه را باین سبب وحشتی عظیم عارض شد و لکن عمده غم و جزع خدیجه برای حضرت رسول بود که مبادا از شدت عداوت ایشان آسیبی بآنحضرت برسد چون بحضرت فاطمه حامله شد فاطمه در شکم با او سخن میگفت و مونس او بود و او را صبر می فرمود خدیجه این حال را از حضرت رسالت پنهان میداشت پس روزی حضرت داخل شد شنید که خدیجه سخن میگوید با شخصی و کسی را نزد او ندید فرمود که ای خدیجه با که سخن میگوئی خدیجه گفت فرزندیکه در شکم من است با من سخن میگوید و مونس منست حضرت فرمود که اینک جبرئیل مرا خبر میدهد که این فرزند دختر است و نسل او و طاهر با میمنت و برکت است و حقتعالی نسل مرا از او بوجود خواهد آورد و از نسل او امامان و پیشوایان دین بهم خواهند رسید و حقتعالی بعد از انقضای وحی ایشان را خلیفه‌های خود خواهد گردانید در زمین و پیوسته خدیجه در اینحالت بود تا آنکه ولادت جناب فاطمه نزدیک شد چون درد زائیدن را در خود احساس کرد بسوی زنان قریش و فرزندان هاشم کس فرستاد که نزد او حاضر شوند ایشان در جواب او فرستادند که فرمان ما نبردی و قبول ما نکردی و زن یتیم ابوطالب شدی که فقیر است و مالی ندارد و ما باین سبب بخانه تو نمیائیم و متوجه امور تو نمی

شوهر خدیجه چون پیغام ایشان را شنید اندوهناک گردید در این
حالت بود که ناگاه دید چهار زن گندم گون بلند بالا نزد او حاضر
شدند و بزنان بنی هاشم شبیه بودند خدیجه از ایشان بترسید
پس یکی از ایشان گفت که مترس ای خدیجه که ما رسولان پروردگاریم
بسوی تو و ما خواهران توایم منم ساره زوجه ابراهیم ع و دویم آسیه دختر
مزاحم است که رفیق تو و زن شوهر تو خواهد بود در بهشت و سیم
مریم دختر عمران است و چهارم کلثوم خواهر موسی بن عمران است
حقتعالی ما را فرستاده است که در وقت ولادت تو نزد تو باشیم و ترا بر اینها
معاونت نمائیم پس آن چهار زن هر یک طرفی در پهلوی خدیجه نشست و حضرت
فاطمه پاک و پاکیزه متولد شد و چون بزمین رسید نوری و
ساطع گردید بحدیکه خانهای مکه را روشن گردانید و در مشرق و
مغرب زمین موضعی نماند مگر آنکه از آن نور روشن شد و ده نفر
از حور العین بآنخانه در آمدند و هر کدام ابریقی و طشتی از بهشت
در دست داشتند و ابریقهای ایشان مملو بود از آب کوثر پس آن
زنیکه در پیش روی خدیجه نشسته بود جناب فاطمه را برداشت و بآب
کوثر غسل داد و دو جامه سفیدی بیرون آورد که از شیر سفیدتر و
از مشک و عنبر خوشبوتر بود و فاطمه را در یکجامه پیچید و جامه
دیگر را مقنعه او گردانید پس او را بسخن در آورد فاطمه گفت أَشْهَدُ
أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللّٰهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ بَعْلِي
سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ پس بر هر یک از آن زنان
سلام کرد و هر یک را بنام ایشان خواند پس آن زنان شادی کردند و

حوریان بهشت خندان شدند و یکدیگر را بشارت دادند و
اهل آسمانها یکدیگر را بشارت دادند بولادت آن سیده زنان
و در آسمان نور روشنی هویدا شد که پیشتر چنان نوری مشاهده
نکرده بودند پس آن زنان مقدسه با خدیجه خطاب کردند و گفتند
بگیر این دختر را که طاهر و مطهر است و پاکیزه و بابرکت است حق
تعالی برکت داده است او را و نسل او را پس خدیجه آنحضرت را
گرفت شاد و خوشحال و پستان خود را در دهان او گذاشت پس
فاطمه در روزی آنقدر نمو میکرد که اطفال دیگر در ماهی نمو کنند
و بدانکه آنمظلومه را نه نام است نزد حقتعالی فاطمه یعنی بریده شده
از بدیها یا بمعنی آنکه خصمای او را و شیعیان او را از آتش جهنم بریده
است صدیقه یعنی معصومه مبارکه یعنی صاحب برکه در علم
و کمالات و معجزات و اولاد کرام و غیرها طاهره یعنی پاکیزه از هر
رجس و نقصی زکیه یعنی نمو کننده در کمالات و خیرات راضیه
یعنی راضی بقضای حقتعالی مرضیه یعنی پسندیده خدا و دوستان
خدا محدثه یعنی ملک با او سخن گفتند زهراء یعنی نورانی بنور صوری
و معنوی و معلوم باد که فضایل آنمخدره زیاده از آنستکه احصا شود
و من بجهة تبرک بچند سطری اکتفا مینمایم مشایخ فن حدیث از طریق
عامه روایت کرده اند که حضرت رسول ص فرمود فاطمه پاره تن من است
هر که او را شاد کرد اند مرا شاد کرده است و هر که او را آزرده
کند مرا آزرده کرده است فاطمه عزیزترین مردم است نزد من و از
عایشه روایت است که گفت ندیدم احدیرا که در گفتار و سخن

شبیه‌تر باشد از فاطمه برسول خدا (ص) چون فاطمه نزد آنحضرت می‌آمد
او را مرحبا میگفت و دستهای او را می‌بوسید و در جای
خود می‌نشانید و چون حضرت بخانهٔ فاطمه میرفت برمیخواست و
استقبال آنحضرت میکرد و مرحبا میگفت و دستهای آنحضرت را میبوسید
و از امام حسن (ع) روایت است که فرمود در شب جمعه
مادرم در محراب عبادت خود ایستاد و مشغول بندگی حقتعالی
گردید و پیوسته در رکوع و سجود و قیام و دعا بود تا صبح طالع شد
شنیدم که پیوسته دعا میکرد از برای مؤمنین و مؤمنات و ایشان
را نام میبرد و دعا برای ایشان بسیار میکرد و از برای خود دعا نمیکرد
پس گفتم ای مادر چرا از برای خود دعا نکردی چنانچه از برای دیگران
کردی فرمود یا بنی الجار ثم الدار ای پسر جان من اول همسایه را باید
رسید بعد خود را حمیری از حضرت باقر (ع) روایت کرده است
که حضرت رسالت (ص) مقرر فرمود که هرچه خدمت بیرون در باشد از
آب و هیزم آوردن و امثال آنها حضرت امیرالمؤمنین (ع) بجا آورد و هرچه
خدمت اندرون خانه باشد از آسیا کردن و نان و طعام پختن و جاروب
کردن و امثال اینها با حضرت فاطمه (ع) باشد و ابونعیم روایت کرده
که حضرت فاطمه (ع) آنقدر آسیا گردانید که دستهایش آبله پیدا کرد و از آن
آسیا دستهایش پینه کرد و ثعلبی از حضرت صادق (ع) روایت کرده
که روزی حضرت رسول (ص) بخانهٔ فاطمه در آمد فاطمه را دید که جامه پوشیده
بود از جلهای شتر و بدستهای خود آسیا میگردانید و در آنحالت فرزند
خود را شیر میداد چون حضرت او را بر آنحالت مشاهده کرد آب از

دیده‌های مبارکش روان شد و فرمود ای دختر گرامی تلخیهای دنیا را
امروز بچش برای حلاوتهای آخرت پس فاطمه گفت یا رسول الله
حمد میکنم خدا را بر نعمتهای او و شکر میکنم خدا را بر کرامتهای او پس
حقتعالی این آیه را فرستاد وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى یعنی حقتعالی
در قیامت آنقدر بتو خواهد داد که راضی شوی و از حسن بصری
منقولست که میگفت حضرت فاطمه عابدترین مردم بود در عبادت
آنقدر بر پا میایستاد که پاهای مبارکش ورم میکرد و وقتی پیغمبر
خدا باو فرمود چه چیز بهتر است از برای زن فاطمه گفت آنکه نه بیند مردی را
و نه بیند مرد او را پس حضرت نور دیدهٔ خود را بسینهٔ خود چسبانید و
فرمود ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ و همچنین روایت است که روزی
آنحضرت از اصحاب خود از زن سؤال فرمود اصحاب گفتند که زن
عورتست فرمود که در چه حالی زن بخدا نزدیکتر است اصحاب جواب
نتوانستند چون فاطمه این مطلب را شنید گفت که نزدیکترین حالات
زن بخدا آنستکه ملازم خانهٔ خود باشد و بیرون از خانه نشود
حضرت فرمود فاطمه پارهٔ تن من است **روز بیست و هفتم**
سنه ۲۵۴ بقولی وفات امام علی نقی است علیه السلام و احقر
وفات آنحضرت را در سیم رجب ذکر کردم **خاتمه** در مختصری از
فضایل و اعمال شب و روز جمعه است بدانکه شب و روز جمعه را امتیاز تام
است از سایر لیالی و ایام بمزید رفعت و شرافت و مضاعف شدن ثواب
حسنات و عقاب سیئات و استجابت دعوات و آمرزش خطیئات و
آفتاب طالع نگردیده است در روزی که بهتر از روز جمعه باشد و در

حدیث نبوی است که شب و روز جمعه بیست و چهار ساعت است و در هر ساعت حقتعالی ششصد هزار کس از جهنم آزاد کند و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که بمیرد ما بین زوال روز پنجشنبه تا زوال روز جمعه خدا پناه دهد او را از فشار قبر و نیز فرموده که چون عصر پنجشنبه میشود ملئکه از آسمان بزیر میآیند با قلمهای طلا و صحیفهای نقره و نمی نویسند در پسین پنجشنبه و شب و روز جمعه تا آفتاب غروب کند بغیر از صلوات بر محمد و آل محمد و در حدیثی است که چون برادران یوسف از حضرت یعقوب استدعای طلب آمرزش کردند فرمود سَوْفَ اَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي یعنی بعد از این استغفار خواهم کرد برای شما از پروردگار خود حضرت فرمود که تاخیر کرد که در سحر شب جمعه دعا کند تا مستجاب گردد و نیز فرمودند که چون شب جمعه میآید ماهیان دریا سر از آب بیرون میآورند و وحشیان صحرا گردن میکشند و حقتعالی را ندا میکنند که پروردگارا ما را عذاب مکن بگناهان آدمیان و فضائل شب جمعه و روز جمعه زیادتر از آنستکه در اینجا ذکر شود و در اینجا سه مقام است

مقام اول در اعمال روز پنجشنبه است

و آن چند امر است (۱) در نماز صبح این روز و روز دوشنبه سوره هل اتی بخواند (۲) کسیکه حاجتی داشته باشد در اول صبح این روز پی حاجت خود رود و چون متوجه حاجت خود شود بخواند حمد و معوذتین و توحید و قدر و آیة الکرسی و پنج آیه آخر سوره آل عمران را پس بگوید مولای الاثال
اِنْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنْكَ وَخابَتِ الْآمالُ اِلّا فيكَ اَسْئَلُكَ اِلهي بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ واجِبٌ عَلَيْكَ مِمَّنْ جَعَلْتَ لَهُ الْحَقَّ عِنْدَكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

تَقْضِيَ حاجَتي (۳) سوره مائده در این روز بخواند (۴) در این روز زیارت قبور شهداء و مؤمنین کند (۵) از مشاهد مشرفه بیرون نرود تا جمعه بگذرد (۶) حجامت در این روز مستحب است و دوا خوردن نیك نیست (۷) در این روز مهیا جمعه شود بگرفتن شارب و ناخنها و گذاشتن یکی از آنها برای جمعه که در جمعه گرفته شود (۸) غسل جمعه کند اگر ترس داشته باشد که در جمعه ممکن نشود غسلش (۹) هزار مرتبه صلوات بفرستد (۱۰) دو رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از حمد سیصد مرتبه توحید بخواند و در دوم دویست مرتبه (۱۱) اگر حاجتی داشته باشد بخواند نماز حوائج را که حضرت صادق علیه السلام تعلیم اسمعیل بن قیس موصلی کرده بنحویکه در هدیه ایراد کردم (۱۲) در آخر روز استغفار کند باین نحو اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذي لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ خاضِعٍ مِسْكينٍ مُسْتَكينٍ لا يَسْتَطيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفاً وَلا عَدْلاً وَلا نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا حَيوةً وَلا نُشُوراً وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْاَخْيارِ الْاَبْرارِ وَسَلَّمَ تَسْليماً

مقام دوم در اعمال شب جمعه است

و در آن چند عمل است (۱) بسیار صلوات بر محمد و آل او بفرستد و اقلش صد مرتبه است و آنچه زیاد کند بهتر است (۲) بسیار بگوید سُبْحانَ اللهِ وَاللهُ اَكْبَرُ وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ (۳) این سورها را بخواند که برای هر یك فواید و ثواب بسیار است بنی اسرائیل کهف سه طسین شعرا نمل قصص
یس ص احقاف واقعه لقمن الم سجده طور حم دخان اقترب جمعه و اگر فرصت

ندارد اختیار کند هفت تای اول را (۴) در رکعت اول نماز مغرب وعشا سورهٔ جمعه بخواند و در دوم مغرب توحید دوم عشا اعلی بخواند (۵) دعا در حق مؤمنین بسیار کند چنانکه حضرت زهرا (ع) می نمود واگر برای ده نفر از برادران مؤمن که مرده باشند طلب آمرزش کند وارد شده که بهشت برای او واجب شود (۶) نماز حاجت و نماز خضر بخواند چنانکه در هدیه ذکر کردم (۷) هفت مرتبه بخواند اَللّٰهُمَّ رَبّی لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ خَلَقْتَنی وَاَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ اَمَتِكَ وَفی قَبْضَتِكَ وَناصِیَتی بِیَدِكَ اَمْسَیْتُ عَلی عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوذُ بِرِضاكَ مِنْ شَرِّ ما صَنَعْتُ اَبُوءُ بِنِعْمَتِكَ وَاَبُوءُ بِذَنْبی فَاغْفِرْ لی ذُنُوبی اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنْتَ (۸) آنکه بخواند دعای کمیل را (۹) بخواند دعای اَللّٰهُمَّ مَنْ تَعَبَّاَ وَتَهَیَّاَ را که در روز جمعه و شب عرفه نیز خوانده میشود (۱۰) انار تناول کند چنانکه حضرت صادق (ع) در هر شب جمعه میل میفرمود واگر در وقت خوابیدن بخورد شاید بهتر باشد چرا آنکه روایت شده که هر که در وقت خوابیدن انار بخورد ایمن خواهد بود در نفس خود تا صبح کند وسزاوار است که هر گاه انار بخورد دستمالی در زیر آن پهن کند که دانه اش را ضبط کند و بعد از آن بخورد و در انار خود دیگری را شریک ن کند

مقام سیم در اعمال روز جمعه است

وان چند عمل است (۱) آنکه در نماز صبح این روز در رکعت اول سورهٔ جمعه بخواند و در دوم توحید (۲) بعد از نماز صبح پیش از آن که سخن گوید این دعا بخواند تا کفارهٔ گناهان

او باشد از جمعه تا جمعهٔ دیگر اَللّٰهُمَّ ما قُلْتُ فی جُمُعَتی هٰذِهِ مِنْ قَوْلٍ اَوْ حَلَفْتُ فیها مِنْ حَلْفٍ اَوْ نَذَرْتُ فیها مِنْ نَذْرٍ فَمَشِیَّتُكَ بَیْنَ یَدَیْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَما شِئْتَ مِنْهُ اَنْ یَكُونَ كانَ وَما لَمْ تَشَاْ مِنْهُ لَمْ یَكُنْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لی وَتَجاوَزْ عَنّی اَللّٰهُمَّ مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ فَصَلَواتی عَلَیْهِ وَمَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتی عَلَیْهِ واقلاً در هر ماهی یکمرتبه این عمل را بجا آورد (۳) روایت است که هر که بعد از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر جمعه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ نمیرد تا حضرت قائم (ع) را دریابد (۴) بعد از نماز صبح سورهٔ رحمن بخواند و بعد از فَبِاَیِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ بگوید لا بِشَیْءٍ مِنْ آلائِكَ رَبِّ اُكَذِّبُ (۵) شیخ طوسی (ره) فرموده که سنت است بعد از نماز صبح روز جمعه صد مرتبه توحید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد مرتبه استغفار کند و هر یک از این سوره ها را بخواند نساء هود کهف صافات الرحمن (۶) سورهٔ احقاف و مؤمنین بخواند (۷) سورهٔ جحد را بخواند پیش از طلوع آفتاب ده مرتبه و دعا کند تا دعایش مستجاب شود (۸) غسل جمعه کند و آن از سنتهای مؤکده است و وقت آن بعد از طلوع فجر است تا زوال آفتاب و هر چه به زوال نزدیک شود بهتر است (۹) سر را بخطمی بشوید (۱۰) ناخن و شارب بگیرد و در آنحین بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلی سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (ص) و در گرفتن ناخن ابتدا کند بانگشت کوچک دست چپ و ختم کند بانگشت کوچک دست راست و همچنین کند در گرفتن ناخنهای پای خود نیز پس ریزه های ناخن را دفن کن (۱۱) بوی

خوش بکار برد (۱۲) تصدق کند که موافق روایتی هزار
برابر اوقات دیگر است (۱۳) آنکه برای اهل و عیال چیز نیکوی
تازه از میوه و گوشت بخرد تا شاد شوند بآمدن جمعه (۱۴)
هنگام صبح که ناشتاست انار بخورد (۱۵) خود را از کارهای دنیا فارغ
سازد و مشغول بآموختن مسائل دین خود شود نه آنکه روز جمعه
را صرف کند بسیر و گشت و تفرج در باغها و مزارع مردمان و صحبت و مصاحبت
با اراذل و بیکاران و مسخرگی و عیب گوئی مردمان و خندهای
قهقهه و خواندن اشعار و خوض در باطل و امثال اینها که مفاسدش
زیاده از آنستکه ذکر شود (۱۶) هزار مرتبه صلوات بفرستد
(۱۷) زیارت حضرت رسول و ائمه طاهرین سلام الله علیهم
اجمعین نماید (۱۸) بزیارت اموات و زیارت قبر پدر و مادر
یا یکی از ایشان برود که فضیلت دارد (۱۹) نماز کامله و نماز
حضرت رسول ص بجا آورد (۲۰) نماز امیرالمؤمنین ع بکند و
آن چهار رکعت است بدو سلام در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه
توحید (۲۱) نماز حضرت فاطمه سلام الله علیها بخواند و آن دو رکعت
است در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در دوم
صد مرتبه سوره توحید و بعد از سلام تسبیح آنحضرت را بخواند
۲۲ نماز جعفر را بخواند (۲۳) دعای ندبه را که از اعمال عید
اربعه است بخواند ۲۴ در وقت زوال دعای مروی از محمد
بن مسلم را بخواند ۲۵ نماز ظهر جمعه را بجمعه و منافقین و عصر
را بجمعه و توحید بخواند (۲۶) بعد از سلام نماز ظهر بخواند

هفت مرتبه سوره حمد و همچنین هر یک از چهار قل را هفت مرتبه بخواند و
آخر سوره برائة لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ و آخر حشر لَوْ أَنْزَلْنَا
هٰذَا الْقُرْآنَ و پنج آیه از آل عمران إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
تا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ تا آنکه کفایت شر دشمنان و بلاها از او
تا جمعه دیگر بشود (۲۷) بعد از نماز ظهر صد مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلٰئِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تا برای
او امان باشد از بلاها تا جمعه دیگر و در جامع بزنطی از حضرت
صادق ع روایت شده که هرکه میان دو نماز روز جمعه صلوات بر
محمد و آل محمد بفرستد ثوابش معادل هفتاد رکعت نماز باشد
(۲۸) بعد از نماز عصر جمعه دو رکعت نماز کند در رکعت اول حمد
و آیة الکرسی و بیست و پنج مرتبه سوره فلق و در دوم حمد و توحید و
بیست و پنج مرتبه سوره ناس و بعد از سلام پنج مرتبه بگوید لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ از دنیا بیرون نرود تا در خواب جای
خود را در بهشت ببیند (۲۹) بعد از عصر روز جمعه این صلوات
را بخواند تا مثل ثواب عمل جن و انس در آن روز باو عطا کند اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ
وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَعَلٰى أَرْوَاحِهِمْ
وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ و اگر ده مرتبه و اگر هفت مرتبه
بخواند افضل است (۳۰) روایت شده که بهترین اوقات صلوات
در روز جمعه بعد از عصر است و صد مرتبه میگوئی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ و مستحب است نیز خواندن صلوات

کبیر اَللّٰهُمَّ اِنَّ مُحَمَّداً کَما وَصَفْتَهُ فی کِتابِكَ الخ (۳۱) بعد از
عصر هفتاد مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ (۳۲) بعد از
عصر صد مرتبه سورهٔ قدر بخواند و اگر نتواند ده مرتبه را ترک نکند و
خواندن ده مرتبه قدر بعد از عصر در هر روز مستحب است و فضیلت
بسیار دارد (۳۳) از جمله اعمال عصر جمعه خواندن دعای عشرات
است که اسنادهای بسیار معتبره وارد شده با فضیلت و ثواب بسیار
و مستحب است خواندن آن در هر صبح و شام نیز ما بین طلوعین افضل
است (۳۴) در ساعت آخر روز جمعه دعای سمات بخواند
(۳۵) شیخ طوسی ره فرموده که ساعت استجابت دعا ساعت آخر
روز جمعه است تا غروب آفتاب و سزاوار است که دعا در آن ساعت بسیار
بکنند و روایت شده که ساعت استجابت آن وقتی است که فرو رود نصف
قرص خورشید و نصف دیگرش غروب نکرده باشد و حضرت فاطمه
دعا میکرد در آن وقت پس مستحب است دعا در آن ساعت (۳۶) اگر
بخواند در ساعت استجابت دعا دعای نبوی ص را سُبْحانَكَ لا اِلٰهَ
اِلّا اَنْتَ یا حَنّانُ یا مَنّانُ یا بَدیعَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ یا ذَا الْجَلالِ وَ
الْاِکْرامِ تمام شد این مجموعه مبارکه در ماه ذی الحجه سنه ۱۳۴۲
و چون خاتمه آن مشتمل بر اعمال جمعه بود بعضی از مؤمنین درخواست
کردند که دعای کمیل و دعای سمات را در اخر آن ذکر نمایم لاجرم این دو
دعای شریف با ترجمه در اخر آن نگاشته شد تا مؤمنین بفیض آن
نائل و داعی را از دعای خیر فراموش نفرمایند دعای کمیل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده و مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتی
خدایا بدرستیکه من درخواست میکنم از تو برحمت تو که فرا گرفته هر چیز را و توانائی تو که
قَهَرْتَ بِها کُلَّ شَیْءٍ وَخَضَعَ لَها کُلُّ شَیْءٍ وَذَلَّ لَها کُلُّ شَیْءٍ وَ
مقهور کردانیده بآن هر چیز را و فروتنی نموده مر آنرا هر چیز و پست شده بآن هر چیز
بِجَبَرُوتِكَ الَّتی غَلَبْتَ بِها کُلَّ شَیْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتی لا یَقُومُ
و بجبروت تو که غالب شده بآن هر چیز را و بعزت تو که نتواند ایستاد مر آنرا
لَها شَیْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتی مَلَأَتْ کُلَّ شَیْءٍ وَبِسُلْطانِكَ الَّذی
هر چیز و بعظمت تو که پر کرده هر چیز را و بسلطنت تو که
عَلا کُلَّ شَیْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْباقی بَعْدَ فَناءِ کُلِّ شَیْءٍ وَ
برتر آمده هر چیزی را و بذات تو که باقیست پس از نیست شدن هر چیزی
بِاَسْمائِكَ الَّتی مَلَأَتْ اَرْکانَ کُلِّ شَیْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذی اَحاطَ
و بنامهای تو که پر کرده اند ارکانهای هر چیز را و بدانش تو که احاطه کرده
بِکُلِّ شَیْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذی اَضاءَ لَهُ کُلُّ شَیْءٍ یا نُورُ
هر چیز و بنور ذات تو که روشن شده برای آن هر چیزی ای نور
یا قُدُّوسُ یا اَوَّلَ الْاَوَّلینَ وَیا آخِرَ الْآخِرینَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ
ای منزه ای اول اولان و ای آخر آخران خدایا بیامرز برای من
الذُّنُوبَ الَّتی تَهْتِكُ الْعِصَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ
گناهانی را که میدرد پرده عصمت را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که فرود
النِّقَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
میآورد عذاب را خدایا بیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهد نعمتها را خدایا
لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ الدُّعاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی
بیامرز برای من گناهانی را که نگاه میدارد دعا را خدایا بیامرز برای من گناهانی را که فرود
تُنْزِلُ الْبَلاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَقْطَعُ الرَّجاءَ
میآورد بلا را خدایا بیامرز برای من گناهانی را که میبرد امیدواری

اللهم

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَأْتُهَا

خدایا بیامرز برای من هر گناهی را که مرتکب شده ام آنرا و هر خطائیکه کرده ام آنرا

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَاَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلٰى نَفْسِكَ

خدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو بیاد کردن تو و طلب شفاعت میمنمایم بتو

وَاَسْئَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَاَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ

بسوی خود و درخواست میکنم ترا بجود تو اینکه نزدیک کنی مرا از قرب خود و اینکه توفیق دهی

وَاَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ

مرا سپاس خود و اینکه الهام کنی مرا یاد کردنت خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا درخواست

خَاشِعٍ اَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا

کردن فروتن خوار با خشوع اینکه مسامحه کنی با من و رحم کنی مرا و بگردانی مرا بقسمت خود

وَفِي جَمِيعِ الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ

خوشنود با قناعت و در همه حالها تواضع کننده خدایا و درخواست میکنم درخواست کردن

فَاقَتُهُ وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ

کسیکه سخت کشته درماندگی او و فرود آورده بتو در نزد سختیها حاجتش را و بزرگ است

رَغْبَتُهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَا مَكَانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَ

در آنچه نزد تست رغبتش و خدایا بزرگست سلطنت تو و بلند است مکان تو و پنهانست مکر

ظَهَرَ اَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ

تو و آشکار است امر تو و غالب است قهر تو و روانست قدرت تو و نیست ممکن گریختن از

مِنْ حُكُومَتِكَ اَللّٰهُمَّ لَا اَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَ

حکومت تو خدایا نمی یابم برای گناهانم آمرزنده و نه برای زشتیهای خودم پوشنده

لَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

و نه برای چیزی از کردارم که زشت است بخوبی بدل کننده جز تو نیست خدائی مگر

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ اِلٰى

تو پاکی یاد میکنم ترا و ستایش ترا ستم کردم نفس خود را و جرئت کردم بنادانی خود

قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ

و اعتماد کردم بسوی دیرینه یاد کردنت مرا و منت نهادنت بر من خدایا وای مولای

سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ اَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ

من چه بسیار از لغزشها که نگاهداری کردی و او را و چه بسیار از مکروه که دفع کردی او را

وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ اَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ

بسیار مدح نیکو که نیستم سزاوار مرا نرا پراکنده کردی آنرا خدایا

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي وَاَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي وَقَصُرَتْ بِي اَعْمَالِي

بزرگست بلای من و افراط کرده بمن بدی حالم و کوتاه است بمن کردارهایم

وَقَعَدَتْ بِي اَغْلَالِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ اَمَالِي

و زمین گیر کرده مرا بندهایم و محبوس کرده مرا از سودم دوری آرزوهایم

وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي بِخِيَانَتِهَا وَمِطَالِي يَا

و فریب داده مرا دنیا بفریفتن خودش و نفس من بخیانتش پس اندا ختن

سَيِّدِي فَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي

ای آقای من پس درخواست میکنم ترا بعزت تو اینکه محجوب نکردانند از تو

سُوءُ عَمَلِي وَفِعَالِي وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ

خواندن مرا بدی کردارم و کارم و رسوا نکردانی مرا به پنهان آنچه مطلع گشته

مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلٰى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي

بر او از پنهان من و شتاب نکنی بعقوبت بر آنچه کرده ام او را در خلوتهایم

مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَاِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ

از بدی کردارم و بد کردنم و همیشه بد کردنم و تقصیر کردنم و نادانیم و

شَهَوَاتِی وَغَفْلَتِی وَکُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِی فِی الْأَحْوَالِ کُلِّهَا
بسیاری خواهشهایم و غفلتم و بوده باش خدایا بعزتت برای من در احوالها
رَؤُوفًا وَعَلَیَّ فِی جَمِیعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا اِلٰهِی وَرَبِّی مَنْ لِی غَیْرُكَ
همه مهربان و بر من در همهٔ کارها مهربان خدایمن و پروردگار من کیست مرا
اَسْئَلُهُ کَشْفَ ضُرِّی وَالنَّظَرَ فِی اَمْرِی اِلٰهِی وَرَبِّی وَمَوْلَایَ
مراجز تو که در خواهم او را برداشتن زیان خود را ونگریستن در کارم خدایمن و
اَجْرَیْتَ عَلَیَّ حُکْمًا اتَّبَعْتُ فِیهِ هَوٰی نَفْسِی وَلَمْ اَحْتَرِسْ فِیهِ
پروردگار من اقایمن روان کردی بر من حکمی را که پیروی کردم در ان خواهش نفس خود را
مِنْ تَزْیِینِ عَدُوِّی فَغَرَّنِی بِمَا اَهْوٰی وَاَسْعَدَهُ عَلٰی ذٰلِكَ
ونگاهبانی نکردم در این از اراستن دشمنم پس فریب داد مرا انچه خواست و یاری کرد
الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرٰی عَلَیَّ مِنْ ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ
او را براین قضا پس در گذشتم بانچه جاری شد بر من از این پاره احکام ترا و مخالفت
وَخَالَفْتُ بَعْضَ اَوَامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَیَّ فِی جَمِیعِ ذٰلِكَ وَ
کردم پارهٔ فرمانهای ترا پس مر تراست ستایش بر من در همه این و نیست حجتی مر مرا
لَا حُجَّةَ لِی فِیمَا جَرٰی عَلَیَّ فِیهِ قَضَاؤُكَ وَاَلْزَمَنِی فِیهِ حُکْمُكَ
در انچه جاری شد بر من در ان حکم تو و لازم کرد مرا در ان حکم تو و ازمودن
وَبَلَاؤُكَ وَقَدْ اَتَیْتُكَ یَا اِلٰهِی بَعْدَ تَقْصِیرِی وَاِسْرَافِی
تو و بدرستیکه امدم ترا ای خدای من پس از تقصیر کردنم و گذشتنم از حد بر
عَلٰی نَفْسِی مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْکَسِرًا مُسْتَقِیلًا مُسْتَغْفِرًا
نفس خود عذر خواه پشیمان شکسته عفو خواهنده امرزش خواهنده
مُنِیبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا اَجِدُ مَفَرًّا مِمَّا کَانَ مِنِّی
باز گشت کنان اقرار دهنده اذعان نماینده اعتراف کننده نمییابم گریزگاهی

وَلَا مَفْزَعًا اَتَوَجَّهُ اِلَیْهِ فِی اَمْرِی غَیْرَ قَبُولِكَ عُذْرِی
و داورم بسوی ان در کارم جز پذیرفتن تو عذر مرا
وَاِدْخَالِكَ اِیَّایَ فِی سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِی
و در اوردن تو مرا در فراخی از رحمت خود خدایا پس بپذیر عذر مرا
وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّی وَفُکَّنِی مِنْ شَدِّ وَثَاقِی یَا رَبِّ ارْحَمْ
و رحم کن سختی و بدحالی مرا و رها کن مرا از سختی بند من ای پروردگار
ضَعْفَ بَدَنِی وَرِقَّةَ جِلْدِی وَدِقَّةَ عَظْمِی یَا مَنْ بَدَءَ خَلْقِی
من رحم کن ناتوانی بدنم را و نازکی پوستم را و باریکی استخوانم را ای کسیکه ابتدا کرد
وَذِکْرِی وَتَرْبِیَتِی وَبِرِّی وَتَغْذِیَتِی هَبْنِی لِابْتِدَاءِ
افرینش مرا و یاد کردن مرا و پروریدن مرا و خوبی مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا بجهة
کَرَمِكَ وَسَالِفِ بِرِّكَ بِی یَا اِلٰهِی وَسَیِّدِی وَرَبِّی اَتُرَاكَ
ابتدای کرمت و گذشته نیکوئیت بمن ایخدای من و اقای من و پروردگار من
مُعَذِّبِی بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِیدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوٰی عَلَیْهِ
ایا دیده میشوی تو عذاب کننده من با تشت پس از یگانه دانستن تو و پس از انکه پیچیده
قَلْبِی مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِی مِنْ ذِکْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ
بر او دلمن از شناختن تو و متکلم شده بان زبان من از یاد تو و اعتقاد کردن انرا
ضَمِیرِی مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِی وَدُعَائِی
ضمیر من از دوستی تو و بعد از راستی اعتراف من و خواندنم
خَاضِعًا لِرُبُوبِیَّتِكَ یَا مَوْلَایَ هَیْهَاتَ اَنْتَ اَکْرَمُ
در حالتیکه فروتنی کننده ام مر پروردگاریت را ای مولای من دور است تو کریمتری از
مِنْ اَنْ تُضَیِّعَ مَنْ رَبَّیْتَهُ اَوْ تُبْعِدَ مَنْ اَدْنَیْتَهُ اَوْ تُشَرِّدَ
انکه ضایع کردانی کسیرا که پروردی او را یا دور کردانی کسیرا که جا دادی او را
کهنزدیک ساختی او را یا پراکنده کنی کسرا

مَنْ اَوَيْتَهُ اَوْ تُسَلِّمُ اِلَى الْبَلاۤءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ وَ
یاد وان کنی تو یا بلا کسی را که کفایت نمودیش ورحم کردیش و
لَيْتَ شِعْرِي يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ اَتُسَلِّطُ النَّارَ
کاش دانستمی بخدا من واقای من ومولای من ایا مسلط خواهی کرد آتش را بر
عَلٰى وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلٰى اَلْسُنٍ نَطَقَتْ
روهائیکه در افتاده اند بجهة بزرگی تو سجده کنندگان وبر زبانهائیکه گویا شده اند به
بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً وَعَلٰى قُلُوبٍ
توحید تو براستی و بسپاس تو مدحگویان و بر دلهائیکه
اعْتَرَفَتْ بِاِلٰهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَعَلٰى ضَمَائِرَ حَوَتْ
اعتراف نمودند بخدائیت از روی تحقیق وبر ضمیرهائی که فرا گرفت
مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتّٰى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلٰى جَوَارِحَ
از دانش بتو تا گردیده اند با خشوع وبر اعضائیکه
سَعَتْ اِلٰى اَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً وَاَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ
رفته اند بسوی وطنهای پرستیدن تو فرمان بردار واشاره کرده بباز گشت بتو
مُذْعِنَةً مَا هٰكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا اُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ
از راه اعتقاد نیست اینچنین گمان بتو ونه خبر دادن ما را بفضل تو از تو
يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاۤءِ الدُّنْيَا
ای کریم ای پروردگار وتو میدانی ناتوانی مرا از اندک از بلاء دنیا و
وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلٰى اَهْلِهَا
عقوبتهایش وانچه جاری میشود در ان از ناخوشیهای براهل ان با انکه
عَلٰى اَنَّ ذٰلِكَ بَلَاۤءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ يَسِيرٌ
ان بلائیست ومکروهیست اندک درنگ ان کمست

بَقَاۤؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاۤءِ الْاٰخِرَةِ وَ
ودوام ان کوتاه است مدت ان پس چگونه است تحمل من مر بلای اخرت را
جَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاۤءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ
وبزرگی واقعشدن ناخوشیها دران وحال انکه او بلائیست که دراز است مدتش
وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ لِاَنَّهُ لَا يَكُونُ اِلَّا
ان وهمیشه است زیستن ان وسبک کرده نمیشود از اهل ان بعلت انکه نخواهد بود
عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ وَهٰذَا مَا لَا تَقُومُ
مگر از غضب تو وانتقام تو وخشم تو واینچیزیست که پایداری نمی
لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ بِي وَاَنَا
کند مر او را اسمانها و زمین ای اقای من پس چگونه باشد بمن وحال انکه
عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ يَا اِلٰهِي وَ الْمُسْتَكِينُ
من بنده تو ام ناتوان خوار حقیر محتاج زار ای خدای من و
رَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو
پروردگار من واقای من وبزرگ من برای کدام یک از کارها بسوی تو شکوه
وَلِمَا مِنْهَا اَضِجُّ وَاَبْكِي لِاَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ
کنم وبرای کدام یک از انها بخروشم وگریه کنم برای دردناک عذاب وسختی
اَوْ لِطُولِ الْبَلَاۤءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ
ان یا برای درازی بلاء ومدت ان پس هرگاه بگردانی مرا در عقوبتها با
مَعَ اَعْدَاۤئِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَهْلِ بَلَاۤئِكَ
دشمنانت وگرد اوری میان من ومیان اهل بلایت و
وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَحِبَّاۤئِكَ وَاَوْلِيَاۤئِكَ فَهَبْنِي يَا وَبَيْنَ
جدائی اندازی میان من ومیان دوستانت واولیایت پس گرفتم ای خدای من

إلهي وسيّدي ومولاي وربّي صبرتُ على عذابك
ای خدای من و بزرگ من و آقای من و پروردگار من که صبر کردم بر عذاب تو
فكيف أصبرُ على فراقك وهبني صبرتُ على حرّ
پس چگونه صبر کنم بر فراق تو و گرفتم صبر کردم بر گرمی
نارك فكيف أصبرُ عن النظر إلى كرامتك أم كيف
آتش تو پس چگونه صبر نمایم از نگریستن بسوی کرامت تو یا چگونه
أسكنُ في النار ورجائي عفوك فبعزّتك يا سيّدي
ساکن گردم در آتش و امیدواریم بعفو تو است پس بعزت تو ای بزرگ
ومولاي أُقسمُ صادقاً لئن تركتني ناطقاً لأضجّنّ
من و آقای من سوگند میخورم براستی هرگاه مرا باز گذاری گویا هر آینه
إليك بين أهلها ضجيجَ الآملين ولأصرخنّ إليك
بخروشم بسوی تو میان اهل آتش خروش امیدواران و هر آینه فریاد کنم بسوی
صراخَ المستصرخين ولأبكينّ عليك بكاءَ الفاقدين
تو همچو فریاد کنندگان و هر آینه گریه کنم بر تو گریه کردن نایابندگان
ولأنادينّك أين كنتَ يا وليَّ المؤمنين يا غايةَ آمالِ
البته ندا کنم ترا که کجائی تو ای دوست مؤمنان ای منتهای آرزوی
العارفين يا غياثَ المستغيثين يا حبيبَ قلوبِ
عارفان ای فریادرس فریادخواهان ای محبوب دلهای
الصادقين ويا إلهَ العالمين أفتراك سبحانك يا إلهي
راستگویان و ای خدای جهانیان آیا دیده میشوی تو که منزهی تو ای خدای
وبحمدك تسمعُ فيها صوتَ عبدٍ مسلمٍ سُجن فيها
من و حمد تراست بشنوی در آن آواز بنده گردن نهاده که زندان

بمخالفته وذاق طعمَ عذابها بمعصيته وحُبس
کرده شده در آن بسبب مخالفت آن و چشیده است مزه عذاب آنرا بنافرمانی او
بين أطباقها بجُرمه وجريرته وهو يضجّ إليك ضجيجَ
و محبوس کرده شده میان طبقهایش بسبب جرم و گناهش و او میخروشد بسوی
مؤمّلٍ لرحمتك ويناديك بلسانِ أهلِ توحيدك
تو خروشیدن آرزومند برحمت ترا و میخواند ترا بزبان اهل توحید تو
ويتوسّلُ إليك بربوبيّتك يا مولاي فكيف يبقى
و توسل میجوید بسوی تو به پروردگاریت ای آقای من پس چگونه در عذاب
في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك
میماند و حال آنکه او امید دارد چیزی را که گذشته است از بردباری تو و
ورحمتك أم كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك
مهربانی تو و رحمت ترا یا چگونه بدرد خواهد آورد او را آتش و حال آنکه او امید
ورحمتك أم كيف يحرقه لهبُها وأنت تسمعُ
دارد فضل ترا و رحمت ترا یا چگونه میسوزاند او را زبانه آن و تو
صوته وترى مكانه أم كيف يشتمل عليه زفيرُها
میشنوی آوازش را و می بینی مکان او را یا چگونه شامل شود بر آن شعله آن
وأنت تعلم ضعفه أم كيف يتغلغل بين أطباقها
و تو میدانی ناتوانیش را یا چگونه فرو رود میان طبقهایش
وأنت تعلم صدقه أم كيف تزجره زبانيتُها وهو
و تو میدانی راستی او را یا چگونه زجر کنند او را زبانیه آن و
يناديك يا ربّه أم كيف يرجو فضلك في
او میخواند ترا ای پروردگار یا چگونه امید دارد فضل ترا در

عِتقِهِ مِنها فَتترُكُهُ فيها هَيهاتَ ما ذلِكَ الظَّنُّ

آزاد کردیش از آن پس بازگذاریش در آن دور است نیست این گمان بتو

بِكَ وَلا المَعروفُ مِن فَضلِكَ وَلا مُشبِهٌ لِما

و نه معروف از فضل تو و نه مانند مر آنچه را معامله

عامَلتَ بِهِ المُوَحِّدينَ مِن بِرِّكَ وَإِحسانِكَ

نمودی بآن یگانه پرستان را از نیکوئیت و احسانت پس

فَبِاليَقينِ أَقطَعُ لَولا ما حَكَمتَ بِهِ مِن تَعذيبِ

بیقین قطع دارم اگر نه حکم کرده بآن از عذاب گردن

جاحِديكَ وَقَضَيتَ بِهِ مِن إِخلادِ مُعانِديكَ

منکرانت و حکم فرمودی بآن از جاوید داشتن دشمنانت

لَجَعَلتَ النّارَ كُلَّها بَردًا وَسَلامًا وَما كانَت لِأَحَدٍ

هر آینه گردانیده بودی آتش را تمام سرد و سلامت و نه بودی مر احدی را

فيها مَقَرًّا وَلا مُقامًا لٰكِنَّكَ تَقَدَّسَت أَسماؤُكَ

در آن قرارگاه و نه جایگاه لیکن تو پاکیزه است نامهای تو

أَقسَمتَ أَن تَملَأَها مِنَ الكافِرينَ مِنَ الجِنَّةِ وَ

سوگند یاد کرده که پر گردانی آنرا از کافران از جنیان و

النّاسِ أَجمَعينَ وَأَن تُخَلِّدَ فيهَا المُعانِدينَ وَأَنتَ

آدمیان همه و اینکه جاوید داری در آن دشمنان را و حال

جَلَّ ثَناؤُكَ قُلتَ مُبتَدِئًا وَتَطَوَّلتَ بِالإِنعامِ

آنکه تو بزرگ آمده ثنای تو گفته ابتدا کننده و بخشنده به نعمت دادن

مُتَكَرِّمًا أَفَمَن كانَ مُؤمِنًا كَمَن كانَ فاسِقًا لا

کرامت دهنده آیا پس کسیکه باشد گرونده همچو کسیست که باشد از

آن بود که من

يَستَوونَ إِلٰهي وَسَيِّدي فَأَسأَلُكَ بِالقُدرَةِ الَّتي

فرمان بردن داونده یکسان نیستند ای خدای من و بزرگ من پس درخواست میکنم ترا

قَدَّرتَها وَبِالقَضِيَّةِ الَّتي حَتَمتَها وَحَكَمتَها وَغَلَبتَ

بآن توانائی که تقدیر کردی آنرا و بحکمی که لازم کرده آنرا و حکم کرده آنرا و غالب

مَن عَلَيهِ أَجرَيتَها أَن تَهَبَ لي في هٰذِهِ اللَّيلَةِ

گشته بر کسیکه بر او روان ساختهٔ آنرا اینکه ببخشی مرا در این شب و در

وَفي هٰذِهِ السّاعَةِ كُلَّ جُرمٍ أَجرَمتُهُ وَكُلَّ ذَنبٍ

این ساعت هر جرمیکه کرده ام و هر گناهیکه

أَذنَبتُهُ وَكُلَّ قَبيحٍ أَسرَرتُهُ وَكُلَّ جَهلٍ عَمِلتُهُ

نموده ام و هر زشتی که پنهان بجا آورده ام و هر نادانی که کرده ام

كَتَمتُهُ أَو أَعلَنتُهُ أَخفَيتُهُ أَو أَظهَرتُهُ وَكُلَّ

پوشیده باشم آنرا و یا آشکار کرده باشم پنهان نموده باشم آنرا یا هویدا نموده

سَيِّئَةٍ أَمَرتَ بِإِثباتِهَا الكِرامَ الكاتِبينَ الَّذينَ

باشم و هر بدیکه امر فرموده بثابت نمودن آنها گرامی نویسندگان را که

وَكَّلتَهُم بِحِفظِ ما يَكونُ مِنّي وَجَعَلتَهُم شُهودًا عَلَيَّ

گماشته آنان را بنگاهداشتن هر چه باشد از من و گردانیدی ایشانرا گواه

مَعَ جَوارِحي وَكُنتَ أَنتَ الرَّقيبَ عَلَيَّ مِن وَرائِهِم

بر من با اعضای من و هستی تو نگاهبان بر من از ورای ایشان

وَالشّاهِدَ لِما خَفِيَ عَنهُم وَبِرَحمَتِكَ أَخفَيتَهُ

و گواه مر آنچه را که پوشیده ماند از ایشان و برحمتت پنهان داشته

وَبِفَضلِكَ سَتَرتَهُ وَأَن تُوَفِّرَ حَظّي مِن كُلِّ خَيرٍ

آنرا و بفضلت پوشیدهٔ آنرا و اینکه وافر گردانی بهره مرا از هر خیر

تُنْزِلُهُ اَوْ اِحْسانٍ تُفَضِّلُهُ اَوْ بِرٍّ تَنْشُرُهُ اَوْ رِزْقٍ

فرو فرستی انرا یا نیکی کردن که زیاد کنی انرا یا خوبی که پراکنده کنی انرا یا روزی

تَبْسُطُهُ اَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ اَوْ خَطَاءٍ تَسْتُرُهُ یا رَبِّ یا

که بگسترانی اورا یا گناهیکه بیامرزی اورا و یا خطائیکه بپوشانی اورا ای پروردگار

رَبِّ یا رَبِّ یا اِلٰهی وَسَیِّدی وَمَوْلای وَمالِکَ رِقّی

ای پروردگار ای پروردگار ای خدای من و بزرگ من و آقای من و مالک بندگی من

یا مَنْ بِیَدِهٖ ناصِیَتی یا عَلیماً بِضُرّی وَمَسْکَنَتی یا

ای انکه بدست اوست موی پیشانی من ای دانا ببیچارگی من و درماندگی من ای

خَبیراً بِفَقْری وَفاقَتی یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ اَسْئَلُکَ

آگاه باحتیاج من و فاقه من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار

بِحَقِّکَ وَقُدْسِکَ وَاَعْظَمِ صِفاتِکَ وَاَسْمائِکَ

من درخواست میکنم ترا بحق تو و پاکیزگی تو و بزرگترین صفتهای تو و نامهای تو اینکه

اَنْ تَجْعَلَ اَوْقاتی فِی اللَّیْلِ وَالنَّهارِ بِذِکْرِکَ مَعْمُورَةً

بگردانی وقتهای مرا در شب و روز بیاد کردن تو آبادان

وَبِخِدْمَتِکَ مَوْصُولَةً وَاَعْمالی عِنْدَکَ مَقْبُولَةً

و بخدمت تو پیوسته شده و کردارهایم را نزد تو پذیرفته تا آنکه

حَتّٰی تَکُونَ اَعْمالی وَاَوْرادی کُلُّها وِرْداً واحِداً

باشد کردارهای من و وردهای من همه آن وردی واحد

وَحالی فی خِدْمَتِکَ سَرْمَداً یا سَیِّدی یا مَنْ عَلَیْهِ

و حالم در خدمت تو پیوسته ای آقای من ای کسیکه بر اوست

مُعَوَّلی یا مَنْ اِلَیْهِ شَکَوْتُ اَحْوالی یا رَبِّ یا رَبِّ

اعتماد من ای کسیکه بسوی او شکوه میبرم احوالم را ای پروردگار من ای

یا رَبِّ قَوِّ عَلٰی خِدْمَتِکَ جَوارِحی وَاشْدُدْ عَلَی

ای پروردگار من توانا گردان بخدمت اعضایم را و سخت گردان بر

الْعَزیمَةِ جَوانِحی وَهَبْ لِیَ الْجِدَّ فی خَشْیَتِکَ وَالدَّوامَ

عزیمت اطرافم را و ببخش مرا کوشیدن در ترسیدن از تو و همیشه

فِی الْاِتِّصالِ بِخِدْمَتِکَ حَتّٰی اَسْرَحَ اِلَیْکَ فی مَیادینِ

السّابِقینَ وَاُسْرِعَ اِلَیْکَ فِی الْمُبادِرینَ

در پیوستن بخدمت تو تا اینکه روانشوم بسوی تو در میدانهای

وَاَشْتاقَ اِلٰی قُرْبِکَ فِی الْمُشْتاقینَ وَاَدْنُوَ مِنْکَ دُنُوَّ

پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان و نزدیک گردم

الْمُخْلِصینَ وَاَخافَکَ مَخافَةَ الْمُوقِنینَ وَاَجْتَمِعَ فی جِوارِکَ

بتو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن یقین کنندگان و گرد آیم در جوار تو

مَعَ الْمُؤْمِنینَ اَللّٰهُمَّ وَمَنْ اَرادَنی بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ وَمَنْ

با گروندگان خدایا وهرکه اراده کند مرا ببدی پس اراده کن او را و

کادَنی فَکِدْهُ وَاجْعَلْنی مِنْ اَحْسَنِ عِبادِکَ نَصیباً عِنْدَکَ

هرکه کید کند پس کید فرما او را و بگردان مرا از نیکوترین بندگانت از روی بهره

وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْکَ وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَیْکَ فَاِنَّهُ لا

نزد تو و نزدیکترین ایشان از روی منزلت بتو و مخصوص ترین ایشان در نزدیکی نزد تو

یُنالُ ذٰلِکَ اِلاّ بِفَضْلِکَ وَجُدْ لی بِجُودِکَ وَاعْطِفْ

پس بدرستیکه رسیده نمیشود این مگر بفضل تو و ببخش مرا بجودت و مهربانی

عَلَیَّ بِمَجْدِکَ وَاحْفَظْنی بِرَحْمَتِکَ وَاجْعَلْ لِسانی بِذِکْرِکَ

کن برمن ببزرگواریت و نگاهداری کن مرا برحمتت و بگردان زبانم را بیاد کردنت

لَهِجاً وَقَلْبی بِحُبِّکَ مُتَیَّماً وَمُنَّ عَلَیَّ بِحُسْنِ اِجابَتِکَ وَاَقِلْنی

گویا و دلم را بدوستی تو بیتاب و منت گذار برمن بنیکوئی اجابت کردنت و

عثرتي واغفر لي زلتي فانك قضيت على عبادك

و در گذر از من لغزش مرا و بیامرز برای من گناه مرا پس بدرستیکه تو حکم کرده

بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة

بر بندگانت بعبادتت و امر کردی ایشانرا بخواندنت و ضامن شده برای ایشان

فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب

اجابت را پس بسوی تو ای پروردگارم باز داشته‌ام روی خود را و بجانب تو ای

مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني

پروردگار کشیده‌ام دست خود را پس بعزتت اجابت نما برای من دعای مرا و

مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر

برسان مرا بآرزویم و برید مکن از فضل خودت امید را و کفایت کن مرا

الجن والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن

از جن و آدمیان از دشمنانم ای زود خوشنود شونده بیامرز مرا

لا يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من اسمه

که مالک نمیشود مگر خواندن را پس بدرستیکه تو کننده مر آنچه را خواهی ای

دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من راس

کسیکه نام او دوا و یاد کردن او شفاست و طاعتش بی‌نیازیست رحم کن کسیرا

ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا

که سرمایه‌اش امید و اولیست و سلاحش گریه است ای کامل نعمت ای

دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم يا عالما

دفع کننده بدیها ای نور وحشت دارندگان در تاریکیها ای دانا

لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما

که آموزنده نشده است رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن بمن آنچه را

انت اهله وصلى الله على رسوله والائمة الميامين

توئی سزاوار آن و رحمت کناد خدا بر فرستاده او و امامان پیشوایان

من آله وسلم تسليما كثيرا كثيرا

از آل او و درود دهاد او را درودی بسیار بسیار

دعاء سمات

معروف بدعاء شبور که مستحب است خواندن آن در آخر روز جمعه مخفی نماند که این دعا از دعاهای مشهوره است و اکثر علماء سلف بر این دعا مواظبت مینموده اند در مصباح شیخ و جمال الاسبوع سید ابن طاوس و کتب کفعمی بسندهای معتبر از محمد بن عثمان عمری که از نواب خاص صاحب الامر علیه السلام است و از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده اند و علامه مجلسی آنرا با شرح در بحار ذکر فرموده و خوب است چنانکه گفته اند پیش از دعای سمات این دعا را بخواند

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انت الاول فليس قبلك شيء وانت الاخر

خدایا توئی آغاز هر چیزی پس نیست پیش از تو چیزی و توئی انجام

فليس بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك

هر چیزی پس نیست پس از تو چیزی و توئی بر تر از هر چیزی پس نیست بالای

شيء وانت الباطن فليس دونك شيء وانت العزيز

تو چیزی و توئی درون هر چیزی پس نیست بجز تو چیزی و توئی غالب

الحکیم لا اله الا انت یا حنان یا منان یا بدیع
بو هر چیز و داست گفتار و درست کردار نیست کسی شایسته پرستش مگر تو ای مهربان ای
السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام صل علی
بخشاینده ای آفریننده اسمانها و زمین ای خداوند بزرگی و ارجمندی بخشا
محمد وآل محمد
وسلم تسلیما
بر محمد و آل محمد
و ثنای ایشان بگو ثنا گفتنی

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

اللهم انی اسئلک باسمک العظیم الاعظم
خدایا بدرستیکه من سئوال میکنم از تو بحق نام تو آن نام بزرگ بزرگتر
الاعز الاجل الاکرم الذی اذا دعیت به علی
ارجمندتر بلندمرتبه‌تر گرامی‌تر تو که هرگاه خوانده شوی بدان نام
مغالیق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت
بر قفلهای درهای اسمان برای باز شدن بجهة نزول رحمت باز شود
واذا دعیت به علی مضایق ابواب الارض
و هرگاه خوانده شوی بان نام بر تنگیهای درهای زمین از برای
للفرج انفرجت واذا دعیت به علی مغالق
گشایش کارها گشوده شود و هرگاه خوانده شوی بان نام بر سختیهای
ابواب العسر للیسر تیسرت واذا دعیت به علی
درهای دشواری از برای اسان شدن اسان گردد و هرگاه خوانده شوی
الاموات للنشور انتشرت واذا دعیت به علی کشف
بان نام بر مردگان از برای زنده شدن زنده شوند و هرگاه خوانده شوی بان نام بر برطرف

(الباساء)

البأساء والضراء انکشفت وبجلال وجهک
شدن سختیها و رنجها برطرف شود و سئوال میکنم از تو بحق بلندی مرتبه
الکریم اکرم الوجوه واعز الوجوه الذی عنت له
ذات تو که گرامی و گرامی‌ترین ذاتهاست و ارجمندترین ذاتهاست که ذلیل
الوجوه وخضعت له الرقاب وخشعت له الاصوات
و خوار شده از برای او ذاتها و فروتنی کرده مر او را گردنها و زار و نزار شده از برای
ووجلت له القلوب من مخافتک وبقوتک التی
او آوازها و ترسناک گردیدند از برای او دلها از بیم تو و سئوال میکنم از تو بحق توانائی
تمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنک
تو که نگاه میداری اسمانرا از آنکه بیافتد بر زمین مگر بفرمان تو و
وتمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا
نگاه میداری اسمانها و زمین را از آنکه از جای خود بدر روند و هر
ان امسکهما من احد من بعدک وبمشیتک التی
اینکه اگر از جای خود بدر روند نگه ندارد کسی جز تو و سئوال میکنم از تو بحق خواستن تو
دان لها العالمون وبکلمتک التی خلقت بها السموات
که فرمان بردار شدند مر آنرا دانایان و سئوال میکنم از تو بحق کلمه که آفریدی بان کلمه
والارض وبحکمتک التی صنعت بها العجائب وخلقت
اسمانها و زمین را و سئوال میکنم از تو بحق حکمت تو که ساختی تو بان چیزهای شگفت
بها الظلمة وجعلتها لیلا وجعلت اللیل سکنا وخلقت
را و آفریدی بان حکمت تاریکی را و گردانیدی آنرا شب و گردانیدی شب را زمان آرام
بها النور وجعلته نهارا وجعلت النهار نشورا مبصرا
گرفتن و آفریدی بان حکمت روشنائی را و گردانیدی آنرا روز و گردانیدی روز را

(وخلقت)

وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَخَلَقْتَ

پیدا کنند کننده برانگیزاننده بیناوافریدی بان حکمت افتاب را وکردانیدی افتاب را تابنده ودرخشنده

بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُوراً وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَ

وافریدی بانحکمت ماه را وکردانیدی ماه را روشن وافریدی بانحکمت ستارکانرا

جَعَلْتَهَا نُجُوماً وَبُرُوجاً وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُوماً

وکردانیدی انها را ستارکان هویدا وبرجها وچراغها وارایش اسمانها وتیرهای شهاب

وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ

وکردانیدی از برای انها مواضع برامدن ومواضع فرو رفتن وافریدی از برای انها

وَمَجَارِيَ وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكاً وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا فِي

اشکار شدنها وراه روشها وافریدی از برای هریك فلکی وراههای شنا واندازه

السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ

قرار دادی در اسمان منزلها پس نیکو کردانیدی اندازهٔ انها را وصورت دادی انها را

تَصْوِيرَهَا وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ

پس نیکو کردانیدی صورت انها را وشماره کردی انها را بنامهای خود شماره کردنی وبجا اوردی

تَدْبِيراً فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَ

تدبیر انها را بحکمت خود تدبیر کردنی پس نیکو کردی تدبیر انها را وبار بردار کردانیدی

سُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ

انها را بروز ودن بوشب روز را ودن بروز وساعتها وشمردن سالها

وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرْأًى وَاحِداً وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

وشمارهٔ انها وکردانیدی دیدن انها را از برای همه مردمان دیدنی یکسان وسؤال

بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ

میکنم از تو خدایا بحق کرم وبزرکی تو که سخن کفتی بان بنده وفرستادهٔ خود موسی

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكَرُوبِيِّينَ

پسر عمران براو باد درود در جایکاه پاکیزه بالای ادراك فرشتکان نزدیك

فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ

بالای ابرهای نور بالای صندوق شهادت در ستون اتش و

وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ

ودرکوه سیناء ودرکوه حوریث در صحراء پاکیزه

فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ

در زمین فرخ وفیروز از سوی کوه راست از درخت

وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي

ودر زمین مصر بنه نشانهای هویدا وروزی که شکافتی از

إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَفِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ

برای فرزندان یعقوب دریا را ودر شکافهای اب که ساختی بان چیزهای شکفت را

فِي بَحْرِ سُوفٍ وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ

در دریای عمیق وبستی اب دریا را در دل کرداب بسان سنک

وَجَاوَزْتَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى

وکذرانیدی بنی اسرائیل را از دریا وانجام پذیرفت وعدهٔ نیکوی تو در بارهٔ ایشان

عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ

بسبب شکیبائی که ورزیدند وبایشان دادی اطراف ونواحی شرقی زمین را

مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ

واطراف وپیدا کردی برکت وزیادتی در ان زمینها از برای مردم عالم وفرو بردی

وَجُنُودَهُ وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ

پادشاه مصر را ولشکرهای او را واسبان او را در دریا وسؤال میکنم از تو بحق نام

الاعظم الاعز الاجل الاكرم وبمجدك الذي
نام توکه بزرگترست بزرگتر بلندتر ارجمندتر شریفتر گرامی تر وسؤال میکنم از
تجليت به لموسى كليمك عليه السلام في طور
از تو بحق بزرگی توکه آشکار شدی بان از برای موسی همراز تو برا و باد درود در
سيناء ولابراهيم خليلك عليه السلام من قبل
در طور سیناء واز برای ابرهیم دوست تو بر و باد درود پیش از موسی در
في مسجد الخيف ولاسحق صفيك عليه السلام في بئر
مسجد منی واز برای اسحق برگزیده تو برا و باد درود در چاه شبع واز
شيع وليعقوب نبيك عليه السلام في بيت
برای یعقوب پیغمبر تو بر او باد درود در خانه خدا و وفا
ايل واوفيت لابراهيم عليه السلام بميثاقك و
کردی از برای ابراهیم بر و باد درود بر پیمان خود واز برای
لاسحق بحلفك وليعقوب بشهادتك وللمؤمنين
اسحق بسوگند خود واز برای یعقوب بگواهی خود واز برای
بوعدك وللداعين باسمائك فاجبت وبمجدك
مؤمنین بوعده خود واز برای خوانندگان تو با نامهای تو پس برآوردی حاجت
الذي ظهر لموسى بن عمران عليه السلام على قبة
ایشان را وسؤال میکنم از تو بحق بزرگواری که هویدا کرد بدان از برای موسی پسر عمران
الرمان وباياتك التي وقعت على ارض مصر بمجد العزة
بر او باد درود بر بیت المقدس وسؤال میکنم از تو بحق قدرت توکه بلند شد در زمین
والغلبة بايات عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة
بهر بزرگواری ارجمندی وزبردستی بر نشانهای ارجمند و سؤال میکنم از تو بحق

وبشان

وبشان الكلمة التامة وبكلماتك التي تفضلت بها على
زورآوری وزبردستی وبحق برتری توانائی تو وبحق وشان سخن تمام تو وبحق
اهل السموات والارض واهل الدنيا والاخرة وبرحمتك
سخنان توکه احسان کردی بانسخنان بر اهل آسمانها و زمین واهل دنیا و آخرت
التي مننت بها على جميع خلقك وباستطاعتك التي
وسؤال میکنم از تو بحق مهربانی توکه احسان نمودی بان بر همه آفریدگان وبحق توانائی
اقمت بها العالمين وبنورك الذي قد خر من فزعه طور
توکه برپا داشتی بان توانائی اهل عالم را وبروشنائی توکه بدرستیکه از هم پاشید
سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك وعزتك
از ترس آن طور سیناء وبحق دانائی تو وبلندی مرتبه تو وبزرگی تو وارجمندی تو و
وجبروتك التي لم تستقلها الارض وانخفضت
قهر و غلبه توکه برنتوانند داشت اورا زمین وپست میشود
لها السموات وانزجر لها العمق الاكبر وركدت لها
از برای آن آسمانها و بازپس ایستاد از برای آن طبقه پائین تر از زمین و باز
البحار والانهار وخضعت لها الجبال وسكنت لها
ایستاد از بیم آن دریاها وجویها وفروتنی نمود مرانها را کوهها وآرام گرفت از
الارض بمناكبها واستسلمت لها الخلائق كلها و
برای آن زمین با بلندیهای خود وفرمان بردار شدند مرانرا آفریدگان همه و برهم
خفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران
لرزید از هیبت آن بادها در وزیدنهای خود وخاموش شد از ترس آن آتشها در
في اوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة
آتشکدههای خود وسؤال میکنم از تو بحق پادشاهی توکه شناخته شده از برای

دهر الدهور وحمدت به في السموات والارض

تو بان بوتری بر هر چیزی در همه دوز کار و ستوده شده تو بان در اسمانها و زمینها

وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لابينا آدم و

و سوال میکنم از تو بحق سخن تو سخن راستی که پیش گذشت از برای پدر ما آدم

ذريته بالرحمة واسئلك بكلمتك التي غلبت كل

و فرزندان او و بنوید مهربانی و بخشش و سوال میکنم از تو بحق کلمه تو که غالب شد

شيء وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته

بر هر چیزی و بحق تابندگی روی تو که پرتو افکن شدی بان بر کوه را پس گردانیدی

دكا وخر موسى صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور

ان کوه را ریزه ریزه و بر وافتاد موسی بیهوش و بحق بزرگی تو که پیدا شد بر

سيناء فكلمت به عبدك ورسولك موسى بن

طور سیناء پس سخن گفتی بان با بنده خود و پیغمبر خود موسی پسر عمران

عمران وبطلعتك في ساعير وظهورك في جبل

و بحق هویدا گردانیدن تو در کوه ساعیر و پیدا شدن تو در کوه

فاران بربوات المقدسين وجنود الملائكة الصافين

فاران در تلها و بلندیهای پاکیزه و بحق لشکرهای فرشتگان صف

وخشوع الملائكة المسبحين وببركاتك التي باركت فيها

کشیده و بحق فروتنی داری فرشتگان تسبیح گوینده و بحق فوجها و فیروزیها

على ابراهيم خليلك عليه السلام في امة محمد صلى الله

که فرخندگی و فیروزی بخشیدی درانها برابراهیم دوست تو براو باد درود در امة

عليه واله وباركت لاسحق صفيك في امة عيسى

محمد بخشاید برا و خدای و براهل بیت او و فرخندگی بخشیدی از برای اسحق

عليهما السلام وباركت ليعقوب اسرائيلك في امة

برگزیده خود در امة عیسی بر هر دو باد درود و فرخندگی و فیروزی گردانیدی از برای

موسى عليه السلام وباركت لحبيبك محمد صلى

یعقوب برگزیده خود در امة موسی براو باد درود و فرخندگی و فیروزی گردانیدی

الله عليه واله في عترته وذريته وامته اللهم

از برای دوست خود محمد بخشاید خدا براو و بر آل او در خویشان او و فرزندان او و امت

وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده وامنا به ولم نره

او خداوندا و چنانکه ما غائب بودیم از ان و مشاهده نکردیم انرا و ایمان اوردیم

صدقا وعدلا ان تصلي على محمد وال محمد وان

بان و ندیدیم انرا از روی راستی و درستی اینکه بخشش بر محمد و آل محمد و اینکه فرخندگی

تبارك على محمد وال محمد وترحم على محمد وال محمد

گردانی بر محمد و آل محمد و مهربانی کن بر محمد و آل محمد مانند بهترین رحمتی که گردانی

كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم

و فرخندگی و فیروزی که بخشیدی و مهربانی کردی برابراهیم و آل

وال ابرهيم انك حميد مجيد فعال لما تريد و

ابراهیم بدرستیکه تو ستوده و بزرگی کننده هر آن چیزی را که خواهی

انت على كل شيء قدير شهيد ثم قل يا الله يا حنان

و تو بر هر چیزی توانائی حاضری پس بگو ای خدا ای مهربان

يا منان يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال و

ای بخشاینده ای پیدا کننده آسمانها و زمین ای خداوند بزرگی و بزرگی

الاكرام يا ارحم الراحمين اللهم بحق هذا الدعاء و

ای مهربان تر مهربانان بار خدایا بحرمت این دعا و

بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاۤءِ الَّتِیْ لَا یَعْلَمُ تَفْسِیْرَهَا وَلَا یَعْلَمُ بَاطِنَهَا
بحرمت این نامها که نمیداند تفسیر آنها را و نمیداند درون
غَیْرُكَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّافْعَلْ بِیْ كَذَا وَكَذَا وَ
آنها را کسی جز تو ببخش بر محمد و آل محمد و بکن بمن چنین و چنین
اَنْتَقِمْ لِیْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَّاغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ مَا تَقَدَّمَ
و انتقام من بکش از فلان پسر فلان و بیامرز گناهان مرا آنچه پیش
مِنْهَا وَمَا تَاَخَّرَ وَوَسِّعْ عَلَیَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَاكْفِنِیْ
گذشته و آنچه بعد از این صادر شده و فراخ گردان بر من از حلال روزی خود و
مَؤُوْنَةَ سَوْءٍ وَّجَارِ سَوْءٍ وَّسُلْطَانِ سَوْءٍ اِنَّكَ عَلٰی مَا
باز دار از من رنج و آزار مردم بد را و همسایهٔ بد را و پادشاه بد را بدرستیکه
تَشَاۤءُ قَدِیْرٌ وَّبِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ اٰمِیْنَ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ وَالْحَمْدُ
تو بر هر چه خواهی توانائی و بر همه چیز دانائی اینچنین کن ای پروردگار عالمیان
لِلّٰهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ ثُمَّ تَقُوْلُ
و ستایش مر خدا راست و ببخشاید خدا بر محمد و آل او که پاکانند پس میگوئی
اَللّٰهُمَّ بِحُرْمَةِ هٰذَا الدُّعَاۤءِ وَبِمَا فَاتَ مِنْهُ مِنَ الْاَسْمَاۤءِ
بار خدایا بحرمت این دعا و بحرمت آنچه نایاب است از آن از
وَبِمَا یَشْتَمِلُ عَلَیْهِ مِنَ التَّفْسِیْرِ وَالتَّدْبِیْرِ الَّذِیْ لَا یُحِیْطُ
نامها تو و بحرمت آنچه مشتمل است این دعا بر او از تفسیر و تدبیر که احاطه نکرده
بِهٖ اِلَّا اَنْتَ اَنْ تَفْعَلَ بِیْ كَذَا وَكَذَا ثُمَّ تَقُوْلُ اَللّٰهُمَّ
است کسی باو مگر تو اینکه بکنی بمن چنین و چنین پس میگوئی بار خدایا
بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاۤءِ اَنْ تَتَفَضَّلَ عَلٰی فُقَرَاۤءِ الْمُؤْمِنِیْنَ
بحرمت این دعا که احسان کن بر بی چیزان مؤمنین

بایدکه بجای کذا و کذا حاجات خود را عرض نماید و بجای فلان بن فلان اسم خصم و اسم پدرش را ذکر کنند

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنٰی وَالثَّرْوَةِ وَعَلٰی مَرْضَی الْمُؤْمِنِیْنَ
و مؤمنات به بی نیازی و توانگری و بر بیماران مؤمنین
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاۤءِ وَالصِّحَّةِ وَعَلٰی اَحْیَاۤءِ الْمُؤْمِنِیْنَ
و مؤمنات بخلاصی از مرض و سلامتی بدن و بر زندگان مؤمنین
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ وَعَلٰی اَمْوَاتِ
و مؤمنات بمهربانی و بخشش و بر مردگان مؤمنین
الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغُفْرَانِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلٰی
و مؤمنات بآمرزش و بخشایش و بر
غُرَبَاۤءِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ اِلٰی اَوْطَانِهِمْ
غریبان مؤمنین و مؤمنات ببازگشت بسوی وطنهای خود
سَالِمِیْنَ غَانِمِیْنَ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ
در حالیکه تندرستان و سودمندانند بمهربانی تو ای مهربانترین مهربانان
وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ وَفِیْ
و ببخشاید خدا بر محمد و اهل بیت او که پاکانند
نُسْخَةٍ اُخْرٰی وَقَرَءَ اَمِیْرُ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلِیٌّ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِیْ
عَقِبِ هٰذَا الدُّعَاۤءِ هٰذِهِ الْكَلِمَاتِ
یَا عُدَّتِیْ عِنْدَ كُرْبَتِیْ وَیَا غِیَاثِیْ عِنْدَ شِدَّتِیْ
ای ذخیره و ذخیرهٔ من در هنگام رنج و اندوه وای فریادرس من هنگام سختی
وَیَا وَلِیِّیْ فِیْ نِعْمَتِیْ وَیَا مُنْجِحِیْ فِیْ حَاجَتِیْ وَیَا مَفْزَعِیْ
ای خداوند نعمت من وای برآورندهٔ حاجت من وای پناه و گریزگاه
فِیْ وَرْطَتِیْ وَیَا مُنْقِذِیْ مِنْ هَلَكَتِیْ یَا كَالِئِیْ فِیْ
من در هر مهلکه وای رستگار کنندهٔ من از هر تباهی ای نگاه دارنده

وَمُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي

درگذران از من بپخشای بر محمد و اهل بیت محمد و بیامرز گناهان

خَطِيئَتِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاجْمَعْ لِي شَمْلِي وَ

مرا واسان کردان کار مرا وفراهم اور و باز برای من پراکنده

أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي وَاكْفِنِي

کیهای مرا و روا کردان مطلب مرا و نیکو کردان حال مرا و ساخته

مَا أَهَمَّنِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا

کردان انچه مراد رکار دست و بباز برای من کشادی وا سود کی و بیرون

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْعَافِيَةِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي

شدنی و جدائی مینداز میانه من و میانه تندرستی هر کز مادامیکه

وَعِنْدَ وَفَاتِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پاینده داری مرا و در هنکام مردکی من هرکاه بمیرانی مرا ای مهربان تو

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

مهربانان و ببخشاید خدای بر محمد و اهل بیت او همکی

قد تمت الكتاب المستطاب

بعون الله الملك المنان وعز كرمه

طبعه حليته علمية اشرف الحاج حاجی حاجی

اقا کتابفروش تاجر تبریزی حفظه الله بدستیاری استاد الماهر

اقا اسماعیل عفى الله عن جرمه مشهدی بالسعادة امیدست مصنف و ناشر و کاتب

و مقابله کننده وغیره و سایر مومنین را در وقت خواندن این کتاب را

بهمه همت خیر و از یاد فراموش نفرمایند الكاتب غا

١٣٤٣

بسم الله الرحمن الرحيم

ما اطعمت لذة العيش حتى | صرت في وحدتي لكتبي جليسا
انما الذل في مخالطة النا | س فدعها وكن كريما رئيسا
ليس عندي شيء اجل من العلم | فلا ابتغي سواه انيسا

للزمخشري

اطلب ابا القاسم الخمول ودع عنك بطلب سامياً وكن | شبه بعض الاموات نفسك لا تبرزه ان كنت عاقلا فطنا
ادفنه في البيت قبل ميتته | واجعل له من خموله كفنا
علّك تطفي ما انت موقده | اذا انت في الجهل تخلع الرسنا

قيل كان الزمخشري حسن الطبع في الشعر الا انه لم يكثر منه ونقل انه الف رسالة لطيفة سماها النصائح الكبار تتضمن خمسين مقامة والف بعدها رسالة اخرى سماها النصائح الصغار كلتاهما في الزهد والموعظة يعظ فيهما نفسه ويخاطبها وهذه الاشعار انه لما الف رسالته الاولى لم يخرجها الى المقامات التي انشاها في الخمول ونقل ايضا انه اوصى ان يكتب هذه الابيات على قبره كما في حيوة الحيوان للدميري

يا من يرى مد البعوض جناحها | في ظلمة الليل البهيم الاليل
ويرى مناط عروقها في نحرها | والمخ في تلك العظام النحل
اغفر لعبد تاب عن فرطاته | ما كان منه في الزمان الاول
نهاية اقدام العقول عقال | واكثر سعي العالمين ضلال
وارواحنا في وحشة من جسومنا | وحاصل دنيانا اذى ووبال
ولم نستفد من بحثنا طول عمرنا | سوى ان جمعنا فيه قيل وقال
وكم من جبال قد علت شرفاتها | رجال فزالوا والجبال جبال
وكم قد رأينا من رجال ودولة | فبادوا جميعا مسرعين وزالوا

اذا رأیتهم حسبتهم لؤلؤاً منثوراً
و اذا رأیت ثم رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً

رسالة
اللآلی المنثورة فی العوذات والأذکار المأثورة

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی ندبنا الی ذکره وثنائه ✤ وامرنا بتحدیث نعمته وشکر آلائه ✤ والصلوة علی محمد سید رسله وخاتم انبیائه ✤ وعلی الطیبین من عترته واوصیائه ✤ **وبعد** چنین گوید این احقر بی بضاعت ومتمسک باحادیث اهل بیت رسالت علیهم السلام **عباس بن محمد رضا القمی** ختم الله لهما بالحسنی والسعادة ✤ که چون توفیق الهی شامل حال این گمنام شکسته بال گشت و **کتاب هدیة الزائرین وبهجة الناظرین** را تالیف نمودم دیدم الحق کتابی است قرة العین اهل زیارات و دعا و عبادات مشتمل بر صنوف زیارات و دعوات لکن از اذکار و احراز و عوذات و ادعیه وارده از برای انجاح مطالب و قضاء حاجات خالی بود بخاطر رسید که رساله مختصری در این باب از کلمات اهل بیت رسالت علیهم السلام جمع آورم تا بکتاب

هدیة

هدیة توام گردد و آن کتاب شریف از هر جهتی جامع و کامل شود و نفعش عام و ذخیره این مجرم کثیر الآثام گردد پس این مختصر را جمع نمودم و نامیدم آنرا **باللئالی المنثورة فی العوذات والاذکار المأثورة**

باب اول در احراز و عوذات مأثوره است

حرز شریفی است که سید داماد رحمه الله از مشایخ خویش روایت کرده و در دار الایمان قم در عالم رؤیا بخدمت حضرت رسول و امیر المؤمنین علیهما وآلهما السلام شرفیاب گشته و بر امیر المؤمنین علیه السلام عرضه کرده و تصحیح آن نموده و آن حرز چنین است بخوان

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَمَامِي وَفَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهَا فَوْقَ رَاْسِي وَاَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ وَصِيُّ رَسُولِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ عَنْ يَمِينِي وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ اَئِمَّتِي صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ عَنْ شِمَالِي وَاَبُوذَرٍّ وَسَلْمَانُ وَالْمِقْدَادُ وَحُذَيْفَةُ وَعَمَّارٌ وَاَصْحَابُ رَسُولِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ مِنْ وَرَائِي وَالْمَلَائِكَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَوْلِي وَاللهُ رَبِّي تَعَالَى شَاْنُهُ وَتَقَدَّسَتْ اَسْمَائُهُ مُحِيطٌ بِي وَحَافِظِي وَحَفِيظِي وَاللهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ فَاللهُ خَيْرٌ حَافِظاً وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

حرز دیگر اَوْدَعْتُ نَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ مَعِي وَمَا مَعِي فِي اَرْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَقْفُهَا وَعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام

۴ السلام یابیها وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی
وعلی ومحمد وعلی والحسن والحجة المنتظر علیهم السلام حیطانها
والملائکة حراسها والله محیط بها وحفیظها والله من ورائهم
محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ **تعویذ طفل** نوشته
و بر طفل بندد بسم الله الرحمن الرحیم استرعیک ربک
واعوذک بالواحد من شر کل حاسد قائم او قاعد وکل خلق
رائد فی طرق الموارد لا تضروه فی یقظة ولا منام ولا فی ظعن
ولا فی مقام سجیس اللیالی واواخر الایام ید الله فوق ایدیهم
وحجاب الله فوق عادیتهم واین تعویذیست که تعلیم حضرت آمنه
شد که بر پیغمبر صلی الله علیه وآله بندد گاهی که آنجناب را تولد
نماید ونام آنحضرت را محمد صلی الله علیه وآله گذارد **ذکر
احراز و تعویذات نافعه برای دفع سحر و شر
جنیان و رفع چشم زخم و شر ظالمان و گزندگان**

سید اجل سید علیخان شیرازی مدنی طاب ثراه در کتاب کلم طیب
وغیث صیب نقل کرده که شیخ بهائی زید بهائه برای شاه عباس صفوی
رضوان الله علیه نوشت بعرض اشرف میرساند دعائی که برای باطل
سحر نافع است که با تربت کربلا و آب نیسان بر کف دست
مسحور بنویسند بسم الله الرحمن الرحیم یا من اذل انالکا
السحر باعجاز موسی علیه السلام لما القی عصاه فاذا هی ثعبان مبین
اذل عمن قصدته سحر السحرة وکید الفجرة انک علی کل شیء قدیر

وباید

۵ وباید مسحور ناشتا باشد واین عبارا بزبان خود بلیسد که اثری
از آن باقی نماند وسه روز متوالی چنین کند که سحر او
برطرف شود انشاءالله تعالی **ایضاً تعویذ بطلان
سحر** از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست
که بر پوست آهو بنویسند وبا خود نگاه دارند
بسم الله وبالله بسم الله وما شاء الله بسم الله لا حول
ولا قوة الا بالله قال موسی ما جئتم به السحر ان الله
سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین فوقع
الحق وبطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک و
انقلبوا صاغرین **ونیز از برای دفع
شیاطین وجادوگران** از حضرت رسول خدا صلی
الله علیه وآله وارد شده که آیه سخره بخوانند
وآن آیه در سوره اعراف است واول آن ان ربکم الله
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم
استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه
حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره
الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین
ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین
ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا
وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین
ونیز از برای شر جنیان نگاه داشتن مرغ و

خروس

ع

وخروس وکبوتر وبزغاله درخانه نافعست وَنیز از
برای شرّ جنّیان در سفر وبیابان ومواضع هو
لناک از حضرت صادق علیه السلام مرویست که دست را
بربالای سر گذارد وبصدای بلند بخواند اَفَغَیرَ دِینِ اللهِ
یَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمٰوٰاتِ وَالاَرْضِ طَوْعًا وَکَرْهًا
وَاِلَیْهِ یُرْجَعُونَ وَنیز در بیابان در مواضع موحش
وهولناک وارد شده که بلند اذان کویند حرز چشم
زخم وارد شده ایهٔ وان یکاد الذی بخوانند و
نیز از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون ترسد
که چشم او در کسی یا چشم کسی در او تاثیر کند سه مرتبه بگوید
مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظِیمِ وَنیز از
برای دفع چشم زخم وارد شده که دستها را
برابر رو بلند کند وسوره حمد وتوحید ودو قل اعوذ را
بخواند ودست بر پیش سر بکشد ایضًا تعویذ چشم
زخم اَللّٰهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حَابِسٍ وَحَجَرٍ یَابِسٍ وَلَیْلٍ
دَامِسٍ وَرَطْبٍ وَیَابِسٍ رُدَّ عَیْنَ العَایِنِ عَلَیْهِ فِی کَبِدِهٖ وَنَحْرِهٖ
وَمَالِهٖ فَارْجِعِ البَصَرَ هَلْ تَرٰی مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ البَصَرَ
کَرَّتَیْنِ یَنْقَلِبْ اِلَیْکَ البَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِیرٌ تعویذ
دیگر بگوید اَللّٰهُمَّ ذَا السُّلْطَانِ العَظِیمِ وَالمَنِّ القَدِیمِ
وَالوَجْهِ الکَرِیمِ ذَا الکَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَالدَّعَوَاتِ المُسْتَجَابَاتِ

عوذ

۷

عَافِ فُلَانَ مِنْ اَنْفُسِ الجِنِّ وَاَعْیُنِ الاِنْسِ واین تعویذ است که رسول
خدا برای حسنین علیهم السلام خواند واصحاب خویش را فرمود که
زنها واولاد خویش را باینکلمات تعویذ کنید تعویذ چشم
زخم برای حیوانات وغیره مروی از امیر المؤمنین علیه السلام
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله العظیم عبس عابس و
شهاب قابس وحجر یابس رددت عین العاین علیه من راسه
الی قدمیه اخذ عیناه قابض بکلاه وعلی جاره واقاربه
جلده دقیق ودمه رقیق وباب المکروه تلیق فارجع البصر
هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک
البصر خاسئا وهو حسیر برای دفع وسوسهٔ
شیطان از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست
که استعاذه کند بخدا پس بگوید اٰمَنْتُ بِاللهِ وَبِرَسُولِهٖ مُخْلِصًا
لَهُ الدِّیْنَ وَشیخ شهید ره از حضرت رسول صلی الله
علیه واله نقل کرده که فرمودند شیطان بر دو قسم است شیطان
جنی وآن دور میشود بگفتن لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ العَلِیِّ
العَظِیمِ وشیطان انسی وان دور میشود بفرستادن صلوات
بر پیغمبر وال انجناب علیهم السلام ودر کتاب مهج الدعوات
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت آدم بخدا
از حدیث نفس شکایت کرد جبرئیل بر او نازل شد وبگفتن لا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ او را امر کرد وَنیز از برای

دفع

دفع وسوسهٔ شیطان بگو هنگامی که در سینه‌ات شکی پیدا شد بگو هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ **ونیز از برای دفع وسوسهٔ شیطان** از حضرت صادق علیه السلام مرویست که دست بر سینه بکش و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا اَحْذَرُ (اَجِدُ) پس دست بر شکم خود میکشی و سه مرتبه میگوئی که انشاء الله برطرف خواهد شد **ونیز از برای دفع وسوسه** نافعست شستن سر بسدر و مسواک کردن و انار خوردن و آب نیسان آشامیدن و روغن سر روز از هر ماه پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط و نیز بگوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَاَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ مِنْ شَرِّ مَا قُدِّرَ وَقُضِيَ وَاَعُوذُ بِاِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِينَ **برای رفع طیره** وارد شده که حضرت رسول صلی الله علیه واله دوست میداشت فال خوب را و کراهت داشت از طیره یعنی فال بد و میفرمود هر که ببیند چیزی را که بفال نیک نیست بگوید اَللّٰهُمَّ لَا يُؤْتِي الْخَيْرَ اِلَّا اَنْتَ وَلَا يَدْفَعُ السَّيِّئَاتِ اِلَّا اَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ **ونیز وارد شده** که اگر در سفر میروی و چیزی دیدی که شوم است و بفال بد است و در خاطرت چیزی گذشت بگو اِعْتَصَمْتُ بِكَ يَا رَبِّ

٩

مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ فِي نَفْسِي وَاَعْصِمْنِي مِنْ ذٰلِكَ چون این را بگوئی هیچ بدی بتو نرسد ان شاء الله تعالی **حرز از ظالم** شیخ جلیل علی بن الحسین مسعودی در مروج الذهب نقل کرده که در واقعهٔ حرهٔ حضرت امام زین العابدین علیه السلام بجهت دفع شر مسلم بن عقبهٔ خبیث این کلمات را قرائت فرمود و از شر مسلم سالم گشت و آن ظالم از آنحضرت ترسان شد و آنجناب را احترام نمود و آن کلمات اینست اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَمَا اَظْلَلْنَ وَالْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا اَقْلَلْنَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَاَدْرَءُ بِكَ فِي نَحْرِهِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُؤْتِيَنِي خَيْرَهُ وَتَكْفِيَنِي شَرَّهُ **حرز دیگر** روایت شده که منصور حضرت صادق علیه السلام را طلبید بجهت آنکه آسیبی بآنحضرت رساند آنجناب این دعا را قرائت نمود منصور غضبش تسکین یافت يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ كُرْبَتِي اُحْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَاكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ **دعاء حضرت موسی بن عمران علیه السلام** وقت ملاقات فرعون اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْرَءُ بِكَ فِي نَحْرِهِ وَاَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ فَاكْفِنِي شَرَّهُ روایت شده که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که این دعای ما اهل بیت است که نزد ظالم میخوانیم **ونیز بجهت شر ظالم** از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده که ما

ما بین خود وآن ظالم سورهٔ قل هو الله احد را بچهار طرف خود بخواند

ایضاً بجهت دخول بر سلطان وارد شده که بگوید خَیرُكَ بَینَ عَینَیكَ وَشَرُّكَ تَحتَ قَدَمَیكَ وَاَنَا اَستَعِینُ اللهَ عَلَیكَ جامع این اذکار گوید که خوب است که این دعا را وقتی بخواند که چشمش بر سلطان ظالم افتد **بجهت خلاصی از زندان** مکرر بخواند یا وَلِیّی فی نِعمَتی وَیا صاحِبی فی وَحدَتی وَیا عُدَّتی فی کُربَتی **تعویذ عقرب و هوام ارض** از حضرت باقر علیه السلام مرویست که هر که این کلمات را بخواند من ضامنم که او را عقرب و سایر هوام نگزد تا صبح کند این دعا اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ الَّتی لا یُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِن شَرِّ ما ذَرَءَ وَمِن شَرِّ ما بَرَءَ وَمِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ هُوَ اخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُستَقیمٍ **ونیز از برای دفع گزیدن عقرب** از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که بخوانند سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی العالَمینَ اِنّا کَذلِكَ نَجزِی المُحسِنینَ اِنَّهُ مِن عِبادِنَا المُؤمِنینَ **ونیز از برای دفع گزیدن عقرب** هر شب نگاه کند بستارهٔ سهی وآن ستاره کوچکی است پهلوی ستارهٔ وسطی سه ستارهٔ بنات نعش که در لسان ائمه ع تعبیر باسلم شده پس خوب باو نظر کند و سه مرتبه گوید اَللّهُمَّ رَبَّ اَسلَمَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّل فَرَجَهُم وَسَلِّمنا مِن شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ

ذکر عوذات وادعیهٔ مأثوره برای اوجاع وامراض

تعویذ تب وغیره از حضرت صادق علیه السلام مرویست که گریبان بگشاید و سر در گریبان کند واذان واقامه گوید و هفت مرتبه سورهٔ حمد بخواند که انشاء الله تعالی تب بر طرف خواهد شد **ونیز از برای دفع تب** از امام حسن عسکری علیه السلام مرویست که بنویسد و بر تب دار ببندد یا نارُ کُونی بَرداً وَسَلاماً عَلی اِبراهیمَ **تعویذ درد سر و درد گوش** از حضرت باقر العلوم علیه السلام مرویست که بجهت تسکین درد سر سر را مسح کند و هفت مرتبه گوید اَعُوذُ بِاللهِ الَّذی سَکَنَ لَهُ ما فِی البَرِّ وَالبَحرِ وَما فِی السَّماواتِ وَالاَرضِ وَهُوَ السَّمیعُ العَلیمُ واین دعا از برای درد گوش نیز از حضرت صادق علیه السلام هفت مرتبه نقل شده **ونیز** از آن حضرت وارد شده که پنیر بسیار کهنه را قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر ممزوج کن و بر روی آتش گرم و نرم کن و چند قطره در گوش که درد میکند بریز **تعویذ درد چشم** وارد شده که در وقت دیدن هر ماه نو هفت مرتبه سورهٔ حمد بخوانند **ونیز بجهت حفظ از درد چشم** بروایات معتبره از حضرت صادق علیه السلام وارد شده که در هر روز عقب نماز صبح ومغرب بخوانند اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیكَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَجعَلَ النُّورَ فی

بصری

بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی و در هر شب وقت خوابیدن سرمه کشیدن از برای تقویت چشم نافعست و این دعا نیز در وقت سرمه کشیدن روایت شده است و از برای کشیدن سرمه بخصوص سرمهٔ سنگ فوائد بسیار است وارد شده که چشم را جلا میدهد و موی مژه را میرویاند و محکم میکند و آب ریختن چشم را زایل میکند و دهان را خوشبو میکند و آداب سرمه آنست که طاق بکشند مثل انکه سه میل در دیدهٔ راست و دو میل در دیدهٔ چپ بکشند و نقلست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پیش از خواب سرمه میکشیدند چهار میل در دیدهٔ راست و سه میل در دیدهٔ چپ و سرمه کشیدن در روز زینت است و در شب چشم را نفع میرساند و در وقت خواب دورا نورانی میکند و امان میدهد از آب آوردن چشم و بعضی از علماء این دعا را برای نور بصر در وقت سرمه کشیدن ذکر کرده و گفته مجربست برای روشنی چشم اللهم رب الکعبة و بانیها وفاطمة وابیها وبعلها وبنیها نور بصری وبصیرتی وسری وسریرتی **و نیز از برای درد چشم و ضعف باصره** دست بر چشم نهد و بگوید اعیذ نور بصری بنور الله الذی لا یطفیٔ و بعد از ان بخواند آیة الکرسی را تا باخر **و نیز از برای ضعف باصره** از امام موسی علیه

السلام منقولست که آیهٔ نور را مکرر در جامی نویسند و باب محو کنند و آن آب را در شیشه کنند و از میل بچشم کشند **تعویذ درد دندان** از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که انگشت بر دندان درد کن بگذارد و هفت مرتبه این آیه را بخواند هو الذی انشاکم وجعل لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا ما تشکرون **و نیز بجهت دفع درد دندان** وارد شده که میخی بگیرد و هر یک از سورهٔ حمد و معوذتین را سه مرتبه بخواند پس بگوید من یحیی العظام وهی رمیم یا ضرس فلان بن فلان بجای فلان بن فلان درد دهنده و جا نام صاحب درد و نام پدرش را بگوید أکلت الحار والبارد افبالحار تسکنین ام بالبارد تسکنین وله سکن ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم شددت داء هذا الضرس من فلان بن فلان بسم الله العظیم پس میخ را بر دیوار بکوبد و بگوید الله الله الله **تعویذ درد شکم** بخواند بسم الله الرحمن الرحیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا تا آخر آیه و هفت مرتبه سورهٔ حمد **و نیز بجهت درد شکم** از حضرت کاظم علیه السلام وارد شده که بنویسد و با خود دارد سورهٔ حمد و معوذتین و توحید را پس بنویسد اعوذ بوجه الله العظیم وعزته التی لا ترام وقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر منه **تعویذ درد پا** سورهٔ انا فتحنا تا وکان الله عزیزا حکیما وارد شد*

تعوید

تعویذ درد پشت چون کمرت درد کند دست بر
موضع درد گذارد و سه بار بخوان وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوتَ
اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا
نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْاٰخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي
الشَّاكِرِينَ وهفت مرتبه سورهٔ قدر بخوان تعویذ
قطع رعاف یعنی خون دماغ روایت شده که بر پیشانی او بنویسند
آیهٔ وَقِيلَ يَا اَرْضُ ابْلَعِي را تا باخر و نیز از برای
قطع خون مطلقا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ اَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلٰى اُصُولِهَا
فَبِاِذْنِ اللّٰهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ وچون این آیه را خواند
بدمد بر موضع خون تعویذ خنازیر این کلمات
مرویست از امام رضا علیه السلام را مکرر برا و بخوانند
يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّ يَا سَيِّدِي تعویذ
ورمهای بدن روایت شده که چون وضو بسازی
برای نماز واجب پیش از نماز بر آن ورم بخوان لَوْ اَنْزَلْنَا
هٰذَا الْقُرْاٰنَ تا آخر سوره حشر تعویذ ثالول قطعهٔ
از نمک بردارد و بر آن موضع بمالد و بخواند سه مرتبه آیهٔ
لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ تا آخر سورهٔ حشر پس آن نمک را
در تنوری افکند و زود بگذرد تعویذ آبله در
کتاب مکارم ابن شکل را برای دفع آبله و کم بیرون

آوردن نقل کرده است که بنویسند و بر بازو ببندند

تعویذ بواسیر از امام
رضا علیه السلام منقولست که
سورهٔ یس را با عسل بنویسد و

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

بیاشامد تعویذ هر علتی از حضرت صادق علیه
السلام مرویست که از برای هر علتی دست بر موضع درد گذارد
و با اخلاص این آیه را بخواند وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ
وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ اِلَّا خَسَارًا و نیز
از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که از برای هر مرضی
این دعا بخوان که عافیت خواهی یافت يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ
مُذْهِبَ الدَّاءِ اَنْزِلْ عَلٰى وَجَعِي الشِّفَاءَ و نیز از برای
هر علتی خواندن هفت مرتبه حمد و هفتاد مرتبه
روایت شده است و نیز بروایات بسیار معتبره از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای دفع فقر و بیماری
وارد شده که بخوانند لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ
كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا و نیز علامه حلی قدس سره در منهاج
الصلاح و شیخ کفعمی ره در بلد الامین در اعمال عید نوروز
دعائی از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده اند که در وقت

تحویل نوشته میشود و بر کریبان او بزان کنند که پناه از هرچیزه
است دعبادت ایشان چنین است رقعة الجیب عوذة لکل
شیئ بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
اخسئوا فیها ولا تکلمون انی اعوذ بالرحمن منک ان کنت
تقیّا اخذت بسمع الله وبصره علی اسماعکم وابصارکم
وبقوّة الله علی قوّتکم لا سلطان لکم علی فلان بن
فلانة ولا علی ذریته ولا علی اهله ولا علی اهل بیته سترت
بینه وبینکم بستر النبوة التی استتروا بها من سطوات
الفراعنة جبرئیل عن ایمانکم ومیکائیل عن
یسارکم ومحمد صلی الله علیه وآله امامکم والله مطلّ
علیکم یمنعه منکم ویمنع نبی الله ویمنع ذریته واهل بیته منکم ومن
الشیاطین ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
اللهم انه لا یبلغ حلمنا اناتک فلا تبتلیه ولا یبلغ مجهود
نفسه علیک توکلت وانت نعم المولی ونعم الوکیل
حرسک الله یا فلان بن فلان وذریتک مما یخاف علی احد
من خلقه وصلی الله علی محمد وآله ومینویسی آیة الکرسی
علی التنزیل را پس از آن مینویسی لا حول ولا قوة الا بالله
لا ملجا من الله الا الیه حسبی الله ونعم الوکیل واسلم
فی راس الشهباء لیها طلسلسبیلا وصلی الله علی محمد واهل
بیته الطیبین وسلم کثیرا والحمد لله رب العالمین والصلوة

علی محمد وآله الطاهرین

باب دوم در اذکار ماثوره مطلق

بدانکه از برای ذکر فضیلت بسیاری وارد شده وحق تعالی از برای
هر چیزی حدی قرار داده که بان منتهی میشود مگر ذکر که بسیار انرا
خواسته چنانچه فرموده (واذکروا الله ذکرا کثیرا) وحضرت
صادق علیه السلام فرموده که پدرم کثیر الذکر بود هرگاه با او راه
میرفتم او را ذاکر میدیدم وبا او طعام میخوردم او را مشغول بذکر
خدا میدیدم وبا مردم حدیث میکرد وگفتگو مینمود واز ذکر خدا
غافل نبود وپیوسته میدیدم که زبان مبارکش بکامش چسپیده بود
ومیگفت (لا اله الا الله) ودر روایت شده که موسی بن عمران
علیه السلام با خدای تعالی عرض کرد که پروردگارا بعضی مجالس
بوهم میکند که ترا اعز واجل میشمارم از انکه در ان موضع ذکر تو نمایم
فرمود یا موسی ذکر من در هر حال ودر هر زمانی نیکو است ونیز
مرویست که حق تعالی وحی فرمود بحضرت موسی علیه السلام که ای
موسی خوشحال مشو بر بسیاری مال وترک مکن ذکر مرا در هیچ حال
همانا بسیاری مال باعث فراموشی گناهان شود وترک ذکر من موجب
قساوت دلها شود وحضرت صادق علیه السلام فرمودند که باکی
نیست در ذکر کردن در حالی که بول میکنی چه انکه ذکر خدا بر هر
حالی حسن است وخسته مشو از ذکر خدا ونیز روایت شده
که هر گروهی که در مجلسی جمع شوند وذکر خدا ننمایند وصلوات بر

پیغمبر

بهشت بر نفر نشستند ان مجلس حسرت و وبال خواهد شد برایشان و بروایت دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که اکثر ذکر خدا و ذکر ما ننمایند ان مجلس حسرت خواهد شد برایشان در قیامت واحادیث در فضیلت ذکر خدا در همه حال بسیار است ومستحب مؤکد است در حال غفلت مردمان و در بازار و بعد از صبح وعصر و در هر وساعت غفلت که وقت طلوع افتاب و وقت غروب ان باشد ومستحب است اهتمام ذکر خدا نمودن وبدانکه از ائمه طاهرین علیهم السلام انواع واقسام ذکر از برای حوائج ومهام دنیا و اخرت وارد شده وما در این مختصر بذکر ده قسم از انها که مصداق تلک عشرة کاملة است تبرک میجوئیم اول تسبیحات اربع یعنی ذکر سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر است که از اذکار شریف است وسید تسبیح وباقیات صالحات وسپر اتش جهنم است واز برای ان فضیلت بسیار وارد شده ودر هر روز سی مرتبه گفتن ثواب بسیار دارد ودر عقب نماز صبح سی مرتبه خواندن نیکو است ونیز مستحب مؤکد است از برای مسافر که در عقب نمازهای شکسته خود سی مرتبه تسبیحات اربع را بخواند دوم تسبیح یعنی ذکر سبحان الله کردن از امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که هر که در هر روز سی مرتبه تسبیح کند حق تعالی هفتاد بلا از او برطرف کند که اسان ترانها فقر است واز حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در هر روز

سی مرتبه گوید سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم رو بتوانگری اورد واز برای گفتن سبحان الله صد مرتبه وگفتن سبحان الله العظیم وبحمده ثواب بسیاری روایت شده ووارد شده که هر که هر روز بعد از نماز صبح ده مرتبه گوید سبحان الله العظیم وبحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از کوری وجنون وجذام وفقر وضعف پیری عافیت یابد وهر که در وقت شام سه مرتبه ودر وقت صبح سه مرتبه گوید سبحان الله حین تمسون تا اخر ایه اجر عظیمی برد ووارد شده از برای طول عمر ونصرت بر دشمن ومحفوظ بودن از مردن بد این تسبیح شریف در هنگام دخول در شب وصبح سبحان الله ملأ المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش وسعة الکرسی وبدانکه از برای تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیها در وقت خواب وبعد از نمازها فضیلت بسیار است وتسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در عقب نمازهای یومیه در هر روز گفتن محبوبتر است نزد حضرت صادق علیه السلام از هزار رکعت نماز که در هر روز کرده شود وهر بنده که بران مواظبت کند شقی نخواهد گشت واز برای ان فضل بسیار است وکافی است در فضیلت ان که حضرت رسول صلی الله علیه واله انرا اختیار کرده وتعلیم حضرت فاطمه سلام الله علیها نموده

وکیفیت آن بنا بر مشهور آنست که سی و چهار مرتبه الله
اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه
سبحان الله گفته شود **و از برای** حضرت زهرا علیها
السلام تسبیح دیگر نیز میباشد که در آخر کتاب با نماز آنحضرت
ذکر میشود و در ماه رمضان چند قسم تسبیحات است که باید
خوانده شود یکی تسبیح که در سحرها است و دیگر تسبیح طولانیست
که در روزها خوانده میشود و دیگر این تسبیح مختصر است که
در هر روز از آن صد مرتبه باید خوانند سبحان الضار
النافع سبحان القاضی بالحق سبحان العلی الاعلی
سبحانه و بحمده سبحانه و تعالی **سیم**
تحمید یعنی ذکر الحمد لله و آن شکر نعمت و باعث مزید
آن و سبب پر شدن میزان اعمال است و گفتن الحمد لله کما
هو اهله باعث آن شود که نویسندگان اعمال از نوشتن
ثواب آن عاجز شوند **و مستحب است** در هر روزی سیصد
و شصت مرتبه بعدد رگهای بدن گفتن الحمد لله رب العالمین
کثیرا علی کل حال **و مرویست** که هر که در وقت صبح
و در هنگام دخول شب چهار مرتبه گوید الحمد لله رب العالمین
شکر آن روز و شب را بجا آورده باشد **و روایت شده**
که چون کسی را بینی که ببلائی مبتلا گردیده است سه مرتبه آهسته
بگو که او نشنود الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و لو شاء

فعل که هر گز این نوع بلا مبتلا نشوی **و از** حضرت صادق
علیه السلام مرویست که هر که بعد از نماز شام سه مرتبه گوید
الحمد لله الذی یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء
غیره حقتعالی خیر بسیار با و کرامت فرماید **و وارد شده**
که چون کسی عطسه کند و بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل
حال درد گوش و درد دندان نیابد انشاء الله تعالی **چهارم**
تهلیل یعنی ذکر لا اله الا الله و آن افضل اذکار مؤمن
مؤمن است و کافیست در فضیلت این ذکر شریف که حق تعالی
فرموده کلمه لا اله الا الله حصن منست و هر که آنرا بگوید داخل
حصن من شده و هر که داخل حصن من (یعنی حصار) شود از عذاب من ایمنست **و**
روایت شده که هر که آخر کلام او در وقت مردن لا اله الا
الله باشد داخل بهشت شود **و مرویست** که جبرئیل
بحضرت رسول الله علیه و آله گفت خوشا حال کسی از امت تو که
بگوید لا اله الا الله وحده وحده **و از برای** تهلیل
اقسامی است **قسمی** تهلیلاتیست که در قبرستان گفته می
شود **و اول این** السلام علی اهل لا اله الا الله
است **و قسم دیگر** تهلیلات دهه اول ذی الحجه است
و دیگر تهلیلات بعد از نمازها است **و دیگر** تهلیل
قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب است **و دیگر** تهلیلات
سجده سجدات قرآنست باید از فیض خواندن آنها محروم نکرد

خود را **وتهلیلات اخر** که عبارتست از لا اله الا الله حقا
حقا لا اله الا الله ایمانا وتصدیقا لا اله الا الله
عبودیة ورقا بدون گفتن سجدت لک یا رب تعبدا
ورقا در هر روز پانزده مرتبه گفتن ثواب بسیارے دارد
ودر که هر روزے صد مرتبه **ودر روایت دیگر** سی مرتبه
هر که بگوید لا اله الا الله الحق المبین رو بتوانگرے
آورد و فقر از او برطرف شود و در جهنم بر او بسته و در بهشت
بر او باز شود **واز برائے دفع فقر و وحشت قبر**
نقل شده که هر روزے صد مرتبه گویند لا اله الا الله الملک
الحق المبین واین ذکر شریف برائے خلاصی از حبس نیز نقل شده
و مستحب است در هر روزے ده مرتبه خصوص بعد از نماز پیش از
آنکه از حالت تشهد بگردد بگوید اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له الها واحدا احدا فردا صمدا لم
یتخذ صاحبة ولا ولدا که از برائے آن فضیلت بسیارے
است **پنجم تکبیر** یعنی ذکر الله اکبر روایت شده
که بسیار بگوئید تکبیر و تهلیل را اما نا چیزے محبوبتر نیست نزد خدا
از ذکر تکبیر و تهلیل **و** مستحب است در وقت شام صد مرتبه
الله اکبر گفتن **واز** حضرت باقر علیه السلام مرویست که
هر که صد مرتبه الله اکبر بگوید پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از
فرو رفتن آن حقتعالی ثواب صد بنده آزاد کردن در نامه عملش بنویسد

و مستحب است گفتن شش تکبیر در افتتاح نماز و هم چنین مستحب
است سه تکبیر بعد از سلام نماز بهر تکبیرے دستها را بردارد تا برابر
گوش و بر زانو نهند واین تکبیرات اول تعقیبات نماز است **و**
نیز مستحب است گفتن سه تکبیر با شهادتین هنگام خریدن متاع **و**
روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله چون در سفرها
سر بالا میرفتند الله اکبر میگفتند و چون سرازیر میرفتند
سبحان الله میگفتند **ششم تمجید** یعنی حقتعالی را به
بزرگی یاد کردن **واز آداب دعا** آنست که پیش از دعا بنده
خدا را تمجید کند و اقسامے از تمجیدات وارد شده و اقل چیزیکه
در باب تمجید کفایت میکند آنست که بگوید چنانچه در حدیث صادق
است اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء وانت الآخر
فلیس بعدک شیء وانت الظاهر فلیس فوقک شیء وانت
الباطن فلیس دونک شیء وانت العزیز الحکیم **هفتم ذکر
حوقله** یعنی لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم گفتن که
بسیار گفتن آن برائے دفع هم و حزن و فقر و وسوسه و حدیث نفس
نافع است **و هر که** در هر روز و شب بعد از نماز صبح و مغرب
صد مرتبه و یا هفت مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از هفتاد نوع از انواع بلا
امان یابد **ودر روایتی** هر که روزے سه مرتبه گوید بود
و نه نوع بلا از او کفایت شود **واز حضرت امام رضا علیه السلام**

منقولست که این ذکر شریف یعنی حولقه بعد از بسمله صد مرتبه نزدیک‌تر است باسم اعظم از سیاهی چشم بسفیدی آن و اسم اعظم الهی داخل آن است **و در روایت شده** که عبدالله بن جندب که از بزرگان اصحاب حضرت امام موسی و امام رضا علیهما السلام است عریضه خدمت حضرت ابو الحسن علیه السلام نوشت و عرض کرد فدایت شوم پیر شدم و ضعف و عجز پیدا کرده‌ام از بسیاری از آنچه قوت بر آن داشتم دوست دارم فدایت شوم تعلیم کنی مرا کلامی که مرا بخدا وند نزدیک کند و فهم و علم مرا زیاد کند حضرت در جواب او را امر فرموده بود که بسیار بخواند این ذکر شریف را بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ **و مرویست** که هر بنده که بگوید مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ حقتعالی فرماید ملائکه را که بنده مرا دریابید و اعانت او کنید و قضاء حاجتش نمائید **و** هفتاد مرتبه آن را گفتن هفتاد نوع از بلا را دفع میکند **و منقول** است که هر که در یک مجلس هزار مرتبه گوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ توفیق حج یابد **و در روایتی** هر که هزار مرتبه مَا شَاءَ اللهُ در یک مجلس گوید نیز چنین باشد **هشتم استغفار** یعنی ذکر أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ که گفتن آن باعث زیادتی روزی و کثرت اولاد و دافع همّ و دردها و گناهان **و** امان خدا بر بنده گاهست **و از برای**

گفتن هفتاد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللهَ بعد از نماز صبح ثواب بسیار وارد شده **و مرویست** که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر روز هفتاد مرتبه میگفت أَسْتَغْفِرُ اللهَ و هفتاد مرتبه میگفت أَتُوبُ إِلَى اللهِ **و از** آنحضرت روایت شده که فرمودند هر گاه در شدتی یا نکبتی یا تنگی باشد هزار مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ که حق تعالی او را فرج کرامت فرماید **و وارد** شده که استغفار کنید در آخر شب صد مرتبه و اگر فراموش شد در روز قضا کنید **و از برای** گفتن أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ سه مرتبه یا پنج مرتبه فضیلت بسیار رسیده **و** اگر اضافه شود بر آن بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ باعث آمرزش چهل گناه کبیره شود **و** مستحب است در هر روز بعد از نماز عصر این استغفار أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَوةً وَلَا نُشُورًا **و شیخ** طوسی علیه الرحمه فرموده که مستحب است در آخر روز پنجشنبه استغفار کنند باین نحو أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ خَاضِعٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ

لا یَسْتَطِیعُ لِنَفْسِهِ صَرْفاً وَلا عَدْلاً وَلا نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا حَیوةً وَلا مَوْتاً وَلا نُشُوراً وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطّاهِرِینَ الْأَخْیارِ الْأَبْرارِ وَسَلَّمَ تَسْلِیماً **و از برای** استغفار وقتی وماهی وروزی نیست بلکه در همه حال نیکو است ولی افضل اوقات آن وقت سحرها و بعد از صبح و عصر است ودر خصوص ماه شعبان تاکید دارد **و در روایت** شده که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است **و در** هر روز از ماه شعبان وارد شده که هفتاد مرتبه بگویند أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِی لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَأَتُوبُ إِلَیْهِ **و در روایت** وارد شده که حق تعالی فرموده هر که در ماه رجب هزار مرتبه گوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ مِنْ جَمِیعِ الذُّنُوبِ وَالْآثامِ پس اگر نیامرزم او را نیستم پروردگار شما **و از برای** گفتن أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَیْهِ هفتاد مرتبه بعد از عصر روز جمعه فضیلت بسیار است **و** طلب آمرزش واستغفار از برای والدین ومؤمنین بسیار نیکو است **و از** حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که هر روز بیست وپنج نوبت بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمِینَ وَالْمُسْلِماتِ حق تعالی بعدد هر مؤمنی که گذشته است وخواهد آمد تا روز قیامت حسنه برای او بنویسد وگناهی از او محو کند ودرجه برای او بلند گرداند

و باید دانست که استغفار نه همین گفتن استغفر الله است بلکه باید حالت پشیمانی وعزم بر ترک گناهان وادای حقوق الهیه ومردم وسایر آداب استغفار با آن بوده باشد والا مجرد تحریک زبان وباعث سخریه واستهزاء است وباید از چنین استغفاری استغفار کرد **نهم ذکر صلوات** که از اذکار شریفه است **و** چیزی در میزان اعمال سنگین تر از صلوات گذاشته نمیشود **و** کثرت ذکر آن گناهان را هدم ویران میکند **و** صلوات در ابتداء وانتهاء دعا باعث مستجاب شدن آن دعا است **و** دعائی که در آن صلوات نباشد باسمان بالا نمیرود ومحجوب میشود **و** افضل اعمال روز جمعه صلوات فرستادن است **و** مستحبست در هر روز صد مرتبه صلوات فرستادن ودر روز جمعه هزار مرتبه **و** همچنین در شب آن **و** خوبست که این صد مرتبه صلوات یومیه را در عقب نماز فجر ذکر کنند **و در روایت شده** که هر که بعد از نماز صبح وبعد از نماز مغرب پیش از آنکه تکلم کند واز حالت تشهد بیرون رود بگوید إِنَّ اللّٰهَ وَمَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِیماً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَذُرِّیَّتِهِ حق تعالی صد حاجت او را بر آورد که هفتاد حاجت آن متعلق بدنیا وسی حاجت آن متعلق باخرت باشد **و از** حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که افضل اعمال در روز جمعه آنست که صد

مرتبه بعد از نماز عصر صلوات بفرستی و اگر زیاده ترکنی افضل است

و در روایتی وارد شده که بهترین اوقات صلوات در روز جمعه بعد از عصر است و صد مرتبه میگوئی **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ** **و** اگر بعد از نماز فجر و ظهر جمعه باین نحو کسی صلوات بفرستد وارد شده که از دنیا بیرون نرود تا آنکه قائم آل محمد علیه السلام را درک کند **و** مستحب مؤکد است در نزد شنیدن و بردن نام مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله صلوات فرستادن و در حکم آنحضرت است اهل بیت طاهره آنجناب صلوات الله علیهم که در وقت شنیدن و بردن نام ایشان باید صلوات و سلام فرستادن بر ایشان **و** سایر انبیاء و اوصیاء علیهم السلام نیز چنین میباشند لکن خوبست اول صلوات بر رسول خدا و اهل بیتش علیهم السلام فرستاده شود بعد بر ایشان مگر در حضرت ابرهیم علیه السلام **و ابن ادریس** از جامع بزنطی نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرکه بعد از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند مثل ثواب عمل جن و انس در آن روز با و عطا کنند **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِیٰاءِ الْمَرْضِیِّینَ بِاَفْضَلِ صَلَوٰاتِکَ وَبٰارِکْ عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکٰاتِکَ وَالسَّلٰامُ عَلَیْهِمْ وَعَلیٰ اَرْوٰاحِهِمْ وَاَجْسٰادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکٰاتُهُ** **مؤلف گوید** که این صلوات را جماعت بسیاری از علما با فضیلت بسیار با اختلاف جزئی روایت کرده اند و در

حضرت ۲

روایت

روایت سید بن طاوس ده مرتبه و بروایت دیگر هفت مرتبه وارد شده و بجای **وَالسَّلٰامُ عَلَیْهِمْ** وارد **وَعَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلٰامُ** و در کافی و ثواب الاعمال **وَالسَّلٰامُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ** است **و** مستحب است نیز در روز جمعه خواندن صلوات حضرت امام زمان علیه السلام که ابو الحسن ضراب اصفهانی بیرون آمده **و نیز** خواندن صلوات کبیره که اولش اینست **اَللّٰهُمَّ اِنَّ مُحَمَّداً کَمٰا وَصَفْتَهُ فِی کِتٰابِکَ** بعد از نماز جمعه **ترجمه ذکر بِسْمِ اللّٰهِ وَ یٰا اَللّٰهُ وَ یٰا رَبِّ وَ یٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمِینَ وَ یٰا ذَا الْجَلٰالِ وَالْاِکْرٰامِ و امثال اینها** بدانکه ذکر بسم الله در اول هر کاری سزاوار است خصوص در وقت اکل و شرب و جماع و سوار شدن و پوشیدن جامه و بیرون آمدن از خانه و نحو اینها **اگر** امام علی نقی علیه السلام منقول است که فرمودند که اگر بگویم کسیکه ترک کند گفتن و نوشتن بسم الله را در کارها و نوشتها مثل کسیست که نماز را ترک کند هر آینه راست گفته ام **و روایت شده** که **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ** نزدیک تر است باسم اعظم الهی از سیاهی چشم بسفیدی آن **و مرویست** که هر که ده مرتبه **یٰا اَللّٰهُ** گوید یا آنکه آنقدر یا الله گوید که نفس منقطع شود حق تعالی فرماید لبیک ای بنده من حاجت خود را بخواه **و همچنین** وارد شده در گفتن **یٰا رَبِّ**

ربّ

ده مرتبه یا بقدر یک نفس فا کند و هم چنین است در گفتن یا ارحم الراحمین هفت مرتبه و از برای استجابت دعا وارد شده که هر ملک از یا الله و یا رحمن و یا رحیم و یا ارحم الراحمین را اتقد دکوید که نفس منقطع شود آنگاه حاجت بخواهد و از برای ذکر یا ذا الجلال و الاکرام را بسیار بگوئید و نقل شده که آنحضرت مرو کرد بمرد مصلی که دعا میکرد و این کلمه را میگفت حضرت فرمود که حقتعالی مستجاب فرمود دعای ترا و وارد شده که در وقت خوابیدن این ذکر را بسیار بگوئید و عالم جلیل سید علیخان ره در کلم طیب از برای مواظبت بر اینکلمات فائده عظیمی ذکر کرده یا حلیم یا علیم یا علی یا عظیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام برحمتک استغیث فاغثنی یا مغیث یا مغیث یا مغیث لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و از برای شدائد و سختیها ذکر نماد بهابا گفتن یا رؤف یا رحیم وارد شده است و از برای زنده شدن دل ذکر اینکلمات نقل شده یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت اسئلک ان تحیی قلبی اللهم صل علی محمد و آل محمد و از حضرت باقر العلوم علیه السلام ثواب بسیاری از برای گفتن اینکلمات نقل شده است یا اسمع السامعین و یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین

و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین و وارد شده که اگر کسی حاجتی داشته باشد یا از امری خائف باشد هفتاد مرتبه بگوید یا ابصر الناظرین یا اسمع السامعین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین و بعد از هر مرتبه مقصود خود را ذکر کند که بمقصد خود خواهد رسید و از برای خوف از دشمن و غیره ذکر حسبنا الله و نعم الوکیل و از برای دفع غم ذکر لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و از برای دفع مکر دشمن ذکر افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و از برای جلب مال و متاع ذکر ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله نافعست تتمیم شیخ صدوق رضوان الله علیه از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده و آنحضرت از پدران بزرگوار خود از امیر المؤمنین علیه السلام حدیث کرده که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود از برای حق تعالی نود و نه نامست که هر که بخواند خدا را بان نامها دعایش مستجاب میشود و هر که احصا کند آن نامها را داخل بهشت میشود و قریب باین مضمون نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و آن نامهای شریفه این است الله الواحد الاحد الصمد الاول الآخر السمیع البصیر القدیر القاهر العلی الاعلی الباقی البدیع

البارئ الاکرم الظاهر الباطن الحی الحکیم ۲۰ العلیم
الحلیم الحفیظ الحق الحبیب الحمید الحفی الرب الرحمن
الرحیم ۳۰ الذارئ الرازق الرقیب الرئوف الرائی
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار ۴۰ المتکبر السید
السبوح الشهید الصادق الصانع الطاهر العدل العفو
الغفور ۵۰ الغنی الغیاث الفاطر الفرد الفتاح الفالق
القدیم الملک القدوس القوی ۶۰ القریب القیوم
القابض الباسط قاضی الحاجات المجید الولی المنان
المحیط المبین ۷۰ المقیت المصور الکریم الکبیر الکافی کاشف
الضر الوتر النور الوهاب الناصر ۸۰ الواسع الودود
الهادی الوفی الوکیل الوارث البر الباعث ۹۰ التواب
الجلیل الجواد الخبیر الخالق خیر الناصرین الدیان
الشکور العظیم اللطیف الشافی ۹۹

باب سیم در ادعیه و اذکار

متعلق بعادات و احوال و مطالب و مقاصد غیره و بر نهج آداب و سنن بمناسبت هر مقام

دعاء خروج از منزل و دخول در آن و مخصوص از آداب خانه   چون از منزل بیرون روی بگو بسم الله آمنت بالله و توکلت علی الله   و اگر خواهی که در حفظ خدا باشی تا بخانه برگردی بخوان ده مرتبه سوره توحید را و

چون داخل خانه شوی سوره قل هو الله احد بخوان که فقر و پریشانی بر طرف میکند و سلام کن بر اهل خانه و اگر کسی نباشد بگو السلام علینا من ربنا   و چون داخل حجره شوی بسم الله بگو که شیطان میگریزد   و نیز بگو هنگام دخول در منزل اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله   و بدانکه از سعادت آدمی است کشادگی خانه و شومی خانه در تنگی ساحت و بدی همسایگان است و نباید در بناء خانه اکتفا کرد بقدر حاجت که زائد آن در قیامت وبال است   و اگر کسی خانه را بجهت ریا و سمعه بنا کند و برای آنکه زیادتی کند بر همسایگان و فخر و مباهات کند آن خانه را در روز قیامت تا هفتم طبقه زمین آتش افروخته کنند و در گردن صاحبش افکنند پس او را در جهنم اندازند و سقف بیت را زیاده از هفت یا هشت ذراع بلند مکن که شیطان و جنیان در آنجا ساکن میشوند   و اگر احیانا بلندتر شد آیة الکرسی بر آن زیادتی بنویس که جنیان را دفع کند   و چون خانه ساختی گوسفند فربهی بکش و گوشت آنرا بمردم پریشان بخوران و بگو   اللهم ادحر عنی مردة الجن و الانس و الشیاطین و بارک لی فی بنائی   تا دفع شود از تو ضرر متمردان جن و انس و شیاطین و خانه بر تو مبارک شود   و در خانه و اطاق صورت و مثال مکش   و مکان نمازی برای خود قرار ده و قرآن در خانه بخوان که برکت و خیر خانه زیاد شود و ملائکه

حاضر و شیاطین دور شوند و ساحتهای خانه را جاروب کن و
کثیف مگذار آنرا و خاک روبه را بیرون بر و تار عنکبوت را زایل
کن که ماندن آن باعث فقر و پریشانی است و در خانه شکسته
منزل مکن و بر بام غیر محجر مخواب و بخانه همسایه کان نگاه
مکن و ایشان را اذیت و آزار مرسان و آواز بخانه ایشان مگذار
خاک روبه در خانه ایشان مریز و از دود و بوی طعام خود ایشان
و اطفال ایشان را اذیت مکن و با ایشان مواسات کن و مبادا که شب
سیر بخوابی و ایشان گرسنه باشند و یا در راحت باشی و ایشان در
شدت و سختی و در سرما و برهنگی باشند و منع مکن از ایشان
نمک و آتش و نحو اینها را و اگر چیزی از ضروریات خانه بعاریه
خواستند بده با ایشان و اگر خمیره یا نانی قرض خواستند مضایقه
مکن و بالجمله از هر جهة مراعات کن ایشان را که از اهل بیت عصمت
علیهم السلام تاکید و توصیه بسیار در باب رعایت همسایه شده و در
تعیین همسایه رجوع بعرف شود و تنها در خانه مباش و مخواب
و در خانه را طاق و در ظرفهای آب و طعام را ببند که شیطان
در بسته و ظرف سربسته را نمیگشاید و داخل مشو خانه را طاق
تاریک را مگر آنکه چراغی یا آتشی افروخته با خود داشته باشی و
چراغ را پیش از غروب آفتاب روشن کن که پریشانی را میبرد و رو
زیرا زیاد میکند و چون چراغ افروخته بخوان اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
لَنَا نُوراً نَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ وَ لَا تَحْرِمْنَا نُورَکَ یَوْمَ نَلْقَاکَ وَ اجْعَلْ

لَنَا نُوراً اِنَّکَ نُورٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ و چراغ را بنفس خاموش مکن
و چون خاموش شود بخوان اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ
اِلَی النُّورِ و نگاه داشتن حیوانات مانند کبوتر و مرغ و خروس
و بزغاله در خانه ممدوح است و باعث اشتغال شیاطین است
بانها و موجب ایمنی اطفال است از ضرر شیاطین و نگاه
داشتن سگ در خانه مذموم است و وارد شده که هر که در
خانه نگاه دارد هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم میشود
دعاء دخول در بازار اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ خَیْرِهَا
وَ خَیْرِ اَهْلِهَا و نیز روایت شده که هر که در بازار بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ
مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ هزار
هزار حسنه برای او نوشته شود بدانکه بازار بدترین بقعهای
زمین و میدان شیاطین است و با اول کسیکه داخل بازار شود
شیطان داخل میشود و با آخر کسیکه بیرون میرود شیطان بیرون
رود و بایدکه دانست که از برای تجارت و کسب حلال فضیلت
بسیار رسیده و لکن نباید در بازار منشینی مگر آنکه مسائل خرید
و فروش را بدانی که تجارت و کسب با جهال نادانی باعث خوردن
ربا میشود و بایدکه اجتناب کنی از قسم خوردن و دروغ گفتن
در وقت خریدن و فروختن و دوری کنی از پوشانیدن عیب متاع
خود و از مدح کردن آن هنگام فروختن و مذمت کردن آن در

وقت خریدن و سخت گیری مکن در معامله و مهربانی و بردباری کن با مشتریها و اگر بایع یا مشتری معامله را خواستند فسخ کنند اقاله کن و ستم با مردم مکن و با مظلومان انصاف از خود بده و مخر چیزی از مردی میکه کار بر ایشان بسته شده و معامله مکن با کردان و بانو کیسه و با جماعتی که پیسی و جذام و مرضهای مسری و نقصان در بدن دارند و اجتناب کن از فریب دادن مردمان و کم فروشی و آب در شیر کردن و احتکار نمودن و متاع را در تاریکی و زیر سقف فروختن و در ما بین الطلوعین کسب کردن و داخل در معامله برادر مؤمن شدن و مستحب است که کاسب چون چیزی خرید سه بار تکبیر گوید و شهادتین را و در مجموعه شیخ شهید بخط شیخ محمد جبعی جد شیخنا البهائی رضوان الله علیهم این صورت را بجهت حفظ متاع یا فتم لا الا الا الاول با الله محسط نعسلون و بالحق انزلناه و بالحق نزل نسعلون کعسلهم

دعا نشستن و برخواستن در مجالس با جمله از آداب مجالس

بدان ای عزیز من که چون خواستی وارد مجلسی شوی اول باید ملاحظه کنی که جائی نباشد که محل تهمت و گمان باشد بلکه مجلسی باشد که سزاوار داخل شدن تو در آن داشته باشد و چون خواستی بنشینی جائی را اختیار کن که لیاقت آن مکان را داشته باشی و اگر مکانی باشد که شرف تو مناسب بالاتر نشستن باشد بهتر و خوبتر و بتواضع اقرب است و مکانی را که سزاوار نیستی منشین که اگر خوار شدی خود را باید

ملامت

در آداب مجالس

ملامت کنی و کسیکه هر چیز از او پرسند و او نتواند جواب گوید یا آنکه دیگران چون عاجز از جواب شدند او هم نتواند بیان کند تا چنین خالی در صدر مجلس نشیند احمق است و اگر اهل مجلس جائی برای تو گشادند بنشین و اگر نه هر جائی که گشاده تر است و صاحب خانه هر جا گفت میفرماید بنشین و چون خواستی بنشینی بگو بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آل محمد و رو بقبله را در مجالس اختیار کن و در جای تنگ چهار زانو منشین که وارد شده چنین کس را آدم مشتها و اهل علم و صلاح و پیرمردان و محترمین را احترام کن و از مجالس اشرار و فساق و ظلمه اجتناب کن و با کسی بنشین که خدا را بیاد تو آورد رویت او و در علم تو بیفزاید سخن گفتن او و ترا بسوی آخرت رغبت فرماید کردار او و چون در مجلسی نشینی با اهل مجلس نیکو معاشرت کن و حلیم و حلیم و وقور باش و سخن مردم را قطع مکن مگر آنکه غیبتی یا بهتانی یا دروغی یا حرام دیگری باشد و در نهی از منکر و امر بمعروف مسامحه مکن و مزاح بسیار مکن که آب رو و مهابت را میبرد و کینه تولید میکند و بسیار پرده از میان خود و برادر مؤمن خود بر مدار که باعث برطرف شدن حیا است و دنها را از مجادله و آزار کردن مردمان و مر تو باد بعفو کردن و فرو بردن خشم خویش که عفو و کظم غیظ از مکارم دنیا و آخرت و باعث عزت دارین است و بدانکه اظهار دوستی و مهربانی با مردم نصف عقلست و بهترین مجالس مجلسها است که ذکر خدا و مذاکره احادیث و فقه و علوم اهل بیت

علیهم

علیهم السلام شود و در سابق گذشت روایتی که فرمودند هر گروهی
که در مجلسی جمع شوند و در آن مجلس یاد خدا نکنند و صلوات نفرستند
آن مجلس حسرت و وبال بر ایشان در قیامت و چون از مجلس برخاستی
بگو سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى
الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ که این ذکر شریف
کفارهٔ آن مجلس است **دعاء قهقهه** بجهت کفارهٔ قهقهه
و خنده بگو اَللّٰهُمَّ لَا تَمْقُتْنِي وارد شده که خنده قهقهه
از شیطانست و بسیار خندیدن فعل بیخردانست و دل را میمیراند
و دین را میگدازد چنانچه آب نمک را و وارد شده در قیامت فقیر می
گرداند و چه بسیار کسیکه بسیار خندد از روی لعب و بازی در
قیامت گریه اش بسیار شود و حضرت رسول صلی الله علیه وآله
فرموده که عجب دارم از کسیکه ایمان بجهنم دارد چرا میخندد بلی اگر
خندیدن بطریق تبسم و گشاده روئی باشد باکی نیست بلکه ممدوح
است چه مؤمن باید عبوس و گرفته نباشد **دعاء عطسه**
چون کسی عطسه کند دست بر روی بینی نهد و بگوید اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدًا كَثِيرًا كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و چون صدای عطسه کسی را
شنید او را دعا کند و بگوید يَرْحَمُكَ اللّٰهُ و صاحب عطسه
در جواب گوید يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ و دعای عاطس
جمله حقوقیست که مسلمان بر برادرش دارد **دعاء غضب**

چون بر کسی غضب کردی بجهت تسکین آن بگو أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و نیز بجهت تسکین غضب یاد خدا کن و صلوات
بفرست و اگر ایستاده بنشین و اگر غضب بر رحم است مس بدن او
نما **بجهت تحصیل علم و مال بسیار** در ماه روز چهار
صد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ
الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ
جَمِيعِ جُرْمِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

ادعیه و اذکار متعلقه بامر تزویج و طلب فرزند و آسانی ولادت و مختصری از آداب و سنن

مناسبه باین مقام **بدانکه** از برای تزویج فضیلت
بسیار وارد شده و کافیست در فضل آن که بسبب آن نصف دین
حفظ میشود و دور میشود عزوبت انسان که نهی شده از آن و باعث
بسیاری قبیله و عشیره و موجب اولاد میشود که بعد از خودشان اثری
بماند و عملش منقطع نمیشود اگر صالح باشند و استغفار برای او
کنند و شفاعت او را خواهند نمود اگر پیش از او بمیرند و باعث
بسیاری امت میشود که بواسطهٔ آن رسول خدا صلی الله علیه وآله
مباهات نماید در قیامت و بس راست در فضل تزویج که سبب
ریاضت نفس میشود و کسالت از مداومت کردن در عبادت را
برمیدارد و باعث رغبت در لذتهای بهشت میشود و تزویج
از آن سه چیزیست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله از دنیا اختیار

فرمودند و چون ارادهٔ تزویج کردی زنی را اختیار کن که کفو تو
باشد و باکره و کم مهر و خوشخو و گندم گون و
فراخ چشم و میانه بالا و سیاه چشم و گردنش خوشبو
و عوذک یا لبش پر گوشت و ولود باشد و بهترین زنان
زنی است که فرزند بسیار آورد و صاحب عفت در میان خویشان
خویش عزیز و نزد شوهر ذلیل باشد و برای شوهر خود زینت و بشاشت
کند و از دیگران عفت ورزد و مطیع شوهر و غیر مسلط باشد و
چون ارادهٔ خواستگاری نمودی اختیار کن روز جمعه را پس دو رکعت
نماز بگذار و حمد الهی کن و بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ
فَقَدِّرْ لِی مِنَ النِّسَاءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجًا وَاَحْفَظَهُنَّ لِی فِی نَفْسِهَا وَمَالِی
وَاَوْسَعَهُنَّ رِزْقًا وَاَعْظَمَهُنَّ بَرَکَةً وَقَدِّرْ لِی وَلَدًا طَیِّبًا تَجْعَلُهُ
خَلَفًا صَالِحًا فِی حَیٰوتِی وَبَعْدَ مَوْتِی و زن را از برای مال
و جمال مگیر بلکه برای دینداری و صلاحیت خود بخواه و تزویج مکن
در ساعات گرم و ساعتی که تحت شعاع یا قمر در عقرب باشد و ولیمه
در عروسی و خطبه پیش از عقد نکاح خواندن سنت است خطبهٔ
امام محمد تقی علیه السلام زمانی که دختر مامون را عقد
فرمودند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اِقْرَارًا بِنِعْمَتِهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
اِخْلَاصًا لِوَحْدَانِیَّتِهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِ بَرِیَّتِهِ وَ
عَلَی الْاَصْفِیَاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ اَمَّا بَعْدُ فَقَدْ کَانَ
مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَی الْاَنَامِ اَنْ اَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ

در بیان اذکار و آداب متعلقه بزن و شوهر

فقال سبحانه وَاَنْکِحُوا الْاَیَامٰی مِنْکُمْ وَالصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِکُمْ
وَاِمَائِکُمْ اِنْ یَکُونُوا فُقَرَاءَ یُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ
عَلِیمٌ و عروسی را در شب واقع ساز و چون عروس را بنزد تو
آورند بگو که وضو بسازد و دو رکعت نماز کند تو نیز هم چنین کن
پس حمد الهی و صلوات بر حضرت رسالت پناهی و آل او بفرست پس
دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده اند آمین بگویند و این دعا را
بخوان اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی اِلْفَهَا وَوُدَّهَا وَرِضَاهَا وَاَرْضِنِی
بِهَا وَاجْمَعْ بَیْنَنَا بِاَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَاَنَسِ ائْتِلَافٍ فَاِنَّکَ تُحِبُّ
الْحَلَالَ وَتَکْرَهُ الْحَرَامَ و چون نزد او روی بگذار دست
خود را بر بالای پیشانیش و بگو اَللّٰهُمَّ عَلٰی کِتَابِکَ تَزَوَّجْتُهَا
وَفِی اَمَانَتِکَ اَخَذْتُهَا وَبِکَلِمَاتِکَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا فَاِنْ قَضَیْتَ
لِی فِی رَحِمِهَا شَیْئًا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِیًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْکَ
شَیْطَانٍ و کفشهایش را بکن تا بنشیند و پاهایش را بشو
و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش و منع کن او را تا هفت
روز از خوردن سرکه و سیب ترش و گشنیز و لبن و چون خواستی
مباشرت کنی بسم الله الرحمن الرحیم بگو و نیت کن حفظ
نفس خود را از شیطان و فراغت قلب را و از حق تعالی فرزند
ذکر زکی مستوی الخلقة طلب نما و پناه بر بخدا از شر شیطان
و پیش از جماع فی الجمله ملاعبه و دست بازی کن با او و

در بیان اذکار و آداب متعلقه بزن و شوهر

جماع مکن در اول و میان و آخر ماه مگر شب اول شهر رمضان که
مستحب است و در وقت مجامعت سخن مگو و نظر بعورت او
مکن و عریان و رو بقبله و پشت بقبله و ایستاده
جماع مکن و مرد و خود را بیک دستمال پاک مکنید و اجتناب
کن از جماع کردن در شب نیمهٔ شعبان و روز اضحی و شب
عید فطر و قربان و در زیر درخت میوه دار و برابر آفتاب
و در کشتی و زیر آسمان و در پشت بام و در سر راه که مردم
تردد کنند و مابین اذان و اقامه و مابین طلوعین و از وقت
غروب تا برطرف شدن سرخی طرف مغرب و در شب و روزی که
خسوف یا کسوف یا زلزله شود یا بادهای سخت وزد و از برای
هر یک از اینها آثاری وارد شده و چون زن حامله باشد بی وضو
با او جماع مکن و اگر محتلم شده یا جماع کرده و غسل نکرده خواستی
دوباره مجامعت کنی بول کن و عورت خود را بشو و وضو بگیر بعد
جماع کن و حرامست مجامعت با حایض و اگر فرزند بهم رسد دشمن
اهل بیت علیهم السلام خواهد شد و جماع در شب دوشنبه و
سه شنبه و پنجشنبه و روز آن وقتی که آفتاب میان آسمان باشد
و در شب جمعه خصوص بعد از نماز خفتن ممدوح است و بدانکه
از برای زن و شوهر بر یکدیگر حقوقیست از جمله آنکه بر زن لازم
است که اطاعت شوهر کند و از خانه او بی رخصت او تصدق نکند

دعاهای وارده بجهة طلب اولاد و آسانی وضع حمل

و از خانه بیرون نرود و روزهٔ سنت بی رخصت او نگیرد و از شوهر
مضایقه نکند مباشرت را و درشتی و بدگوئی و بدخوئی با او نکند
و شوهر را آزرده خاطر ننماید و خود را از برای او خوشبو و زینت کند
و جامهای نو بپوشد و هر بامداد و شام خود را بر او عرضه کند و بر مرد
است نفقه و کسوت و مسکن او و سزاوار است که با او کج خلقی ننماید
و بر او عفو کند و نیکو سلوک نماید و منع کند او را از آنچه احتمال فساد در او
باشد مانند استماع ساز و نوا و شنیدن خوانندگی و غنا و بیرون رفتن از خانه
و آمد شد با بیگانه و تردد بحمامها و مساجد و عروسیها و سایر مجالس و نیز منع کند
او را از شنیدن حکایات شهوت انگیز و سخنان عشق آمیز و مصاحبت با پیرزنها
که با جرمها آمد و شد دارند و نگذارد او را بیکار که شیطان او را بر فکرهای باطل می
اندازد و میل به بیرون و تفرج و خودآرائی و خودنمائی میکند بلکه او را بامر
امور خانه و رشتن پنبه مشغول سازد و خود را در نظر او با مهابت و صلابت
دارد و نباید مرد سخن زن را در حق دیگران قبول نکند و خود را زیاده بدست او
ندهد و او را مدبر کارهای خود قرار ندهد و در بالاخانه او را جا ندهد
و علم خط تعلیم او نکند و بر زین او را ننشاند و از خوبیها با ایشان نگوید
و از برای سیر حمامها و عروسیها و عیدها و عزاها او را بیرون نفرستد و باید
هر چهار شب یک شب پیش او بخوابد و در هر چهار ماه یکمرتبه با او مباشرت کند
بجهة طلب اولاد در هر روز چهارصد مرتبه بگوید
اَستَغفِرُ اللهَ رَبّی وَ اَتُوبُ اِلَیهِ و نیز از برای طلب اولاد

دعاهای وارده بجهت طلب اولاد و آسانی وضع حمل

مرویست که چون خواهد نزد زوجه خود رود بجهت مباشرت سه مرتبه
بخواند آیه وَذَا النُّونِ وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و اگر فرزند
ذکور خواهد نیت کند که اگر حق تعالی او را فرزندی کرامت فرمود
محمد یا علی نام کند و نیز اگر فرزند ذکور خواهد هر گاه چهار ماه
از مدت حمل زن گذشت مرد روی زن را بقبله کند و آیة الکرسی را بخواند
و دست بر پهلوی زوجه زند و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی قَدْ سَمَّیْتُهُ مُحَمَّداً
بجهت آسانی ولادت چون بر زن دشوار شد زائیدن بنویسند
این آیات را بر پوست و بر ران راست او بندند و چون وضع حملش شود
باز کنند اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ کَاَنَّهُمْ یَوْمَ
یَرَوْنَهَا لَمْ یَلْبَثُوا اِلَّا عَشِیَّةً اَوْ ضُحٰیهَا اِذْ قَالَتِ امْرَاَةُ عِمْرَانَ رَبِّ
اِنِّی نَذَرْتُ لَکَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّراً و نیز وارد شده که هفت
مرتبه بر پوست بنویسند اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ
یُسْراً و بکاغذ نیز بنویسند یَا اَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمْ اِنَّ
زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَیْءٌ عَظِیمٌ یَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ کُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا
اَرْضَعَتْ وَتَضَعُ کُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا پس بر ران زن ببندند هنگام
درد تا وضع حمل بر او سهل شود انشاء الله و نیز بجهت سهل شدن
ولادت سوره قدر بر زن بخوانند هنگام درد و چون طفل
متولد شد بجهت دفع ضرر شیطان و ام الصبیان اذان در گوش راست
و اقامه در گوش چپش گویند و سزاوار است که کام طفل را با آب فرات

در بیان اذکار وارده متعلقه بختان

یا آب باران و تربت حسینی علیه السلام بردارد و در روز هفتم برای
او عقیقه کند و سوراخ کردن نرمه گوش راست و بالای گوش چپ او
برای پسران سنت است و ختنه کردن ایشان واجب و سنت است خواندن
دعای ختنه اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُکَ الخ و باید طفل را نام نیکو
گذاشت و راست ترین نامها نامیست که دلالت بر بندگی خدا کند
مانند عبدالله و نحو آن و بهترین نامها نام پیغمبران و ائمه علیهم السلام
است و وارد شده که فقر و بینوائی داخل خانه نمیشود که در آن
خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب
یا عبدالله یا فاطمه باشد و نهی شده از نام نهادن بحکیم و خالد
و مالک و حارث و خوبست هر که فرزندی را محمد نام کند تا روز هفتم
آنوقت تغییر کند اسمش را و سنت مؤکد است غسل دادن مولود
و نیکو سزاوار است که چون طفل را سر بتراشند بوزن موی آن
طلا یا نقره تصدق کنند و سرش را تمام بتراشند و کاکل و زلف
برای او نگذارند و بجهت دفع ترسیدن ایشان در خواب وقت
خوابیدن دست و دهانشان را بشویند

اذکار متعلقه بحمام و تراشیدن سر و نوره کشیدن و اذکار مریض

حمام دوای بلغم است و هر روز بحمام رفتن خوب نیست دل گرده را
آب و بدن را لاغر میکند و موجب مرض سل است و یکروز میان آن خوبست بدرا

در بیان اذکار و آداب متعلقه بحمام

بدن را فربه و گوشت را زیاد میکند و زنان را جهت سر شستن بحمام مفرست و بی لنگ داخل حمام مشو و بحالت ناشتا و شکم پر حمام مرو و چون در رخت کن داخل شدی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ اَسْتَعِیذُ بِكَ مِنْ اَذَاهُ و چون جامها را کندی بگو اَللّٰهُمَّ اَنْزِعْ عَنِّی رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَ ثَبِّتْنِی عَلَی الْاِیمَانِ و چون داخل خانه دوم شدی بگو اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الرِّجْسَ النَّجِسَ وَ طَهِّرْ جَسَدِی وَ قَلْبِی و چون داخل خزینه شدی مکرر بگو تا گاهی که از خزینه بیرون آئی نَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ وَ نَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ و آب سرد و خربزه در حمام مخور و آب سرد بر خود مریز و در حمام بر پشت و پهلو مخواب و پای خود را با آجر و سفال مسا و چشم خود را از نظر کردن بعورت دیگران بپوشان و در حمام شانه و مسواک مکن و لنگ بر سر و رو مال و سر را بگل مصر مشو و در حمام بول مکن که موجب فقر است و از برای شستن سر با سدر و خطمی فضیلت بسیار است و چون خواستی سر بتراشی رو بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر و در وقت شروع بخوان بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ عَلَی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیٰمَةِ و چون فارغ شوی بگو اَللّٰهُمَّ زَیِّنِّی بِالتَّقْوٰی وَ جَنِّبْنِی الرَّدٰی و زر شعر ازکا

در ذکر ناخن گرفتن و شارب و پوشیدن جامها و غیره

گذاشتن و از حضرت صادق علیه السلام روایتست که فرمودند من هر جمعه سر میتراشم و بدانکه مردان را خضاب کردن سر و ریش و زنان را خضاب دست و پا و موی سر سنت موکد است و مشهور است که جنب و حایض را خضاب مکروه است و هم چنین در حال خضاب جنب شدن و از برای نوره کشیدن فضیلت و فوائد بسیار است چه موی بدن چون بلند شود آب پشت را قطع میکند و بدن را سست میکند و ضعف و تنبلی میاورد و گذاشتن موی زیر بغل [illegible] و شیطان در آن پنهان میشود و نوره گذاشتن زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن از کندن و سنت در نوره کشیدن آنست که در هر پانزده روز یک مرتبه بکشی و از بیست و چهل روز تاخیر میانداز و اجتناب کن از نوره کشیدن در روز چهارشنبه که موجب پیسی است و در روز جمعه اختلاف است و صاحب کشف الغطا فرموده و ظاهر عدم کراهت است و در تابستان تاکید بیشتر شده در نوره و مقابله مرتبه نوره کشیدن در زمستان است و در حال نوره منشین که بیم ابتلای بعلت فتق است و چون نوره خواستی بکشی اول اندکی از آن را بردار و بو کن و بر سر بینی گذار و بگو صَلَّی اللهُ عَلٰی سُلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ کَمَا اَمَرَنَا بِالنُّورَةِ تا نوره ترا نسوزاند و اگر توانستی بخوان این دعا را که اولش اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّی است که فضیلت بسیار دارد و چون نوره

کشیدی

در ذکر ناخن گرفتن و شارب و پوشیدن جامه و غیره

کشیده از سر تا پای خود را حنا بمال و قدری حنا بر ناخنهای خود کذار و چون از حمام بیرون آمدی پای خود را بشو و عمامه بر سر ببند و جامهای خود را بپوش و شکر الهی بجای آور و بگو شُکْراً لِلّٰهِ عَلٰی هٰذِهِ النِّعْمَةِ و چون ذکر حمام شد مناسب است که ذکر اغسال شود بدانکه واجبست غسل جنابت و حیض و نفاس و بعض صور استحاضه و غسل میت و مس میت و سنت است غسل جمعه و غسل در شبهای طاق ماه رمضان خصوصا شب اول و نیمه و هفدهم و لیالی قدر و شبهای عشر آخر آن مطلقا و در شب و روز عید فطر و روز هشتم و نهم و دهم و هیجدهم و بیست و چهارم ذیحجه و اول و نیمه و آخر رجب و شب نیمه رجب و شعبان و روز مبعث و مولود و نیروز و سنت است غسل از برای احرام و دخول حرمین و مسجدین و مکه و کعبه و از برای زیارات حجج طاهره و استخاره و توبه و کشتن وزغ و طلب باران و حاجت و مس میت غسل داده شده و ترک نماز آیات در وقت و غیر اینها مواضع که در کتب فقهیه است دعاء گرفتن ناخن و شارب بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰی سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ و مو و ناخن را دفن کنند و هم چنین سنت است دفن کردن دندان و خون و بدانکه شارب کرفتن سنت

اغسال واجبه و مستحبه

فضیلت گرفتن ناخن

در بیان دعای پوشیدن جامه و آداب آن

مؤکد است و دفع غم و وسواس میکند و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که از ما نیست هر که شارب خود را نگیرد و نیز فرموده که مگذارید شارب دراز شود که شیطان در آن جای میگیرد و گرفتن شارب و ناخن در روز جمعه فضیلت بسیار دارد و در روز شنبه و پنجشنبه موجب عافیت است از درد دندان و درد چشم و در گرفتن ناخن ابتدا کن بانگشت کوچک دست راست و بانگشت کوچک دست چپ ختم کن یا بعکس و چند ترتیب دیگر نیز نقل شده دعاء پوشیدن جامه و آداب آن بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ کَسَانِیْ مَا یُوَارِیْ بِهٖ عَوْرَتِیْ وَ اَتَجَمَّلُ بِهٖ فِی النَّاسِ و نیز بگو در وقت پوشیدن جامه اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِیْ التَّقْوٰی وَ جَنِّبْنِی الرَّدٰی و بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بگو در وقت پوشیدن و کندن جامها و در پوشیدن جامه و کفش ابتدا بجانب راست و در کندن ابتدا بجانب چپ کن و پیراهن را پیش از زیر جامه بپوش و زیر جامه را رو بقبله و رو بمردم و ایستاده مپوش و جامه را چون کنده پراکنده مگذار بلکه تاه کن تا شیاطین بر خود مپوشانند و پا بکتای کفش راه مرو مبادا شیطان بر تو دست یابد و دیوانه ات کند و مگو نیست عریان شدن چرا که شیطان نظر میافکند بشخص عریان و طمع میکند در آنکه او را به معصیت وا دارد و بدانکه بهترین جامها جامه ایست که از پنبه بافته باشند

در بیان اذکار و آداب پوشیدن و غیره در شرط لباس

که آن پوشش رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام است و بعد از آن کتان است
و بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و
بعد سبز پس از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی است و
مکروه است سرخ تیره مگر برای نو داماد و جامه سیاه نیز
کراهت شدید دارد مگر در عمامه و عبا و موزه و مذموم است درازی
جامه و دامن و آستین و وارد شده که جامه اینکه از غرور بپا میکشد
در آتش جهنم است و بدانکه سنت مؤکد است از برای مردان و
زنان انگشتر در دست راست کردن و آن علامتی است از برای شیعیان
و یکی از آن پنج علامت است که برای مؤمن است و از برای مردان
انگشتر طلا بدست کردن جایز نیست و انگشتر برنج و آهن و فولاد
از برای مردان و زنان مکروه است و بهترین نگینها عقیق است پس
از آن فیروزه است و از برای یاقوت و حدید صینی و جزع یمانی و
در نجف فضیلت بسیار نقل شده و کسیکه انگشتر عقیق در دست داشته
باشد چون صبح کند پیش از آنکه کسی را ببیند نگین انگشتر را بطرف کف
دست بگرداند و بان نظر کند و بخواند سوره قدر را پس بگوید
آمَنْتُ بِاللّهِ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
عَلانِیَتِهِمْ در آن روز از شرور سماوی و زمینی محفوظ باشد
و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا داخل شب شود

دعاء نظر کردن در آینه اَللّهُمَّ کَما حَسَّنْتَ

خلقی

در اذکار و آداب متعلقه بخوردن و آشامیدن

خَلْقی فَحَسِّنْ خُلُقی وَ رِزْقی و در روایت شده که حق تعالی واجب
میگرداند بهشت را از برای جوانی که بسیار نظر در آینه کند و
حمد خدا بسیار گوید بر آنکه خدا او را بصورت نیکو آفریده و او را
معیوب نگردانیده و بدانکه بوی خوش بکار بردن و خود را
معطر و خوشبو کردن فضیلت دارد و از اخلاق انبیا و سنن مرسلین
است و در هر روز مستحب است و در روزهای جمعه مؤکد است و مستحب
است برای زنها آنچه بویش مخفی و رنگش ظاهر است و برای مردان بعکس
و کراهت دارد رد کردن بوی خوش **در اذکار و آداب متعلقه
بخوردن و آشامیدن** از آداب طعام آنست که از حلال
تحصیل کنی و باندازه صرف کنی که نسبت بحال تو اسراف نباشد و
در حال سیری چیزی نخوری که مورث برص و پیسی و مبغوض شدن
نزد خدا است و اندک نخوری که ترا از عبادت باز دارد و هر که
در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه‌تر است و خدا شکم پر از
طعام را دشمن میدارد و ترک مکن غذا خوردن در شب را چه
ترک آن موجب خرابی بدن است و آدمی را پیر میکند و باعث نفرین
کردن رگ عشا است تا صبا و سزاوار است که روز از خانه
بیرون نروی تا آنکه چاشت خود را بخوری و چون خواستی
طعام بخوری دست را پیش از طعام بشو و تری آنرا بدستمال پاک
مکن و چون خوان طعام را نهادند بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

بگو

اذکار و آداب متعلقه بخوردن و آشامیدن

بگو تا چهار هزار فرشته که با طعام حاضر شده اند دعا کنند بتو و شیاطین را از تو دور کنند و اگر نه شیطان را گویند که ای فاسق بیا و با ایشان طعام بخور پس ابتدا کن بنمک که افتتاح و اختتام بنمک باعث دفع هفتاد نوع بلا است و وارد شده که چون شروع کنی بخوردن بگو بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهِ وَآخِرِهِ و اگر لقمه را بو داری و بگوئی بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِیْنَ باعث آمرزش گناهان شود و در بین خوردن حرف بسیار مزن بلکه خدا را بسیار حمد کن و ظروف طلا و نقره استعمال مکن و طعام گرم مخور که برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد و مدمّ درخوردنی و آشامیدنی و نان را گرامی دار و بو مکن آنرا بروش درندگان و با کارد مبر آنرا و با دو انگشت و از دست چپ خیار را مخور و از پهلوی طعام و پیش خود بخور و لقمه را کوچک بردار و نرم بجای و در روی حاضرین کم نگاه کن و استخوان را زیاد پاک مکن که جنیان در آن بهره دارند و آنچه از خوان طعام افتاده بردار و بخور مگر در صحرا که بگذار برای مرغان و حیوانات و چون از خوردن فارغ شدی حمد خدا کن و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُطْعِمُ وَلَا یُطْعَمُ و انگشتان خود را بلیس که از برای لیسیدن انگشتان و تر ظروف فضیلت بسیار وارد شده و دست خود را بشو و بدنیم خورده

مؤمنان تبرک جو که سؤر مؤمن شفای هفتاد درد است و خلال کن و اگر میهمان داری خلال برای او حاضر کن که از جمله حقوق او است و بچوب انار و کنه و نی و برگ خرما خلال مکن و آنچه را که بواسطه خلال از میان دندانها بیرون آورده دور افکن و مخور **واما آداب آشامیدن** پس آنست که ظرف آب را بدست راست گیری و در شب نشسته بیاشامی و بخلاف روز و در ابتدا بِسْمِ اللّٰهِ و بعد از فراغ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگو و از پیش دسته کوزه و از موضعیکه شکسته باشد یا رخنه داشته باشد میاشام و آب را بمک و دهان را پر مکن و اگر ظرف بسیار دهان بوی آب مگذار بلکه با دستهای خود بیاشام و آب زیاد میاشامید خوش نیست و موجب مرض است و بعد از آشامیدن آب جناب امام حسین علیه السلام و اهل بیت آنحضرت را یاد کن و لعنت کن کشندگان آنجناب را که فضیلت بسیار دارد

دعاء حجامت

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید بگو پیش از آنکه مجمه را بر بزند بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ الْکَرِیْمِ فِیْ حِجَامَتِیْ هٰذِهِ مِنَ الْعَیْنِ فِی الدَّمِ وَمِنْ کُلِّ سُوْءٍ و از آنجناب مرویست که دوا چهار چیز است حجامت و دارو مالیدن و حقنه کردن و قی نمودن و نیز فرموده که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و حجامت را آورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده

که اگر شفا در چیزی هست در نیشتر حجام و در خوردن عسل است و
اجتناب کن از حجامت کردن در حالی که ناشتا باشی و در وقتی
که قمر در عقرب باشد و در روز پنجشنبه پیش از ظهر و در
روز جمعه وقت ظهر و در روز سه شنبه یکی در سه شنبه
۱۲ یا ۱۴ یا ۲۱ ماه خوبست و در روز شنبه و یک
شنبه و دوشنبه ممدوحست و در ماه رمضان در شب حجامت
خوبست و بعد از حجامت تا در شیرین خوردن نیک است.....

اذکار و آداب متعلقه بخواب

بدانکه خواب بین الطلوعین و ما بین مغرب و عشا و بعد از عصر
مذموم است و خواب قیلوله یعنی خواب پیش از ظهر سنت است
و تمام شب بیدار بودن خوب نیست مگر در موضعی که استثنا
شده و پیش از خواب به بیت الخلا برو و در وقت خوابیدن وضوء
بگیر و اگر در رختخواب در وضو نکرده بر فراش خود تیمم کن و
رو با قبله بر و و بر دست چپ بخواب بلکه بر دست
راست رو بقبله بهیئت ملحود بخواب و دست راست را در زیر
رو گذار و بخوان تسبیح زهرا علیها السلام و چهار قل و آیة الکرسی
و ده آیه از اول والصافات و ده آیه از آخر آن و از برای
خواندن قل هو الله در وقت خوابیدن یا زده مرتبه یا صد مرتبه
یا مطلقا فضیلت بسیار است و اگر سوره الهیکم التکاثر بخواند

باعث ایمنی از عذاب قبر خواهد بود و در حدیث نبویست که هر که
در وقت خوابیدن آیه قل انما را بخواند نوری از نور او تعالی کشد
تا به مسجد الحرام و در بین آن نور ملائکه باشند که از برای او
بصبح استغفار کنند و تنها بخواب و اگر تنها باشی بوده
بخوان اللّٰهم آنس وحشتی و آمن روعتی و اعنی علی وحدتی و بر بام
غیر محجر مخواب و اگر دست آلوده بچربی و خوردنی است بشو و چون
خوابی دیده راست نقل کن و برای هر کسی مگو مگر کسیکه مؤمن و دانا
و عاقل و از حسد و عداوت خالی باشد و خواب را بانچه تعبیر کنند
واقع میشود پس خوب باید تعبیر کرد و اگر خود تعبیر کنی نیز خوب
تعبیر کن که انشاء الله همان نحو واقع خواهد شد بجهت دفع ترسیدن
در خواب ده مرتبه پیش از خواب بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت
پس بخواند تسبیح فاطمه علیها السلام را و در سابق گذشت که از
برای دفع ترسیدن اطفال در خواب دست و دهانشان را بشویند
تا نترسند بجهت دفع احتلام چون ترسد که در خواب
محتلم شود پیش از خواب بگوید اللّٰهم انی اعوذ بک من
الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان
فی الیقظة و المنام بجهت بیدار شدن در هر وقت
که بخواهد بخواند آیه قل انما را که در آخر سوره کهف است

بجهت ایمنی از خراب شدن خانه بخوانند

آیهٔ إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰاتِ را که در آخر سورهٔ
فاطر است **بجهت ایمنی از دزد** بخواند قُلِ
ادْعُوا اللّٰهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ را تا وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا که آخر
سورهٔ بنی اسرائیل است و اگر در سفر باشد و از دزدان
و درندگان ترسد بر بال مرکوب خود نویسد لَا تَخَافُ
دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ چنانچه از حضرت کاظم علیه السلام
مرویست و محتملست مراد نوشتن با انگشت باشد و اگر
از عقرب و گزندگان ترسد بخواند تعویذاتی را که در باب اول ذکر شد

ادعیه و اذکار متعلقه بمریض و محتضر و میت و قبرستان

بدانکه از مستحبات مؤکده است عیادت مریضان ولکن مبتلا
بدرد دندان و درد چشم و قرحه را عیادت نباشد و کسیکه
بعیادت میرود با خود چیزی مانند سیب و به و امثال آن بر
دارد و هدیهٔ مریض کند که مریض بآن استراحت یابد و
زود برخیزد مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد و دست
بر ذراع مریض گذارد و برای او دعا کند **بجهت شفاء
مریض** بخواند أَسْأَلُ اللّٰهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
أَنْ يَشْفِيَكَ و اگر هفت مرتبه یا هفتاد مرتبه
حمد بجهت شفاء او بخواند خوبست و سید ابن طاوس
قدس سره در مجتنی فرموده از برای مریض بخوان اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا
كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الْمَرَضَ مِنَ الْكَثِيرِ الَّذِي تَعْفُو عَنْهُ
وَتُبْرِئُ مِنْهُ اُسْكُنْ أَيُّهَا الْوَجَعُ وَارْتَحِلِ السَّاعَةَ
مِنْ هٰذَا الْعَبْدِ الضَّعِيفِ سَكَّنْتُكَ وَرَحَّلْتُكَ بِالَّذِي
سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
و اگر بعد از یک دفعه خواندن مریض عافیت نیافت مکرر
بخوان تا خوب شود همانا این دعا مجربست بایقین برحمتک یا ارحم
الراحمین **بجهت شفاء فرزند** وارد شده که
مادر او بالای بام رود و مقنعه از سر کند تا موی او
بجانب آسمان ظاهر شود آنگاه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ
أَعْطَيْتَنِيهِ وَأَنْتَ وَهَبْتَهُ لِي اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ الْيَوْمَ
جَدِيدًا إِنَّكَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ پس سر بسجده نهد هنوز سر از
سجده برنداشته باشد که فرزندش شفا یابد انشاء الله و مناسب در
ذکر دعاهائی که رفع پریشانی و فقر و عیال برای رفع بیماری و مرض
و در روایت شده برای دفع مرض و بیماری و برای پیدا شدن
فرزند برای کسیکه فرزندش نمی آورد آنکه صدا را در منزل باذان
بلند کنند **دعاء محتضر** برای آسان جان کندن این
دعا را تلقین او کنند یَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ
الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ

انت الغفور الرحیم و نیز کلمهٔ لا اله الا الله را
تلقین او کنند که هر که آخر سخن او این کلمهٔ طیبه باشد داخل
بهشت شود انشاء الله و کلمات فرج و عقائد حقه را نیز تلقین
او کنند و او را در آن حال تنها مگذارند و او را رو بقبله کنند و
جنب و حائض نزد او حاضر نشوند و سورهٔ یس و والصافات
و احزاب و آیة الکرسی و آیهٔ سخره و سه آیه آخر بقره
و غیرها از دعاها بخوانند و از برای تشییع میت فضیلت
بسیار است و آداب جنائز زیاد است و این مختصر را
گنجایش ذکر آن نیست دعاء وقت دیدن جنازه
بگویند الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم
دعای نماز میت در نماز میت پنج تکبیر گفته
میشود و چهار دعا که عبارت باشد از شهادتین و صلوات
و دعا برای مؤمنین و دعا از برای میت ما بین تکبیرات خوانده
میشود بدین طریق که بعد از تکبیر اول بگویند اشهد ان لا
اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و بعد از
تکبیر دوم اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از
تکبیر سیم اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و
بعد از تکبیر چهارم اللهم اغفر لهذا المیت
و اگر میت زن باشد لهذه المیتة بگویند و اگر طفل باشد
بگویند اللهم اجعله لابویه و لنا سلفا و فرطا و اجرا

بعد از آن تکبیر پنجم گویند و فارغ شوند و این قدر واجب نماز
میت است و کفایت میکند بنا بر مشهور و سزاوار است که
امام جماعت با وضو باشد و بایستد محاذی وسط مرد و
محاذی سینهٔ زن و در هر تکبیر دستها را بالا برد و صبر کند تا
جنازه برداشته شود نماز لیلة الدفن
مشهور بنماز وحشت دو رکعت است در رکعت اول
بعد از حمد آیة الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد ده
مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخوانند و بعد از نماز بگوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابها الی قبر
فلان

دعاء قبرستان

از قبرستان
چون بگذرد و بگوید اللهم ولهم ما تولوا و
احشرهم مع من احبوا و از جمله دعاهای سر
قبرستان آنکه بگوید السلام علی اهل الدیار
من المؤمنین و المسلمین انتم لنا فرط و نحن
ان شاء الله بکم لاحقون و در میان
قبرستان خواندن یازده مرتبه سورهٔ قل هو الله
احد و هدیه کردن ثواب آن بروح اموات و همچنین
خواندن سورهٔ یس بلکه خواندن آیه از قرآن بجهت
اموات فضیلت بسیار دارد و زیارت کردن اموات
خصوص والدین و خصوص در روز جمعه و پنجشنبه و ما

بین الطلوعین فضیلت بسیار دارد و دیگر خبر است که اموات
با زائر خود انس میگیرند و شاد میشوند و دیگر دعوات
راوندی حدیثی مرویست از حضرت نبوی صلی الله علیه و
آله دو کراهت زیارت اموات در شب و چون خواهد
سر قبر فاتحه بخواند رو بقبله کند و دست بر روی قبر گذارد
و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند که باعث ایمنی از هول
بزرگ قیامت است و از برای اموات اعمال خیریه نیابت
کردن مانند نماز و روزه و زیارت و قرآن و دعا و استغفار
و صدقات و امثال آن اجر عظیم و ثواب جزیل وارد شده
و بدانکه زیارت اموات و قبور مسلمین بعلاوه آنکه
ثواب بسیار دارد فوائد عظیمه را متضمن است باعث عبرت
و آگاهی و زهد و بیمیلی بدنیا و رغبت در آخرت میشود چون
عاقل آنست که در قبرستان پند و عبرت گیرد و تفکر کند در
فنای دنیا و تقلب احوال آن و بخاطر آورد که او نیز عنقریب
از جزء اموات شود و دستش از عمل کوتاه و باعث عبرت دیگران
شود این در صدد توشه و زاد برای سفر هولناک معاد بر آید
و تقوی پیشه کند که خیر الزاد است معروفست که هرون
الرشید بهلول عاقل را در رهگذری دید که بر اسبی از نی
سوار شده با کودکان بازی میکرد رشید پیش رفته و سلام کرده
والتماس پند نمود بهلول گفت ایها الامیر هذه قصورهم

فهذه قبورهم یعنی مشاهده قصرها و عمارتهای
پادشاهان گذشته و ملاحظه قبور ایشان ترا از برای
پند بس است در آنها نظر کن و از ایشان عبرت گیر چه آن قوم
که هم از ابنای جنس تو بوده اند عمری در این قصرها چون تو بساط
عیش و نشاط گسترده و اکنون در این گورهای پر مار و مور خفته
و خاک حسرت بر سر کرده اند فرداست که بر تو نیز همین ماجرا رود
و آفتاب حیاتت بمغرب ممات رسد تخت دولت بتخته تابوت
مبدل شود و بستر خاک جانشین جامه خواب مخمل گردد اندیشه کن
که از آن حشمت و جاه چه در دست خواهد ماند و اینهمه عظمت
و جبروت چه فائده بحالت خواهد رساند

ذکر ادعیه و اذکار متعلقه بقضاء حاجات

دعاء فرج یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه
شیء اکفنی ما اهمنی و نیز از ادعیه فرج است
لا اله الا الله الحلیم الکریم تا باخر که از ادعیه معروفه
است دعاء بجهت قضاء حاجت شیخ احمد
بن فهد از ساعد روایت کرده که حضرت ابو الحسن موسی بن
جعفر علیهما السلام فرمود که ای ساعد هرگاه ترا حاجتی نزد خدا باشد
بگو اللهم انی اسئلک بحق محمد و علی فان لهما عندک
شأنا من الشأن و قدرا من القدر فبحق ذلک الشأن

وَبِحَقِّ ذٰلِكَ الْقَدْرِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ
بِي كَذَا وَكَذَا همانا چون روز قیامت شود باقی نماند ملك
مقربی و نه نبی مرسلی و نه بندهٔ مؤمنی که ممتحن شده باشد
دلش بایمان مگر آنکه در آن روز محتاج است به محمد و علی علیهما
وآلهما السلام **دعاء توسل و استغاثه** از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که هر گاه یکی از شما بخواهد
استغاثه کند بسوی خداوند پس دو رکعت نماز کند پس بسجده
رود و بگوید یَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ يَا عَلِيُّ يَا سَيِّدَيِ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِكُمَا اَسْتَغِيثُ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى يَا
مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ اَسْتَغِيثُ بِكُمَا يَا غَوْثَاهُ بِاللّٰهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ
فَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسٰى وَعَلِيٍّ
وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ بِكُمْ
اَتَوَسَّلُ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى پس بدرستیکه در همان ساعت
بفریاد تو خواهند رسید ان شاء الله تعالی **دعای شریف بجهت
حاجات و مهمات در دعوات** راوندی از حضرت
امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود پدرم مرا
در بر گرفت و بسینهٔ خود چسبانید در آن روز که شهید شد
در حالتیکه خون در بدن مبارکش میجوشید و فرمود ای پسر
حفظ کن از من دعائی را که تعلیم فرمود آنرا بمن مادرم فاطمه
علیها السلام و تعلیم فرموده باو رسول خدا صلی الله علیه وآله

و تعلیم کرده باو جناب جبرئیل علیه السلام از برای حاجت و مهم و
اندوه و بلاهای سخت که نازل میشود و امر عظیم دشوار و میفرمود
بگو بِحَقِّ يٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ وَبِحَقِّ طٰهٰ وَالْقُرْاٰنِ الْعَظِيمِ
يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلٰى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ
يَا مُنَفِّسَ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا رَاحِمَ
الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ اِلَى
التَّفْسِيرِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا بجای
وَافْعَلْ بِي كَذَا حاجت بخواهد **مؤلف گوید** که غیر
این دعا دعاهای دیگر نیز از آنحضرت ماثور است که در روز
عاشورا خوانده اند و از جمله سیدنا است که شیخ مفید رحمه الله
نقل فرموده و از برای دفع نازله خواندن آن مناسب است
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَاَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ
وَاَنْتَ لِي فِي كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ كَمْ مِنْ هَمٍّ يَضْعُفُ فِيهِ
الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَشْمَتُ
فِيهِ الْعَدُوُّ وَاَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ اِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّي اِلَيْكَ
عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ عَنِّي وَكَشَفْتَهُ فَاَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ
كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهٰى كُلِّ رَغْبَةٍ وَنیز از برای وقوع در ورطه
شدائد مرویست که بگویند برای خلاصی از آن بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ
اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ **و نیز وارد شده** از رسول

خدا صلی الله علیه واله برای دفع شدت و گرفتاری و غموم این
دعا را تعلیم امیر المؤمنین علیه السلام فرمود اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاَنْ تُنْجِیَنِی مِنْ هٰذَا الْغَمِّ ونیز بجهت دفع هموم و احزان
بخواند لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ ونیز
بجهت دفع هم و حزن و دفع بلا و کربات بگوید اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّی
لَا اُشْرِكُ بِهٖ شَیْئًا تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوْتُ ونیز
بجهت دفع هموم مفید است راه رفتن و سواری و فرو رفتن
در آب و نظر کردن بسبزه و صورت حسناء و اکل و شرب
و جماع و مسواک نمودن و شستن سر با سدر و با خطمی و
پاکیزه نمودن جامه و خوردن انگور خصوص انگور سیاه ـــ

واجتناب کردن از چیزهائی که موجب هم و غم است

مانند راه رفتن از بین گوسفندان و زنان و ایستاده زیر جامه
پوشیدن و بر رو خوابیدن و چیدن موی ریش و ناخن را
بدندان و راه رفتن بر روی پوست تخم و استنجاء کردن
بدست راست و چیز خوردن با دست چپ و نشستن در
درگاه در و پاک کردن صورت بدامان و از بین قبور راه
رفتن و در قبرستان خندیدن و بول کردن در کرمابه و در
آب ایستاده وغیر ذلك دعاء عافیت مروی از حضرت

سجاد علیه السلام اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ الْعَافِیَةَ وَالشُّکْرَ
عَلَی الْعَافِیَةِ واز حضرت رسول صلی الله علیه واله نیز همین
دعا مروی لکن بزیادتی وَتَمَامَ الْعَافِیَةِ عَلَی الدُّنْیَا وَالْاٰ
خِرَةِ دعاء حضرت ابوذر غفاری رض مشتمل
بر مضامین عالیه اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ الْاَمْنَ وَالْاِیْمَانَ
بِكَ وَالتَّصْدِیْقَ بِنَبِیِّكَ وَالْعَافِیَةَ مِنْ جَمِیْعِ الْبَلَاۤءِ وَالشُّکْرَ عَلَی
الْعَافِیَةِ وَالْغِنٰی عَنْ اَشْرَارِ النَّاسِ دعاء اهل البیت المعمور
یَا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیْلَ وَسَتَرَ الْقَبِیْحَ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ
بِالْجَرِیْرَةِ وَلَمْ یَهْتِكِ السِّتْرَ یَا عَظِیْمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ
التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ
یَا صَاحِبَ کُلِّ نَجْوٰی وَمُنْتَهٰی کُلِّ شَکْوٰی یَا کَرِیْمَ الصَّفْحِ یَا
عَظِیْمَ الْمَنِّ یَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا یَا رَبَّنَا
وَیَا سَیِّدَنَا وَیَا مَوْلَانَا وَیَا غَایَةَ رَغْبَتِنَا اَسْئَلُكَ
یَا اَللّٰهُ اَنْ لَا تَشْوِیَ خَلْقِیْ بِالنَّارِ جامع این لئالی
منثوره عباس قمی عفی الله عنه گوید که این دعا
جلیل الشان است و جبرئیل آنرا برای حضرت رسول صلی
الله علیه واله هدیه آورد و ثواب عظیم از برای هر فقره
آن ذکر شده بلکه وارد که جبرئیل عرض کرد با حضرت که اگر
ملائکه هفت آسمان و زمین جمع شوند که ثواب آنرا ذکر کنند از
هزار جزء یك جزء آنرا وصف نتوانند کرد و بجهت کثرت شرافت

این دعا جمله از علمای خاصه و عامه کتب خود را بان ختم نموده اند چنا
نچه فاضل مقداد شرح نهج و ابن شیخ احمد بن فهد عدة الداعی و ابو
فخر رازی بعض کتب خود را بان ختم کرده اند و این دعا در تعقیبات
نماز ظهر نیز ذکر شده و مخفی نماند که این فقیر بی بضاعت ببرکات اهل
بیت رسالت علیهم السلام بر دعاهای بسیار شریف مطلع یافته ام و
اگر این مختصر را گنجایش بود قدری از آن ها را نقل میکردم لکن مقام را
مجال نیست بلی مناسب بدم که این دعای مختصر را که مشتمل بر مضامین
مبکیه و مطالب مشجیه ذکر کنم که اهل تهجد در قنوت نماز وتر بخوانند و
بگریند و رجاء واثق آنکه از این شکسته مهجور یاد کنند و طلب امرزش
نمایند و دعا اینست الهی کیف اصدر عن بابک بخیبة منک
وقد قصدته علی ثقة بک الهی کیف تؤیسنی عن عطائک
وقد امرتنی بدعائک صل علی محمد وآل محمد وارحمنی اذا
اشتد الانین وحظر علی العمل وانقطع منی الامل وافضیت
الی المنون وبکت علی العیون وودعنی الاهل والاحباب وحثی
علی التراب ونسی اسمی وبلی جسمی وانطمس ذکری وهجر قبری فلم
یزرنی زائر ولم یذکرنی ذاکر وظهرت منی المآثم
واستولت علی المظالم وطالت شکایة الخصوم واتصلت
دعوة المظلوم صل اللهم علی محمد وآل محمد وارض خصومی عنی
بفضلک واحسانک وجد علی بعفوک ورضوانک الهی ذهبت
ایام لذاتی وبقیت مآثمی وتبعاتی وقد اتیتک منیبا تائبا فلا

ترد

تردنی محروما ولا خائبا اللهم امن روعتی واغفر زلتی
وتب علی انک انت التواب الرحیم

دربیان چیزهائی که موجب غنا و وسعت روزیست

بجهت وسعت رزق و دفع فقر مواظبت کنند بخواندن
این دعا چنانکه در کتاب مجتنی مسطور است اللهم یا سبب
من لا سبب له یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب
من غیر سبب صل علی محمد وآل محمد واغننی بحلالک
عن حرامک وبفضلک عمن سواک یا حی یا قیوم ونیز
از برای وسعت رزق در سجدهٔ نماز فریضه بگوید یا خیر
المسئولین ویا خیر المعطین ارزقنی وارزق
عیالی من فضلک الواسع فانک ذو الفضل العظیم
ونیز از برای وسعت رزق ودفع فقر مفید است
حکایت اذان نمودن وصدقه دادن وخانه را جاروب
کردن وکاسه ها را شستن ونیکو تکلم نمودن وبپا
داشتن نماز با تعظیم وخشوع وخواندن سورهٔ واقعه خصوص
در شب وسورهٔ یس وتبارک وقت صبح ومداومت
بخواندن سورهٔ والذاریات وحضور در مسجد پیش از اذان
ومداومت بر وضو واسباغ آن وخواندن سنت فجر ونماز
وتر را در خانه وترک کلام لغو وتکلم در بیت الخلا واذیت

نکردن

نکردن مرهم را و توقیر شیوخ و صلهٔ رحم و شکر نعم و
وضو یعنی شستن دست پیش از طعام و خوردن افتاده های ریزه
های خوان طعام و تسبیح خدا در هر روز سی مرتبه و کثرت
استغفار و گرفتن شارب و ناخن در روز جمعه و تعقیب
خواندن بعد از نماز صبح و عصر و مواسات کردن با برادران
دینی و جمع نمودن ما بین دو نماز

در بیان چیزهای که موجب فقر است

و اجتناب از چیزهائی که باعث فقر است

مانند گذاشتن تار عنکبوت و خاک روبه در خانه و بول کردن
در کنار آب و خوردن در حال جنابت و خوابیده و خلال کردن
با چوب گز بلکه به هر چوبی و ایستاده شانه کردن و بشانهٔ شکسته
شانه کردن و بقلم کرم دار چیز نوشتن و قطع رحم نمودن
و خفتن ما بین طلوعین و عشائین و اعتیاد بکذب و کثرت
استماع غنا و رد مرد سائل در شب و قسم دروغ خوردن
و سوزانیدن پوست پیاز و سیر و نشستن و تکیه کردن بدر
گاه در و جاروب کردن در شب و جاروب نمودن بجامه
و وضو و شستن اعضاء بدن را در موضع استنجاء و پاک
کردن تری بدن را بدامان و آستین جامه و کاسه و ظروف را
نشسته گذاشتن و ظروف آب را در باز نهادن و استخفاف بنماز
نمودن و تعجیل کردن در بیرون رفتن از مسجد و صبح زود به

بازار رفتن و دیر بیرون آمدن و نانهای گدایان را خریدن
و لعن براولاد کردن و جامه را در بدن دوختن و چراغ را
بنفس خاموش کردن و ریزه های نان را بی اعتنائی کردن و
حقیر شمردن و بر مشایخ مقدم شدن و والدین را بنام
خواندن و دعای بد در حق ایشان نمودن و نشسته متعمم شدن
و ایستاده زیر جامه پوشیدن و بخل و اسراف و کسالت و سستی
در امور نمودن و غیر ذلک و بسی نافعست از برای دفع فقر
و ترقی در کارها و قضاء دین این ذکر که حضرت صادق علیه السلم
تعلیم عبدالله بن سنان فرموده و آن چنانست که بعد از نمازهای
فجر بخوانی تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ
لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا پس از آن بگوئی
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ وَمِنْ غَلَبَةِ
الدَّيْنِ وَالسُّقْمِ وَأَسْئَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ
وَإِلَى النَّاسِ و روایت شده برای بیماری و تنگ
دستی که بعد از هر نماز فریضه بخوانی تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ تا
تَكْبِيرًا و از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
مرویست که هیچ شی آنحضرت را دلتنگ نکرد مگر آنکه جبرئیل برای من
متمثل شد و گفت این دعا بخوان و در احادیث بسیار وارد شده
که برای وساوس سینه و قرض و پریشانی مکرر این دعا را باید

خواند و در بعضی از روایات اولش لا حول و لا قوة الا بالله
است و بعد از لم یتخذ صاحبة و لا ولدا است **بجهت
قضاء دین** بسیار استغفار کردن و سوره قدر خواندن
وارد شده **و نیز** مکرر بخواند یا ذا الجلال و الاکرام بحرمة
وجهک الکریم اقض عنی دینی **و نیز** بخواند بجهت
قضاء دین آیه قل اللهم مالک الملک را تا بغیر
حساب پس بگوید یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما
تعطی منهما ما تشاء و تمنع منهما ما تشاء اقض عنی
دینی و این دعائیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله
تعلیم معاذ بن جبل فرموده **و نیز** از امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که شکایت کرد بخدمت حضرت رسول
اکرم صلی الله علیه و آله از قرض فرمود بخوان اللهم اغننی
بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک که اگر
بقدر کوه صبیر که بزرگترین کوههای یمن است قرض داشته
باشی قضا خواهد شد شیخ بهائی زید بهائه این روایت را
حدیث شانزدهم اربعین قرار داده و در ذیل آن فرموده وقتی
قرض من زیاده از هزار و پانصد مثقال طلا شد و چیزی هم
نداشتم که در وجه آن بپردازم و طلبکاران نیز مطالبه می
کردند لاجرم پناه باین دعا بردم و چند بار ملاومت کردم
بدین طریق که دو سه بار بعد از نماز صبح مکرر میخواندم و گاهی

بعد از نمازهای دیگر نیز میخواندم باندک زمانی ببرکت مواظبت
بر این دعا قرض من ادا شد از جائی که هیچ بخیال من نمیرسید
دعاء پیدا کردن گمشده از حضرت امام رضا
علیه السلام مرویست که بخواند آیه و عنده مفاتح
الغیب را تا باخر پس بگوید اللهم انک تهدی من
الضلالة و تنجی من العمی و ترد الضالة صل علی محمد
و آل محمد و اغفر لی و رد ضالتی و صل علی محمد و آله و
سلم **دعاء نسیان** از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که چون خواستی حدیثی را نقل کنی و شیطان آن
نظر تو برده است دست بر جبهه گذار و بگو صلی الله علی محمد
و آله اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و الآمر به ذکرنی
ما انسانیه الشیطان **بجهت کثرت حافظه**
عقب هر نمازی بخوان چنانچه حضرت رسول اکرم تعلیم حضرت
امیر المؤمنین علیهما و آلهما السلام فرمود سبحان من لا یعتدی
علی اهل مملکته سبحان من لا یأخذ اهل الارض بالوان
العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم اجعل لی فی قلبی نورا
و بصرا و فهما و علما انک علی کل شیء قدیر
و نیز کسیکه خواهد قوه حافظه او زیاد شود مواظبت
کند بکم خوردن **و** نماز شب کردن با کمال خضوع و خشوع
و قرائت قرآن مخصوصا آیة الکرسی **و** روزه بگیرد **و** بسیار

صلوات فرستد و سؤال کند و عسل و کندر خورد و در
هر روز بیست و یک دانه مویز سرخ خورد و آب کم آشامد
و اجتناب کند از چیزهائی که مورث نسیانست مانند
معاصی و کثرت هموم و احزان دنیوی و کثرت اشتغال و
علائق و قرائت الواح قبور و کم زدن سیب ترش و گشنیز
سبز و پنیر و نیم خورده موش و رفتن از بین قطار شتر
و از بین دو زن و بول کردن در آب ایستاده و دور افکندن
شپش زنده و نگاه کردن بشخص دار کشیده و غیر ذلک
بجهت بخیر شدن عافیت بخواند دعاء یازدهم صحیفه
کامله یا من ذکره شرف للذاکرین تا باخر و نیز بخواند ربنا
لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب و نیز در عقب نمازها مواظبت کند بخواندن تسبیح
حضرت فاطمه علیها السلام و نیز در روزهای جمعه سوره مؤمنین
بخواند و نیز انگشتر عقیق در انگشت کند و در آن نقش کند
مُحَمَّدٌ نَبِیُّ اللهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللهِ دعاء رفع وحشت در
حدیث نبویست که بسیار بگوید سُبْحَانَ رَبِّیَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ
رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ خَالِقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ذِی الْعِزَّةِ
وَالْجَبَرُوتِ دعاء زمان غیبت اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی
نَفْسَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ نَبِیَّكَ اَللّٰهُمَّ
عَرِّفْنِی رَسُولَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ نَبِیَّكَ

اللهم

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ
دِینِی و ابزد غائبیت که حضرت صادق علیه السلام تعلیم
زراره رضوان الله علیه کرده و فرمودند که اگر زمان غیبت را
درک کردی بخواندن این دعا مواظبت کن دعاء دیگر
مرویست از آنحضرت معروف بدعاء غریق که از برای نجات از
شبهات و فتن زمان غیبت نافعست یَا اَللهُ یَا رَحْمٰنُ یَا
رَحِیمُ یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلٰی دِینِكَ دعاء
از برای وجود امام عصر عجل الله فرجه اَللّٰهُمَّ كُنْ
لِوَلِیِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَعَلٰی آبَائِهِ فِی
هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِی كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ
وَلِیًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِیلًا وَعَیْنًا حَتّٰی تُسْكِنَهُ
اَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِیهِ طَوِیلًا و این دعا را همیشه اوقات
بخوان و مکرر کن خصوص در شب بیست و سیم ماه رمضان
دعاء استخاره از کتاب من لا یحضره الفقیه نقل شده
که مرویست که هر بنده که هفتاد مرتبه این دعا را بخواند
حق تعالی خیر را از برای او قرار میدهد بخواند یَا اَبْصَرَ
النَّاظِرِینَ وَیَا اَسْمَعَ السَّامِعِینَ وَیَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ وَ
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَیَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِینَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ
اَهْلِ بَیْتِهِ وَخِرْ لِی فِی كَذَا وَكَذَا و بجای کذا و کذا قصد خود را
ذکر کند دعاء هلال چون نظر بهلال افتاد

د

رو بقبله کن و بخوان دعای هلال صحیفه را یا بخوان این دعا را
که روایت شده که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله نظرش
بر هلال میافتاد دست ها را بلند میکرد و میگفت بسم الله
اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام
ربی وربک الله و یا اینکه بخوان اللهم ارزقنا خیره
ونصره وبرکته وفتحه ونعوذ بک من شره و خواندن
هفت مرتبه سوره حمد وقت رؤیت هلال برای چشم درد نکردن
وارد شده است

آداب قرآن و فضایل بعض سور و آیات آن

دعاء ختم قرآن شیخ طوسی رحمه الله در مصباح روایت
کرده که جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه بعد از ختم قرآن
این دعا را میخواند اللهم اشرح بالقرآن صدری واستعمل
بالقرآن بدنی ونور بالقرآن بصری واطلق بالقرآن لسانی
واعنی علیه ما ابقیتنی فانه لا حول ولا قوة الا بک
و نیز روایت شده از حضرت که فرمود پیغمبر خدا صلی
الله علیه و آله مرا امر فرمود که این دعا را بخوانم نزد ختم قرآن
اللهم انی اسئلک اخبات المخبتین واخلاص الموقنین
ومرافقة الابرار واستحقاق حقایق الایمان والغنیمة من
کل بر والسلامة من کل اثم ووجوب رحمتک وعزائم
مغفرتک والفوز بالجنة والنجاة من النار

خاتمه بدان ای عزیز من که این لآلی
منثوره خلاصه ای از اذکار و آداب و ادعیه ماثوره است که از کلمات
مهابط وحی و خزنه علم الهی التقاط کرده و بجهت اختصار از شرح
و سند انها طی کشح نمودم پس قدر این گوهر گرانمایه را بدان و بخوان
و عمل کن بان مواظبت نما که خیر دنیا و آخرت در آن جمع است
و بر تو باد بقرائت قرآن و عمل کردن بمضمون آن و لا اقل در روزی
پنجاه آیه از آن را تلاوت کن همانا وارد شده که درجات جنان به
مقدار آیات قرآنست چون روز قیامت شود بقاری قرآن گویند اقرء
وارق یعنی قرائت کن و برو در درجات جنت بالا و کسی در آن روز درجه
قاری قرآن بعد از پیغمبران و صدیقان از همه کس بلندتر است و قرآن را
بصوت حسن و حال حزن بخوان و در آیات آن تدبر کن و قرآن را
احترام نما و آنرا عظیم شمار و پیش از قرائت استعاذه کن و در نزد
آیات سجده سجده کن و آن آیات پانزده موضع است که در
چهار موضع آن سجده واجب و در مابقی مستحب است و آن چهار
موضع واجب آخر سوره نجم و آخر سوره علق و لا یستکبرون
در سوره سجده و ایاه تعبدون در سوره فصلت است
و چون قرآن را ختم نمودی بخوان دو دعاء ختم قرآن را که سابقا
ذکر شد و نیز بخوان دعای چهل و دوم صحیفه مکرمه را
که اول آن دعا اللهم انک اعنتنی علی ختم کتابک است و بخوان
در عقب نمازهای فریضه سوره حمد و آیة الکرسی و شهد الله

اداب تعقیبات و فضایل بعض سورها با اثار ان

وقل اللهم مالک الملک را تا بغیر حساب **و** مواظبت کن بکثرت
قرائت ایة الکرسی بخصوص در عقب نمازها و در شبها خصوص
در وقت خوابیدن **و** در روزهای جمعه و در وقتی که چشم درد
کند **و** بر تو باد بقرائت سورهٔ انعام خصوص در هر شب
و قرائت سورهٔ بنی اسرائیل و کهف و سه طواسین و سورهٔ
سجده و ص و واقعه در شبهای جمعه **و** تلاوت سورهٔ
مؤمنین و صافات در روزهای جمعه **و** قرائت کن سورهٔ
عنکبوت و روم در شبهای بیست و سیم ماههای رمضان **و**
تلاوت سورهٔ یس که ریحانهٔ قران و قلب قران است در شب
و روز **و** قرائت سورهٔ الرحمن بعد از نماز صبح روزهای جمعه
انکه بخوانی بعد از فبای الاء ربکما تکذبان لا بشیء من الاءک
رب اکذب **و** قرائت سورهٔ جمعه در رکعات اول فریضه های شب
و روز جمعه و در رکعات دوم سورهٔ توحید مکر نماز عشا که سورهٔ
اعلی و نماز ظهر که منافقین خوانده میشود **و** تلاوت سورهٔ ممتحنه
در ملا پیش از خوابیدن **و** قرائت سورهٔ هل اتی علی الانسان در
نماز صبح روزهای پنجشنبه و دوشنبه **و** تلاوت سورهٔ عم
در هر روز بجهت توفیق حج **و** قرائت سورهٔ اعلی و غاشیه و فجر
و تین و تکاثر و عصر و جحد و نصر سورهٔ جحد یعنی سورهٔ قل
یا ایها الکافرون در فرایض و نوافل **و** مواظبت کن بخواندن

در فضیلت سورهٔ قدر و اداب دعا

سورهٔ انا انزلناه که ثمرهٔ قران و عون ضعفاء و عصمت مؤمنین
و کنز و سید و زینت قرانست و از برای خواندن ان در فرائض
یومیه و در وقت افطار و سحرهای ماه رمضان و در اکثار ان
با استغفار فضیلت بسیار وارد شده است و اگر توانی در هر
شبانه روزی صد مرتبه بخوانی بسیار نیکواست و اگر نتوانی
لا اقل بعد از عصر جمعه انرا ترک مکن و اگر وقت وفا نکرد ده
مرتبه بگو هم انا از برای سورهٔ قدر قدر بسیار است **و** از
حضرت جواد علیه السلام روایت شده که هر که سورهٔ قدر را در هر
شبانه روزی هفتاد و شش مرتبه بخواند حق تعالی خلق فرماید از
برای او هزار ملک که ثواب ان را سی و شش هزار سال بنویسند الخ
و طریق تفریق ذکر هفتاد و شش مرتبه انا انزلناه بر شبانه روز چنین
است که **بعد** از طلوع فجر و پیش از نماز صبح هفت مرتبه **و بعد از**
نماز صبح ده مرتبه **و بعد از** زوال پیش از بجا اوردن نوافل ده
مرتبه **و بعد از** نوافل زوال بیست و یک مرتبه **و بعد از**
نماز عصر ده مرتبه **و بعد از** نماز عشا هفت مرتبه **و** در وقتی که
بر خوابگاه رود بجهت خوابیدن یازده مرتبه **و** بر تو باد بقرائت سورهٔ
الهیکم در وقت خوابیدن که باعث ایمنی از فتنهٔ قبر و شر نکیرین است
و مواظبت کن بقرائت سورهٔ توحید در هر حال بخصوص در نمازها
و در عقب نمازها و در وقت خوابیدن و بیرون رفتن از خانه و حاک

شدت و مرض و غیره و این سوره مبارکه معروفست به نسبت الرب
و در جمله از روایات است که قرائت آن ثواب قرائت ثلث قران
دارد و بدانکه از برای سوره مبارکه حمد و سوره مبارکه قل
و از برای خواتیم سورة بقره و آیة سخره و آیه آخر بنی اسرائیل و
آخر کهف و سایر آخر والصافات و چهار آیه آخر حشر و غیرها
خصائص بسیار است و مقام گنجایش بیش از این نیست و بدانکه
ای عزیز بدعا خواندن حق تعالی را بجهت مرجاحت و مطلب
چه دعاء مخ عبادة و احب اعمال و مفتاح هر رحمت و نجاح هر حاجت
و شفاء دردها و برطرف کننده قضاهای مبرم است و مغتنم
بشمار از برای دعا اوقات شریفه را مانند روز عرفه را در ایام سال
و ماه رمضان را از بین ماهها و شب و روز جمعه را از ایام هفته
و وقت زوال را از اوقات روزها و ثلث آخر شب را در شبها
و همچنین غنیمت دان از برای دعا کردن حال رقت و اضطرار
و مرض و غربت را و همچنین نزد قرائت قران و در حال
سجده و روزه و بعد از نمازها و مابین اذان و اقامه و
وقت آمدن باران و وزیدن بادها و برگشتن سایه ظهر و
نیز مغتنم باید شمرد امکنه شریفه را مانند عرفات و مشاهد
مشرفه و مساجد محترمه و باید در دعا مراعات کرد آداب آنرا
از جمله آنکه دعا بعد از توبه و صدقه و رد مظالم بوده باشد و

دعا کننده در حال دعا اقبال بخدا کند و خشوع و خضوع نماید و بگرید
و اعتراف بگناهان خویش کند و در حال نعمت و رخا دعا کند تا در
وقت شدت و گرفتاری که دعا نماید دعایش بالا رود و ملائکه
گویند که صدا این صوت را میشناسیم و باید داعی در حاجات خویش
بر غیر خدا اعتماد ننماید و در حال دعا رو بقبله کند و دستها را
بسوی آسمان بالا برد بطریقیکه زیر بغلها پیدا باشد و کفهای دست
ها را بهم ضم نماید و نظرش بدستها باشد و در دعا الحاح و مبالغه
کند و از کثرت دعا کردن خسته نشود و در هر دعائی ابتدا کند به
تمجید و تحمید و ثنا حضرت الهی عز شانه پس از آن صلوات بر پیغمبر و آل
اطهار او علیهم السلام بفرستد و دعا را بدان نیز ختم کند و در ما بین حاجات
خود را بخواهد و حاجات یکیک نام ببرد و از برای برادران مومن
و خواهران مومنه خود در پشت سر ایشان دعا کند تا ملائکه باضعاف
آن در حق او دعا کنند و بهتر آنست که در دعا اجتماع کنند و اگر عدد
بچهل برسد باعث اجابت است و آمین گو با دعا کن در اجر شریک است و
چون داعی حاجتی از خدا بطلبد چیزی بخواهد که صلاح او در آن
باشد و از برای او سزاوار باشد و اگر آثار اجابت در دعا ظاهر
نشد ملول نشود شاید صلاح او نبوده و حق تعالی از برای اعطاء آنرا
ذخیره کرده باشد یا آنکه در عوض بلائی را از او دفع فرموده که اگر
باو میرسید هلاک میگشت و دعا اختصاص بزبان عربی ندارد بلکه انسان
بهر زبانی خدا را بخواند خوبست بلی در دعوات وارده از اهل بیت عصمت

در بیان آداب دعاهای مأثوره

سلام الله علیهم آثار دیگر است و از برای دعا و خواندن خدا اقسامیست قسمی اوراد و اذکار و اوراد یست موظفه بر روز و شبها است که مشتمل است بر اصناف مقاصد و قسمی دیگر دعاهای وارده در ازمان مانند اعمال شهور و اسابیع و ایام است و قسمی دیگر دعاهای متعلقه باوقات است چون دعاهای وارده در حال تخلی و وضو و اعقاب صلوات و زیارات و امثال ان و قسمی دیگر دعاهای مشتمله بر توبه و استغاثه و طلب حوایج و اعتذار و اظهار حب و تذلل و انکسار است مانند کثیری از دعاهای صحیفه کامله و ادعیه خمس عشر و مناجات انجیلیه و دعای اعتقاد و دعاء اویس قرنی و اسماء حسنی و دعاء امان و دعاء توسل و دعاهای جامع و دعاء جوشن کبیر و جوشن صغیر و دعاء مجیب و دعاء حمید و دعاء ذخیره و دعاء سهم اللیل و دعاء سیفی و دعاء شیخ و دعاء الصحیفه و دعاء عشرات و دعاء عبرات و دعای علوی مصری و دعاء فرج و دعاء قدح و دعاء قاف و دعاء کنز العرش و دعاء مجیر و دعاء مشلول و دعاء معراج و دعاء التیسیر و غیر از این دعاها از ادعیه دیگر که اکثر انها مسمی باسمی نشده و از اهل بیت عصمت علیهم السلام رسیده و بحمد الله کتب مصابیح علما و کتب سید ابن طاوس و کفعمی و کتاب مفاتیح شیخ و ارسی رضوان الله علیهم

و کتاب

در بیان روزه های مستحب

و کتاب دعاء بحار و غیره مشحون است از این دعاها و دست همه کس بانها میرسد پس البته طالبین سعادت از برکات و فیوضات انها خود را محروم نکنند و بر تو باد ای عزیز من بعمل کردن بسنن و اداب وارده از شرع مطهر در باب زی و تجمل و عشره و غیرها و احقر بطور اختصار جمله از انها را در کتاب سنن و اداب ایراد کرده ام و در این مختصر نیز بطور اختصر بجمله از ان در مقاماتی که مناسبتی داشت اشاره کردم و بر تو باد بمداومت کردن بروزه سه روز از هر ماه پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه اخر ماه و چهارشنبه اول از دهه میان ماه و بر تو باد بروزه گرفتن ماه رجب خصوص روز اول و ایام البیض و بیست و پنجم و بیست و هفتم ان و روزه گرفتن تمام ماه شعبان و روزه شش روز بعد از عید فطر و روزه دحو الارض بیست و پنجم ذی قعده و روزه نه روز از اول ذیحجه و روزه هجدهم و بیست و چهارم ان و بر تو باد بروزه ایام البیض یعنی ١٣ و ١٤ و ١٥ هر ماه و بر تو باد بروز پنجشنبه و جمعه و شنبه ماه حرام و بر تو باد باداء فرایض در اول اوقات ان و اتمام رکوع و سجود و اتیان بفرایض در مساجد و جماعات و کثرت خضوع و خشوع و حضور قلب و اتیان بنوافل شبانه روزی و ان ضعف نمازهای واجبه و مکمل انست و از جمله نوافل نماز شبانست

که

نماز اول ماه

نماز حضرت رسول ص

نماز حضرت امیر ع

نماز حضرت فاطمه ع

که تاکید و توصیه بسیار در حق آن شده است **و** مواظبت کن بسیار نمازهای مستحبه که **از جمله** نماز اول هر ماه است و آن دو رکعتست در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه توحید در دوم بعد از حمد سی مرتبه سوره قدر را بخوان و بعد از نماز هر چه ممکنت شود تصدق کن که سلامتی آن ماه را خریده باشی **و از جمله** نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و آن دو رکعتست در هر رکعت بعد از یکمرتبه حمد پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی و در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و بعد از سر برداشتن و در سجده دوم و بعد از سر برداشتن در هر یک از این شش موضع پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام میگوئی و در روایت شده که چون فارغ شوی گناهی از تو نمیماند مگر آنکه آمرزیده شده است و هر حاجتی که بطلبی رواست **و از جمله** نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و آن چهار رکعتست بدو سلام در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید است و این نماز نیز باعث آمرزش گناهان است **و از جمله** نماز حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها است و آن دو رکعتست در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر میخوانی و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه توحید میخوانی و چون سلام نماز دادی تسبیح فاطمه علیها السلام را بخوان و این

نماز جعفر طیار ع

دعا را که معروفست نیز بتسبیح فاطمه علیها السلام بخوان سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ و اگر کسی این دعا را نتواند بخواند عمل کند **بروایت** دیگر که نقل شده بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه را بخواند و صد مرتبه صلوات بفرستد **و از جمله** نماز حضرت جعفر طیار علیه السلام است که بسندهای بسیار در کتب عامه و خاصه روایت شده است و در میان نمازهای سنت و به بقوت سند و کثرت فضیلت ممتاز است و باعث آمرزش گناهان بسیار است و از برای قضاء حوائج نافعست و در هر وقت میتوان کرد و بهترین اوقات آن صدر نهار جمعه است و وارد شده که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آنست **و کیفیت این نماز شریف** چنانست که چهار رکعت نماز کند بدو سلام بقصد نماز جعفر بهر سوره که خواسته باشد و اگر در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد بخواند خوبست و افضل آنست که در رکعت اول بعد از حمد اذا زلزلت و در دوم و العادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم

در کیفیت نماز جعفر و نماز حضرت حجة

قل هو الله احد بخواند و در هر رکعت بعد از فراغ از سوره پانزده
مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ
اَكْبَرُ پس برکوع رود و بعد از ذکر رکوع همین تسبیحات را ده
مرتبه گوید پس برخیزد و باز ده مرتبه گوید پس بسجده رود و بعد
ذکر ده مرتبه گوید پس سر از سجده بردارد و ده مرتبه گوید پس بسجده
دوم رود و ده مرتبه گوید پس سر از سجده بردارد پیش از آنکه برخیزد
ده مرتبه گوید آنگاه که فارغ شد برخیزد برای رکعت دوم و در آن
رکعت نیز چنین کند پس تشهد بخواند و سلام گوید پس برخیزد و دو
رکعت دیگر نیز بدین طریق بخواند که حاصل آنست که در هر رکعتی هفتاد
و پنج مرتبه التسبیحات اربع خوانده شود که در مجموع چهار رکعت
سیصد مرتبه خوانده شود و مستحب است که در سجدهٔ آخر بعد از فراغ
از تسبیحات این دعا را بخوانند سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ
سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا
لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ
سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ
عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ
التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ
وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا واگر کسی این دعا را نخواند فضیلت نماز
جعفر را درک کرده و مشهور آنست که نماز جعفر را بجای نوافل

ذکر نماز حضرت صاحب الأمر علیه السلام

شبانه روزی میتوان کرد که بهر دو حساب شود و وارد شده که
اگر کسی ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتواند نماز جعفر را بدون
تسبیحات بخواند و تسبیحات را در راه بگوید و بالجمله فضیلت این نماز
بسیار است و باید اخوان مؤمنین بر خواندن آن مواظبت نمایند و این
گوهر گرانبها را قدر بدانند و از جمله نماز حضرت حجت علیه
السلام است که خواندن آن بجهت مطالب مهمه و حوائج عظیمه نافعست
و در هر جا و در هر وقت میتوان کرد ولکن در سحر شب جمعه و روز جمعه
در سرداب (سرداب) مطهر و مسجد جمکران قم خصوصیتی دارد و کیفیت این
نماز شریف آنست که دو رکعت نماز کند و در هر رکعت نماز (کند)
یک بار سورهٔ حمد و قل هو الله احد بخواند و چون در حمد بآیهٔ ایاک
نعبد و ایاک نستعین رسد آنرا صد مرتبه گوید و بهتر آنکه تسبیح
رکوع و سجود تسبیح کبری باشد و آنرا هفت مرتبه گوید و بعد از نماز
صد مرتبه صلوات بفرستد تا عمل بهمه روایات آن کرده باشد و
چون از نماز فارغ شد بگوید اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ
الْخَفَاءُ وَضَاقَتِ الْاَرْضُ بِمَا وَسِعَتِ (وَمُنِعَتِ) السَّمَاءُ وَاِلَيْكَ يَا رَبِّ
الْمُشْتَكٰى وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ اَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ
وَاَظْهِرْ اِعْزَازَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا
كَافِيَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اُنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَايَ

یا محمد یا علی یا علی یا محمد احفظانی فانکما حافظای یا مولای
یا صاحب الزمان سه مرتبه الغوث الغوث الغوث ادرکنی
ادرکنی ادرکنی الامان الامان الامان و این نماز
از اعمال نفیسه و کنوز مخفیه است که نبایست از فوائد آن غفلت نمود
و بر تو باد ای عزیز من بکسب کردن مکارم اخلاق که اعظم سعادات
نفس تخلیه از صفات ناپسند و تحلیه بملکات ارجمند است پس اجتناب
کن و معالجه کن خود را از رذیله جهل و شک و شرک و مکر
و حیله و تهور و جبن و ایمنی از مکر الله و یأس از رحمت
خدا و دنائت همت و ضعف نفس و بی غیرتی و عجله و سوء
ظن و غضب بیجا و غلظت و درشتی و کج خلقی و عداوت
و خصومت و فحش و شتم و عجب و کبر و عصبیت و
کتمان حق و قساوت قلب و متابعت شکم و فرج و محبت دنیای
دنیه و حرص و طمع و بخل و خوردن مال حرام و خیانت
و غدر و خوض در باطل و تکلم بسخنان بیفائده و حسد و
خوار کردن بندگان خدا و ظلم و ترک اعانت مسلمین و کوتاهی
در امر بمعروف و نهی از منکر و قطع رحم و عقوق والدین و عیب
جوئی مردمان و فاش کردن رازهای پنهان و نمامی و افشا
و شماتت و مراء و جدال و سخریه و استهزاء و افراط
در شوخی و مزاح و غیبت و دروغ و محبت جاه و شهرت
و ریا و نفاق و غرور و طول امل و فراموشی از اعمال و

غفلت

غفلت از مراقبه و محاسبه نفس و اعتراض و انکار بر واردات الهیه
و بی اعتمادی بخدا و کفران نعمت و جزع و بی صبری در مصیبت
و امثال این اوصاف خبیثه از رذائل بکوش و جهد و جهد
کن در تحصیل اخلاق حسنه که اضداد این اوصاف و از ذکر
این اوصاف رذیله اخلاق حسنه نیز معلوم گشت و بدان
ای برادر عزیز که آدمی مرکب است از دو چیز یکی این بدن ظاهر که
آن را تن گویند و مرکب از عناصر اربع و از جنس اینعالم است و دیگر
نفس که از آن بروح و دل و عقل گاهی تعبیر کنند و آن جوهر مجرد
است از عالم ملکوت و بسبب همین گوهر نفیس و جوهر عجیب است که آدمی
بر سایر حیوانات ترجیح می یابد و آدمی را بسبب این دو چیز المی و لذتی
و محنتی و راحتی میباشد الام بدن عبارتست از امراض و بیماریها
و علم طب موضوع است از برای بیان این امراض و معالجات آنها
و بیماریهای روح عبارتست از اخلاق رذیله که موجب هلاکت ابدی
است و صحت روح اتصاف اوست باوصاف حمیده لیکن هم
چنانکه آدمی در امراض تن محتاجست بطبیب و شرب دوا و پرهیز بجهة
تصحیح تن و بازماندن او از لذات ضرر رسان و غذا و امثال آنها
همچنان محتاج بلکه احوج است بمعالجه رذائل و رجوع بعلم اخلاق
چه بیماری روح باز میدارد صاحبش را از رسیدن بلذات ابدیه و
سعادت سرمدیه لیکن همان ایمان برادر حدیث بیماری روح را
سهل مگیر و معالجه آن را بازیچه مشمار و مفاسد اخلاق رذیله را آنقدر

مذاق

مثل آن و صحت روح را بصحت تن قیاس بکن و اگرچه تطویل کلام
در این مقام مناسب نیست لکن چون سخن بدینجا رسید چنان صلاح
دیدیم که یک قانون کلی از برای معالجه امراض نفسانیه ذکر کنیم و
کتاب را بدان ختم نماییم و از خداوند شافی مسئلت میکنیم بحق انبیا
و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام که اطباء روحانی ما مریضان شد که توفیق
خود را شامل حال ما گرداند که بدستور العمل ایشان رفتار کنیم و
بمرارت دواهای نافعهٔ مقرره صبر کنیم و از پیروی خواهشهای نفسانیه
شهویه پرهیز نماییم تا شاید که از دار الشفاء مبارکه امراض جزمنتر
ما شفا یابد و بر کام ما طعم لذائذ اخرویه ترگوارا نماید و آن قانون
کلی که لازمست از برای طالب پاکی نفس از امراض خبیثه نفسانیه
مشتمل بر چند دواء **اول** آنکه اجتناب از مصاحبت بدان و اشرار
لازم داند و دوری از همنشینی صاحبان اخلاق بد را واجب شمرد
حافظ نخست موعظهٔ پیر میفروش اینست * که از معاشر نا
جنس احتراز کنید واحتراز کند از دیدن و شنیدن قصه‌ها
و حکایتهای ایشان و استماع نکند افعال صادره از ایشان را بلکه
در صدد آن باشد که مصاحبت کند با صاحبان اخلاق حسنه و
بزرگان دین و ملت و پیوسته مطالعه کند و استماع نماید حکایت
پیشینیان و گذشتگان ایشان و کیفیت احوال و اقوال ایشان را
زیرا که صحبت با هر کسی مدخلیت عظیم دارد و طبع انسان دزد است
و آنچه را که مکرر از کسی دید قهراً اخذ میکند و دیدن و شنیدن

حکایات ایشان نیز تاثیر دارد **دوم** آنکه همیشه مواظب اعمالی باشد
که از آثار صفات حسنه است و خواهی نخواهی نفس را بر افعالی بدارد که
مقتضای صفتی است که طالب تحصیل آنست یا در صدد بقاء و محافظت
آن **سیم** آنکه پیوسته مراقب احوال و متوجه اعمال و افعال خود باشد
و هر عملی که میخواهد بکند ابتداء در آن تامل کند تا خلاف مقتضای
خلق حسن از او سر نزند و اگر احیاناً از او امری بظهور آمد که موافق
صفات پسندیده نیست نفس خود را تادیب کند و در مقام تنبیه و مواخذه
آن بر آید بدینطریق که اول خود را سرزنش کند و بعد از آن متحمل کفاره
آن و هم چنین متحمل اموری شود که بر او ناگوار است و در هیچ حال از حال
خود غافل نشود و از جد و جهد در کسب صفات نیک یا حفظ آنها
باز نماند **چهارم** آنکه احتراز کند از آنچه باعث تحریک قوهٔ شهویه
یا غضبیه میشود مثلاً چشم و گوش و دل را باز دارد از دیدن و شنیدن
و تصور کردن هر چیزی که غضب یا شهوت را بهیجان می آورد و بیشتر
سعی او در حفظ دل باشد از خیال آنها زیرا که در تصور و خیال آتش
شهوت و غضب تیز میگردد پس سرایت میکند باعضا و جوارح و مجرد
دیدن یا شنیدن بدون اینکه دل را مشغول آن کند چندان تاثیری
ندارد و کسیکه اینقدر قوه را از هیجان محافظت نکند مانند کسی
باشد که شیر درنده یا سگ دیوانه را رها کند و بعد از آن خلاصی
خود را جوید **پنجم** آنکه فریب نفس خود را نخورد و افعال خود را

حمل بر صحت نکند و در طلب عیوب خویش استقصا و سعی بلیغ نماید
و بنظر دقیق در تجسس خفایای معایب خود برآید و چون بچیزی از آنها
برخورد در ازالهٔ آن سعی کند و بداند که هر نفسی عاشق صفات و
افعال خویش است و بانجهت اعمال و افعالش در نظرش جلوه دارد
و بدون تامل و باریک بینی بعیوب خود بر نمیخورد و طالب تحصیل
مکارم باید از اصدقاء و دوستان خود تفحص معایب خود نماید
و بایشان سپارد که او را مطلع سازند و بهتر آنست که یک تن
از دوستان مهربان را از میانه اختیار کند و باو گوید که پیوسته
مراقب احوال من باش و در نفس من تامل فرما که اگر در اخلاق
من ناپسندی بینی که مرا پسند آمده است مرا هم مطلع گردان تا بتبدیل
آن سعی نمایم پس هر گاه او را بر عیبی آگاه کرد خوشحال شود و
از او منت پذیرد و در صدد دفع آن برآید تا آن صدیق را اعتمادی
بهم رسد و لکن این نحو دوست عزیز الوجود است و بسا باشد که
نفع دشمن در این خصوص بیشتر باشد زیرا که دوست در مقام تجسس
از عیب کم بر میاید بلکه چون نظر او نظر دوستی است شاید بعیوب
او بر نخورد چنانچه گفته شده وعین الرضا عن کل عیب کلیلة ولکن
عین السخط تبدی المساویا پس دانا کسی است که چون دشمنان او
عیبی از او اظهار کنند در مقام شکر گذاری ایشان برآید و در دفع آن
عیب از خود نماید چه خوش گفت آن مرد دارو فروش شفا

باید

بایدت داروی تلخ نوش واز معالجات نافعه برای
امراض روحانیه آنست که انسان مبتلا دیگران را آئینه
عیب نمای خود گرداند پس آنچه را که از ایشان سر میزند تامل در
حسن و قبح آن نماید و بقبیح هر چه برخورد بداند که چون آن عمل از او نیز
سرزند قبیح است و بحسن هرچه برخورد بداند که این عمل از او نیز
حسن است پس در ازالهٔ قبایح خود کوشد و در کسب اخلاق حسنه
سعی کند و باید طالب صفات جمیله در هر روز و شب دفتر اعمال
و کردار خود را گشوده سراپایش را مرور نماید و تفحص کند از آنچه از او
صادر شده پس اگر کردار ناستوده و گفتار بد از او صادر
نگشته حمد خدا را بجای آورد و شکر توفیق
کند و اگر مرتکب کار قبیحی شده و کار بد از او
سر زده با نفس خود عتاب کرده و خویشتن را ملامت کند و توبه
و انابه نماید واز چیزهائی که مدخلیت تام دارد در ارتقا بلکه در
هر مقصد و مطلبی کثرت مسئلت و تضرع و زاری و ابتهال است در درگاه خالق
ذو الجلال و قادر متعال ❊

قد تمت الکتاب بعون الله الملک المنان بحسب فرمایش عمدة التجار حاجی غلام
حسین آقا زید توفیقه در مطبعهٔ جلیلهٔ علمیهٔ فخر الحاج حاجی آقا
کتابفروش تاجر تبریزی باهتمام آقا اسماعیل ولد مرحوم مشهدی
اسد آقا مطبوع گردید کتبه اقل الراجین [illegible]
۱۳۴۴

بسم الله تعالی غلط نامه کتاب دستور العمل

صفحه	سطر	صحیح
۳	۱۱	لا اله الا الله بگوید پس بگوید
۴	۱۹	درعقب نمازهای شبانروز و در صبح و شام بخواند
۵	۱۲	در یکروز جمعه اینماه صد مرتبه توحید
		بخواند تا از برای او نوری باشد
۹	۶	ابن عباس غلط است صحیح ابن عیاش است
		وهم چنین در صفحه ۱۳ و ۲۰
۱۱	۲	فاطمه علیها السلام چه بقبر امام حسین ع
۱۳	۱۰	واسم ان معظمه
۱۶	۱۳	دانستیم که این امری است
۱۸	۵	که کرد
	۱۹	هر یک از سورهٔ حمد
۲۳	۱۲	سبب آمرزش
۲۴	۱۱	اللهم صل علی محمد وآل محمد
۲۸	۱۹	دعاهای را که
۳۲	۲	بعد از فریضه مغرب
	۲۱	مختصرترین
۳۵	۱۹	وقد افترضت
۳۸	۴	ورمعة بن الأسود

صفحه	سطر	صحیح
۳۹	۱	أن هذا أعتی
۴۰	۵	واینده غانا
	۱۱	وانا دوم
	۱۷	در صبح آن سنه ۴۰
۴۱	۸	و در انتظار بودن تا
	۱۷	به یا ایها الناس

صفحه	سطر	صحیح	صفحه	سطر	صحیح
۴۲	۱	ورسول بان خبر	۵۴	۱۸	الّا بالله العلیّ العظیم
۴۳	۵	ونماز صبح خوانده در رکعت	۵۸	۱	از برای او عبادت
		اول حمد قدر در دوم	۵۹	۳	که از مسجد جامع
		حمد و توحید خواند		۱۸	مناسب دولت
	۲۱	فلم یصادفوه	۶۲	۱۰	نه روز اول این
۴۶	۱۰	روز آخر دعای	۶۴	۱۴	مگر نشنیده که حضرت
	۱۹	و در روایت شده است که از شب که	۶۵	۱	زینی فرستاد
	۲۱	از حق تعالی و استغفار	۶۷	۱۲	احصا نمیشود
		و بیتوته در مسجد	۶۸	۶	د تورتیر داود نازل شده
۴۷	۲	والله اکبر الله اکبر و	۷۷	۱۸	بکربت و علی بمیدان
		لله الحمد الحمد لله	۸۱	۱۹	صدقنا وعده
۴۸	۲	لکن نماز را بعد از نماز مغرب	۸۳	۱۵	ذلت بعزتک جمیع خلقک
۵۲	۳	بعد الهزاهز			فاکفنی شر خلقک یا محسن یا مجمل

سال ۱۳۱۸ خورشیدی

صفحه	سطر	صحیح
۸۴	۱۴	ضلالتش فی برای او
۸۶	۷	مکرمه معظمه
۸۸	۹	خاتم الأنبیاء
۸۹	۵	دد در النظیم
۹۰	۱۳	رضیع اتت
۹۱	۹	واخافر شعبان
۹۶	۹	و نیکو کاران بوده
۹۷	۳	مشاهد مشرفه
۱۰۰	۹	در عزای امظلوم و
		اقامهٔ مصیبت آن معظمه
۱۰۳	۵	و فرستادن ایشانرا
	۱۷	که چه بیاد در او رنداست
۱۰۵	۷	منتشر کردید
۱۰۶	۱۶	و بقولی
۱۰۸	۱۰	ے بستم و پرده‌ها را
۱۱۹	۱۷	والسلم علیهم علی ارواحهم

غلط‌نامهٔ دعاء کمیل و سمات

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۲۱	۶	ملاَت	فلَبِثَ فی دم
۱۲۲	۱۱	غیرُکَ	غیرَکَ
۱۲۳	۶	بُعدُ	بُعدُ
۱۲۴	۵	فعزّنی	فعزّنی
	۹	فیه حکمک	حکمک
۱۲۵	۱۰	بربوبیتک	لربوبیتک
۱۲۶	۲	یا الهی وسیدی	یا سیدی والهی
۱۲۷	۳	مَقامُهُ	مُقامُهُ
۱۳۰	۱	فتنزکه	فتنزکه
۱۳۳	۴	وادنو	وادنو
۱۳۵	۲	کثیراً کثیرا	کثیراً
۱۳۷	۵	السّماءُ	السّماءَ
۱۳۸	۱۱	موسی بنِ	موسی بنُ
۱۴۰	۴	الخنیفِ	الخیفِ
	۱۰	الزّمانِ	الرُّمانِ
۱۴۵	۲	والصّحة	والصّحة



سی ۱۲

